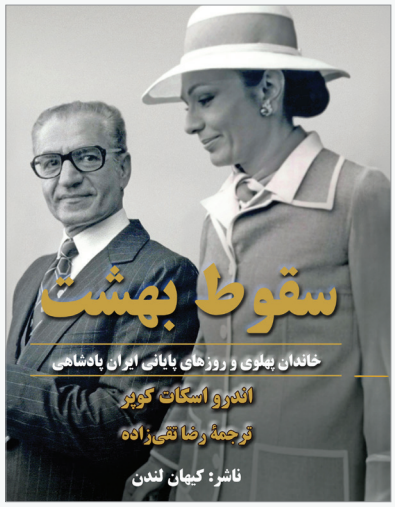
کیهان ۵۸۵
KAYHAN.LONDON
بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۱ تا پنجشنبه ۷ آبان ۱۴۰۵ خورشیدی
سال چهل و سوم ـ شماره ۲۰۵۱



در انتظار «اتفاق بزرگ»

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

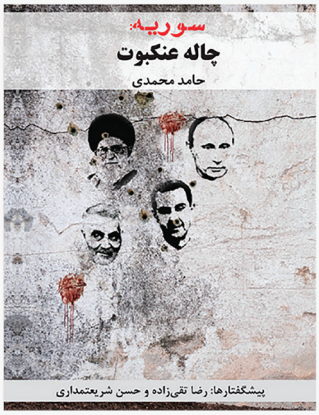
نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیما از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه ها و عاشقانه ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پرنیا
به کوشش منصوره پرنیا

لطفا جهت تهیه کتاب " نامه ها و عاشقانه ها " با انتشارات مهرایران
شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمائید.
Web: www.pirnia.com E.mail:pirnia@pirnia.com

کیهان

بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

*****

KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

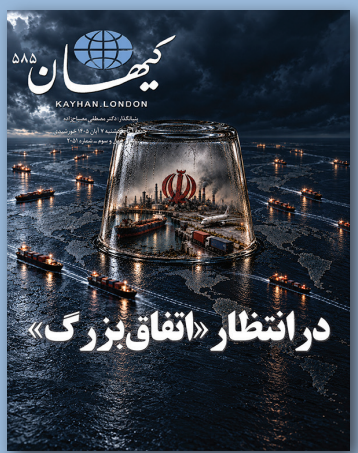
کیهانِ شما ، کیهانِ لندن
@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

*****

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

*****

سال چهل و سوم
کیهان شماره ۲۰۵۱ (۵۸۵)
۱ تا ۷ آبان ۱۴۰۵
۲۳ تا ۲۹ اکتبر ۲۰۲۶



کیهان

فهرست مطالب

سرمقاله - **دود «فرسایش سرمایه اجتماعی» در چشم نظام**/ روشنک آستر کی ۴
تیتر هفته - **در انتظار «اتفاق بزرگ»** ... / ۵-۴

فایننشال تایمز: ترامپ در آستانه انتخابات کنگره در حال بررسی کاهش محدودیت‌ها علیه .../ ۶
آمریکا درباره احتمال حمله جمهوری اسلامی یا حامیانش به اتباع خود در سراسر جهان هشدار داد.../ ۷
قوه قضاییه در حال جرم‌انگاری برای توهین به پرچم و سرود جمهوری اسلامی.../ ۸
تداوم تهدید و باج‌خواهی؛ استراتژی جمهوری اسلامی در برابر واشنگتن.../ ۹
رژیم جمهوری اسلامی و سرنوشت معلق میان دو صندوق رأی در آمریکا و اسرائیل.../ ۱۱-۱۰
بازنشر **تکفیر**.../ خیر اندیش (احمد احرار) ۱۱
بازنشر **گذار از طوفان** - خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی/ بخش (۱۶) ...**/** ۱۳-۱۲
ورود مصر به جنگ علیه نیابتی‌های رژیم ایران در یمن.../ ۱۴
چرا عربستان سعودی بجای جنگ، با حوثی‌ها کنار نمی‌آید؟ زیرا.../ ۱۵-۱۴
ایستادگی در مقابل واقعیت؛ شکل تازه‌ی سرکوب ملت ایران .../ فرد صابری ۱۷-۱۶
ورود برگزاری مراسم بزرگداشت زادروز شهبانو فرح پهلوی در پاریس.../ ۱۷
مشاور سیاست خارجی نتانیاهو: اسرائیل «بسیار نزدیک» به ایجاد شرایط تغییر رژیم در ایران است .../ ۱۸
حمایت قاطع ترامپ از نتانیاهو در انتخابات اسرائیل؛ نتانیاهو: «با هم مأموریت را به پایان خواهیم رساند».../ ۱۹
بهای سنگین غرب جهت قتل رؤیاهای «تمدن بزرگ» شاه برای ایران بزرگ.../ سیروس کنگرلو ۲۱-۲۰
وضعیت فرانسه؛ فرشی که در قرن بیستم پهن شد! .../ بهنام محمدی ۲۱
انفجار دو کشتی در تنگه هرمز؛ سپاه پاسداران: بر سر عهدمان با مجتبی خامنه‌ای هستیم!.../ ۲۲
دونالد ترامپ: علیه جمهوری اسلامی از سلاح هسته‌ای و نیروی زمینی استفاده نمی‌کنیم.../ ۲۳-۲۲
فایننشال تایمز: اسرائیل آماده حمله به ایران بود، ترامپ آن را به بعد از انتخابات موکول کرد.../ ۲۳
طرح دوحزبی کنگره آمریکا برای دسترسی ایرانیان به اینترنت آزاد و ماهواره‌ای.../ ۲۵-۲۴
خِرَد، میراث نانوشته‌ی شهریاران (به یاد و میراث اندیشگی شجاع‌الدین شفا) .../ بهزاد پرنیان ۲۷-۲۶
شبکه ترور جمهوری اسلامی؛ از خاورمیانه تا اروپا.../ ۲۹-۲۸
عباس عراقچی در دیدار با نخست‌وزیر عراق: ما برنامه ۷ روزه خود را بیان کردیم و.../ ۲۹
او کراین استقرار پهپادهایش در اقلیم کردستان عراق را تکذیب کرد.../ ۳۰
آکسیوس: جنگنده‌های اسرائیل با پرواز در نزدیکی مرز ایران اقدام به «نمایش قدرت» کردند.../ ۳۰
۵۵ سال پس از جشن‌های ۲۵۰۰ ساله؛ پهلوی فقط کوروش را زنده نکرد!.../ فرید خلیفی ۳۱
آکسیوس: وزیر دفاع آمریکا در سفری از پیش اعلام نشده با نتانیاهو دیدار کرد.../ ۳۱
پشتیبانی «عملیاتی و اطلاعاتی» جمهوری اسلامی از حملات حوثی‌ها علیه عربستان.../ ۳۳-۳۲
بحران در بحران؛ طرح‌های بی‌خاصیت دولت و مجلس برای بهبود معیشت مردم!.../ ۳۴-۳۳
افزایش آمار مرگ و مصدومیت کارگران به علت فقدان تجهیزات حفاظتی و ناایمن بودن محیط‌های کار.../ ۳۵-۳۴
رکود تورمی، جنگ و قطع اینترنت در ایران بازار مشاغل غیررسمی را گرم کرد.../ ۳۷-۳۶
مهرداد اخلاقی وزیر دفاع جمهوری اسلامی شد.../ ۳۷
ترانه وروميار حيمي، خواهران بازداشت‌شده اعتراضات دی ۱۴۰۴، نامزد دریافت جایزه.../ ۳۸
کاهش بیش از پیش تولید و عمیق‌تر شدن رکود در بخش صنعت.../ ۳۹
کمبود تجهیزات بیمارستانی و دارو؛ شمارش معکوس فروپاشی ساختار درمانی در ایران.../ ۴۱-۴۰
هشدار درباره رویکرد اشتباه دولت در مهار بحران معیشت در میانه جنگ.../ ۴۲-۴۱
بارش شدید باران و سیل ناشی از «ال نینو» در چند استان ایران.../ ۴۳-۴۲
تشدید بحران معیشتی زیر سایه ناکارآمدی دولت و محاصره اقتصادی.../ ۴۴
تشکیل «کارگروه حجاب» در دانشگاه تهران!.../ ۴۵
هشدار درباره «فروپاشی بورو کراتیک» و ماندگاری خانوارهای ایران در «تله فقر».../ ۴۷-۴۶
وزارت خزانه‌داری آمریکا ۵ فرد، ۴ نهاد و ۹ شناور مرتبط با جمهوری اسلامی را تحریم کرد.../ ۴۷
انتزاع؛ گفت‌وگویی میان شرق و غرب.../ کتایون حلاجان ۴۸
گفتگو با یلدا یزدانی؛ صدای زنان ایران، وارثان عصیان.../ کتایون حلاجان ۴۹
از ویدیوهای جعلی تا روایت فروپاشی؛ بهره‌برداری اطلاعاتی از اعتراضات فرانسه .../ ۵۱-۵۰
گفتگو با شهلا شفیق درباره دلایل و نقش دولت و گروه‌های مختلف در اعتراضات خشونت‌آمیز فرانسه.../ ۵۱
تقدیر پادشاه بریتانیا از نقش عمان در تنگه هرمز؛ گسترش همکاری‌های اقتصادی و امنیتی لندن و مسقط.../ ۵۲
همزمان با اعزام ناو روزولت؛ تلاش میانجی‌ها برای مهار جمهوری اسلامی پیش از اجرای حمله نظامی.../ ۵۳
تلاطم در بازارهای ایران و جهان با افزایش تنش میان آمریکا و جمهوری اسلامی.../ ۵۵-۵۴
حکم اخراج یک ایرانی محکوم به دورزدن تحریم‌های آمریکا از کانادا صادر شد.../ ۵۵
خبـــر های کوتاه.../ ۵۷-۵۶
پشت جلد - **عکس هفته** / پاریس، اکتبر ۲۰۲۶ ..... ۵۸











سرمقاله

دود «فرسایش سرمایه اجتماعی» در چشم نظام

عمیق شدن مشکلات معیشتی مردم ایران در پی تشدید رکود تورمی، هشدارها درباره کاهش تاب‌آوری جامعه، فرسایش سرمایه اجتماعی و فروپاشی بوروکراتیک در کشور را افزایش داده است. اگرچه برخی بر این باورند که تحلیل رفتن سرمایه اجتماعی، خواست جمهوری اسلامی به عنوان ضربه‌گیر بروز اعتراضات سراسری است، اما در حقیقت این پدیده یکی از مهمترین محرک‌های سقوط مشروعیت نظام و تهدید بقای حکومت است.

خروج گسترده نیروی کار از بازار رسمی و بزرگ شدن بازار کار غیررسمی، کاهش انگیزه تحصیل، عدم سرمایه‌گذاری شهروندان در بخش‌های مولد اقتصاد داخلی، مهاجرت گسترده نیروی دانش‌آموخته و حرفه‌ای و محو شدن طبقه متوسط همگی از جمله نمودهای آب رفتن سرمایه اجتماعی در ایران هستند.

مهاجرت فله‌ای شهروندان یکی از مهم‌ترین نمودهای از دست رفتن سرمایه اجتماعی است که به ویژه طی دو دهه گذشته از مهاجرت نخبگان و فرار مغزها به مهاجرت عام تبدیل شده است. آمارها و گزارش‌ها نشان می‌دهند مردم از هر قشر و با هر تحصیلاتی به دنبال راهی برای مهاجرت از ایران ولو به کشورهای همسایه چون ترکیه هستند.

فرسایش سرمایه اجتماعی محصول ناکارآمدی حکومت و بحران‌های همزمان و در هم تنیده‌ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. نقطه آغازین پدیده پرهزینه از بین رفتن سرمایه اجتماعی، در مدارس شکل می‌گیرد. ساختار پرچالش و غیرجذاب آموزش عمومی در مدارس سبب کاهش کیفیت آن، گسترش بی‌انگیزگی در میان دانش‌آموزان و افزایش آمار ترک تحصیل شده است. در نظام آموزش عالی نیز ناهمخوانی و عدم انطباق رشته‌های دانشگاهی با نیازهای بازار کار سبب بروز پدیده تورم مدرک‌های بدون مهارت شده و در همین حال شمار بالای دانش‌آموختگان بیکار، انگیزه برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی را در میان نسل جوان کمرنگ کرده است.

متقابلا، بازار کار ایران نیز با نیازهای معیشتی نیروی کار همخوانی ندارد؛ دستمزدهایی پایین‌تر از رقم خط فقر، عدم امنیت شغلی، شرایط دشوار کار و مشکلات مشابه دست به دست هم داده تا نرخ مشارکت اقتصادی سقوط کند. این روند سبب اتلاف استعدادها و تزریق ناامیدی به جمعیتِ در سن کار شده است بطوری که حتی آندسته از شهروندانی که به هر دلیل نتوانسته‌اند مهاجرت کنند نیز انگیزه ماندن در بازار کار رسمی را ندارند و یا خانه‌نشین شده‌اند یا به بازار کار غیررسمی روی آورده‌اند. نتیجه آنکه، سهم مشاغل غیررسمی در بازار کار ایران به حدود ۶۰ درصد رسیده است!

جمهوری اسلامی بیشترِ جمعیت ایران را زیر فشار «تلاش برای بقا» قرار داده است؛ بخش خصوصی اقتصاد و کارآفرینان غیررانتی و غیر«خودی» نیز با موج پی در پی بحران‌های چندگانه، از تورم و قطع اینترنت تا جنگ و محاصره اقتصادی، یا به پرتگاه ورشکستگی کشیده می‌شوند و یا باید به فکر مهاجرت باشند تا خود و کسب و کارشان را در جغرافیا و ساختاری دیگر حفظ کنند.

در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی نیز ناگفته پیداست که انسداد عمیق و فراگیر، انواع رصدها و سرکوب‌های امنیتی و قضایی، تحمیل فضای شبه‌نظامی در جامعه، و سایه سنگین تحریم و جنگ، جامعه را فرسوده کرده است.

اما دود آتشی که جمهوری اسلامی طی چهل و هفت سال به دامن ملت ایران انداخته، اکنون بطور مستقیم به چشم خودش می‌رود. فرسایش سرمایه اجتماعی با بحران مشروعیت و تهدید بقای نظام حاکم ارتباط مستقیم دارد.

جدا از آنکه فرسایش نیروی انسانی، سرنوشت رشد و توسعه کشور را در سایه قرار می‌دهد، ولی همزمان سبب تضعیف حکومت شده و با از بین رفتن طبقه متوسط، ظرفیت اعتراضات گسترده علیه نظام به شدت افزایش می‌یابد. رانده شدن طبقه متوسط به زیر خط فقر با تلنبار شدن نارضایتی‌های عمیق همراه است که با مشکلات انباشته در همه گروه‌های اجتماعی درآمیخته، و فضا و شرایط را برای اعتراضات ضدحکومتی فراهم می‌کند؛ همان موقعیت و فرصتی که جامعه مترصد آنست تا از آن برای تغییر شرایط تحمل‌ناپذیر خود استفاده کند.

تیتر هفته

در انتظار «اتفاق بزرگ»



عموم مردم براین باورند که وضعیت کنونی نه قابل دوام است و نه دیگر می‌توان آن را تحمل کرد؛ زیرا هیچ چیز در جای خودش نیست. این بلاتکلیفی همزمان به امیدی دامن می‌زند که مردم را منتظر یک «اتفاق بزرگ» نگه می‌دارد تا نقش تعیین‌کننده‌ی خود را بازی کنند.

همزمان با محاصره دریایی و تحریم گسترده خطوط هوایی جمهوری اسلامی، آمریکا به همسایگان ایران فشار شدیدی وارد کرد تا پایانه‌های مرزی را تعطیل کنند. زور دولت‌های منطقه به فشارهای آمریکا نرسید و «تحریم مرزی» شدت گرفت. در تازه‌ترین موارد، مرز شلمچه، چذابه و مندلی در غرب توسط عراق و مرز ریمدان و تفتان در شرق توسط دولت پاکستان به روی ایران بسته شدند.

با جدی شدن گزارش‌ها مربوط به بسته شدن مرزهای عراق، چند نفتکش و کشتی تجاری در بندر بصره هدف حمله قرار گرفت. مقامات جمهوری اسلامی تهدید کردند اگر پاکستان مسیر خروج کامیون‌ها را به روی ایران بازنکند، آنها هم مرز را می‌بندند. تبعیت پاکستان از تحریم‌های آمریکا اصلاً خوشایند جمهوری اسلامی نیست به ویژه آنکه گزارش شد بخشی از ناوگان دریایی آمریکا در آب‌های جنوب پاکستان مستقر شده و هلی‌کوپترها و پهپادهای آمریکایی از آن منطقه علیه جمهوری اسلامی به فعالیت‌های اطلاعاتی مشغول هستند.

امید جمهوری اسلامی: نتیجه انتخابات در آمریکا و اسرائیل!

شدت گرفتن تحریم‌های دریایی، هوایی و زمینی موجی از گرانی را در ایران به دنبال داشته است که با توجه به عمق نارضایتی‌های عمومی، یک تهدید امنیتی مستقیم علیه جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

به باور کارشناسان، برای جمهوری اسلامی که در شدیدترین بحران‌ها گرفتار شده، راهی بجز تسلیم یا ادامه جنگ و تحمل پیامدهای آن وجود ندارد. برهمین اساس همچنان تلاش‌هایی صورت می‌گیرد تا شاید کانالی برای مذاکره برقرار شود و گذشت زمان بتواند در سرنوشت زمامداران ایران نقشی بازی کند. یکی از تاکتیک‌های همیشگی حکومت که همچنان به کار گرفته می‌شود و در شرایط کنونی شاید از معدود «راهکار»های آن باشد، وقت‌کشی است. بقایای جمهوری اسلامی در این مدت تلاش می‌کنند با هدف قرار دادن نفتکش‌ها و گسترش اقدامات تروریستی، قیمت نفت و بطور کلی انرژی را در آستانه انتخابات میاندوره‌ای آمریکا و انتخابات پارلمانی اسرائیل بالا ببرند به این امید که بنیامین نتانیاهو از قدرت کنار رود و در ایالات متحده نیز جمهوریخواهان در کنگره به اکثریت نرسند و به این ترتیب فشار از روی جمهوری اسلامی کم شود. این محاسبات اما از یکسو، سرنوشت نظام را به سیاست و رویدادها در آمریکا و اسرائیل گره می‌زند و از سوی دیگر، نقشی در زندگی روزانه‌ی مردم که با شدیدترین فشارهای همه‌جانبه دست و پنجه نرم می‌کنند، ندارد.

در این میان، عباس عراقچی وزیرخارجه جمهوری اسلامی ۲۹ مهرماه در «ایکس» نوشت: «اگر آمریکا صداقت داشته باشد، ایران آماده است بار دیگر به دیپلماسی فرصت بدهد». اما ساعاتی بعد ترامپ گفت: «ما با ایرانی‌ها مذاکره نمی‌کنیم و به زودی اتفاقی خواهد افتاد... بیشتر مردم معتقدند که پس از انتخابات در ایران دست به کاری خواهیم زد؛ باید ببینیم چه اتفاقی می‌افتد.»

منابع منطقه‌ای گزارش می‌دهند در هفته‌ای که گذشت، اسرائیل تا آستانه آغاز یک حمله هوایی گسترده علیه جمهوری اسلامی پیش رفت اما در واپسین ساعات ترامپ از نتانیاهو خواست فعلا اجرای حمله را متوقف و احتمالاً به بعد از انتخابات آمریکا موکول کند. با اینهمه اعلام

شد که در همین مدت هواپیماهای ارتش اسرائیل بارها از کریدور هوایی سوریه و عراق تا نزدیک مرزهای غربی ایران آمدند و عملیات حمله را تمرین کردند.

دور تازه‌ای از جنگ دیر یا زود آغاز خواهد شد. اینبار تمرکز ترامپ روی تأسیسات و مخازن اتمی «کوه کلنگ گزلا» است که گفته می‌شود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی آنجا مدفون است.

این در حالیست که در هفته‌ای که گذشت تلاش میانجی‌ها برای از سر گرفتن مذاکرات بین آمریکا و جمهوری اسلامی به بن‌بست رسید. عاصم منیر فرمانده ارتش پاکستان که به تهران آمده بود دست خالی به اسلام‌آباد بازگشت. برخی منابع گزارش دادند او حامل پیام «آخرین مهلت» آمریکا به رژیم ایران بود. پیش از منیر، سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در سفری از پیش اعلام نشده به تهران رفت و با مقامات ارشد جمهوری اسلامی دیدار کرد. او حامل پیام تکراری روسیه بود: «خروج اورانیوم‌ها از ایران و انتقال آن به روسیه یا قزاقستان، گفتگوی مرحله‌ای با آمریکا و رد و بدل کردن امتیازات تدریجی»؛ اما این نیز مورد پذیرش جمهوری اسلامی قرار نگرفت.

در پاسخ به پیشنهادهای پاکستان و روسیه، محسن رضایی دبیرشورای‌عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی تأکید کرد: «حتی یک گرم اورانیوم از ایران خارج نخواهد شد.»

اصرار جمهوری اسلامی بر باقی ماندن اورانیوم غنی‌شده در ایران، همزمان با آزمایش موشک‌های بالستیک دوربُرد با قدرت حمل کلاهک سنگین و کارزار نسبتاً قوی از سوی برخی جریان‌های حکومتی برای فشار به «مجتبی خامنه‌ای» با هدف تغییر دکترین دفاعی و گرفتن مجوز صریح برای ساخت بمب اتم صورت می‌گیرد.

در کارزار حامیان حکومت ادعا شده است که ۷۲ نفر از «نخبگان، علما و پژوهشگران جهان اسلام از اقصی نقاط سه قاره آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی، در نامه‌ای سرگشاده خطاب به آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، خواستار بازنگری و بررسی عمیق مبانی فقهی و راهبردی دکترین هسته‌ای ایران شدند.»



بحران امنیت داخلی

فضا در ایران یادآور وضعیت جنگی است و نیروهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی در برخی نواحی به صورت فیزیکی همچنان درگیر عملیات نظامی و تبادل آتش هستند.

هفته‌هاست نیروهای سپاه پاسداران و بسیج، نیروی انتظامی و حتی ارتش و وزارت اطلاعات با گروه‌های مسلح درگیر هستند و تلفات داده‌اند. در آب‌ها و سواحل جنوب ایران درگیری بین نیروهای سنتکام از یکسو و نیروی دریایی ارتش و سپاه از سوی دیگر همچنان ادامه دارد. براساس گزارش‌های مردمی تقریبا هر شب صدای چند انفجار در بنادر، جزایر و آب‌های اطراف به گوش می‌رسد. در این تبادل آتش یا قایق‌ها و لانچرها و تاسیسات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی هدف قرار می‌گیرند یا کشتی‌های خارجی.

در شمال غرب و غرب ایران نیز درگیری با گروه‌های کُرد افزایش پیدا کرده است. حتی برخی فرماندهان ارتش ادعا می‌کنند در خاک عراق ماموریت‌هایی اجرا شده است. در آن مناطق نیز نیروهای امنیتی و نظامی تلفات داشته‌اند اما نه به اندازه تلفاتی که در شهرهای استان سیستان و بلوچستان دیده‌اند.

سایه جنگ؛ اصرار به حفظ اورانیوم غنی‌شده

در داخل ایران اغلب مردم (چه موافق و چه مخالف حکومت)، کارشناسان و تحلیلگران صداوسیمای حکومت و رسانه‌ها و نمایندگان مجلس و فرماندهان نظامی معتقدند تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و امامان جمعه نیز تهدید کرده‌اند که مجتبی خامنه‌ای ممکن است «فتوا»ی پیشین درباره تولید سلاح هسته‌ای را تغییر دهد. در واکنش به چنین تهدیدی ترامپ گفت: «جمهوری اسلامی شرورترین حکومت جهان است و اگر سلاح هسته‌ای داشت، از آن استفاده می‌کرد.»

در شرایطی که جمهوری اسلامی زیر فشار شدید داخلی و خارجی قرار دارد و به نظر می‌رسد آماده مقابله با یک حمله همه‌جانبه می‌شود، حفظ امنیت برای آن حیاتی است. این در حالیست که قرار بود بخشی از سازماندهی برای تأمین امنیت حکومت با کمک سیاهی‌لشکر «جانفداها» انجام شود اما اخیرا درگیری میان هواداران حکومت در این تجمعات بر سر مسائل مختلف افزایش پیدا کرده است. گزارش‌هایی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه موارد سرقت سلاح‌های توزیع شده بین «جانفداها» رو به افزایش است. اینکه این سلاح‌ها ممکن است از کجا سر در بیاورد مشخص نیست.

در چنین شرایطی، عموم مردم براین باورند که وضعیت کنونی نه قابل دوام است و نه دیگر می‌توان آن را تحمل کرد؛ زیرا هیچ چیز در جای خودش نیست. بسیاری می‌گویند اگرچه زندگی جریان دارد ولی همه چیز مختل شده و هیچکس نمی‌داند قرار است چه اتفاقی بیفتد و این بلاتکلیفی همزمان به امیدی دامن می‌زند که مردم را منتظر یک «اتفاق بزرگ» نگه می‌دارد تا نقش تعیین‌کننده‌ی خود را بازی کنند.

فایننشال تایمز: ترامپ در آستانه انتخابات کنگره در حال بررسی کاهش محدودیت‌ها علیه «ناوگان سایه» روسیه و ایران است



ناوشکن «رافائل پرالتا» در حال محاصره یک نفتکش مرتبط با جمهوری اسلامی

افراد آگاه به این موضوع به فایننشال تایمز گفته‌اند که این اقدامات می‌تواند شامل اجازه فروش کشتی‌های قرارگرفته در فهرست سیاه به بهره‌برداران قانونی و لغو تحریم‌هایی باشد که مانع فعالیت آزادانه آنها شده است.

کریس رایت وزیر انرژی آمریکا اوایل هفته جاری در کنفرانس جهانی نفت در ریاض، پایتخت عربستان سعودی، موضوع جنجالی لغو تحریم‌های این کشتی‌ها را مطرح کرد. هدف از این اقدام، افزایش ظرفیت حمل و نقل نفت و فرآورده‌های پالایش‌شده و کاهش نرخ‌های بی‌سابقه انتقال دریایی است؛ نرخ‌هایی که به افزایش شدید هزینه سوخت دامن زده‌اند.

این اقدام همچنین نشان‌دهنده چرخشی ناگهانی در سیاست آمریکا به نفع مسکو است؛ آنهم در شرایطی که واشنگتن به دنبال آزادسازی دارایی‌های مسدودشده روسیه است که ظاهراً دسترسی اوکراین به ماهواره‌های استارلینک را که برای دفاع این کشور در جنگ با روسیه حیاتی هستند، محدود کرده است.

روزنامه «فایننشال تایمز» ۲۳ مهرماه ۱۴۰۵ گزارش داد، آمریکا در حال بررسی اقداماتی برای کاهش محدودیت‌ها علیه نفتکش‌های ناوگان سایه مرتبط با روسیه و جمهوری اسلامی ایران است؛ اقدامی که در راستای تلاش‌های آمریکا برای مهار افزایش قیمت گازوئیل پیش از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا صورت می‌گیرد.

افراد آگاه به این موضوع به فایننشال تایمز گفته‌اند که این اقدامات می‌تواند شامل اجازه فروش کشتی‌های قرارگرفته در فهرست سیاه به بهره‌برداران قانونی و لغو تحریم‌هایی باشد که مانع فعالیت آزادانه آنها شده است.

کریس رایت وزیر انرژی آمریکا، اوایل هفته جاری در کنفرانس جهانی نفت در ریاض، پایتخت عربستان سعودی، موضوع جنجالی لغو تحریم‌های این کشتی‌ها را مطرح کرد. هدف از این اقدام، افزایش ظرفیت حمل و نقل نفت و فرآورده‌های پالایش‌شده و کاهش نرخ‌های بی‌سابقه انتقال دریایی است؛ نرخ‌هایی که به افزایش شدید هزینه سوخت دامن زده‌اند.

یکی از مقام‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا گفت، دفتر کنترل دارایی‌های خارجی این وزارتخانه (OFAC) ممکن است اجازه فروش کشتی‌های ناوگان سایه به «خریداران قانونی» را بررسی کند و به آنها اجازه دهد «مورد به مورد» در بازار جهانی فعالیت کنند.

این اقدام، تازه‌ترین تلاش دولت دونالد ترامپ برای پایین آوردن قیمت سوخت پیش از انتخابات میاندوره‌ای است؛ انتخاباتی که نتیجه آن کنترل کنگره آمریکا را در دست جمهوریخواهان یا دموکرات‌ها مشخص خواهد کرد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد افزایش تورم ناشی از جنگ با جمهوری اسلامی ایران، موجب شده بسیاری از رأی‌دهندگان از حزب جمهوریخواه و ترامپ رویگردان شوند.

این اقدام همچنین نشان‌دهنده چرخشی ناگهانی در سیاست آمریکا به نفع مسکو است؛ آنهم در شرایطی که واشنگتن به‌دنبال آزادسازی دارایی‌های مسدودشده روسیه است که ظاهراً دسترسی اوکراین به ماهواره‌های استارلینک را که برای دفاع این کشور در جنگ با روسیه حیاتی هستند، محدود کرده است.

ترامپ هفته گذشته اعلام کرد، تحریم‌های مربوط به گازوئیل روسیه را بطور موقت لغو خواهد کرد. این تصمیم با انتقاد متحدان اروپایی آمریکا و گروهی دوحزبی از سناتورهای آمریکایی روبرو شد که آن را «هدیه‌ای به دشمن و خیانت به متحدان» توصیف کردند.

سه نفر از حاضران در نشست ریاض گفتند، کریس رایت روز دوشنبه از طریق ارتباط ویدئویی اعلام کرد که کمبود نفتکش‌ها به یکی از گره‌های اصلی بازار تبدیل شده و موجب افزایش هزینه حمل و نقل در بازارهای جهانی شده است. به گفته او، لغو تحریم برخی کشتی‌ها می‌تواند تا اندازه‌ای این فشار را کاهش دهد.

باب مک‌نالی، مشاور پیشین انرژی جرج دبلیو بوش و رئیس شرکت مشاوره انرژی رپیدان که در این نشست حضور داشت، گفت: «دولت در حال بررسی تمام گزینه‌های ممکن است تا به هر شکل قیمت سوخت را پیش از انتخابات پایین بیاورد؛ حتی اگر این سیاست‌ها تنها تأثیری حاشیه‌ای داشته باشند.»

مقام وزارت خزانه‌داری آمریکا گفت: «اگر خریداران قانونی علاقمند به خرید کشتی‌های ناوگان سایه باشند و بخواهند آنها را برای استفاده قانونی در صنعت کشتیرانی تجاری جهان بازسازی کنند، دفتر کنترل دارایی‌های خارجی ممکن است اجازه این معاملات را صادر کند و به صورت مورد به مورد تحریم کشتی‌های مربوطه را لغو کند.»

او افزود: «این رفع تحریم‌ها به نفع ناوگان سایه نخواهد بود، بلکه این کشتی‌ها را از ناوگان سایه خارج

می‌کند تا در تجارت قانونی جهانی مورد استفاده قرار گیرند.» وی همچنین خاطرنشان کرد که این دفتر پیش از لغو تحریم هر نهاد یا مجموعه‌ای، فرایند بررسی دقیقی انجام می‌دهد.

جرمی پانر شریک مؤسسه حقوقی هیوز هابارد در واشنگتن گفت، دولت آمریکا با تسهیل خرید نفتکش‌های تحریم‌شده متعلق به ناوگان سایه، ممکن است بتواند از تبعات منفی و انتقادبرانگیز صدور مجوزهای جدید مرتبط با روسیه جلوگیری کند.

کاخ سفید و وزارت انرژی آمریکا به درخواست روزنامه فایننشال تایمز برای اظهار نظر پاسخ ندادند.

این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که داده‌های منتشرشده در هفته جاری نشان می‌دهند تورم مصرف‌کننده در آمریکا در ماه سپتامبر به ۳/۷ درصد افزایش یافته؛ افزایشی که بازگشت قیمت‌های بالاتر سوخت به اقتصاد آمریکا یکی از عوامل آن بوده است.

کاخ سفید برای مقابله با افزایش قیمت‌ها به سرعت دست به کار شده است. دولت آمریکا از متحدان خود خواسته گازوئیل بیشتری وارد بازار کنند و حتی تهدید کرده است که صادرات این فرآورده را ممنوع خواهد کرد. ترامپ همچنین فرمانی اجرایی امضا کرده که بر اساس آن، استفاده از گازوئیل قرمز معاف از مالیات در جاده‌های عمومی مجاز می‌شود.

آژانس بین‌المللی انرژی نیز این هفته هشدار داد که کمبود جهانی گازوئیل تا اواسط سال ۲۰۲۷ ادامه خواهد داشت.

دانیل یرگین نایب‌رئیس شرکت اس‌اندپی گلوبال گفت، تمرکز سیاست‌گذاران دست‌کم در مقطع کنونی، از نفت خام به سمت کمبود نفتکش‌ها به عنوان یکی از محدودیت‌های اصلی عرضه تغییر کرده است.

با این حال، تحلیلگران می‌گویند کاهش تحریم نفتکش‌ها تنها تأثیری محدود بر قیمت سوخت خواهد داشت.

بر اساس داده‌های شرکت مشاوره‌ای انرژی آسپکتس، بین ۱۳ تا ۱۹ درصد از ناوگان نفتکش‌های جهان تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارند. با این حال، این شرکت می‌گوید عمر بالای این کشتی‌ها و وضعیت نامناسب نگهداری آنها، منافع احتمالی لغو تحریم‌ها را محدود خواهد کرد.

این شرکت اعلام کرد: «بنابراین، لغو تحریم کشتی‌هایی که عمدتاً قدیمی هستند و احتمالاً نگهداری مناسبی از آنها صورت نگرفته، بعید است در کوتاه‌مدت ظرفیت قابل توجهی به ناوگان اصلی کشتیرانی اضافه کند.»

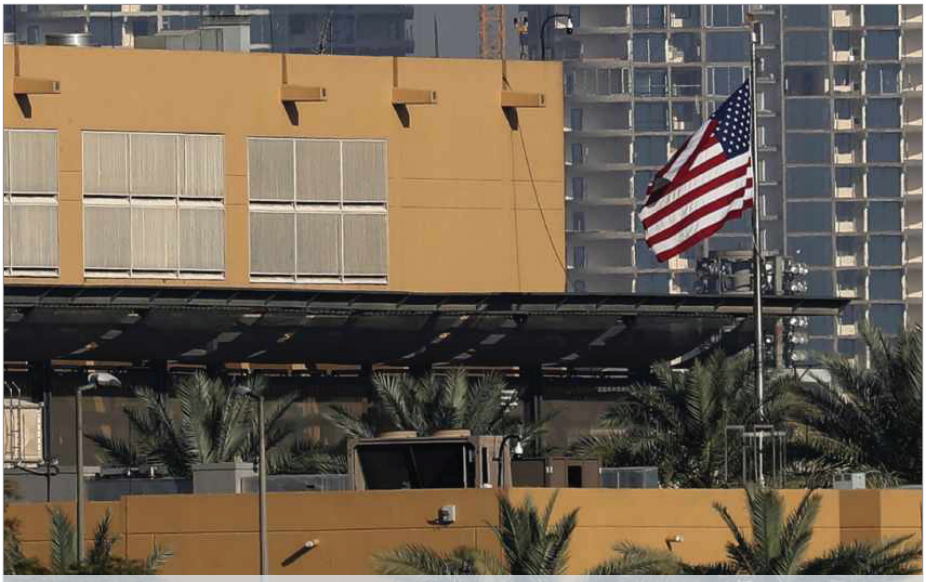
این شرکت افزود: «علاوه بر این، بیشتر نفتکش‌هایی که به دلیل ارتباط با روسیه یا ونزوئلا تحریم شده‌اند، طی سه ماه گذشته به فعالیت تجاری خود ادامه داده‌اند.»

گروه پژوهشی "کپلر" نیز اعلام کرد، انتظار می‌رود این اقدام تقریباً هیچ تأثیری بر بحران کنونی نفتکش‌ها نداشته باشد؛ زیرا افزایش قیمت سوخت بیش از آنکه صرفاً ناشی از کمبود کشتی باشد، از افزایش خطرات جنگی در خاورمیانه تأثیر می‌پذیرد.

با این حال، تمایل دولت آمریکا به لغو تحریم‌های مربوط به سوخت روسیه و ناوگان نفتکش‌های سایه که برای انتقال نفت خام و سایر فرآورده‌ها به کار می‌روند، نگرانی سیاستمداران آمریکایی و اروپایی را برانگیخته است.

جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا، روز چهارشنبه از برنامه ترامپ برای خرید گازوئیل از روسیه انتقاد کرد و آن را «انتخابی بسیار پرخطر» خواند؛ تصمیمی که به گفته او، فشارهای بین‌المللی بر ولادیمیر پوتین برای پایان دادن به جنگ اوکراین را تضعیف می‌کند.

آمریکا درباره احتمال حمله جمهوری اسلامی یا حامیانش به اتباع خود در سراسر جهان هشدار داد



سفارت آمریکا

سفارتخانه‌های آمریکا در کشورهای خاورمیانه با صدور هشدار امنیتی، از شهروندان این کشور خواستند با توجه به حملات حوثی‌ها به عربستان سعودی و احتمال حمله جمهوری اسلامی ایران و دیگر شبه‌نظامیان هم‌پیمان آن به منافع آمریکا، «هوشیاری بیشتری به خرج دهند.»

سفارت آمریکا به شهروندانی که قصد سفر به خاورمیانه یا خروج از این منطقه را دارند، توصیه کرده است تا فعالیت فرودگاه‌ها و شرکت‌های هواپیمایی را دنبال کنند و از پیش، برنامه‌های جایگزین برای سفر خود در نظر بگیرند.

در این اطلاعیه همچنین هشدار داده شده است که حکومت ایران و گروه‌های مورد حمایت آن «ممکن است منافع دیگر آمریکا در خارج از کشور از جمله شرکت‌ها و سازمان‌های آمریکایی، یا مکان‌های مرتبط با آمریکا و شهروندان آمریکایی را در هر نقطه از جهان هدف قرار دهند.»

سفارتخانه‌های آمریکا در کشورهای خاورمیانه ۲۶ مهرماه ۱۴۰۵ با صدور هشدار امنیتی، از شهروندان این کشور خواستند با توجه به حملات حوثی‌ها به عربستان سعودی و احتمال حمله جمهوری اسلامی ایران و دیگر شبه‌نظامیان هم‌پیمان آن به منافع آمریکا، «هوشیاری بیشتری به خرج دهند.»

در این هشدار آمده است که «احتمال لغو پروازها، بسته شدن حریم‌های هوایی و اختلال در سفرها» وجود دارد و «درگیری‌ها ممکن است به سرعت به مناطقی فراتر از محدوده فعلی گسترش پیدا کنند.»

این هشدار امنیتی شامل ۱۲ کشور خاورمیانه، از جمله کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، شامل اردن، عراق، سوریه، لبنان و اسرائیل می‌شود.

در این اطلاعیه امنیتی با اشاره به شرایط پیچیده امنیتی در منطقه، از شهروندان آمریکایی خواسته شده تا برای احتمال لغو پروازها، بسته‌شدن حریم‌های هوایی و اختلال در سفرها آمادگی داشته باشند.

آمریکا هشدار داده: «درگیری‌ها این ظرفیت را دارند که به سرعت به فراتر از محدوده فعلی منطقه گسترش یابند».

سفارت آمریکا به شهروندانی که قصد سفر به خاورمیانه یا خروج از این منطقه را دارند، توصیه کرده است فعالیت فرودگاه‌ها و شرکت‌های هواپیمایی را دنبال کنند و از پیش، برنامه‌های جایگزین برای سفر خود در نظر بگیرند.

در این اطلاعیه همچنین هشدار داده شده است که حکومت ایران و گروه‌های مورد حمایت آن «ممکن است منافع دیگر آمریکا در خارج از کشور از جمله شرکت‌ها و سازمان‌های آمریکایی، یا مکان‌های مرتبط با آمریکا و شهروندان آمریکایی را در هر نقطه از جهان هدف قرار دهند.»

تنش‌ها میان جمهوری اسلامی و آمریکا پس از حمایت علنی دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، از بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در آستانه انتخابات پیش روی هر دو کشور افزایش یافته است.

ترامپ در «تروث سوشال» در پیامی خطاب به مردم اسرائیل نوشت: «بی‌بی نتانیاهو نخست‌وزیر جنگجوی بزرگ و شریکی حتی بزرگتر برای صلح در مبارزه با جمهوری اسلامی ایران است.»

او گفت که جمهوری اسلامی ایران ۵۱ سال است شعار «مرگ بر اسرائیل، مرگ بر آمریکا! شیطان کوچک و شیطان بزرگ را نابود خواهیم کرد» سر می‌دهد و افزود که اگر اجازه داده شود چنین حرف‌هایی زده شود، «این حرف‌ها سرانجام به واقعیت تبدیل می‌شوند.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی، در واکنش هشدار داد که تهران برای تشدید بیشتر تنش‌ها آمادگی دارد.

عباس عراقچی در پیامی در «ایکس» ادعا کرد: «دفعه قبل که می‌خواستید کار را تمام کنید، ایران قدرتمندتر از قبل بیرون آمد. می‌خواهید دوباره شانس خود را امتحان کنید؟ بفرمایید. اما مراقب باشید؛ ما هم کارهای ناتمامی داریم.»

قوه قضاییه در حال جرم‌انگاری برای توهین به پرچم و سرود جمهوری اسلامی

قوه قضاییه در همکاری با وزارت دادگستری، تدوین لایحه‌ای جدید برای جرم‌انگاری و تعیین قوانین و مجازات کیفری برای توهین به پرچم و سرود جمهوری اسلامی را آغاز کرده است. قوه قضائیه از پرچم بی‌اصالت و سرود ایدئولوژیک و تفرقه‌افکن خود به عنوان پرچم و سرود «ملّی» نام برده است!

سخنگوی قوه قضاییه: توهین به پرچم جمهوری اسلامی «بر اساس عناوین مجرمانه‌ای همچون «تبلیغ علیه نظام» یا «توهین به مقدسات» به علت وجود «اسامی جلاله» روی پرچم تحت تعقیب قرار می‌گیرد. چنانچه این اقدامات به صورت سازمانیافته یا در قالب عملیات گسترده انجام گیرد، طبیعتاً از موجبات تشدید مجازات خواهد بود.

در هفته‌های گذشته مواد و تبصره‌هایی از قانون معروف به «مقابله با نفوذ» از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصویب شده که محدودیت‌های گسترده‌ای را برای شهروندان ایجاد می‌کند. بر اساس ماده ۲۲ این طرح، مصاحبه و گفتگو با رسانه‌هایی که وزارت اطلاعات آنها را به عنوان معاند معرفی کرده تنها با رعایت قوانین این طرح امکان‌پذیر است!



در جریان اعتراضات دانشجویی اسفند۴۰۴، دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر چهارم اسفندماه ضمن سر دادن شعار «خامنه‌ای قاتله، حکومتش باطله» پرچم جمهوری اسلامی را به آتش کشیدند

قوه قضاییه در همکاری با وزارت دادگستری، تدوین لایحه‌ای جدید برای جرم‌انگاری و تعیین قوانین و مجازات کیفری برای توهین به پرچم و سرود جمهوری اسلامی و نمادهای خود را آغاز کرده است. در سال‌های گذشته از جمله در جریان اعتراضات دی۴۰۴ مواردی از آتش زدن پرچم جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات خیابانی یا تجمعات دانشجویان در دانشگاه‌ها اتفاق افتاد. قوه قضائیه از پرچم بی‌اصالت و سرود ایدئولوژیک و تفرقه‌افکن خود به عنوان پرچم و سرود «ملّی» نام برده است!

سیدعلی کاظمی، سخنگوی قوه قضاییه، اعلام کرده تدوین این لایحه در اجرای ماده ۱۸ آیین‌نامه مربوط به پرچم و سرود جمهوری اسلامی در دستور کار قرار گرفته است: «خردادماه امسال آیین‌نامه‌ای در هیئت وزیران در خصوص پرچم و سرود ملی به تصویب رسید که در آن مواردی درباره شیوه‌های رعایت حرمت پرچم و سرود ملی پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده ۱۸ این آیین‌نامه، وزارت دادگستری مکلف شده است با اخذ نظر قوه قضاییه نسبت به تدوین لایحه جرم‌انگاری توهین به پرچم ملی اقدام کند. این موضوع هم‌اکنون در قالب یک همکاری مشترک در دست بررسی است.»

او همچنین از انجام پژوهش‌های تطبیقی در قوه قضاییه برای بررسی قوانین کشورهای دیگر و تعیین شیوه جرم‌انگاری این اقدام خبر داده است.

سخنگوی قوه قضاییه با اشاره به رویدادهای مرتبط با جنگ‌های اخیر مدعی شده است که برخی افراد با رفتارهای خود به پرچم جمهوری اسلامی بی‌احترامی کرده‌اند. او تأکید کرده توهین به پرچم جمهوری اسلامی «بر اساس عناوین مجرمانه‌ای همچون «تبلیغ علیه نظام» یا «توهین به مقدسات» به علت وجود «اسامی جلاله» روی پرچم تحت تعقیب قرار می‌گیرد. چنانچه این اقدامات به صورت سازمانیافته یا در قالب عملیات گسترده انجام گیرد، طبیعتاً از موجبات تشدید مجازات خواهد بود.»

سخنگوی قوه قضاییه اعلام کرده که دو گزینه برای برخورد کیفری با این موضوع مطرح است؛ ادامه استفاده از عناوین مجرمانه موجود یا تصویب مقررات جدید. بر این اساس، لایحه پیشنهادی پس از تکمیل باید برای تصویب به مجلس ارایه شود و مراحل قانونی را طی کند.در سال‌های گذشته از جمله در جریان اعتراضات دی۴۰۴ مواردی از آتش زدن پرچم جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات خیابانی یا تجمعات دانشجویان در دانشگاه‌ها اتفاق افتاد.

محمود بهمن‌آبادی، معاون دانشجویی دانشگاه صنعتی «آریامهر»(شریف)، تابستان امسال از صدور حکم اخراج برای شش دانشجو در ارتباط با اعتراضات اسفند ۱۴۰۴ در این دانشگاه خبر داد. به گفته او، در مجموع ۲۳۶ دانشجو به شورای انضباطی معرفی شدند و برای ۱۱۵ نفر از آنان، به دلیل آنچه دانشگاه «وجود مستندات کافی» خوانده، پرونده تشکیل شده است. حدود ۴۰ دانشجو نیز به شورای انضباطی بدوی احضار شده‌اند.

معاون دانشجویی دانشگاه «شریف» اتهام‌های مطرح‌شده علیه دانشجویان را مواردی مانند «درگیری فیزیکی، ایجاد آشوب، حمل سلاح سرد، توهین به پرچم، سردادن شعارهای هنجارشکنانه» و فعالیت در فضای مجازی اعلام کرده است. او همچنین گفته ۲۹ گزارش درباره فعالیت دانشجویان در فضای مجازی در اسفندماه و دوره جنگ به شورا رسیده و حدود ۱۵ دانشجو در این ارتباط احضار شده‌اند.

امیرمحمد کریمی و مهیار افتخاری دانشجویان دانشگاه تهران، و امیرمحمد سورمه دانشجوی دانشگاه امیرکبیر نیز با اتهام «توهین به پرچم» جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات اسفند۴۰۴ در این دانشگاه‌ها اخراج شدند.

تلاش قوه قضاییه و وزارت دادگستری جمهوری اسلامی برای جرم‌انگاری در رابطه با توهین به پرچم رژیم در راستای سیاست جدید حکومت برای تشدید فضای سرکوب صورت گرفته است.

در هفته‌های گذشته مواد و تبصره‌هایی از قانون معروف به «مقابله با نفوذ» از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصویب شده که محدودیت‌های گسترده‌ای را برای شهروندان ایجاد می‌کند. طرح مقابله با نفوذ بیگانگان که ابتدا قرار بود مرز مواجهه با «سرویس‌های اطلاعاتی و نهادهای بیگانه» را تعیین کند، با تصویب ماده ۲۲، به بحثی مفصل درباره فعالیت‌های رسانه‌ای روزمره تبدیل شد. بر اساس این ماده، مصاحبه و گفتگو با رسانه‌هایی که وزارت اطلاعات آنها را به عنوان معاند معرفی کرده یا که تحت مالکیت، مدیریت یا تأمین مالی کارگزاران مرتبط با دولت‌های سطح یک یا دو هستند، تنها با رعایت قوانین این طرح امکان‌پذیر است و در غیر این صورت ممکن است مجازات درجه شش قانون مجازات اسلامی را در پی داشته باشد.

اسماعیل کوثری، عضو کمیسیون «امنیت ملی» و سیاست خارجی مجلس، با دفاع از «طرح مقابله با نفوذ» و رد موضوع ایجاد محدودیت برای مردم، اعلام کرد بر اساس این طرح، «افرادی که قصد سفر به خارج از کشور را دارند، اطلاع‌رسانی لازم را انجام دهند تا بعدا گرفتار نشوند» و افزود: «اگر کسی ریگی در کفش نداشته باشد، این طرح صددرصد به نفع او است و مانعی ایجاد نمی‌کند، بلکه در صدد تسهیل امور و هشدار به افراد است تا آلت دست دیگران تبدیل نشوند.» او با اشاره به بررسی ۲۲ ماده از این طرح ۳۳ ماده‌ای در مجلس، درباره ممنوعیت مصاحبه با رسانه‌های خارجی نیز گفت که مردم «نباید با رسانه‌های خاص که نمی‌خواهند اصلا جمهوری اسلامی وجود داشته باشد گفتگو کنند.»

از سوی دیگر، قوه قضاییه در طرح دیگری تشدید محدودیت‌های اجتماعی برای شهروندان- به ویژه زنان- و کسب و کارها را به بهانه «مبارزه با برهنگی و ولنگاری» در دستور کار قرار داده است.اینهمه بیانگر هراس جمهوری اسلامی از دور جدید اعتراضات سراسری و ضدحکومتی مردم است؛ حکومت تلاش دارد با تشدید فضای امنیتی و جرم‌انگاری علیه شهروندان، رصد و تسلط بر خیابان و فعالیت مردم را افزایش دهد تا جلوگیری از بروز اعتراضات و سرکوب شهروندان را در چارچوب طرح‌های ظاهرا قانونی پیش ببرد.

تداوم تهدید و باج‌خواهی؛ استراتژی جمهوری اسلامی در برابر واشنگتن

به گزارش روزنامه «واشنگتن‌پست»، رهبران جمهوری اسلامی روزهای باقیمانده تا انتخابات میاندوره‌ای آمریکا در ۳ نوامبر را پنجره‌ای حیاتی و تعیین‌کننده می‌دانند. مقامات رژیم ایران و دیپلمات‌های منطقه به این روزنامه گفته‌اند که تهران با پیش‌بینی کاهش حساسیت دونالد ترامپ به قیمت‌های بالای انرژی پس از انتخابات، در حال تشدید حملات به کشتی‌ها در تنگه هرمز است تا حداکثر «درد اقتصادی» را پیش از رأی‌گیری بر ایالات متحده وارد کنند.

به گفته‌ی دو مقام رژیم ایران، هدف جمهوری اسلامی «تنبیه» ترامپ در این انتخابات است؛ مشابه تأثیری که بحران گروگانگیری سفارت آمریکا در تهران بر کارزار انتخاباتی جیمی کارتر در سال ۱۹۸۰ گذاشت.

اقداماتی که از سوی مقامات رژیم ایران و دیپلمات‌های منطقه‌ای برای مقابله با آمریکا تشریح شده، ترکیبی از باج‌خواهی انرژی و تهدیدهای مستقیم است که همواره بخشی از «سیاست خارجی» جمهوری اسلامی بوده است!

جمهوری اسلامی در حال تشدید یک استراتژی تخریبی از تهدیدهای مختلف و تشدید حملات به کشتیرانی در خلیج فارس و دریای سرخ با هدف فشار اقتصادی بر بازار جهانی از طریق بالا بردن قیمت نفت است. هدف آشکار این رویکرد، تأثیرگذاری بر انتخابات میاندوره‌ای ایالات متحده در سوم نوامبر ۲۰۲۶ و اعمال فشار بر دولت دونالد ترامپ است. این اقدامات که از سوی مقامات رژیم ایران و دیپلمات‌های منطقه‌ای تشریح شده، ترکیبی از باج‌خواهی انرژی و تهدیدهای مستقیم را تشکیل می‌دهد و یادآور تاکتیک‌های مشابه و همیشگی جمهوری اسلامی در گذشته، از جمله حمله به سفارت آمریکا و گروگانگیری دیپلمات‌ها و کارمندان آن (۴ نوامبر ۱۹۷۹) در تهران است.

به گزارش روزنامه «واشنگتن‌پست»، رهبران جمهوری اسلامی روزهای باقیمانده تا انتخابات میاندوره‌ای آمریکا در ۳ نوامبر را پنجره‌ای حیاتی و تعیین‌کننده می‌دانند. مقامات رژیم ایران و دیپلمات‌های منطقه به این روزنامه گفته‌اند که تهران با پیش‌بینی کاهش حساسیت دونالد ترامپ به قیمت‌های بالای انرژی پس از انتخابات، در حال تشدید حملات به کشتی‌ها در تنگه هرمز است تا حداکثر «درد اقتصادی» را پیش از رأی‌گیری بر ایالات متحده وارد کنند.

دو مقام رژیم ایران، به شرط ناشناس‌ماندن، تأکید کردند که جمهوری اسلامی روی انتخابات میاندوره‌ای متمرکز است و این بازه زمانی را برای اعمال اهرم فشار بر ترامپ حیاتی می‌بینند. به گفته‌ی این دو مقام، هدف جمهوری اسلامی «تنبیه» ترامپ در این انتخابات است؛ مشابه تأثیری که بحران گروگانگیری سفارت آمریکا در تهران بر کارزار انتخاباتی جیمی کارتر در سال ۱۹۸۰ گذاشت.

یک دیپلمات عرب و یک دیپلمات غربی این مقایسه را تأیید کرده‌اند. دیپلمات عرب گفت: «آنها فکر می‌کنند می‌توانند یک ریاست جمهوری را به زمین بزنند.»

نتیجه‌ی این استراتژی، افزایش چشمگیر حملات روزانه به کشتیرانی بین‌المللی در تنگه هرمز بوده است. همزمان با عملیات گسترده‌ی نیروهای آمریکایی برای تسهیل و حفاظت از تردد کشتی‌ها (شامل لایه‌هایی از جت‌های جنگنده، پهپادها و نیروهای عملیات ویژه)، رژیم ایران حملات را به سطحی رسانده که از روزهای ابتدایی جنگ بی‌سابقه است.



عبور و مرور کشتی‌ها از تنگه هرمز

طبق گفته‌ی یک مقام غربی، حملات جمهوری اسلامی در ماه سپتامبر بطور متوسط حدود ۳۰ مورد در هفته بوده و تا کنون در این ماه بر اساس داده‌های عملیات تجارت دریایی بریتانیا، بیش از ۲۰ کشتی هدف قرار گرفته‌اند که یکی از آنها غرق شده است.

با وجود این افزایش حملات، آمریکا موفق شده جریان نفت از خلیج فارس را به شکل چشمگیری افزایش دهد. داده‌های شرکت «کپلر» نشان می‌دهد صادرات نفت از میانه‌ی اوت تا اواخر سپتامبر در برخی روزها به سطح پیش از جنگ نزدیک شده است.

با این حال، آمنه بکر رئیس بخش انرژی خاورمیانه در «کپلر» می‌گوید، هزینه‌ها و ریسک‌ها همچنان بالاست و تنش منطقه‌ای حدود ۳۰ دلار به قیمت هر بشکه نفت اضافه می‌کند. وضعیت به هیچ وجه به شرایط پیش از جنگ بازنگشته است.

رسانه‌های دولتی و نیمه‌رسمی جمهوری اسلامی به شدت انتخابات میاندوره‌ای آمریکا را از نگاه تحلیلی خود پوشش می‌دهند. همچنین بطور مداوم در برنامه‌های تلویزیونی قیمت انرژی را رصد و تحلیل می‌کنند که چگونه شکست جمهوریخواهان می‌تواند توانایی ترامپ برای ادامه جنگ در نیمه‌ی دوم دوره‌اش را محدود کند.

علاوه بر برنامه‌های تلویزیونی، در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های حکومتی نیز روزانه اخبار و تحلیل‌هایی منتشر می‌کنند که در آنها به نظرسنجی‌های مربوط با دونالد ترامپ پرداخته شده است.

رسانه‌های حکومتی استدلال می‌کنند که شکست جمهوریخواهان به نفع رژیم ایران خواهد بود، زیرا ترامپ را با خطر استیضاح مواجه می‌کند و اجرای جنگ را دشوارتر می‌سازد. در سرمقاله ماه گذشته خبرگزاری «فارس» (وابسته به سپاه پاسداران) آمده است که ترامپ که وعده‌ی پایان جنگ‌ها را داده بود، ولی با آغاز جنگ علیه جمهوری اسلامی حزب خود را چند قدم به شکست نزدیک‌تر کرده است.

فراتر از انتخابات میاندوره‌ای، جمهوری اسلامی در تلاش است با حملات بیشتر به کشتی‌های تجاری، از آن به عنوان یک اهرم در مذاکرات برای پایان دادن به جنگ نیز استفاده کند. یک دیپلمات غربی گفت، با توجه به بحران عمیق اقتصادی و انزوای فزاینده، نگرانی در داخل رهبران رژیم ایران وجود دارد که ظرف ماه‌ها قادر به پرداخت حقوق نیروهای امنیتی نباشد.

آخرین دیدار سطح بالا میان واشنگتن و مذاکره‌کنندگان رژیم ایران در سپتامبر گذشته در سازمان ملل بود؛ پیشنهادها رد و بدل شد اما آنها درخواست آمریکا برای امتیاز هسته‌ای اولیه را رد کردند، هرچند برخی رهبران جمهوری اسلامی برای توافق پیش از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا تلاش کرده بودند.

از سوی دیگر، دبیر «امنیت ملی» رژیم ایران، محسن رضایی، در مصاحبه با پرس‌تی‌وی، شبکه انگلیسی‌زبان رژیم ایران گفت: «جمهوری اسلامی هر شب پنج یا شش کشتی را هدف قرار می‌دهد و تهدید کرد در صورت ازسرگیری جنگ تمام‌عیار، زیرساخت‌هایی فراتر از اهداف قبلی از جمله کابل‌ها، مراکز داده و مراکز هوش مصنوعی منطقه را هدف قرار خواهند داد.»

در راستای تهدیدهای همیشگی و تبلیغاتی جمهوری اسلامی، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، نیز در پاسخ به پیام رئیس‌جمهور ایالات متحده مبنی بر «تمام کردن کار» در صورت عدم تسلیم رژیم ایران، در شبکه‌ی اجتماعی ایکس طی پیامی نوشت: «دفعه‌ی پیش که خواستید کار را تمام کنید، [رژیم] ایران حتی قوی‌تر بیرون آمد. می‌خواهید دوباره شانس‌تان را امتحان کنید؟ بفرمایید. اما مراقب باشید؛ ما هم کارهای ناتمام داریم.» این اظهارات که ساعاتی پس از حمایت ترامپ از بنیامین نتانیاهو صادر شد، تهدیدی مستقیم تلقی می‌شود.

تهدید عباس عراقچی و ادعای قوی‌ترشدن جمهوری اسلامی از سوی او در حالیست که در طول جنگ چهل روزه، ایالات متحده بالغ بر بیست‌هزار هدف نظامی را در هم کوبید و با اعمال محاصره‌ی سخت بنادر، فشارهای اقتصادی و بستن تنگه هرمز از فروش نفت رژیم ایران جلوگیری کرده است.

استراتژی باج‌خواهی و تهدیدات رژیم ایران امر تازه‌ای نیست، اما در چارچوب جنگ جاری از اواخر فوریه ۲۰۲۶ در اشکال دیگر اجرا شده و ادامه یافته است. مقامات جمهوری اسلامی پیشتر به رویترز نیز گفته بودند که با تغییر تاکتیک حملات (از جمله فراتر از تنگه هرمز، در آب‌های نزدیک قطر و امارات) قصد دارند تلاش‌های آمریکا و متحدانش برای کاهش قیمت نفت را ناکام بگذارند و این را «بازی شطرنج» توصیف کرده بودند.

در مجموع، کمپین هماهنگ تهدید و باج‌خواهی بقایای جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که آنها از حمله به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز، تهدیدهای مداوم لفظی و فشار بر قیمت انرژی ابراز قدرت می‌کنند. هدف، نه تنها تأثیر بر نتیجه‌ی انتخابات میاندوره‌ای، بلکه ایجاد بازدارندگی بلندمدت برای دولت‌های آینده‌ی آمریکا است.

با این حال، ایالات متحده تلاش‌هایی برای محافظت از کشتیرانی و کاهش قیمت‌ها انجام داده؛ تشدید حملات حاکی از آن است که جمهوری اسلامی از انرژی جهانی به عنوان سلاح سیاسی و دفاعی استفاده می‌کند.

رژیم جمهوری اسلامی و سرنوشت معلق میان دو صندوق رأی در آمریکا و اسرائیل

وجود اختلاف نظر میان زمامداران رژیم ایران درباره اولویت‌بندی منابع خطر و تهدید آشکار است. یک جناح معتقد است که انتخابات میاندوره‌ای آمریکا نقطه عطف اصلی تعیین‌کننده مسیر تحولات است. جناح دیگر بر این باور است که عامل تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز نه در واشنگتن، بلکه در تل‌آویو قرار دارد.

تحلیل آن جناح جمهوری اسلامی که معتقد است جنگ احتمالی آینده ممکن است بر اساس زمان‌بندی تل‌آویو و خواست نتانیاهو آغاز شود، با گزارش‌هایی همخوانی دارد که برخی رسانه‌های آمریکایی منتشر کرده‌اند. بر اساس این گزارش‌ها، ترامپ و نتانیاهو درباره احتمال دادن چراغ سبز به تل‌آویو برای انجام حمله‌ای پیش‌دستانه علیه رژیم ایران، بدون مشارکت مستقیم واشنگتن، گفتگو کرده‌اند.



نتانیاهو و ترامپ در کنست / ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵

حسن فحص (ایندیپندنت عربی) – در هفته‌های اخیر، روند تقویت نیروهای نظامی سرعت گرفته و سطح چالش‌ها و لحن تهدیدهای متقابل افزایش یافته است. تلاش‌های میانجیگران بین‌المللی و منطقه‌ای برای پیشبرد مذاکرات و گفتگوها میان واشنگتن و تهران، نشانه‌ای از وقوع گشایشی نزدیک به دست نمی‌دهد؛ به ویژه در شرایطی که منطقه به دلیل افزایش سطح تنش و تشدید تقابل میان دو طرف بحران، در وضعیت رکود و بن‌بست قرار دارد.

در برابر اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، و گزارش‌های غیررسمی رسانه‌های آمریکایی درباره آمادگی‌های جدی برای حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران، با مشخص نبودن احتمال انجام آن پیش یا پس از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا، تهران نیز پیوسته از آمادگی خود برای مقابله با هرگونه «ماجراجویی» آمریکا سخن می‌گوید.

رژیم جمهوری اسلامی اعلام کرده که ممکن است قواعد درگیری را تغییر داده و دامنه پاسخ خود را گسترش دهد؛ یا حتی برای ناکام گذاشتن آمادگی‌های نظامی آمریکا و اسرائیل، به حمله‌ای پیش‌دستانه متوسل شود و موازنه‌های جدیدی را به منطقه تحمیل کند.

روشن است که آمادگی‌های رژیم ایران برای رویارویی مستقیم جدید و افزایش شدت تهدیدهای آن، صرفاً و منحصراً تحت تأثیر زمان‌بندی انتخابات آمریکا نیست؛ هرچند این زمان‌بندی با توجه به فشارهای داخلی و اقتصادی بر کاخ سفید اهمیت دارد. این فشارها در پی کاهش عرضه نفت و افزایش قیمت آن در آمریکا و جهان تشدید شده‌اند.

اختلاف در رهبری جمهوری اسلامی درباره منبع اصلی تهدید

وجود اختلاف نظر میان زمامداران رژیم ایران درباره اولویت‌بندی منابع خطر و تهدید آشکار است. یک جناح معتقد است که انتخابات میاندوره‌ای آمریکا نقطه عطف اصلی تعیین‌کننده مسیر تحولات است. جناح دیگر بر این باور است که عامل تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز نه در واشنگتن، بلکه در تل‌آویو قرار دارد.

این دیدگاه به ویژه از آن جهت مطرح می‌شود که انتخابات اسرائیل حدود یک هفته پیش از انتخابات آمریکا برگزار می‌گردد. انتخابات کنست اسرائیل صرفاً رقابتی سیاسی و متعارف میان بنیامین نتانیاهو و مخالفانش نیست، بلکه می‌تواند سرنوشت و آینده سیاسی او را تعیین کند.

افزایش احتمال شکست یا ناکامی اردوگاه نتانیاهو ممکن است او را به تحمیل معادله‌ای امنیتی و سیاسی جدید سوق دهد و به انتخاب گزینه جنگ وادارد؛ نه لزوماً به عنوان نبردی برای پایان دادن قطعی به درگیری، بلکه به عنوان ابزاری برای تحمیل یک معادله‌ی سیاسی متفاوت.

این اقدام ممکن است پیش از انتخابات اسرائیل صورت گیرد و به تعویق آن منجر شود، یا پس از انتخابات با هدف تحمیل ائتلاف‌هایی انجام شود که نتانیاهو را بار دیگر به جایگاه تصمیم‌گیری بازگردانند.

آیا زمان جنگ را تل‌آویو تعیین می‌کند؟

تحلیل آن جناح جمهوری اسلامی که معتقد است جنگ احتمالی آینده ممکن است بر اساس زمان‌بندی تل‌آویو و خواست نتانیاهو آغاز شود، با گزارش‌هایی همخوانی دارد که برخی رسانه‌های آمریکایی منتشر کرده‌اند. بر اساس این گزارش‌ها، ترامپ و نتانیاهو درباره احتمال دادن چراغ سبز به تل‌آویو برای انجام حمله‌ای پیش‌دستانه علیه رژیم ایران، بدون مشارکت مستقیم واشنگتن، گفتگو کرده‌اند.

چنین اقدامی می‌تواند معادلات را بر هم بزند و تهران را وادار کند از سیاست مخالفت با هرگونه توافق خارج از چارچوب هفت بندی که به کاخ سفید ارائه کرده، عقب‌نشینی کند. در عین حال، این گزینه می‌تواند ترامپ را از پیامدهای هرگونه نبرد یا دور جدید عملیات نظامی نیروهای آمریکایی دور نگه دارد.

ایان زامیر، رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل، درباره این گزینه هشدار داده و احتمال داده است که از سر گرفتن جنگ پیش از انتخابات می‌تواند به تعویق انتخابات این کشور منجر شود.

علاوه بر این، مقام‌های امنیتی تل‌آویو معتقدند که تغییر محسوسی در ارزیابی‌های اطلاعاتی رخ نداده است که انجام عملیات نظامی طی دو تا سه هفته آینده را توجیه کند.

در همین حال، تهران همچنان در انتظار دریافت پاسخی جامع به تمامی موارد مطرح‌شده در بسته هفت‌بندی خود است. محسن رضایی، دبیر شورای عالی «امنیت ملی» حکومت ایران اشاره کرده است که تهران پاسخ‌هایی ناقص دریافت کرده و منتظر پاسخ به بندهای باقیمانده است.

نقش احتمالی روسیه در میانجیگری میان تهران و واشنگتن

در میانه این بحث‌ها و در شرایطی که تلاش‌های میانجیگران همزمان با مواضع تشدیدکننده تنش از سوی ترامپ و افزایش تحرکات نظامی در منطقه ادامه دارد، به نظر می‌رسد مسیر تشدید تنش بر مسیر دیپلماسی پیشی گرفته است.

در چنین فضایی، گفتگوی طولانی دونالد ترامپ با ولادیمیر پوتین توجه محافل سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین فضای سیاسی داخلی ایران را به نقش احتمالی روسیه، ابعاد آن و شانس موفقیت‌اش جلب کرده است. یوری اوشاکوف، دستیار رئیس‌جمهور روسیه، اعلام کرد که این گفتگو حدود ۹۰ دقیقه طول کشیده است.

تماس تلفنی پوتین با ترامپ، که طی آن رئیس‌جمهور روسیه از آمادگی تهران برای بازگشت به مذاکرات خبر داد، پس از دیدار او با مسعود پزشکیان در حاشیه نشست سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع انجام شد. این نشست روز هشتم اکتبر جاری در عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان، برگزار شده بود.

پوتین در آن دیدار آمادگی مسکو را برای کمک به پایان دادن به جنگ در خاورمیانه اعلام کرد؛ اقدامی که به معنای ورود روسیه به عرصه میانجیگری میان تهران و واشنگتن و تلاش برای نزدیک کردن دیدگاه‌های دو طرف و رفع موانعی است که دستیابی به توافقی پایدار و قابل اجرا را دشوار کرده‌اند.

با وجود تلاش تهران برای برخورد واقع‌بینانه و عمل‌گرایانه با مواضع سیاسی روسیه و پذیرش این اصل که کشورها بر اساس منافع خود عمل می‌کنند، برخی محافل در ایران نسبت به اقدام اخیر مسکو با احتیاط فراوان برخورد کرده‌اند.

این نگرانی به ویژه از آن جهت مطرح شده که اقدام روسیه همزمان با تصمیم واشنگتن برای معاف کردن موقت گازوئیل روسیه از تحریم‌ها و فراهم کردن امکان

صادرات آن به بازارهای آمریکا و جهان صورت گرفته است؛ تصمیمی که پس از توافق میان پوتین و ترامپ اتخاذ شد.

موضوع دیگری که بر این نگرانی‌ها افزوده، اظهارات پوتین درباره آمادگی کشورش برای میزبانی از ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران با غلظت ۶۰ درصد در خاک روسیه است.

این ذخایر اکنون به یکی از موانع اصلی بازگشت به میز مذاکره تبدیل شده‌اند؛ زیرا ترامپ آن را شرط نخست و پیش‌نیاز اساسی برای پذیرش بازگشت به مذاکرات درباره پیشنهاد هفت‌بندی تهران قرار داده است.

ذخایر اورانیوم؛ برگ برنده یا مانع توافق؟

به نظر می‌رسد تهران به این نتیجه رسیده که می‌تواند از این ذخایر صرف نظر کند؛ البته در چارچوب پیشنهادهایی که پیشتر به واشنگتن و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه کرده بود.از این دیدگاه، ذخایر اورانیوم با غلظت بالا چیزی بیش از یک برگ مذاکره نیستند؛ ابزاری که رژیم ایران از ابتدا به عنوان اهرم فشار و دستیابی به امتیازات دیگر به کار گرفته است.

مسعود پزشکیان نیز در گفتگوهای رسانه‌ای خود با رسانه‌های آمریکایی در حاشیه حضورش در نشست مجمع عمومی سازمان ملل، به آمادگی رژیم برای رقیق‌سازی این ذخایر و کاهش سطح غنی‌سازی آنها در داخل کشور اشاره کرده بود.با این حال، پیشنهاد روسیه برای انتقال این ذخایر به مسکو پرسش‌های متعددی را برای مذاکره‌کنندگان و مقامات جمهوری اسلامی مطرح می‌کند؛ به ویژه اگر در نهایت تهران با این پیشنهاد موافقت کند. چرا که اگر قرار باشد بحران در نهایت از طریق چنین راه حلی پایان یابد، ادامه جنگ و تشدید تنش چه ضرورتی داشته است؟! چرا رژیم ایران و مردم این کشور باید این حجم از خسارت، محاصره و آسیب را تحمل می‌کردند، اگر نظام قادر به دفاع از خود و حفظ ادعاهای خود نباشد؟!

توافق ترامپ و پوتین و سرنوشت مذاکرات

توافق میان ترامپ و پوتین در شرایطی حاصل شده که مسیر دیپلماتیک میان واشنگتن و تهران همچنان میان چند مسئله اساسی معلق مانده است: سرنوشت اورانیوم، شروط پایان جنگ، پایان محاصره دریایی و بازگشایی کامل تنگه هرمز.

تمام تلاش‌ها برای نزدیک کردن دیدگاه‌های دو طرف تا کنون به نتیجه‌ای روشن نرسیده‌اند؛ به ویژه پس از آنکه تهران پاسخ آمریکا به شروط خود را «ناکافی» دانست.

بنابراین، هرگونه تغییر در روابط واشنگتن با قدرت‌های بین‌المللی نزدیک به رژیم ایران، یعنی روسیه و چین، می‌تواند بر محاسبات سیاسی تهران تأثیر بگذارد و شرایط را بار دیگر به نقطه انتظار برای تصمیم‌های آمریکا بازگرداند. این تصمیم‌ها میان دو گزینه در نوسان هستند: ادامه فشارهای اقتصادی و مذاکراتی، یا بازگشت به گزینه یک عملیات نظامی سریع و شدید.

در نهایت، انتخاب هر یک از این دو مسیر ممکن است تحت تأثیر ضرورت‌های سیاسی و انتخاباتی در هر دو کشور اسرائیل و آمریکا قرار گیرد؛ دو صندوق رأی که اکنون می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت ایران و آینده بحران منطقه داشته باشند.

***منبع: ایندیپندنت عربی**
***نویسنده: حسن فحص**
***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

بازنشر

تکفیر

(کیهان لندن شماره ۱۲۴۸ - فروردین ماه ۱۳۸۸)

خیراندیش (احمداحرار)

آیت‌الله محمد مجتهد شبستری از آن جمله حوزویون است که طغیان جهل (بفرمایش شادروان دکتر غلامحسین صدیقی) را بر نمی‌تابد و طی این سالها تا جایی که از دستش برآمده در خرافه‌زدایی از دین کوشیده است. طبعاً طبقهٔ حاکم نیز او را جزو «غیر خودی‌ها» و منحرف و مفسد می‌شناسد.

خواندید و شنیدید که پس از سخنرانی اخیر مجتهد شبستری در دانشگاه اصفهان، امام جمعه موقت تهران گفته است «این فرد سابقهٔ اظهارات نادرست زیادی دارد و درگذشته گفته بود که برای رشد و تعالی کشور راهی جز روی آوردن به دموکراسی غربی نداریم و باید دست از ولایت فقیه برداریم. وی که سابقهٔ طلبگی داشت خودش را خلع لباس کرد».

بگذریم که هرگاه آیت‌الله چنین سخنانی گفته باشد باید دهانش را بوسید و سخنش را به آب زر نوشت. اما این‌گونه واکنش‌ها، که از نابردباری و تعصب جاهلانه ریشه می‌گیرد، در قلمرو حوزویون بی‌سابقه نیست. چه بسیار علمای متفکر که از سوی علمای متحجر تقبیح، تحریم و تفکیر شده‌اند.

ملاصدرای شیرازی یکی از آنهاست. گویند ملاصدرا، میرداماد استاد خود را اندکی پس از درگذشت وی به خواب دید و پرسید چرا حوزویون مرا تکفیر کردند و شما را تکفیر نکردند در حالی که مذهب من از مذهب شما جدا نیست. میر در جواب گفت من آثار خود را در حکمت (فلسفه) طوری نوشته‌ام که غیر از فلاسفه کسی قادر به فهم آنها نیست و آخوندها از فهم آن عاجزند. تو بیان حکمت را ساده کردی و طوری نوشته‌ای که هر ملای مکتبی می‌فهمد و از همین روست که تکفیرت کرده‌اند.

شیخ احمد احسائی نیز با وجود آن که مرتبت علمی و فقهی او قابل انکار نبود به دلیل پیروی از فلسفه ملاصدرا مورد تکفیر قرار گرفت.

شیخ احمد و ملاصدرا در مورد معاد نظریه مشابهی داشتند که با اعتقاد تعصب‌آمیز برخی فقهای زمان تطابق نداشت. خصم بزرگ شیخ احمد، به هنگام اقامتش در قزوین حاج ملامحمد تقی برغانی (شهید ثالث) بود. بین آن دو مکرر مباحثه شد و چون ملامحمدتقی در بحث و جدل حریف شیخ احمد نبود ازو دوری جست و حکم به تکفیرش داد. شاهزاده رکن الدوله حاکم قزوین از بالا گرفتن این منازعه ناخرسند بود و می‌ترسید مبادا خبرش به گوش شاه بابا (فتحعلی شاه) برسد و مورد بازخواست قرار گیرد.

شبی از شب‌ها، به مناسبتی علما را به دارالحکومه مهمان کرد. جای شیخ احمد در صدر مجلس و جای ملامحمدتقی در کنار او تعیین شده بود. ملامحمدتقی از شیخ فاصله گرفت تا نفسشان به هم نیامیزد. وقتی سفره گستردند، به اشاره شاهزاده برای آنها یک مجمعه گذاشتند. ملامحمد تقی دست پیش نبرد و از این که با شیخ احمد همخوان شود امتناع ورزید. خوانی جدا برای او نهادند. شروع به غذا خوردن کرد اما در حالی که با دست راست لقمه بر می‌داشت دست چپش را محاذی صورت قرار داده بود تا چشمش به قیافهٔ شیخ احمد نیفتد و نگاهشان با هم برخورد نکند.

پس از صرف شام، شاهزاده شرحی در لزوم اتفاق و



ایرج میرزا

احترام بین علما بیان کرد و افزود که جناب شیخ سرآمد علمای عرب و عجم و احترامش بر همگان واجب است. حاجی ملامحمدتقی نیز باید احترام ایشان نگهدارد و سخن مفسدین را که میان این دو عالم بزرگوار نفاق افکنده‌اند مسموع ندارد.

ملامحمد تقی گفت در میان کفر و ایمان، صلح و آشتی برقرار نمی‌شود. شیخ را در موضوع معاد مذهبی است که خلاف ضرورت اسلامی است و به فتوای من کافر محسوب می‌شود.

وقتی آوازهٔ تکفیر در همه جا پیچید و ملامحمد تقی برآن اصرار ورزید، شیخ احمد توقف در قزوین را جایز ندید و به عراق عرب رفت و در آنجا درگذشت.

البته علمای نوع دیگر هم داشته‌ایم که اهل تساهل و تسامح بوده‌اند.

وقتی ایرج میرزا، به سبب سرودن اشعاری که از نظر متشرعان قشری کفرگویی محسوب می‌شد، مورد تکفیر قرار گرفت و جانش به خطر افتاد، آیت‌الله حاجی میرزا محمد کفائی فرزند آیت‌الله العظمی حاج محمد کاظم خراسانی، او را در منزل خود پناه داد و از هر قسم پذیرایی کرد و ایرج میرزا به همین مناسبت سروده است:

نگفتم روضه خوان‌ها حرف مفتند
همه بی‌مایه و گردن کلفتند؟
یکی گر زان میان آزاده باشد
همانا آیت‌الله زاده باشد

سیاست حزب توده در قبال دکتر مصدق از ۳۰ تیر تا ۲۸ مرداد

بعد از ۳۰ تیر وقتی متوجه شدیم که سیاست حزب نسبت به مصدق عوض شده و به پشتیبانی از او پرداخته آرامش پیدا کردیم

جزوه‌ای که بی عملی حزب را در ۲۸ مرداد توجیه می‌کرد قانع‌کننده نبود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آبان‌ماه ۱۳۸۲تا اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ -از شماره‌های ۹۸۰ تا ۱۰۰۲)

بازنشر

«گذار از طوفان» تازه‌ترین کار ناخدا دکتر حمید احمدی در ضبط خاطرات چهره‌های سرشناس نظامی و سیاسی جنبش چپ در ایران عصر پهلوی است.

این کتاب، خاطرات مرتضی زربخت سروان خلبان نیروی هوایی را در دهه ۲۰ به شیوه گفت و شنود منعکس می‌کند.

مرتضی زربخت از افسرانی است که در جوانی به سازمان نظامی حزب توده پیوست و بدین سان قدم در راه یك زندگی پر تلاطم گذاشت.

متولد سال ۱۳۰۰ در تهران، زربخت در سال ۱۳۱۹ (آخرین سال سلطنت رضاشاه) در رشته هوایی دانشکده افسری ثبت نام کرد. در مهرماه ۱۳۲۱ (زمان اشغال ایران به‌وسیله قوای متفقین) با درجه ستوان دومی به‌عنوان افسر دیده‌بان فارغ‌التحصیل شد و به هنگ هوایی اصفهان انتقال یافت. سال بعد، برای گذراندن دوره خلبانی به تهران بازگشت. در سال ۱۳۲۳ به عضویت سازمان نظامی حزب توده درآمد. در سال ۱۳۲۵ به اتفاق ستوان یکم علی جودی، با دو هواپیمای جنگی راهی تبریز شدند و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوستند.

پس از سقوط فرقه دموکرات و فرار رهبران فرقه به آن سوی مرز، زربخش و ۹ افسر فراری دیگر رهسپار کردستان عراق شدند و با ملامصطفی بارزانی پیوند همکاری بستند. در جنگی که بین بارزانیها و ارتش مجهز ایران رخ داد، شرکت کردند و شکست خوردند. پس ازآن به خاك عراق پناه بردند و به مدت سه سال در عراق زندانی بودند و در فروردین ۱۳۲۹ به ایران تحویل داده شدند.

در دادگاه بدوی نظامی، هر شش تن به اعدام محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام درباره یکی از آنها ــ ابوالحسین تفرشیان ــ ابرام شد و چهار نفر ــ ازجمله مرتضی زربخت ــ مجازاتشان به حبس ابد تقلیل یافت. زربخت در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ آزادی خود را بازیافت و اکنون، در هشتاد و سه سالگی از خاطرات خود سخن می‌گوید.

گزیده‌ای از خاطرات مرتضی زربخت را در صفحه خاطرات و تاریخ می‌خوانید...

گذار از طوفان

خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی(۱۶)

انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران ــ برلین

زربخت: اجازه بدهید قبل از آن، مطالبی را درباره ۳۰ تیر ۱۳۳۱ بگویم و بعد برسیم به مسایل ۲۸ مرداد. در مقطع ۳۰ تیر، از کمیته مرکزی حزب، احمد قاسمی، فروتن، محمود بقراطی، کیانوری، بهرامی، یزدی و علوی در ایران بودند. البته این موضوع را بعداً فهمیدیم. در ۲۵ تیر ماه مصدق استعفا داد و موضوع بر سر در اختیار گرفتن وزارت دفاع بود که شاه زیر بار نمی‌رفت. مصدق استعفا داد و قوام‌السلطنه آمد و آن اعلامیه کذایی را صادر کرد و آیت‌الله کاشانی هم مردم را دعوت به تظاهرات کرد. کاشانی، مظفر بقایی و مکی تا مقطع ۳۰ تیر با مصدق همراه بودند. به‌هرحال، قوام‌السلطنه سقوط کرد و مصدق مجدداً با دریافت آن اختیارات در رأس دولت قرار گرفت.

در آن روزها، این جریان را رفیقی به ما اطلاع می‌داد به‌نام مهدی بویه. با او در سال ۱۳۲۹ در زندان موقت آشنا شده بودیم. از کارگران حزب در قزوین بود و در دوره زندان به ما علاقه داشت. وقتی مرخص شده بود، به دیدنمان می‌آمد و اخبار بیرون را برایمان می‌آورد. او در یکی از این ملاقاتها، برایمان تعریف کرد که در روز ۳۰ تیر، دستوری از حزب نداشتیم که داخل تظاهرات بشویم ولی خودمان با شمّ سیاسی‌مان وارد آن تظاهرات علیه قوام‌السلطنه شدیم. چون توده‌ای‌ها سازماندهی‌شان خوب بود، در رأس آن جریان تظاهرات هم قرار گرفتند. و بدین ترتیب، در جریان ۳۰ تیر به‌طور خودجوش در آن شرکت کردیم. بعد از پیروزی این قیام، سیاست حزب توده هم عوض شد. البته در صبح روز ۳۰ تیر یا عصر ۲۹ تیر اعلامیه‌ای از سوی جمعیت مبارزه با استعمار منتشر شده بود که در آنجا تأکید می‌کرد یك ارتجاع می‌خواهد مستقر بشود. وقتی ۶ سال پیش قوام‌السلطنه نخست وزیر شده بود، در باغ سبز هم به حزب توده نشان داده بود ولی این بار، حزب توده گول قوام‌السلطنه را نخورد. اگرچه این جریانها را از طریق روزنامه‌ها مطلع می‌شدیم ولی توسط ملاقاتیها بهتر از روزنامه‌ها از کنه قضایا و سیاست حزب اطلاع پیدا می‌کردیم. بعد از ۳۰ تیر، وقتی متوجه شدیم که سیاست حزب نسبت به مصدق عوض شده و به پشتیبانی از او پرداخته، یك آرامشی پیدا کرده بودیم. چون این اواخر به یك بن‌بست سیاسی رسیده بودیم و می‌گفتیم این چه سیاستی است که حزب در قبال دولت مصدق دنبال می‌کند. نفت ملی شده و انگلیسیها را بیرون کردند ولی حزب هنوز دارد به مصدق حمله می‌کند. این مرد چه گناهی کرده.

● یعنی تا قبل از پیش آمدن جریان ۳۰ تیر ۱۳۳۱، شما هنوز هم در چنین موضعی قرار داشتید؟

ــ ما هنوز هم در آن موضع بودیم و نمی‌توانستیم چیزی بگوییم. در مجموع از سیاست حزب دفاع می‌کردیم. در حالی که در درون خودمان به این نتیجه رسیده بودیم که سیاست رهبری حزب درست نیست ولی جریان ۳۰ تیر که پیش آمد و حزب هم سیاستش را تغییر داد، یك نفس راحتی کشیدیم. بعد از ۳۰ تیر ، حادثه ۹ اسفند ۱۳۳۱ پیش آمد. حزب توده این جریان را که توطئه‌ای علیه دکتر مصدق بود، کوبید و از مصدق حمایت کرد. اگرچه هنوز بعضی از نشریات مخفی حزب تا حدودی سیاست قبلی حزب را دنبال می‌کردند ولی این نوع موضع‌گیریها مربوط به برخی شاخه‌های حزب و احتمالا همان شاخه سازمان جوانان بود.

جریان مربوط به انتخابات دوره ۱۷ مجلس شورای ملی هم از مسایلی است که باید اشاره‌ای به آن بکنم که مربوط به همین دوران می‌شود و در زندان موضوع مورد بحث و گفتگوی ما بود. یکی از کاندیداهای حزب از تهران سرلشکر محمدحسین فیروز بود. ما رفقا در زندان می‌گفتیم آیا شخص وجیه‌الملّه‌ای برای کاندید شدن از طرف حزب وجود نداشت که یك سرلشکر از خانواده فرمانفرمائیان بیاید و کاندیدای حزب توده بشود؟! یك لیست کاندیدای ائتلافی داده بودند ولی حزب توده نه در تهران و نه در شهرستانها، موفقیت نداشت. فقط در مهاباد و سنندج، صارم‌الدین صادق وزیری موفق شد ولی آن انتخابات را هم باطل کردند و نگذاشتند صادق وزیری به مجلس راه پیدا کند. در بعضی جاها انتخابات اصلا پا نگرفت چون عوامل دربار دخالت می‌کردند و در آنجاها دستور توقف انتخابات داده می‌شد. در هرحال، مصدق در این انتخابات نتوانست اکثریت مجلس را به‌دست آورد و هنوز عوامل دربار کارساز بودند. مصدق با نیروی پشتیبانی که از مردم داشت، توانست با فشار به مجلس اختیاراتی بگیرد و یك بار هم اختیاراتی به‌مدت ۶ ماه گرفت. بعد خواست آن را دومرتبه تجدید کند و آنطور که یادم است، این جریان رسید به آستانه ۳۰ تیر ۱۳۳۱. بعد از این حادثه، کاشانی، بقایی، مکی و حائری زاده هم از مصدق جدا شدند و سیر حوادث سیاسی رسید به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

● در روزهای کودتای ۲۵ و ۲۸ مرداد، وضعیت شما در زندان و تعداد زندانیان سیاسی در آن ایام چگونه بود؟

ــ در آن روزها، تعداد زندانیان سیاسی خیلی محدود بود. ۵ نفر از افسران بودیم و دو نفر از متهمین جریان ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ در رابطه با تیراندازی به شاه. در حدود ۱۰ــ۱۲ نفر هم از فدائیان فرقه دموکرات آذربایجان بودند. ما با دقت حوادث سیاسی آن روزها را دنبال می‌کردیم. با شکست کودتا در ۲۵ مرداد و در صورت پیروزی مصدق، طبعاً در وضعیت دوره زندانی ما هم تأثیر داشت. چون با قانون تعلیق مصوبه دوره مصدق، یك سوم دوره زندانی بخشوده می‌شد و ما هم به آزاد شدن از زندان نزدیك می‌شدیم.

● کودتای ۲۸ مرداد را از رادیو شنیدید؟

ــ آن موقع، رادیو نداشتیم. فقط آنچه را که رادیو زندان پخش می‌کرد، مطلع می‌شدیم. اجازه نداشتیم رادیو داشته باشیم و فقط روزنامه به دستمان می‌رسید. بعد از ظهر ۲۸ مرداد بودکه شنیدیم سر و صدایی شد و یك نفر در رادیو سخنرانی کرد که اکنون حکومت دست ملت است و زنده باد شاه. از پنجره آهنی حمام زندان می‌توانستیم تپه‌های قصر قاجار را ببینیم و از آنجا می‌دیدیم که عده‌ای دارند از آن تپه‌ها پایین و بالا می‌روند. در آن موقع، رئیس زندان سرهنگ نوآور بود و با ما برخورد و نظر مساعد داشت. رفیقمان تیوای با او تماس گرفت تا ببینیم جریان چیست. او به تیوای گفت کودتا شده و مصدق فرار کرده. الان شعبان بی مخ و عده‌ای آمده بودند به طرف زندان و ما ردشان کردیم. قصد داشتند بریزند سر زندانیان سیاسی.

در هر حال، با این اوضاع و احوال، ما دست و پایمان را جمع کردیم. خلاصه رفتیم توی لاك خودمان و منتظر حوادث بعدی ماندیم تا ببینیم چه می‌شود چون ما توی چنگشان بودیم. بعد، با خبر شدیم که مصدق را بازداشت کرده‌اند ولی دکتر حسین فاطمی فرار کرده. حدود یك ماه بعد از کودتا، جریان آتشسوزی تعدادی هواپیما در پادگان هوایی قلعه

مرغی پیش آمد. در هرحال، وضعیت به گونه‌ای بودکه مرتب سؤالاتی برای ما مطرح می‌شد که چرا این جوری شده و چرا در مقابل کودتا مقابله نکردند و از این قبیل سؤالات برایمان پیش می‌آمد. مدتی بعد، زاخاریان پیش‌نویس جزوه «۲۸ مرداد» را برایمان فرستاد و گفت، بخوانید و نظرتان را بگویید. ما ۶ نفر آن جزوه را خواندیم و با آن تحلیل جزوه درباره ۲۸ مرداد، که بی عملی حزب را توجیه نمی‌کرد، نظر مخالف دادیم. با تحلیل آن جزوه که حزب توده منتظر مانده بود تا از مصدق دستور بگیرد که آیا دخالت بکند یا نه، مخالف بودیم. نظر ما این بود که حزب می‌باید به‌طور مستقل وارد عمل علیه کودتا می‌شد.

بعدها، مسایل و تحلیل مندرج در آن جزوه بحث‌انگیز شد.

ــ جزوه ۲۸ مرداد را زاخاریان نوشته بود و حتی احسانی که جزو طرفداران شرمینی و زاخاریان بود، او هم نظر ما را تأیید کرد و با آن تحلیل ارائه‌شده در آن جزوه، مخالفت کرد.

در تبعیدگاه خارك

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سرنوشت بعدی شما در زندان به چه مسیری کشیده شد؟

ــ در اردیبهشت ۱۳۳۳، شبانه ما ۲۰ نفر زندانی سیاسی را که در این زندان بودیم، سوار قطار کردند و بردند به جنوب. و در آبادان پیاده‌مان کردند.

چند روزی ما را در پادگان امیرآباد زندانی کردند. به‌خاطر دارم که در این زندان، اکبر شهابی مسؤول کمیته ایالتی حزب در خوزستان مخفیانه و به‌کمك افسران توده‌ای به ملاقاتمان آمد. در همین زندان، سرهنگ آهنین فرمانده هنگ تفنگداران دریایی که فرمانده پادگان هم بود، برای بازدید به زندان آمد. بعد از ۳ــ۲ روز که در این پادگان بودیم، ما را به اسکله بردند و سوار یك ناو یدك بر نیروی دریایی کردند و همراه یك گروهان تفنگدار دریایی به فرماندهی ستوان یکم وحدت به جزیره خارك تبعید کردند. در جزیره خارك ، ما را تحویل ستوان یکم کوثر دادند. او فرمانده پادگان خارك بود. افسری روشنفکر و با شعور بود. برخوردی انسانی داشت و با قزاقهایی که بعداً جانشین او شدند، تفاوت کیفی داشت. متأسفانه، مدت اقامت او در آن مسؤولیت، کوتاه بود. بعد از تعویض او، دچار سرنوشت بدی شدیم.

وقتی شما وارد جزیره خارك شدید، آیا پیش از شما، زندانیان سیاسی دیگری را هم بعد از کودتای ۲۸ مرداد به‌آنجا تبعید کرده بودند؟

ــ بله. شاید حدود ۲۰ نفری را قبلا به‌آنجا تبعید کرده بودند. عده‌ای که معروف به چهارم آبانی بودند. تا آنجایی که به‌خاطر دارم، کسانی مانند رئیس، فقیهیِ دوانی، وارطان، ژندی‌فر. اینان در جشن ۴ آبان ۱۳۳۲ در ورزشگاه امجدیه تهران و در حضور شاه، شعار مرگ بر شاه داده بودند. عده‌ای از جوانان معروف به فستیوالی‌ها که اینان در فستیوال جهانی جوانان در بخارست شرکت کرده بودند، بعد از مراجعت به ایران و در بندر انزلی که پیاده شده بودند، مصادف با کودتای ۲۸ مرداد بود و آنان را هم بازداشت و به جزیره خارك تبعید کردند. تا آنجا که به‌خاطر دارم، مهندس عاشورپور، مهدی بویه و هامو باغدانیان را می‌توانم نام ببرم. قبل از وارد شدن ما به خارك، عده‌ای از کادرهای حزب توده و چند نفر از جبهه ملی را هم به آنجا تبعید کرده بودند مانند صادق وزیری، دکتر عقیلی، جواد معینی، عماد سالك، محمود ژندی، جهانگیر افکاری، محمود هرمز و حاجی شمشیری را می‌توانم نام ببرم.

قبل از این که وارد مسایل و حوادث این دوره از زندگیتان در جزیره خارك بشویم، خواستم خواهش کنم تصویری هرچند کلی، از وضعیت جزیره خارك در آن زمان ارائه بفرمایید.

ــ خارك جزیره کوچکی است که به‌طول ۱۰ و عرض ۵ کیلومتر و به فاصله حدود ۳۰ کیلومتری بندر بوشهر. یك رشته کوه سنگی به ارتفاع ۱۰۰ متر که قسمتی از ساحل جزیره را پوشانده است. به هنگام فصل تابستان و هوای شرجی، آدم پوست می‌انداخت و سالی ۳ــ۲ بار بادی به‌نام «آتش‌باد» می‌وزید که از شدت گرما برگ سبز و تازه درختان تنومند به‌نام «لیل» می‌سوخت. چند چاه آب نیمه شور داشت برای شستشو و احیاناً برای کاشت گوجه‌فرنگی و تره‌بار استفاده می شد. یك چاه آب شیرین داشت به‌عمق ۱۰ متر برای آب آشامیدنی که در فاصله ۱۰۰متری خوابگاهمان بود. چشمه‌ای در دل سنگها بود به‌نام چشمه «نوتاش» که آب باریکی به ظرفیت ۲ــ۱ اینچ از آن خارج می‌شد. تعداد کمی درخت نخل داشت که فقط برای مصرف ساکنین جزیره بود. همچنین درختان میوه بومی از قبیل «سه‌پستون» و «کُنار» نیز تك و توك وجود داشت. بیشتر از همه، درختان تنومند و سایه‌دار انجیر هندی که در آنجا به «لیل» مشهورند وجود داشت. این را هم بگویم که در کنار این جزیره خشك، باغ کوچکی وجود داشت به‌نام باغ محمد شریف. این باغ در دل کوه و سنگ کم ارتفاع جزیره قرار داشت و یك چشمه آب باریکی داشت که داخل حوضی می‌شد و پس از پر شدن حوض، درختان را با آن آبیاری می‌کردند. در این باغ، درختان میوه مثل موز، انبه، لیمو ترش و خرما کاشته شده بود. محمد شریف پیر مردی بود که حدود ۸۰ سال داشت که علاقه‌اش بیشتر در امارات و شیخ نشینهای خلیج فارس بود. او فصل زمستان را به خارك می‌آمد و همسر جوان ۱۶ساله‌ای اختیار کرده بود که خدمتش را بکند. یك بار هم با اجازه فرمانده پادگان خارك از ما دعوت کرد که ناهار خودمان را به آنجا ببریم و از فضای مفرح و هوای خنك آنجا بهره‌مندگردیم. همجوار جزیره خارك، جزیره بسیار کوچك و بی آب و علفی بود که آن را خارکو یعنی خارك کوچك می‌نامیدند. در جزیره خارك حدود ۳۰ خانوار زندگی می‌کردند که شغل اصلی آنان صید ماهی و بعضاً قاچاق از کویت و شیخ نشینها بود. به‌علت کمبود آب، زراعت بسیار محدود بود. اهالی خارك، علیرغم کمبود علوفه، تعدادی گاو و بز برای تأمین گوشت و شیر خود نگهداری می‌کردند. جزیره خارك یك دبستان چهارکلاسه داشت. شخصی به‌نام رضایی مسؤولیت آن دبستان را به‌عهده داشت که نقش مدیر، معلم، ناظم و فراش را ایفا می‌کرد. جزیره خارك، کدخدایی داشت به‌نام رسولی. بعضی مردان خانواده‌های این جزیره برای تأمین معاش به شیخ نشینها می‌رفتند و در آنجاها به‌کار می‌پرداختند. محل بازداشتگاه ما محوطه‌ای بود کنار دریا و در فاصله ۳۰۰ متری پادگان. این بازداشتگاه مرکب بود از چند ساختمان سنگی با پوشش شیروانی که توسط انگلیسیها در جنگ بین‌الملل اول ساخته شده بود. یك ساختمان با سقف کاهگلی هم در جنوب این محوطه قرار داشت که از آن به‌عنوان سالن ناهارخوری استفاده می‌کردیم. بعدها، در کنار این ساختمان، تنوری توسط زندانیان ساخته شد و یك نانوایی دایر کردند.

وقتی از تهران و برخی شهرها عده‌ای را به خارك تبعید کردند، جمع ما به ۱۲۰ نفر رسید. در این شرایط با کمبود جا مواجه شدیم و مجبور شدیم ۳ــ۲ چادر برپا کنیم. ضمناً آلاچیقی هم برپا کردیم. در مجاورت ساختمان اصلی سنگی، دو درخت تنومند و سایه‌دار «لیل» بود که با همت دوستان زندانی، آلاچیق بزرگی برپا شد که در گرمای سوزان تابستان، زندانیان زیر سایه آن استراحت می‌کردند.

امکانات تهیه غذا برای ۱۲۰ نفر چگونه بود؟

ــ ما روزانه نفری دو تومان جیره نقدی برای تهیه غذا داشتیم. با این دو تومان برای هر نفر و نیز با کمکهایی که از طریق بعضی از خانواده‌ها که در سطح متوسط قرار داشتند، فرستاده می‌شد، خودمان را اداره می‌کردیم. تا موقعی که در این جزیره تعداد زندانیان حدود ۳۰ ــ ۴۰ نفر بودیم، می‌توانستیم نان مصرفی خودمان را به زحمت توسط روستائیان جزیره خارك تأمین کنیم و همچنین سوخت آشپزخانه را هم با خرید درختان «لیل» و قطع و حمل آنها به پای آشپزخانه با زحمت طاقت فرسا فراهم می‌کردیم. اما وقتی عده‌مان در جزیره به ۱۲۰ نفر رسید، تهیه غذا با سوخت هیزم خیلی دشوار شده بود. در چنین وضعیتی به‌همت یك کارگر دخانیات به‌نام آقا رضا که شهرتش را فراموش کرده‌ام، این مشکل حل شد. او با بشکه و لوله مسی یعنی با وسایل بسیار ابتدایی، به‌قول خودش یك «فارسونکا» ساخت که می‌توانست با سوخت گازوئیل کار کند. این دستگاهی که او ساخت، یك تحولی بود در کار سوخت رسانی زیرا تهیه غذا برای زندانیان سیاسی از طریق سوخت هیزم بسیار مشکل و کار طاقت‌فرسایی بود.

دنباله دارد



تهران: زندان قصر، سال ۱۳۳۰ (از راست به‌چپ: تفرشیان، زربخت، تیوای، احسانی، ارتشیار)

ورود مصر به جنگ علیه نیابتی‌های رژیم ایران در یمن

قاهره، برخلاف میل خود، به یکی از طرفین جنگ تبدیل شده زیرا مستقیماً هدف حملات موشکی و پرتابه‌ها قرار گرفته و پیش از آن نیز گروه‌های وابسته به رژیم ایران در یمن و عراق، تهدیدهای صریحی علیه آن مطرح کرده بودند.

اکنون اعلام آمادگی رئیس‌جمهور السیسی برای ورود به جنگ، پیامی روشن به حاکمان تهران می‌فرستد؛ حاکمانی که از اختلافات میان کشورهای خلیج فارس و نبود حمایت کشورهای عربی بهره برده‌اند و شرایطی که موجب شدند جبهه خلیج فارس پراکنده و منزوی بماند.

پرسش نهایی این است: آیا مشارکت مصر معادله نظامی را در میدان نبرد تغییر خواهد داد؟

عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط) – در حقیقت، انتظار می‌رفت که مصر خیلی پیشتر در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران و نیروهای نیابتی آن در عراق و یمن، در کنار جبهه کشورهای خلیج فارس قرار بگیرد؛ زیرا این امر از الزامات حفظ توازن قدرت منطقه‌ای برای خود مصر نیز به شمار می‌رود.

اکنون پس از آنکه قاهره آمادگی خود را برای مشارکت اعلام کرده، احتمال می‌رود این موضع رسمی مصر با تردید و انتقادات مختلف از سوی طرفینی مواجه شود که با آن مخالف‌اند یا نسبت به آن بدبین هستند. پرسش‌هایی از این دست مطرح خواهد شد که چرا قاهره ده ماه پیش وارد عمل نشد؟ آیا موضع آن با سپرده مالی عربستان سعودی ارتباط دارد؟ یا اینکه موضوع صرفاً به وعده‌های لفظی محدود می‌شود؟

این در حالیست که قاهره، برخلاف میل خود، به یکی از طرفین جنگ تبدیل شده زیرا مستقیماً هدف حملات موشکی و پرتابه‌ها قرار گرفته و پیش از آن نیز گروه‌های وابسته به رژیم ایران در یمن و عراق، تهدیدهای صریحی علیه آن مطرح کرده بودند.

مصر طی سه سال گذشته، هزینه حملات حوثی‌ها به کشتیرانی در دریای سرخ را از محل درآمدهای ارزی خود پرداخته است. هزینه این حملات از پیامدهای مجموع جنگ‌های لیبی، سودان و غزه نیز فراتر رفته است. بر اساس برآوردهای بین‌المللی، قاهره سالانه حدود شش میلیارد دلار از درآمدهای کانال سوئز را از دست می‌دهد.

اقتصاد مصر همچنین با جدی‌ترین تهدید خود در نتیجه پیامدهای جنگ برای مصری‌های شاغل در کشورهای خلیج فارس روبروست. بیش از پنج میلیون مصری در پنج کشور حوزه خلیج فارس کار می‌کنند و با ادامه جنگ و کاهش صادرات نفت و گاز این کشورها، ممکن است شغل و درآمد آنان در معرض توقف و یا کاهش قرار گیرد.

در دوران ریاست جمهوری عبدالفتاح السیسی، قاهره هرگز اشتیاقی به ورود به جنگ‌ها نداشته است. با این حال، جنگ‌های کنونی خلیج فارس، بدون آنکه مصر خودش چنین انتخابی کرده باشد، این کشور را در خط مقدم درگیری قرار داده است.

چالش پیش روی مصر فراتر از خطرهای اقتصادی و تهدید معیشت میلیون‌ها شهروند این کشور است؛ زیرا تبدیل‌شدن جمهوری اسلامی ایران به قدرتی مسلط بر خلیج فارس، نفوذ مصر را کاهش خواهد داد و امنیت ملی آن را به خطر خواهد انداخت.

پس از به قدرت رسیدن اخوان‌المسلمین، قاهره به عرصه‌ای برای رویارویی اعلام‌نشده میان دولت‌های خلیج فارس و حکومت ایران تبدیل شده بود. در آن زمان، تهران با مجموعه‌ای از اقدامات در پی حمایت از اخوان‌المسلمین و تقویت تسلط آنان بر دولت مصر بود.

اکنون اعلام آمادگی رئیس‌جمهور السیسی برای ورود به جنگ، پیامی روشن به حاکمان تهران می‌فرستد؛ حاکمانی که از اختلافات میان کشورهای خلیج فارس و نبود حمایت کشورهای عربی بهره برده‌اند و شرایطی که موجب شدند جبهه خلیج فارس پراکنده و منزوی بماند.

درباره اینکه چرا مصر اکنون دست به اقدام زده و ماه‌ها پیش وارد عمل نشده، ممکن است ملاحظاتی قابل درک در میان باشد؛ از جمله فراهم‌کردن فرصت برای مذاکره و آشتی و پرهیز از آنکه مصر در جبهه‌ای واحد با واشنگتن علیه رژیم ایران ظاهر شود.

برخی می‌خواهند انگیزه‌های قاهره را صرفاً به منافع مالی محدود کنند، اما معادله پیچیده‌تر از اینهاست. قدرت‌گرفتن جمهوری اسلامی ایران به بهای کاهش جایگاه مصر تمام خواهد شد؛ کشوری که برای دفاع از منافع، نفوذ و اقتصاد خود وارد عمل می‌شود.

تهران بار دیگر در امور مصر مداخله خواهد کرد و در پی بی‌ثبات‌کردن این کشور برخواهد آمد؛ اقدامی که پیشتر نیز سابقه داشته است. مصر همچنین از امنیت اقتصادی خود دفاع می‌کند؛ زیرا حملات حوثی‌ها و اقدامات رژیم ایران، سالانه حدود شش میلیارد دلار به درآمدهای کانال سوئز خسارت وارد کرده‌اند. این رقم طی سه سال حمله به کشتیرانی و خودداری کشتی‌ها از عبور از کانال، به ۱۸ میلیارد دلار رسیده است.

علاوه بر خسارت‌های واردشده به درآمدهای کانال سوئز، جنگ معیشت میلیون‌ها مصری شاغل در کشورهای خلیج فارس را نیز تهدید می‌کند.

پرسش نهایی این است: آیا مشارکت مصر معادله نظامی را در میدان نبرد تغییر خواهد داد؟

پاسخ به این پرسش به ماهیت و ابعاد مشارکت مصر بستگی دارد؛ موضوعی که باید منتظر روشن شدن جزئیات آن بمانیم.

از نظر سیاسی، قاهره با این اقدام پیامی با این مضمون به تهران و جهان عرب می‌فرستد که مصر دیگر نمی‌تواند در برابر جنگ رژیم ایران و نیابتی‌های آن علیه کشورهای خلیج فارس سکوت کند.

*روزنامه الشرق الأوسط
*نویسنده: عبدالرحمن الراشد
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

چرا عربستان سعودی بجای جنگ، با حوثی‌ها کنار نمی‌آید؟ زیرا...

حوثی‌ها می‌خواهند از منابع و دستگاه‌های کشور یمن برای به رسمیت‌شناخته‌شدن آنها از سوی دیگران بهره ببرند، اما در عین حال سلاح خود را به عنوان یک گروه حفظ کنند و بر اساس علاقه و روابط خارجی خود به جنگ‌افروزی ادامه دهند. از این منظر، رسیدن به قدرت، وسیله‌ای برای تقویت و پیشبرد پروژه این گروه است.

حوثی‌ها را می‌توان با «داعش» و «حزب‌الله» لبنان مقایسه کرد. داعش نمونه‌ای جلورفته‌تر از این وضعیت است زیرا دولت‌های موجود را رد کرد و در پی تأسیس خلافتی فراتر از مرزهای خود برآمد. اما حزب‌الله الگویی ایجاد کرده که مشارکت در نهادهای کشوری را با حفظ نیروی مسلح و مصون ماندن از پاسخگویی درهم می‌آمیزد؛ الگویی که در آن، این گروه همچنان به عنوان تشکیلاتی فعالیت می‌کند که مرجعیت آن در خارج کشور [جمهوری اسلامی] قرار دارد. برخلاف تصور برخی پژوهشگران، حوثی‌ها نیز یکی دیگر از نیروهای نیابتی رژیم ایران در منطقه‌اند، نه پروژه‌ای برای ایجاد یک نظام و حکومت عادی در یمن.

آیا سرکشی حوثی‌ها نتیجه فرصت ندادن به حوثی‌ها از سوی همسایگان و جامعه بین‌المللی است برای تغییر رفتارش است؟ واقعیت کاملاً برعکس است! آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و سازمان ملل متحد فرصتی در اختیار آنها گذاشتند که هیچیک از گروه‌های مسلح منطقه حتی خوابش را هم نمی‌دید.

در دوره‌ای که تلاش می‌شد حوثی‌ها برای تبدیل شدن به «حکومت» همسایه و محترم آماده شوند، آنها همزمان، با حمایت رژیم ایران، از غفلت طرفین مقابل استفاده کردند و توانمندی‌های نظامی تهاجمی خود را گسترش دادند.

عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط) – با تداوم درگیری با حوثی‌ها در یمن به مدت یک دهه و نیم، برخی بر این باورند که شاید بجای جنگیدن با آنها بهتر است با این گروه به عنوان قدرت حاکم در یک امر واقع کنار آمد. مانند گذشته که با بیشتر کسانی که بر صنعا حکومت کردند،

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

صرف نظر از هویت و ایدئولوژی آنها، مناسبات عادی برقرار شد. این دیدگاه واقع‌بینانه است، اما ایرادش به ماهیت پروژه حوثی‌ها بازمی‌گردد. این گروه با ایده دولت در ستیز است و رفتار حوثی‌ها نشان داده که آنها به حفظ قدرت در قالب یک «سازمان» پایبندند نه در راستای یک دولت یا یک کشور.

حوثی‌ها می‌خواهند از منابع و دستگاه‌های کشور یمن برای به رسمیت‌شناخته‌شدن آنها از سوی دیگران بهره ببرند، اما در عین حال سلاح خود را به عنوان یک گروه حفظ کنند و بر اساس علاقه و روابط خارجی خود به جنگ‌افروزی ادامه دهند. از این منظر، رسیدن به قدرت، وسیله‌ای برای تقویت و پیشبرد پروژه این گروه است.

رویدادهای سال ۲۰۱۳ و دو سال پس از آن، آزمونی روشن برای سنجش رفتار حوثی‌ها بود. آنها به همایش گفتگوی ملی دعوت شدند و توافق‌نامه صلح و مشارکت را امضا کردند که در چارچوب آن، کرسی‌ها و امتیازهای ویژه در صعده را به دست آوردند و راه مشارکت در قوه مجریه نیز به روی آنان گشوده شد.

خواسته طرفین دولت قانونی یمن این بود که در ازای مشارکت آنها در قدرت، سلاح‌های متوسط و سنگین خود را به نهادهای دولتی تحویل دهند. این روند اما در نهایت به تسلط آنها بر نهادهای حاکمیت، بازداشت عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهور، و انحلال پارلمان و مواردی از این دست انجامید. سپس آنها نهادهای دولتی را به تصرف خود درآوردند و همه را کنار زدند؛ در نتیجه، آغاز جنگ میان یمنی‌ها امری طبیعی بود.

پس از تسلط حوثی‌ها بر قدرت، انتظار می‌رفت که آنها خود به کشور تبدیل شوند و کشور نیز همان حوثی‌ها باشد، اما چنین نشد. آنها شبکه‌ای از ناظران ایجاد کردند که در کنار مناصب رسمی، از قدرت واقعی و موازی برخوردار بودند.

تجربه دوم حوثی‌ها زمانی رقم خورد که علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهوری پیشین یمن، با حوثی‌ها در قالب مشارکت در «حاکمیت» متحد شد. صالح در آن زمان، با وجود خروج از قدرت، همچنان بر بخش عمده‌ای از نیروهای مسلح تسلط داشت. حتی صالح نیز در شناخت ماهیت این گروه دچار اشتباه شد و سرانجام در سال ۲۰۱۷ در خیابان وی را به قتل رساندند.

برخی ممکن است این رویدادها را منازعه بر سر قدرت بدانند که با برتری حوثی‌ها پایان یافت و بر این اساس معتقد باشند که باید واقعیت موجود را پذیرفت و با آن کنار آمد.

اکنون نیز بار دیگر این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا واقع‌بین نباشیم و با کسی که اکنون بر صنعا حکومت می‌کند، کنار نیاییم و مناسبات عادی برقرار نسازیم؛ همانگونه که در گذشته با حاکمان این شهر، از امام یحیی گرفته تا رئیس‌جمهور، قاضی عبدالرحمن الاریانی، و سپس علی عبدالله صالح برخورد می‌شد؟ واقعیت این است که چنین رویکردی پیشتر به بوته آزمایش گذاشته شد؛ اما حوثی‌ها، به عنوان گروهی ایدئولوژیک، نپذیرفتند که به یک دولت عادی تبدیل شوند. آنها به جنگ علیه همسایه خود، عربستان سعودی، و دیگر کشورهای منطقه و بیش از همه با مردم خود یمن ادامه دادند. این گروه همچنان به عنوان سازمانی مسلح و دارای نهادهای موازی به فعالیت ادامه داد.

از همینجا می‌توان آنها را با «داعش» و «حزب‌الله» لبنان مقایسه کرد؛ مقایسه‌ای از منظر رابطه این گروه‌ها با مفهوم کشور، هرچند عقاید و تجربه‌های آنها با یکدیگر متفاوت



گفتگوی مسعود پزشکیان و نماینده حوثی‌ها در تهران / امرداد ۱۴۰۳

است. داعش نمونه‌ای جلورفته‌تر از این وضعیت است زیرا دولت‌های موجود را رد کرد و در پی تأسیس خلافتی فراتر از مرزهای خود برآمد. این گروه می‌خواست کشوری مطابق با معیارهای عقیدتی خود بنا کند.

اما حزب‌الله الگویی ایجاد کرده که مشارکت در نهادهای کشوری را با حفظ نیروی مسلح و مصون ماندن از پاسخگویی درهم می‌آمیزد؛ الگویی که در آن، این گروه همچنان به عنوان تشکیلاتی فعالیت می‌کند که مرجعیت آن در خارج کشور [جمهوری اسلامی] قرار دارد.

نمی‌توان گفت حوثی‌ها یک دولت یمنی یا «امامت حوثیِ یمن» هستند؛ همانگونه که در گذشته «پادشاهی متوکلی یمن» یا «جمهوری عربی یمن» وجود داشت. حوثی‌ها گروهی شبه‌نظامی وابسته به رژیم ایران هستند. حوثی‌ها در صنعا، تا حدودی، مانند داعش در موصل یا حزب‌الله در جنوب لبنان عمل کرده و منطقه‌ای را بر اساس معیارهای عقیدتی خود طراحی کردند.

آیا سرکشی حوثی‌ها نتیجه فرصت ندادن به حوثی‌ها از سوی همسایگان و جامعه بین‌المللی است برای تغییر رفتارش است؟ واقعیت کاملاً برعکس است! آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و سازمان ملل متحد فرصتی در اختیار آنها گذاشتند که هیچیک از گروه‌های مسلح منطقه حتی خوابش را هم نمی‌دید. توافق استکهلم نیز آنها را از شکست و فروپاشی نجات داد. دولت‌های غربی که با حوثی‌ها مدارا کردند، در تلاش برای تبدیل آنها به یک بازیگر مدنی و یک نظام عادی، ناکام ماندند.

سپس ریاض با مشارکت مسقط و هماهنگی با فرستاده وقت سازمان ملل متحد این راه را آزمود که با توافق بر سر پرهیز از جنگ، حوثی‌ها را به همسایه‌ای صلح‌جو تبدیل کند. ریاض حقوق کارکنان آنها را پرداخت کرد، فرودگاه و بندر به رویشان گشوده شد و هیئتی برای دیدار با آنها به «پایتخت»شان، صنعا، فرستاده شد؛ اقدامی که نشانه‌ای مهم از به رسمیت شناختن سیاسی آنها بود. حوثی‌ها نیز از این فرصت برای تبلیغات گسترده بهره بردند و دستاوردهای سیاسی و معیشتی به دست آوردند.

در دوره‌ای که تلاش می‌شد حوثی‌ها برای تبدیل شدن به «حکومت» همسایه و محترم آماده شوند، آنها همزمان، با حمایت رژیم ایران، از غفلت طرفین مقابل استفاده کردند و توانمندی‌های نظامی تهاجمی خود را گسترش دادند. سال ۲۰۲۳ هنوز به پایان نرسیده بود که آنها بار دیگر فعالیت خود را به عنوان گروهی مسلح و فرامرزی از سر گرفتند.

برخلاف تصور برخی پژوهشگران، حوثی‌ها نیز یکی دیگر از نیروهای نیابتی رژیم ایران در منطقه‌اند، نه پروژه‌ای برای ایجاد یک نظام و حکومت عادی در یمن. در هر صورت تفاوت میان متحد و تابع، امری روشن است. متحد کسی است که منافعش با منافع شما همسو باشد؛ اما تابع و دنباله‌رو، اراده‌اش را مقید و ملزم به اراده شما می‌کند. برای ما، ایدئولوژی‌های افراطی این گروه به اندازه شناخت نیات آن از تسلط بر کشوری مانند یمن اهمیت ندارد.

***منبع: الشرق الاوسط**
***نویسنده: عبدالرحمن الراشد**
***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

ایستادگی در مقابل واقعیت؛ شکل تازه‌ی سرکوب ملت ایران

● تجربه‌های اخیر سوریه و ونزوئلا نشان داده‌اند که قدرت‌های خارجی، اغلب توافق‌های کوتاه‌مدت و مبتنی بر دادوستد با صاحبان باقی‌مانده‌ی قدرت در رژیم پیشین را بر مطالبات مستمر و برخاسته از بطن جامعه ترجیح می‌دهند.

● ملت ایران همچنین چشم‌انداز ایجابی خود را مطرح کرده است؛ چشم‌اندازی که بر تمامیت ارضی کشور، جدایی دین از حکومت، برابری شهروندان در برابر قانون، حقوق فردی و حق برگزاری انتخابات آزاد تأکید دارد.

● از شورش بهمن ۵۷ تاکنون، صدها هزار ایرانی به روش‌های مختلف کشته شده یا به زندان افتاده‌اند و میلیون‌ها ایرانی نیز زیر فشار این رژیم اهریمنی، تبعید ناخواسته را به جان خریده‌اند.

● رژیم آیت‌الله‌ها مدت‌هاست که شبکه‌هایی از مزدوران مسلح نیابتی و گروه‌های مجرمانه را در داخل ایران، بویژه در سیستان و بلوچستان و مناطق کردنشین، پرورش داده است.

● شبکه‌های باقی‌مانده، که بسیاری از آنها با سپاه پاسداران پیوند خورده‌اند، طی چهار دهه‌ی گذشته از طریق پول‌شویی در کانادا، اروپا، استرالیا، بریتانیا و آمریکای جنوبی، ثروت‌های هنگفتی انباشته‌اند و اکنون قصد دارند در هرگونه فضای سیاسی پس از فروپاشی جمهوری اسلامی، دوباره وارد میدان شوند.

● پیش از این نیز شاهد دگردیسی ناگهانی چهره‌های «ریش‌دار» و افرادی بوده‌ایم که ظاهرا اصلاح‌طلب‌اند و با عنوان‌هایی مانند «تحول‌خواه» یا «گذارطلب» معرفی می‌شوند.

● هدف آن است که نظام جایگزین نیز به دست همان شبکه‌های قدرت و ثروتی بیفتد که در دوران جمهوری اسلامی دزدسالار، ثروت‌اندوزی کرده‌اند و اکنون ناگهان در قامت تکنوکرات‌ها ظاهر می‌شوند.

● شاهزاده رضا پهلوی به معنای کلاسیک کلمه، مدعی اشرافی قدرت نیستند و پایگاه سیاسی ایشان در داخل کشور، عمدتا در میان حقوق‌بگیران، صاحبان کسب‌وکارهای کوچک، معلمان، دانشجویان و طبقات متوسط و کارگر شهری قرار دارد؛ همان لایه‌های اجتماعی‌ای که تبلیغات کمونیستی و اسلام‌گرایانه در طول تاریخ، مدعی نمایندگی آنها بوده است.

● حامیان شاهزاده رضا پهلوی، از هر طیف و گروهی، ایشان را چهره‌ای انتقالی می‌دانند که از امتیازات ویژه‌ای برخوردار هستند. ایشان با ساختار قدرت کنونی درهم‌تنیده نیستند و تعهدات علنی‌شان بر یک فرایند سیستم‌محور، نه حکومت شخصی، تأکید دارد.

● بنابراین، سیاست‌گذاران آمریکایی و دیگر کشورهای دموکراتیک با یک انتخاب دوگانه روبرو هستند. احترام گذاشتن به خواستی که ایرانیان بارها بیان کرده‌اند، احتمال تبدیل شدن دولت آینده‌ی ایران به یک دولت جانشین الیگارشی را کاهش می‌دهد. در مقابل، نادیده گرفتن این خواست، به نام انعطاف‌پذیری تاکتیکی یا مدیریت سهم‌خواهی بازیگران مسلح محلی و گروه‌های مدعی تکثرگرایی، خطر معکوس را افزایش می‌دهد.

● حمایت خارجی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که توانایی مردم ایران را برای تعیین ترتیبات سیاسی خود پس از رژیم تقویت کند، نه اینکه اقلیت‌های مسلح کوچک یا شبکه‌های مالی مهاجران خارج از کشور را که خود رژیم پرورش داده، توانمند سازد.



رژه خیابانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

فرد صابری - یکی از جدی‌ترین خطاهای راهبردی‌ای که ایالات متحده و متحدان دموکراتیک آن می‌توانند در مواجهه با رژیم آیت‌الله‌ها مرتکب شوند، نادیده گرفتن خواست صریح مردم ایران و ترجیح الگوی آشنای «مرد قدرتمند» است؛ الگویی که پیش از این، بارها و بارها به آن اشاره شده و در بزنگاه‌های تاریخ پرفراز و نشیب جهان، در قرن گذشته و دوران کنونی، شکست خورده است.

تجربه‌های اخیر سوریه و ونزوئلا نشان داده‌اند که قدرت‌های خارجی، اغلب توافق‌های کوتاه‌مدت و مبتنی بر دادوستد با صاحبان باقی‌مانده‌ی قدرت در رژیم پیشین را بر مطالبات مستمر و برخاسته از بطن جامعه ترجیح می‌دهند؛ مطالباتی که از سوی مردمانی مطرح می‌شوند که پیشتر، بهای بسیار سنگینی برای تغییر پرداخته‌اند.

این تجربه‌ی گرانبار تاریخی در خصوص ایران نیز صدق می‌کند. چرا که مردم ایران بارها و بارها، خواسته‌های خود را، هم در آنچه رد می‌کنند و هم در آنچه مطالبه می‌کنند، به‌روشنی بیان کرده‌اند. آنها در خیابان‌ها و در موج‌های پی‌درپی اعتراضات و از طریق مقاومت مدنی مستمر، رژیم کمونیست-اسلامیست کنونی، دولت موازی برساخته به دست سپاه تروریستی پاسداران و هرگونه تداوم حکومت بنیادگرای مذهبی را رد کرده‌اند.

ملت ایران همچنین چشم‌انداز ایجابی خود را مطرح کرده است؛ چشم‌اندازی که بر تمامیت ارضی کشور، جدایی دین از حکومت، برابری شهروندان در برابر قانون، حقوق فردی و حق برگزاری انتخابات آزاد تأکید دارد. این چشم‌انداز، بر حاکمیت ملی عاری از صدور ایدئولوژی و گذاری استوار است که به‌جای ایجاد یک گسست انقلابی جدید، پیوستگی نهادی با سنت‌های قانون اساسی ایران، پیش از شورش بهمن ۵۷ را احیا کند.

در طول چند ماه گذشته، ارزیابی‌های ایالات متحده، از جمله اظهارات مرتبط با دونالد ترامپ و تأییدهای بعدی دولت آمریکا، بر جان‌باختن بیش از ۷۲ هزار نفر در جریان انقلاب ملی شیرخورشید ایران در دی‌ماه سال گذشته تأکید کرده‌اند. این تنها یک نمونه از جنایت عریان رژیم آیت‌الله‌ها در ایران است. چرا که از شورش بهمن ۵۷ تاکنون، صدها هزار ایرانی به روش‌های مختلف کشته شده یا به زندان افتاده‌اند و میلیون‌ها ایرانی نیز زیر فشار این رژیم اهریمنی، تبعید ناخواسته را به جان خریده‌اند. اوج این روند در دوره‌ی اخیر، طی انقلاب شیرخورشید و همچنین اعدام‌های متعاقب آن، که همچنان ادامه دارند، رخ داده است.

این هزینه‌ی سنگین، هدف و جهت‌گیری ملت ایران را روشن کرده است. چرا که مطالبه‌ی مردم ایران، اصلاحات مدیریت‌شده در چارچوب نظام موجود یا به قدرت رساندن یک فرد به‌اصطلاح قدرتمند از درون ساختار کنونی نیست؛ بلکه برچیدن قاطع جمهوری اسلامی و استقرار یک مرجع انتقالی معتبر است که مردم ایران آن را مشروع بدانند.

در این میان، خطر موازی دیگری نیز وجود دارد که در تلاش‌های پیچیده‌ی رژیم اسلامی برای منحرف کردن کمک‌های خارجی نهفته است؛ کمک‌هایی که ممکن است از سوی ایالات متحده یا اسرائیل، با هدف مسلح کردن و توانمندسازی مردم ایران ارائه شوند.

رژیم آیت‌الله‌ها مدت‌هاست که شبکه‌هایی از مزدوران مسلح نیابتی و گروه‌های مجرمانه را در داخل ایران، بویژه در سیستان و بلوچستان و مناطق کردنشین، پرورش داده است. همان‌طور که در نوشته‌های پیشین نیز اشاره شد، اکثریت قاطع هم‌میهنان بلوچ و کرد، به جوامعی ریشه‌دار و از نظر سیاسی آگاه تعلق دارند که همان تبعیض نظام‌مند، محرومیت اقتصادی و خشونت دستگاه امنیتی‌ای را تجربه کرده‌اند که دیگر شهروندان ایران نیز با آن مواجه بوده‌اند.

آنها نیروهایی نیستند که بطور طبیعی جذب دستگاه اطلاعاتی رژیم شوند. با این حال، اقلیتی کوچک اما مسلح، سال‌ها با سازمان اطلاعات سپاه تروریستی پاسداران همکاری کرده و در تسهیل قاچاق مواد مخدر،

پشتیبانی لجستیکی فرامرزی به عراق، افغانستان و پاکستان و اعمال ارعاب در مناطق محلی نقش داشته‌اند. این گروه‌ها به همان اندازه نماینده‌ی جوامع قومی خود نیستند که رسانه‌های حکومتی رژیم، نماینده‌ی ملت ایران نبوده‌اند، نیستند و نخواهند بود. به‌رسمیت شناختن آنان بعنوان نمایندگان و طرف‌های گفتگوی این جوامع، یا هدایت حمایت‌های مادی از طریق آنان، صرفا همان الگوی جذب و به خدمت گرفتن نیروها را بازتولید خواهد کرد که جمهوری اسلامی طی دهه‌ها به کار گرفته است.

در یک نمونه‌ی آشکار از این اشتباه ویرانگر، شاهد بوده‌ایم که پایانه‌های استارلینک ارسالی از سوی ایالات متحده برای توانمندسازی مردم ایران، به دست افراد مناسب نرسیدند.

از این رو و با توجه به اینکه بقای رژیم آشکارا در معرض تهدید قرار گرفته، پیش‌بینی هدف نهایی آن دشوار نیست. شبکه‌های باقی‌مانده، که بسیاری از آنها با سپاه پاسداران پیوند خورده‌اند، طی چهار دهه‌ی گذشته از طریق پول‌شویی در کانادا، اروپا، استرالیا، بریتانیا و آمریکای جنوبی، ثروت‌های هنگفتی انباشته‌اند و اکنون قصد دارند در هرگونه فضای سیاسی پس از فروپاشی جمهوری اسلامی، دوباره وارد میدان شوند.

الگوی عملکرد آنان هم‌اکنون در عراق و افغانستان قابل مشاهده است؛ جایی که بازیگران مرتبط با جمهوری اسلامی و شرکای محلی آنها، پس از تغییر رسمی رژیم به دست ایالات متحده، کنترل نهادهای دولتی، نیروهای امنیتی و جریان‌های مالی و منابع را به دست گرفتند. این روزها شاهد تلاش‌های مشابهی در ونزوئلا نیز هستیم.

اما در ایران، این سازوکار کاملا آشناست و مردم ایران به‌خوبی از آن آگاه هستند. چرا که پیش از این نیز شاهد دگردیسی ناگهانی چهره‌های «ریش‌دار» و افرادی بوده‌ایم که ظاهرا اصلاح‌طلب‌اند و با عنوان‌هایی مانند «تحول‌خواه» یا «گذارطلب» معرفی می‌شوند. همان کسانی که به سرمایه‌ی خارجی دسترسی دارند و با خرید رسانه‌ها و استفاده از نفوذ سیاسی خود، در مسیر پیشرفت واقعی و مرحله‌بندی‌شده‌ی دموکراسی مانع‌تراشی می‌کنند.

اینجاست که یک پرسش مهم مطرح می‌شود. هدف از این دگردیسی چیست؟ بی‌شک هدف از چنین رویکردی، لزوما احیای خود جمهوری اسلامی نیست؛ بلکه به کنترل درآوردن هر نظامی است که جایگزین آن شود. به عبارت ساده‌تر، هدف آن است که نظام جایگزین نیز به دست همان شبکه‌های قدرت و ثروتی بیفتد که در دوران جمهوری اسلامی دزدسالار، ثروت‌اندوزی کرده‌اند و اکنون ناگهان در قامت تکنوکرات‌ها ظاهر می‌شوند.

چنین تلاش‌هایی حتی در جریان مذاکرات ناموفق پیشین نیز آشکار بود؛ زمانی که گروهی از وابستگان رژیم، بویژه «اصلاح‌طلبان»، خود را بعنوان جایگزین جمهوری اسلامی تبلیغ می‌کردند!

دقیقا به همین دلیل است که شمار زیادی از ایرانیان پیرامون شاهزاده رضا پهلوی گرد آمده‌اند و ایشان را تنها جایگزین برخوردار از شناخت عمومی گسترده می‌دانند که توانایی جلوگیری از چنین تصاحب قدرتی را دارد.

شاهزاده رضا پهلوی به معنای کلاسیک کلمه، مدعی اشرافی قدرت نیستند و پایگاه سیاسی ایشان در داخل کشور، عمدتا در میان حقوق‌بگیران، صاحبان کسب‌وکارهای کوچک، معلمان، دانشجویان و طبقات متوسط و کارگر شهری قرار دارد؛ همان لایه‌های اجتماعی‌ای که تبلیغات کمونیستی و اسلام‌گرایانه در طول تاریخ، مدعی نمایندگی آنها بوده است. این واقعیت جمعیت‌شناختی باعث شده حملات قدیمی چپ‌گرایان رفوزه به پایگاه و خاستگاه جریان پادشاهی‌خواهی در ایران، تا حد زیادی بی‌اثر بماند.

حامیان شاهزاده رضا پهلوی، از هر طیف و گروهی، ایشان را چهره‌ای انتقالی می‌دانند که از امتیازات ویژه‌ای برخوردار هستند. ایشان با ساختار قدرت کنونی درهم‌تنیده نیستند و تعهدات علنی‌شان بر یک فرایند سیستم‌محور، نه حکومت شخصی، تأکید دارد. نبود چهره‌های دیگری که از میزان شناخته‌شدگی عمومی و پذیرش میان‌طبقاتی مشابهی برخوردار باشند، به شکل‌گیری یک توافق عملی در میان مردم ایران انجامیده است. از این رو، ظهور هر چهره‌ی برساخته‌ی دیگر با حمایت خارجی، این خطر را به همراه دارد که به ابزاری برای پیشبرد منافع بقایای سپاه پاسداران تبدیل شود.

بنابراین، سیاست‌گذاران آمریکایی و دیگر کشورهای دموکراتیک با یک انتخاب دوگانه روبرو هستند. احترام گذاشتن به خواستی که ایرانیان بارها بیان کرده‌اند، احتمال تبدیل شدن دولت آینده‌ی ایران به یک دولت جانشین الیگارشی را کاهش می‌دهد. در مقابل، نادیده گرفتن این خواست، به نام انعطاف‌پذیری تاکتیکی یا مدیریت سهم‌خواهی بازیگران مسلح محلی و گروه‌های مدعی تکثرگرایی، خطر معکوس را افزایش می‌دهد. در چنین وضعیتی، جمهوری اسلامی سقوط می‌کند، اما شبکه‌های امنیتی و مالی آن، تحت نامی جدید خود را بازسازی می‌کنند.

پیامدهای این وضعیت برای غربی‌ها به‌مراتب شدیدتر خواهد بود. زیرا گذاری که در داخل ایران بعنوان فرایندی تحمیل‌شده از خارج و برخلاف خواست مردم تلقی شود، حسن‌نیت بازیافته‌ی کنونی ایرانیان پس از انقلاب اسلامی ۵۷ نسبت به آمریکا را دوباره از میان خواهد برد و برای دستگاه تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی سپاه پاسداران در دوران پس از جمهوری اسلامی، روایتی ماندگار فراهم خواهد کرد.

از سوی دیگر، ایالات متحده نیز تجربه‌ی شکست‌های راهبردی پیشین در عراق و افغانستان را در کارنامه‌ی خود دارد و از نظر تئوریک بعید به نظر می‌رسد که بخواهد با نادیده گرفتن خواست مردم ایران، یک شکست راهبردی دیگر را تجربه کند. اما اگر چنین اشتباهی رخ دهد، عواقب و پیامدهای خطرناکی در پی خواهد داشت. چرا که بیگانگی و فاصله‌ای که در نتیجه‌ی آن میان مردم ایران و قدرت‌های خارجی ایجاد می‌شود، صرفا یک پیامد نظری نخواهد داشت؛ بلکه محیط امنیتی پیش روی ایالات متحده و کل دنیای آزاد را برای چندین نسل، شکل خواهد داد.

حمایت خارجی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که توانایی مردم ایران را برای تعیین ترتیبات سیاسی خود پس از رژیم تقویت کند، نه اینکه اقلیت‌های مسلح کوچک یا شبکه‌های مالی مهاجران خارج از کشور را که خود رژیم پرورش داده، توانمند سازد.

مردم ایران به حمایت و توانمندسازی نیاز دارند تا بتوانند در یک سطح برابر با سپاه پاسداران مبارزه کنند. این امر مستلزم گوش سپردن به پیامی است که پیش‌تر از خیابان‌های ایران و جامعه‌ی ایرانیان خارج از کشور ارسال شده است.

پیامی که هشدار می‌دهد جایگزین کردن قضاوت پایتخت‌های خارجی، یا تکیه بر دارایی‌ها و نیروهای باقی‌مانده از نظام در حال فروپاشی، به‌جای خواست مردم ایران، به معنای تکرار تجربه‌ی عراق، افغانستان و سوریه خواهد بود؛ تجربه‌هایی که هزینه‌ی سنگین انتخاب مسیر اشتباه را به‌روشنی نشان داده‌اند.

برگزاری مراسم بزرگداشت زادروز شهبانو فرح پهلوی در پاریس



پاریس روز ۱۴ اکتبر ۲۰۲۶، برابر با ۲۲ مهر ۱۴۰۵، میزبان مراسم بزرگداشت هشتادوهشتمین زادروز شهبانو فرح پهلوی بود. این مراسم به همت فهمیه روبیول، دارنده نشان لژیون دونور فرانسه، در محدوده انوالید در منطقه هفتم پاریس برگزار شد. سفیر پیشین فرانسه در ایران و افغانستان نیز در این بزرگداشت حضور داشت.

پس از پایان مراسم، گل‌های این بزرگداشت به آرامگاه شاهدخت لیلا پهلوی برده و به یاد او بر مزارش گذاشته شد.

گزارش ویدیویی کسرا هدایتی از این مراسم را می‌بینید.

مشاور سیاست خارجی نتانیاهو با تأکید بر نقش ملت ایران:
اسرائیل «بسیار نزدیک» به ایجاد شرایط تغییر رژیم در ایران است

اوفیر فالک در گفتگو با «اورشلیم‌پست» تأکید کرد که شرایط تغییر رژیم هم‌اکنون آماده‌ی شکل‌گیری است و فشارهای نظامی و اقتصادی در حال ایجاد فضایی است که به مردم ایران امکان به چالش کشیدن بقایای جمهوری اسلامی را می‌دهد.

او در عین حال تصریح کرد: «تغییر رژیم در ایران بر عهده‌ی مردم ایران است» و اسرائیل صرفاً شرایط را فراهم می‌کند، نه اینکه خود مستقیماً دست به تغییر رژیم بزند.

به گفته‌ی او، حملات به مقامات ارشد، دانشمندان هسته‌ای، موشک‌ها، پرتابگرها و ظرفیت‌های تولیدی، توان نظامی و بازدارندگی جمهوری اسلامی را به شکل قابل توجهی کاهش داده است.

در حالی که مشاور سیاسی خارجی بنیامین نتانیاهو از نزدیک شدن شرایط تغییر رژیم و نقش نهایی ملت ایران سخن می‌گوید، خواست مردم داخل و خارج، همراه با نقش برجسته شاهزاده رضا پهلوی، نشان‌دهنده‌ی پویایی و آمادگی آنها برای رقم زدن حضور یک ایران آزاد در جامعه جهانی است.

یکی از مشاوران سیاست خارجی نخست‌وزیر اسرائیل اعلام کرده که این کشور «بسیار نزدیک» به ایجاد شرایطی است که زمینه‌ی تغییر رژیم را در ایران فراهم کند.

اوفیر فالک مشاور سیاست خارجی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل اعلام کرد که اسرائیل «بسیار نزدیک» به ایجاد شرایطی است که زمینه‌ی تغییر رژیم جمهوری اسلامی در ایران را فراهم کند.

فالک در گفتگو با «اورشلیم‌پست» تأکید کرد که شرایط تغییر رژیم هم‌اکنون آماده‌ی شکل‌گیری است و فشارهای نظامی و اقتصادی در حال ایجاد فضایی است که به مردم ایران امکان به چالش کشیدن بقایای جمهوری اسلامی را می‌دهد.

مشاور بنیامین نتانیاهو در پاسخ به این پرسش که فشارها تا چه حد به تحقق تغییر رژیم نزدیک شده‌اند، گفت: «فکر می‌کنم بسیار نزدیک به ایجاد آن شرایط هستیم. آن شرایط هم‌اکنون در حال ایجاد شدن است.» او در عین حال تصریح کرد: «تغییر رژیم در ایران بر عهده‌ی مردم ایران است» و اسرائیل صرفاً شرایط را فراهم می‌کند، نه اینکه خود مستقیماً دست به تغییر رژیم بزند.

فالک محاصره‌ی اقتصادی تحت رهبری آمریکا را موفق توصیف کرد؛ هرچند یادآور شد که فشار اقتصادی برای اثرگذاری به زمان نیاز دارد. او استدلال کرد که رژیم ایران و نیروهای مزدور نیابتی‌اش در منطقه به شدت تضعیف شده‌اند. به گفته‌ی او، حملات به مقامات ارشد، دانشمندان هسته‌ای، موشک‌ها، پرتابگرها و ظرفیت‌های تولیدی، توان نظامی و بازدارندگی جمهوری اسلامی را به شکل قابل توجهی کاهش داده است.

در بخش دیگری از این گفتگو، در مورد اختلافات احتمالی میان اسرائیل و آمریکا بر سر رژیم ایران، فالک تأکید کرد که «اختلاف عمده‌ای میان رئیس‌جمهور آمریکا و نخست‌وزیر اسرائیل در مسائل کلان» ندیده است. او رابطه‌ی استراتژیک واشنگتن و اورشلیم را بسیار نزدیک توصیف نموده و به



بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در گفتگو شبکه‌ی با ای‌بی‌سی نیوز / واشنگتن / ژوئیه ۲۰۲۶

هماهنگی نظامی و برنامه‌ریزی مشترک اشاره کرد. این موضع، هماهنگی اسرائیل و دولت ترامپ در قبال ایران را برجسته می‌کند.

مشاور سیاست خارجی نتانیاهو همچنین به خطر پیش روی معترضان ایرانی در خیابان‌ها اشاره کرد. او به سرکوب خشونت‌آمیز اعتراض‌ها در دی‌ماه سال گذشته توسط جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت: «نگرانی‌های مردم را درک می‌کنم».

اوفیر فالک هیچ جدول زمانی مشخصی برای وقوع تغییر سیاسی در ایران ارائه نداد و جزئیاتی درباره‌ی کمک‌های احتمالی به مردم ایران را نیز فاش نکرد.

فالک همچنین عملیات‌های «طلوع شیران» و «غرش شیران» را «دو مورد از موفق‌ترین عملیات‌های نظامی در تاریخ اخیر» خواند. او دستاوردهای این عملیات‌ها را «شگفت‌انگیز» توصیف کرد، هرچند پذیرفت که هیچ عملیات نظامی‌ای کامل نیست. این اشاره نشان می‌دهد که عملیات‌های نظامی اسرائیل، در چارچوب فشار گسترده‌تر بر جمهوری اسلامی، نقش محوری داشته‌اند.

در پی این فشارهای خارجی و تضعیف تدریجی رژیم ایران، حمایت گسترده‌ای از شاهزاده رضا پهلوی به عنوان چهره‌ی اصلی اپوزیسیون و نماینده‌ی سیاسی مردم ایران در حال شکل‌گیری و تقویت است.

«بنیاد فریدریش نائومان برای آزادی» جایزه‌ی آزادی ۲۰۲۶ خود را به مردم ایران اهدا کرده و شاهزاده رضا پهلوی را برای دریافت آن به امانت از سوی ملت ایران در مراسم ۷ نوامبر ۲۰۲۶ (۱۶ آبان) در کلیسای «سنت پل» فرانکفورت دعوت کرده است.

رئیس هیئت‌مدیره این بنیاد، اشتفن زِبیش، تأکید کرده که این جایزه به اراده‌ی آزادی صدها هزار نفری که جان خود را برای سرنگونی رژیم ملاها به خطر انداخته‌اند، ادای احترام می‌کند و شاهزاده رضا پهلوی تا روزی که نمایندگان منتخب ایران آزاد بتوانند آن را دریافت کنند، آن را به امانت نگه می‌دارد. این تصمیم، شاهزاده رضا پهلوی را به عنوان شناخته‌شده‌ترین شخصیت اپوزیسیون و حامی بازگشت به آزادی و دموکراسی معرفی می‌کند که بر تعیین شکل آینده حکومت توسط خود مردم از طریق انتخابات آزاد تأکید دارد.

بعداز سرکوب خونین اعتراضات مرتبط با انقلاب شیروخورشید در دی‌ماه ۴۰۴، با وجود فشارهای مداوم، از داخل ایران نیز حمایت‌های قابل توجهی اعلام شده است. بیانیه‌ای با امضای ۱۳۳ زندانی سیاسی و کنشگر مدنی، شاهزاده رضا پهلوی را نماینده‌ی سیاسی و صدای حقوق و خواست‌های آنها در جامعه جهانی دانسته است. آنها خواستار پایان جمهوری اسلامی، استقرار حکومت آزاد، نماینده‌ای که تمامیت ارضی ایران را حفظ کند و دین را از سیاست جدا سازد، شده‌اند و از رهبری ایشان در دوره‌ی گذار حمایت کرده‌اند.

همچنین، بیش از ۱۷۰۰ تن از فعالان سیاسی و مدنی و خانواده‌های جانباختگان و زندانیان سیاسی از دریافت این جایزه توسط شاهزاده رضا پهلوی حمایت کرده‌اند. این بیانیه‌ها در شرایطی صادر می‌شوند که رژیم ایران به سرکوب، اعدام‌ها و قطع ارتباطات ادامه می‌دهد تا نشان دهد هزینه‌ی حضور در خیابان‌ها را افزایش داده است.

ایرانیان خارج کشور نیز با تظاهرات مستمر و گسترده، این حمایت را به نمایش گذاشته‌اند. در ماه‌های گذشته، صدها تجمع در ده‌ها شهر و بیش از ۳۰ کشور برگزار شده که با پرچم‌های شیروخورشید، تصاویر شاهزاده رضا پهلوی و شعارهای «جاوید شاه» همراه بوده است.

رویدادهای بزرگی مانند تجمعات مونیخ (برآوردها تا ۲۵۰ هزار نفر)، تورنتو و لس‌آنجلس در فوریه ۲۰۲۶، در پاسخ به فراخوان‌های شاهزاده رضا پهلوی، صدای مردم داخل ایران را به جهان رساندند. اخیراً نیز تجمعات کوچک‌تر و مداوم در شهرهای اروپا مانند هامبورگ در آلمان تا آدلاید در استرالیا و دیگر نقاط در جریان است و پیام‌هایی از داخل کشور، ایرانیان خارج را به حضور گسترده در فرانکفورت در ۷ نوامبر برای «حمایت از ملت ایران» فرا می‌خوانند.

این گردهمایی‌های اعتراضی که بعداز انقلاب شیروخورشید در هجدهم و نوزدهم دی‌ماه ۱۴۰۵ بیش از پیش و بطور پیوسته ادامه دارند، نه تنها همبستگی با معترضان داخل را نشان می‌دهند، بلکه فشار بر جامعه بین‌المللی برای اقدام عملی علیه جمهوری اسلامی و حمایت از گذار دموکراتیک را افزایش می‌دهند.

با اینهمه، در حالی که مشاور سیاسی خارجی بنیامین نتانیاهو از نزدیک شدن شرایط تغییر رژیم و نقش نهایی ملت ایران سخن می‌گوید، خواست مردم داخل و خارج، همراه با نقش برجسته شاهزاده رضا پهلوی، نشان‌دهنده‌ی پویایی و آمادگی آنها برای رقم زدن حضور یک ایران آزاد در جامعه جهانی است.

حمایت قاطع ترامپ از نتانیاهو در انتخابات اسرائیل؛
نتانیاهو: «با هم مأموریت را به پایان خواهیم رساند»

● دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، یکشنبه ۲۶ مهرماه در شبکه «تروث سوشال» طی پیامی خطاب به مردم اسرائیل، از بنیامین نتانیاهو در انتخابات پارلمانی آن کشور حمایت کرد و گفت، جمهوری اسلامی تهدیدی مشترک علیه اسرائیل و آمریکاست.

● ترامپ نوشت: «بی‌بی نتانیاهو نخست‌وزیری جنگاور و بزرگ بوده و در مقابله با جمهوری اسلامی، شریکی حتی بزرگتر برای صلح است؛ حکومتی که ۵۱ سال است شعار مرگ بر اسرائیل، مرگ بر آمریکا! شیطان کوچک و شیطان بزرگ را نابود خواهیم کرد سر می‌دهد.»

● او با اشاره به این شعارها افزود: «تنها مسئله زمان بود تا [رژیم] ایران آن شعار شوم را عملی کند، اما ما توان نظامی و مالی آن را بطور کال نابود کرده‌ایم و اگر این [حکومت] کشور به سرعت مسیر خود را تغییر ندهد، به زودی کار را تمام خواهیم کرد.»



دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، یکشنبه ۲۶ مهرماه در شبکه «تروث سوشال» طی پیامی خطاب به مردم اسرائیل، از بنیامین نتانیاهو در انتخابات پارلمانی آن کشور حمایت کرد و گفت، جمهوری اسلامی تهدیدی مشترک علیه اسرائیل و آمریکاست.

ترامپ نوشت: «بی‌بی نتانیاهو نخست‌وزیری جنگاور و بزرگ بوده و در مقابله با جمهوری اسلامی، شریکی حتی بزرگتر برای صلح است؛ حکومتی که ۵۱ سال است شعار مرگ بر اسرائیل، مرگ بر آمریکا! شیطان کوچک و شیطان بزرگ را نابود خواهیم کرد سر می‌دهد.»

او با اشاره به این شعارها افزود: «تنها مسئله زمان بود تا [رژیم] ایران آن شعار شوم را عملی کند، اما ما توان نظامی و مالی آن را بطور کامل نابود کرده‌ایم و اگر این [رژیم] کشور به سرعت مسیر خود را تغییر ندهد، به زودی کار را تمام خواهیم کرد.»

ترامپ همچنین نوشت، اگر اسرائیل رهبری غیر از نتانیاهو داشته باشد، آمریکا ناچار خواهد شد این کار را به تنهایی انجام دهد؛ موضوعی که به گفته او، تمایلی به آن ندارد.

ترامپ در ادامه، با تمجید از نتانیاهو، او را رهبری قدرتمند، شجاع و درخشان توصیف کرد و نوشت که او در برابر مخالفت‌های گسترده، حتی در داخل اسرائیل، مقاومت کرده و قوی‌تر شده است. در پایان پیام، ترامپ پشتیبانی کامل خود را از بنیامین نتانیاهو اعلام کرده و تأکید کرده است: «بی‌بی نتانیاهو هرگز شما را ناامید نخواهد کرد».

حمایت قاطع و صریح ترامپ از بینامین نتانیاهو در حالیست که او چند روز قبل در مصاحبه‌ای با «نیوزمکس» از اعلام حمایت علنی خودداری کرده و گفته بود حتی به آن فکر نکرده است. او بعدا در مصاحبه با «کانال ۱۲» اسرائیل توضیح داد که همیشه قصد حمایت داشته اما نمی‌خواسته خیلی زود اعلام کند. وی افزود: « چرا ریسک کنیم؟»

بنیامین نتانیاهو نیز در واکنش به حمایت کامل ترامپ از او در انتخابات اسرائیل طی یک پیام ویدئویی در «ایکس» نوشت: «از حمایت گسترده و همکاری‌تان سپاسگزارم.» او تأکید کرد: «با هم ماموریت را به پایان خواهیم رساند.»

نخست‌وزیر اسرائیل همچنین در پست دیگری اعلام کرد که از این حمایت «مفتخر و قدردان» است و تأکید کرد که با همراهی ترامپ اجازه نخواهند داد رژیم ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد.انتخابات اسرائیل قرار است ۲۷ اکتبر و یک هفته پیش از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا (۳ نوامبر) برگزار شود و انتخاب مجدد نتانیاهو و ماندن او در قدرت برای جمهوری اسلامی یک نگرانی عمده به شمار می‌رود.

این انتخابات نخستین انتخابات سراسری اسرائیل پس از حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ است. بر اساس گزارش‌ها، نظرسنجی‌ها نشان‌دهنده‌ی رقابت تنگاتنگ هستند. طبق میانگین نظرسنجی‌ها، جناح نتانیاهو (شامل حزب لیکود و احزاب راست و مذهبی) حدود ۵۰ تا ۵۴ کرسی را در اختیار دارند، در حالی که جناح مخالفان (به رهبری گادی آیزنکوت از حزب یشار، نفتالی بنت و دیگران) نزدیک به آنست و در نظرسنجی‌ها هیچکدام به ۶۱ کرسی لازم برای اکثریت نمی‌رسند.

همزمان نتانیاهو در مصاحبه‌ای با «فاکس‌نیوز» گفت که مردم ایران به گروگان «اوباش ایدئولوژیک» درآمده‌اند. او در پاسخ به این پرسش که در صورت انتخاب دوباره به عنوان نخست‌وزیر اسرائیل، در دو سال باقیمانده از دوره ریاست جمهوری ترامپ چه اقدامی انجام خواهد داد، گفت: «نابودی کامل تهدید رژیم ایران علیه اسرائیل، آمریکا و جهان.»

نخست وزیر اسرائیل افزود: «فکر می‌کنم با رهبری درخشان ترامپ، در مسیر دستیابی به این هدف هستیم و پیشرفت بسیار خوبی داشته‌ایم. هم اقدامات نظامی و هم محاصره اقتصادی بسیار موثر بوده‌اند.»

او همچنین تأکید کرد: «بیایید این کار را به پایان برسانیم و اجازه دهیم مردم ایران آینده خودشان را در دست بگیرند. این اتفاق خاورمیانه را تغییر خواهد داد... تنها راه مقابله با این وضعیت، اساسا خلاص شدن از شرّ این حکومت است.»

اینهمه در حالیست که ترامپ و نتانیاهو اگرچه در سال‌های اخیر روابط نزدیکی داشته‌اند، اما در ماه‌های اخیر بر سر استراتژی جنگ، از جمله پیشنهادهای آتش‌بس، توافق کامل نداشته‌اند. ترامپ پیشتر از اعلام انجام حملات پیش از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا خودداری کرده و گفته بود تصمیم نهایی را «به زودی» خواهد گرفت.

اکنون حمایت قاطع و صریح ترامپ از نتانیاهو تأثیرات چندلایه‌ای بر جنگ با جمهوری اسلامی دارد. این تأیید به عنوان ابزاری سیاسی برای تقویت موضع سختگیرانه‌ی اسرائیل عمل می‌کند چرا که نتانیاهو همواره خود را به عنوان رهبر ضروری در مقابله با تهدید هسته‌ای و موشکی رژیم ایران معرفی کرده است.

در سطح گسترده‌تر، این حمایت در کشاکش جنگ چندجبهه‌ای اسرائیل و آمریکا با رژیم ایران و نیابتی‌های آن رخ می‌دهد. آغاز جنگ چهل روزه در فوریه ۲۰۲۶ به جمهوری اسلامی، که با مشارکت اسرائیل انجام شد، پاسخ به تهدیدات هسته‌ای و منطقه‌ای بود. ترامپ هشدار داده که در صورت عدم انتخاب بنیامین نتانیاهو ممکن است تمایلی به ادامه‌ی عملیات مشترک نداشته باشد. این چرخش احتمالی می‌تواند چشم‌انداز امنیتی خاورمیانه را تغییر دهد.

از نظر عملیاتی، حمایت ترامپ از نتانیاهو می‌تواند هماهنگی نظامی دو کشور را تقویت کند. نیروهای آمریکایی و اسرائیلی در حالت آماده‌باش باقی مانده‌اند و گزارش‌های اخیر خبر از آمادگی برای عملیات مشترک می‌دهند.

به نظر می‌رسد این اقدام ترامپ در حمایت صریح از نتانیاهو با نزدیک شدن انتخابات میاندوره‌ای، بیانگر اولویت او در مقابله با رژیم ایران است، حتی اگر هزینه‌های سیاسی داشته باشد. حمایت انتخاباتی ترامپ از نتانیاهو، با توجه به اینکه بسیاری از اسرائیلی‌ها از نتیجه‌ی نامشخص جنگ و پیشنهادهای آتش‌بس ناراضی هستند، می‌تواند به بقاء سیاسی نتانیاهو و تقویت مواضع وی منجر شود و اوضاع منطقه را به سمت تداوم و تشدید فشار حداکثری بر بقایای جمهوری اسلامی و نابودی آن سوق دهد.

بهای سنگین غرب جهت قتل رؤیاهای «تمدن بزرگ» شاه برای ایران بزرگ



پاریس، اکتبر ۲۰۲۶

ایران در سال ۱۳۵۷ تنها یک پادشاه را از دست نداد؛ یک مسیر تاریخی، یک چشم‌انداز ملی و رؤیای تبدیل‌شدن به قدرتی پیشرفته و اثرگذار در جهان را از دست داد.

شورش ۵۷ حاصل هم‌سویی نیروهای گوناگونی بود؛ اسلام‌گرایان انقلابی، سازمان‌های چپ مارکسیستی، جریان‌های ملی و مذهبی، گروه‌های لیبرال مخالف سلطنت و شاید مجموعه‌ای از نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی، به تصور عده‌ای انیرانی.

آنچه در کنفرانس گوادلوپ و تصمیم‌گیری‌های سیاسی آن دوران رخ داد، نمادی از اشتباه محاسباتی غرب در شناخت ایران، جایگاه شاه و پیامدهای قدرت‌گیری اسلام سیاسی بود.

شاه ایران رؤیای کشوری را در سر داشت که با تکیه بر میراث تمدنی خود، به جایگاهی درخور تاریخ چند هزارساله‌اش دست یابد.

تمدن بزرگ، بازگشت اعتمادبه‌نفس تاریخی به ملتی بود که میراث کوروش بزرگ، داریوش بزرگ، فردوسی، ابن‌سینا، خیام و هزاران اندیشمند و سازنده‌ی تمدن را با خود حمل می‌کرد.

سیروس کنگرلو* – از شورش ۵۷ تا بحران‌های امروز غرب؛ آیا جهان غرب اکنون بهای نابودی رؤیای ایران بزرگ را می‌پردازد؟

تمدن‌ها همیشه در میدان جنگ نابود نمی‌شوند. گاهی یک تمدن را پیش از آنکه به شکوفایی نهایی برسد، در اتاق‌های تصمیم‌گیری سیاسی، در محاسبات قدرت‌های جهانی، در هم‌پیمانی ایدئولوژی‌های مخرب و در سکوت کسانی که حقیقت را می‌شناسند اما از بیان آن می‌هراسند، به مسلخ می‌برند. ایران در سال ۱۳۵۷ تنها یک پادشاه را از دست نداد؛ یک مسیر تاریخی، یک چشم‌انداز ملی و رؤیای تبدیل‌شدن به قدرتی پیشرفته و اثرگذار در جهان را از دست داد. رؤیایی که محمدرضا شاه پهلوی آن را «تمدن بزرگ» نامیده بود و می‌خواست ایران را از کشوری اسیر عقب‌نگه‌دارندگی مذهبی به یکی از مراکز بزرگ صنعت، دانش، اقتصاد، فرهنگ و قدرت جهانی تبدیل کند.

اما برداشت تاریخی اشتباه سران کشورهای غربی نمی‌بایست به نابودی بنیان‌های دولت، فروپاشی نظم سیاسی و واگذاری سرنوشت کشوری باستانی به حاکمیتی مذهبی می‌انجامید. آنچه در سال ۱۳۵۷ بر ایران گذشت، از دیدگاه من صرفا یک تغییر حکومت نبود، بلکه قتل رؤیایی بود که می‌توانست آینده‌ی ایران و جایگاه آن را در جهان دگرگون سازد. پرسش بنیادین این است که آیا تصمیم‌گیرندگان غربی هرگز به ابعاد تاریخی آنچه در برابر چشمانشان رخ می‌داد، اندیشیده بودند؟

شورش ۵۷ حاصل هم‌سویی نیروهای گوناگونی بود؛ اسلام‌گرایان انقلابی، سازمان‌های چپ مارکسیستی، جریان‌های ملی و مذهبی، گروه‌های لیبرال مخالف سلطنت و شاید مجموعه‌ای از نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی، به تصور عده‌ای انیرانی. در برداشت تاریخی من، این نیروها با اهداف نهایی تقریبا یکسان در نابودی نظام شاهنشاهی و براندازی سلطنت به نقطه‌ی اشتراک رسیدند. آنان با وجود تفاوت در نام‌ها و شعارهای خود، در تخریب بنیان‌های ایران نوین نقشی مشترک ایفا کردند. نتیجه‌ی این هم‌سویی، گشودن راه برای استقرار حکومتی بود که ایران را از مسیر تمدن بزرگ به‌سوی حاکمیت ایدئولوژی مذهبی سوق داد.

نقش دولت‌های غربی، بویژه دولت جیمی کارتر، سیاست‌های قدرت‌های اروپایی و عملکرد فرانسه در دوران اقامت روح‌الله خمینی، از مهمترین موضوعاتی است که باید در بازخوانی شورش ۵۷ بررسی شود. از نگاه من، آنچه در کنفرانس گوادلوپ و تصمیم‌گیری‌های سیاسی آن دوران رخ داد، نمادی از اشتباه محاسباتی غرب در شناخت ایران، جایگاه شاه و پیامدهای قدرت‌گیری اسلام سیاسی بود. غرب در تصور دستیابی به نظمی تازه، چشم بر اهمیت راهبردی ایران شاهنشاهی بست و به روندی میدان داد که پیامدهای آن از مرزهای ایران فراتر رفت.

آیا آنان تصور می‌کردند با کنار رفتن محمدرضا شاه پهلوی، خاورمیانه آرام‌تر، منابع انرژی مطمئن‌تر و منافع قدرت‌های غربی تضمین خواهد شد؟ آیا نمی‌دانستند که ایران، با آن پیشینه‌ی تاریخی و موقعیت جغرافیایی، تنها یک کشور نفت‌خیز نبود، بلکه یکی از ستون‌های اصلی موازنه‌ی قدرت در منطقه محسوب می‌شد؟

غرب شاید گمان می‌کرد می‌تواند پیامدهای این دگرگونی را مدیریت کند، اما گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی در تهران، دشمنی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی با ایالات متحده و اسرائیل، گسترش شبکه‌های مسلح منطقه‌ای و بحران‌های متوالی امنیتی نشان داد که حکومت برآمده از شورش ۵۷ به بازیگری تبدیل شده است که مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی را به چالش می‌کشد.

امروز هنگامی که به فرانسه نگاه می‌کنیم، کشوری را می‌بینیم که با تهدید افراط‌گرایی مذهبی، بحران‌های اجتماعی و تقابل جریان‌های سیاسی رادیکال روبرو بوده است. کشوری که روزگاری میزبان خمینی در نوفل‌لوشاتو بود، اکنون خود ناگزیر است درباره‌ی رابطه‌ی میان آزادی‌های جمهوری‌خواهانه، امنیت ملی، افراط‌گرایی و نفوذ ایدئولوژی‌های مذهبی در فضای عمومی بیندیشد.

در ایالات متحده نیز تقابل‌های ایدئولوژیک میان جریان‌های چپ، لیبرال، دموکرات و محافظه‌کار به یکی از محورهای سیاست معاصر تبدیل شده است. از منظر انتقادی من، مسئله‌ی اساسی در این میان، عملکرد آن بخش از نیروهای سیاسی است که در مواجهه با اسلام‌گرایی افراطی، خطر تبدیل‌شدن عقیده‌ی مذهبی به ابزار سلطه‌ی سیاسی را نادیده می‌گیرند. پرسش من از این جریان‌ها آن است که چگونه می‌توان از آزادی، برابری و حقوق بشر سخن گفت، اما در برابر حکومت‌هایی که همین اصول را در ساختار حقوقی و سیاسی خود نقض می‌کنند، دچار مماشات شد؟

من در اینجا از یک تناقض تاریخی سخن می‌گویم؛ تناقض میان آرمان‌های اعلام‌شده‌ی غرب و پیامدهای سیاست‌هایی که به باور من در تضعیف ایران شاهنشاهی و

تقویت جریان‌های ایدئولوژیک نقش داشتند.

در نگاه من، آنچه امروز در بخش‌هایی از جهان غرب مشاهده می‌شود، یادآور همان خطای بنیادینی است که در برخورد با ایران سال ۱۳۵۷ رخ داد: دست‌کم گرفتن قدرت ایدئولوژی‌های تمامیت‌خواه و تصور اینکه می‌توان از نیروی آنها برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت سیاسی بهره گرفت، بی‌آنکه در آینده با پیامدهای آن روبرو شد.

شاه ایران رؤیای کشوری را در سر داشت که با تکیه بر میراث تمدنی خود، به جایگاهی درخور تاریخ چند هزارساله‌اش دست یابد. توسعه‌ی صنعتی، گسترش دانشگاه‌ها، پیشرفت فناوری، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، گسترش زیرساخت‌های ملی و تبدیل ایران به قدرتی اثرگذار، اجزای آن چشم‌انداز بودند.

در تصور من، تمدن بزرگ تنها یک برنامه‌ی اقتصادی یا مجموعه‌ای از پروژه‌های عمرانی نبود. تمدن بزرگ، بازگشت اعتمادبه‌نفس تاریخی به ملتی بود که میراث کوروش بزرگ، داریوش بزرگ، فردوسی، ابن‌سینا، خیام و هزاران اندیشمند و سازنده‌ی تمدن را با خود حمل می‌کرد. این رؤیا، پیوند دوباره‌ی شکوه تاریخی ایران با دانش، صنعت و پیشرفت جهان معاصر بود.

اما شورش ۵۷ آن مسیر را متوقف ساخت. در پی استقرار جمهوری اسلامی، بسیاری از ظرفیت‌های انسانی و علمی کشور با مهاجرت گسترده، محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی و بحران‌های اقتصادی روبرو شدند. نسل‌هایی از ایرانیان که می‌توانستند در ساختن آینده‌ی کشور خود نقش‌آفرین باشند، ناگزیر شدند توانایی‌هایشان را در سرزمین‌های دیگر به کار گیرند.

در این میان، پرسشی که همواره ذهن مرا به خود مشغول می‌کند آن است که اگر ایران به مسیر تمدن بزرگ ادامه داده بود، امروز در چه جایگاهی قرار داشت؟ آیا می‌توانست یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان باشد؟ آیا دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ایران می‌توانستند در شمار برجسته‌ترین مراکز علمی جهان قرار گیرند؟ آیا همکاری راهبردی ایران و اسرائیل، در کنار مناسبات گسترده با اروپا و آمریکا، می‌توانست چهره‌ی خاورمیانه را دگرگون کند؟

اینها پرسش‌هایی درباره‌ی آینده‌ای هستند که هرگز فرصت تحقق کامل نیافت.

از منظر فلسفه‌ی تاریخ، تصمیم‌های سیاسی در محدوده‌ی زمانی خود محصور نمی‌مانند. آثار آنها گاهی پس از دهه‌ها در ساختار قدرت، امنیت، اقتصاد و فرهنگ ملت‌ها آشکار می‌شود. آنچه امروز آن را «بهای سنگین غرب» می‌نامم، تعبیر من از پیامدهای بلندمدت تصمیم‌هایی است که در زمان خود با محاسبات کوتاه‌مدت اتخاذ شدند.

این تعبیر به معنای آن نیست که تمام بحران‌های کنونی اروپا و آمریکا از شورش ۵۷ سرچشمه گرفته‌اند؛ بلکه به معنای آن است که از دیدگاه من، تجربه‌ی ایران یکی از هشدارهای بزرگ تاریخی درباره‌ی خطرات نادیده گرفتن اسلام‌گرایی سیاسی و ائتلاف‌های ایدئولوژیک علیه ساختارهای ملی بود.

ایران نخستین و بزرگ‌ترین قربانی این خطای تاریخی بود. مردم ایران بهای آن را با از دست رفتن فرصت‌های توسعه، مهاجرت میلیون‌ها ایرانی، سرکوب آزادی‌های فردی و اجتماعی، جنگ و بحران‌های پی‌درپی پرداختند؛ بجز قتل میلیونی ایرانیان، به زندان کشیدن هزاران معترض و حقیقتی غیرقابل برگشت، سوزاندن فرصتِ تنها یک زندگی ساده برای جوانانِ مستعد ایرانی به‌قصد جایگزینی آنان با انیرانیان. اما آیا جهان غرب نیز بخشی از هزینه‌های راهبردی تصمیم‌های آن دوران را متحمل نشده است؟

آیا سیاست‌مداران غربی که روزگاری سقوط شاه را از دریچه‌ی منافع سیاسی خود می‌نگریستند، می‌توانستند تصور کنند که چند دهه بعد، موضوع اسلام‌گرایی افراطی، تروریسم، امنیت مرزها، منازعات خاورمیانه و روابط با جمهوری اسلامی همچنان در صدر نگرانی‌های امنیتی آنان قرار خواهد داشت؟

برای من، بزرگترین تراژدی آن دوران، نه صرفا سقوط یک نظام سیاسی، بلکه خاموش شدن چراغ رؤیایی و داکترینِ شاهنشاهی نوینی بود که می‌توانست ایران را به یکی از کانون‌های اصلی تمدن جهانی تبدیل کند.

تمدن بزرگ شاه، در برداشت من، وعده‌ی بازگشت ایران به جایگاهی بود که تاریخ و ظرفیت‌های انسانی آن شایستگی‌اش را داشت. ایران قرار نبود در حاشیه‌ی تحولات جهانی باقی بماند؛ قرار بود یکی از سازندگان آینده‌ی جهان باشد.

امروز، نزدیک به نیم‌قرن پس از شورش ۵۷، زمان آن فرا رسیده است که تاریخ آن رویداد نه فقط از منظر سقوط یک حکومت، بلکه از منظر فرصت‌های نابودشده‌ی یک ملت و مسئولیت تاریخی تصمیم‌گیرندگان بین‌المللی بررسی شود.

جهان غرب باید با این پرسش روبرو شود که آیا در محاسبات خود درباره‌ی ایران، ارزش و اهمیت تمدنی را که در حال شکل‌گیری بود به‌درستی شناخت؟ آیا منافع زودگذر سیاسی بر درک آینده‌ی بلندمدت ایران و منطقه غلبه نکرد؟ و آیا تجربه‌ی جمهوری اسلامی برای بازاندیشی در رابطه‌ی میان دین، ایدئولوژی و قدرت سیاسی کافی نبوده است؟

بهای سنگین قتل رؤیاهای تمدن بزرگ شاه برای ایران بزرگ، پیش از همه بر دوش ملت ایران نشست؛ اما از نگاه من، غرب نیز از پیامدهای تاریخی تصمیم‌هایی که در آن دوران اتخاذ شد، برکنار نمانده است.

آنچه از میان رفت، تنها یک برنامه‌ی توسعه نبود؛ رؤیای پیوند دوباره‌ی ایران با عظمت تمدنی خویش بود. رؤیای کشوری که می‌توانست با تکیه بر فرهنگ اهورایی، دانش نوین، صنعت پیشرفته و هویت ملی خود، الگویی متفاوت از پیشرفت در خاورمیانه و جهان ارائه دهد.

و شاید پرسش نهایی تاریخ از تصمیم‌گیرندگان آن روزگار این باشد:

آیا می‌دانستید با سرنوشت چه تمدنی بازی می‌کنید؟

آیا می‌دانستید با خاموش کردن رؤیای تمدن بزرگ شاه، تنها آینده‌ی ایران را به مخاطره نمی‌اندازید، بلکه موازنه‌ی تاریخی منطقه‌ای حساس از جهان را نیز دگرگون می‌سازید؟

و آیا اکنون، در برابر بحران‌های تازه، زمان آن نرسیده است که جهان غرب به بهای سنگین تصمیم‌های تاریخی خود بیندیشد؟

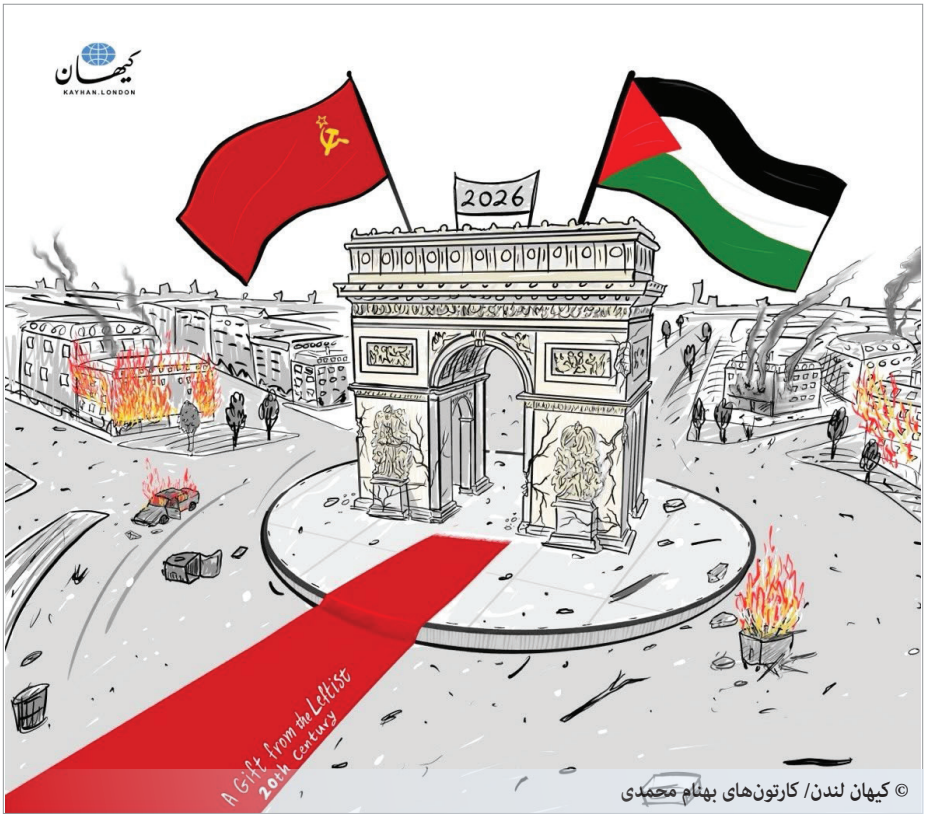
ایران بزرگ، در اندیشه‌ی من، سرزمینی نیست که هویت و آینده‌اش را بتوان با یک شورش، یک ایدئولوژی فناتیک و کهنه یا تصمیم چند دولت خارجی برای همیشه از میان برد. تمدنی که هزاران سال از تهاجم‌ها، ویرانی‌ها و دگرگونی‌های تاریخی عبور کرده است، ظرفیت بازآفرینی خود را نیز دارد.

رؤیای تمدن بزرگ ممکن است در سال ۱۳۵۷ متوقف شده باشد، اما آرمان ایران بزرگ، آزاد، آباد و پیشرفته همچنان می‌تواند در اندیشه و اراده‌ی نسل‌های آینده زنده بماند.

زیرا می‌توان مسیر یک تمدن را برای مدتی متوقف ساخت، اما نمی‌توان حافظه‌ی تاریخی و آرزوی سربلندی یک ملت را برای همیشه به قتل رساند.

*سیروس کنگرلو، پژوهشگر فلسفه و جامعه‌شناسی

وضعیت فرانسه؛ فرشی که در قرن بیستم پهن شد!



© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

انفجار دو کشتی در تنگه هرمز؛ سپاه پاسداران: بر سر عهدمان با مجتبی خامنه‌ای هستیم!



تنگه هرمز

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای که روز سه‌شنبه ۲۸ مهرماه ۱۴۰۵ صادر شد، اعلام کرد که دو «نفتکش متخلف» در تنگه هرمز مورد اصابت مین‌های دریایی قرار گرفته‌اند. همچنین ادعا شد که یک پهپاد آمریکایی MQ-9 هدف قرار گرفت و سرنگون شد.

در بیانیه سپاه پاسداران ضمن تأکید بر عهدشان با مجتبی خامنه‌ای آمده: «فرزندان رزمنده شما در نیروهای دریایی و هوافضای سپاه با رصد مستمر وضعیت منطقه، بر عهدی که با رهبری معظم انقلاب و شما مردم وفادار بسته‌اند، هستند و با اعمال حاکمیت و مدیریت بر تنگه هرمز گلوی گرگان جهانخوار را همچنان می‌فشارند.»

محمدرضا عارف معاون مسعود پزشکیان از اقدامات سپاه پاسداران حمایت کرده است. او در دیدار با میخائیل میشوستین نخست‌وزیر روسیه گفته: «برای حفظ امنیت خود راهی جز اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز نداریم.»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای که روز سه‌شنبه ۲۸ مهرماه ۱۴۰۵ صادر شد، اعلام کرد که دو «نفتکش متخلف» در تنگه هرمز مورد اصابت مین‌های دریایی قرار گرفته‌اند. همچنین ادعا شد که یک پهپاد آمریکایی MQ-9 هدف قرار گرفت و سرنگون شد.

در بیانیه سپاه پاسداران ضمن تأکید بر عهدشان با مجتبی خامنه‌ای آمده: «فرزندان رزمنده شما در نیروهای دریایی و هوافضای سپاه با رصد مستمر وضعیت منطقه، بر عهدی که با رهبری معظم انقلاب و شما مردم وفادار بسته‌اند، هستند و با اعمال حاکمیت و مدیریت بر تنگه هرمز گلوی گرگان جهانخوار را همچنان می‌فشارند.» در این بیانیه بر روی «اعمال حاکمیت» جمهوری اسلامی بر تنگه هرمز تأکید شده است.

سپاه پاسداران همچنین اعلام کرد که یک فروند پهپاد MQ9 ارتش آمریکا برفراز آب‌های ایران مورد اصابت قرار گرفت و سرنگون شد. سنتکام هنوز واکنشی به این ادعا نشان نداده است.

نیروی دریایی سپاه پاسداران اخطار داده است که «عبور از مسیر مین‌گذاری شده، غیرقانونی و نتیجه‌ای جز به آتش کشیده شدن سرمایه‌های متخلفان نخواهد داشت و در صورت استمرار این شیطنت‌ها توسط رژیم مستکبر آمریکا شرکت‌های نفتی باید تاوان بزرگتری بپردازند.»

هرچند ادعا می‌شود دولت جمهوری اسلامی در پی راهی برای مذاکره با آمریکاست و از سوی برخی چهره‌های اصلاح‌طلب نزدیک به دولت هدف قرار دادن کشتی‌ها توسط سپاه پاسداران به نیروهای «خودسر» نسبت داده می‌شود، محمدرضا عارف معاون مسعود پزشکیان از اقدامات سپاه پاسداران حمایت کرده است. او در دیدار با میخائیل میشوستین نخست‌وزیر روسیه گفته: «برای حفظ امنیت خود راهی جز اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز نداریم.»

جمهوری اسلامی در محاصره دریایی قرار دارد اما نیروهای مسلح رژیم (سپاه و ارتش) با اقدامات خود مسیر جنوبی تنگه هرمز را نیز ناامن کرده‌اند. دونالد ترامپ و مقامات آمریکایی می‌گویند که جمهوری اسلامی کنترلی بر تنگه هرمز ندارد اما رژیم با افزایش سطح تهدیدات خود دست‌کم با حمله‌های موردی به کشتی‌ها می‌خواهد نشان دهد که ادعاهای آمریکا درست نیست و تبلیغات است.

دونالد ترامپ: علیه جمهوری اسلامی از سلاح هسته‌ای و نیروی زمینی استفاده نمی‌کنیم

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در مصاحبه با شبکه «نیوزمکس» استفاده از سلاح‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران را رد کرد و گفت که ایالات متحده نیازی به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای ندارد. او گفت: «نه! من از سلاح هسته‌ای استفاده نخواهم کرد. نیازی به این کار نداریم.»

ترامپ در بخش دیگری از این مصاحبه گفت که عملیات پیشین آمریکا و اسرائیل آسیب‌های سنگینی به زیرساخت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران وارد کرده است؛ اما ممکن است علیه تاسیساتی که گمان می‌رود همچنان فعال باشند، به اقدامات بیشتری نیاز باشد. او گفت، «ما کوه کلنگ را زیر نظر داریم. ممکن است لازم باشد به آنجا برویم. ما سراغ آن خواهیم رفت و به‌سرعت آن را از کار می‌اندازیم.»

ترامپ همچنین احتمال اعزام نیروهای زمینی آمریکا به داخل خاک ایران را برای انجام عملیات رد کرد و گفت: «نه، چنین چیزی بعید است.» او همچنین ابراز اطمینان کرد که این جنگ به زودی از طریق مذاکره یا اقدامات نظامی بیشتر به پایان برسد و گفت: «جنگ با [جمهوری اسلامی] ایران خیلی زود تمام خواهد شد.»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در مصاحبه با شبکه «نیوزمکس» استفاده از سلاح‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران را رد کرد و گفت که ایالات متحده نیازی به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای ندارد. او گفت: «نه! من از سلاح هسته‌ای استفاده نخواهم کرد. نیازی به این کار نداریم.»

دونالد ترامپ در واکنش به گزارش‌هایی مبنی بر اینکه دولتش در حال بررسی استفاده دوباره از بمب غیراتمی «GBU-43/B» مشهور به «مادر همه بمب‌ها» علیه جمهوری اسلامی ایران است، این گزارش‌ها را رد نکرد اما گفت: «مادر همه بمب‌ها هسته‌ای نیست؛ بلکه صرفا بمبی بسیار بزرگ است.»

شبکه سی‌ان‌ان گزارش داده بود که ارتش آمریکا احتمالاً علیه جمهوری اسلامی از بمب «جی‌بی‌یو-43-B» استفاده خواهد کرد تا زیرساخت‌های انرژی و تاسیسات هسته‌ای در ایران را بمباران کند.

بر اساس این گزارش، دولت ترامپ در حال بررسی موضوع از سر گرفتن جنگ با جمهوری اسلامی احتمالا پس از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا است.

بمب «GBU-43/B» حدود ۱۰ تُن است که بزرگترین بمب غیرهسته‌ای در زرادخانه ایالات متحده محسوب می‌شود. این بمب برای نخستین بار در سال ۲۰۱۷ در میدان نبرد به کار گرفته شد؛ زمانی که ارتش آمریکا مجموعه‌ای از تونل‌های داعش را در افغانستان هدف قرار داد.

به گزارش سی‌ان‌ان، طرح‌های جدید پنتاگون شامل احتمال حمله به تاسیسات هسته‌ای به شدت مستحکم‌شده در «کوه کلنگ» است. با این حال، طبق گزارش‌ها، مقامات نظامی تردیدهایی را درباره کارآیی این سلاح علیه تأسیساتِ پنهان در اعماق زمین مطرح کرده‌اند.

ترامپ در بخش دیگری از این مصاحبه گفت که



دونالد ترامپ

عملیات پیشین آمریکا و اسرائیل آسیب‌های سنگینی به زیرساخت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران وارد کرده است؛ اما ممکن است علیه تاسیساتی که گمان می‌رود همچنان فعال باشند، به اقدامات بیشتری نیاز باشد. او گفت: «ما کوه کلنگ را زیر نظر داریم. ممکن است لازم باشد به آنجا برویم. ما سراغ آن خواهیم رفت و به‌سرعت آن را از کار می‌اندازیم.»

او افزود: «ما می‌خواهیم شرایطی ایجاد کنیم که آنها هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکنند؛ زیرا به عقیده من، اگر چنین سلاحی داشته باشند، بی‌درنگ از آن استفاده خواهند کرد.»

ترامپ همچنین احتمال اعزام نیروهای زمینی آمریکا به داخل خاک ایران را برای انجام عملیات رد کرد و گفت: «نه، چنین چیزی بعید است.» او همچنین ابراز اطمینان کرد که این جنگ به زودی از طریق مذاکره یا اقدامات نظامی بیشتر به پایان برسد و گفت: «جنگ با [جمهوری اسلامی] ایران خیلی زود تمام خواهد شد.»

ترامپ مدعی شد که تهران از واشنگتن و تل‌آویو خواسته بود که در جریان مذاکرات، حملات خود را متوقف کنند. وی افزود: «آنها از ما خواستند که لطفا متوقف کنید و ما هم این کار را کردیم، چون داریم با آنها مذاکره می‌کنیم.»

ترامپ همچنین به احتمال انجام مذاکرات خلع سلاح هسته‌ای ایران در آینده، با مشارکت روسیه و چین اشاره کرد.

دونالد ترامپ در پاسخ به این پرسش که آیا به بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل اعتماد دارد گفت: «راستش را بخواهید، در دنیای سیاست به هیچکس اعتماد ندارم.»

با این حال، او همکاری خود با نخست وزیر اسرائیل را به ویژه در جریان جنگ علیه رژیم ایران ستود و گفت: «من رابطه بسیار خوبی با او داشته‌ام. ما با هم به موفقیت‌های خوبی دست یافته‌ایم.»

فایننشال‌تایمز: اسرائیل آماده حمله به ایران بود، ترامپ آن را به بعد از انتخابات موکول کرد



دو فروند اف۳۵- نیروی هوایی اسرائیل

به گزارش «فایننشال تایمز»، اسرائیل ۱۸ مهرماه ۱۴۰۵ خود را برای حمله‌ای چندروزه به زیرساخت‌های غیرنظامی، تاسیسات هسته‌ای و اهداف حکومتی ایران آماده کرده بود، اما مخالفت دونالد ترامپ مانع اجرای آن شد. با اینهمه بنیامین نتانیاهو همچنان پیگیر از سر گرفتن حملات است.

این روزنامه به نقل از سه منبع آگاه گزارش داد که ارتش اسرائیل برای عملیاتی آماده می‌شده که قرار بود شدت آن از حملات مشترک آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی در اسفند ۱۴۰۴ بیشتر باشد.

به گزارش «فایننشال تایمز»، اسرائیل ۱۸ مهرماه ۱۴۰۵ خود را برای حمله‌ای چندروزه به زیرساخت‌های غیرنظامی، تاسیسات هسته‌ای و اهداف حکومتی ایران آماده کرده بود، اما مخالفت دونالد ترامپ مانع اجرای آن شد. با اینهمه بنیامین نتانیاهو همچنان پیگیر از سر گرفتن حملات است.

روزنامه فایننشال تایمز چهارشنبه ۲۹ مهرماه به نقل از سه منبع آگاه گزارش داد که ارتش اسرائیل برای عملیاتی آماده می‌شده که قرار بود شدت آن از حملات مشترک آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی در اسفند ۱۴۰۴ بیشتر باشد.

این عملیات برای شنبه ۱۸ مهر برنامه‌ریزی شده بوده، اما به گفته منابع، مخالفت ترامپ با آغاز دوباره جنگ پیش از انتخابات میاندوره‌ای ایالات متحده (۳ نوامبر) مانع اجرای آن شده است.

بر اساس این گزارش، اهداف احتمالی شامل نیروگاه‌ها، تاسیسات هسته‌ای و مواضع حکومتی بوده است.

هنوز مشخص نیست که قرار بوده آمریکا هم مستقیما در عملیات مشارکت کند یا نه. یکی از منابع احتمال از سر گرفتن حملات مشترک در هفته‌های آینده را منتفی ندانسته است. منبعی دیگر هم گفت ممکن است طرح حمله برای افزایش فشار بر تهران در مذاکرات مطرح شده باشد.

همزمان شبکه «آی۲۴نیوز» گزارش داد، نتانیاهو و رهبران سیاسی اسرائیل اقدام سریع علیه جمهوری اسلامی را ضروری می‌دانند، اما مقامات ارشد امنیتی ترجیح می‌دهند برای اجرای حمله صبر کنند.به گفته این منبع، با اینهمه مقامات امنیتی تاکید کرده‌اند که با دریافت دستور آماده عملیات هستند. یک منبع نظامی نیز به این شبکه گفت: «ما برای هرگونه تحول احتمالی آماده‌ایم.»

کاخ سفید به فایننشال تایمز گفت، آمریکا پیش از انتخابات میاندوره‌ای به ایران حمله نخواهد کرد. دفتر نتانیاهو و ارتش اسرائیل به درخواست این روزنامه برای اظهار نظر پاسخ ندادند.

ارتش اسرائیل از چند هفته پیش در آماده‌باش بیشتری قرار گرفته و مرخصی نیروها را تا انتخابات پارلمانی این کشور که قرار است پنجم آبان برگزار شود، لغو کرده است.

ایال زمیر رئیس ستاد ارتش اسرائیل گفت، این اقدام برای برگزاری امن انتخابات انجام شده است.

نظرسنجی‌های اصلی، ائتلاف مخالفان را اندکی جلوتر از ائتلاف نتانیاهو نشان می‌دهند، اما هیچکدام اکثریت را در اختیار ندارند.

روزنامه فایننشال تایمز در پایان گزارش خود می‌نویسد، مقامات امنیتی فعلی و پیشین اسرائیل نگرانند که آغاز جنگ در آستانه انتخابات این کشور، بر روند دموکراتیک انتخابات اثر بگذارد.

اینهمه در حالیست که تشکیل دولت جدید ممکن است هفته‌ها طول بکشد و نتانیاهو در این فاصله، حتی در صورت شکست انتخاباتی، تا آن زمان نخست‌وزیر باقی می‌ماند و اختیار قانونی آغاز جنگ را حفظ می‌کند.

طرح دوحزبی کنگره آمریکا برای دسترسی ایرانیان به اینترنت آزاد و ماهواره‌ای



کلودیا تنی و یاسمین انصاری، دو نماینده‌ی جمهوری‌خواه و دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۶ طرحی را برای تقویت دسترسی مردم ایران به اینترنت آزاد و ارتباطات امن ارائه کردند.

نام کامل انگلیسی طرح Internet Reach and Access Now است که حروف اختصاری آن واژه‌ی «ایران» را تشکیل می‌دهد.

ارزیابی فناوری‌های تازه برای عبور از محدودیت‌های اینترنتی نیز از محورهای آن است؛ از شبکه‌های خصوصی مجازی یا وی‌پی‌ان گرفته تا شبکه‌های غیرمتمرکز و همتابه‌همتا(P2P) و ارتباط مستقیم ماهواره با تلفن همراه.

«اتحادیه‌ی امور عمومی ایرانیان آمریکا» موسوم به پایا (PAAIA) نیز با انتشار بیانیه‌ای از نسخه‌ی بازنگری‌شده‌ی طرح حمایت کرد و از اعضای کنگره خواست برای تصویب آن همکاری کنند.

تلاش آمریکا برای رفع موانع دسترسی ایرانیان به ابزارهای ارتباطی نیز تازه نیست. وزارت خزانه‌داری این کشور در سپتامبر ۲۰۲۲، هم‌زمان با اعتراضات پس از جان‌باختن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد، دامنه‌ی مجوز ارائه‌ی برخی خدمات و فناوری‌های اینترنتی به ایران را گسترش داد.

این مجوزها در سال ۲۰۲۴ در مقررات تحریم‌ها ادغام و بروز شدند تا ارائه‌ی خدمات ارتباطی مجاز به مردم ایران تسهیل شود.

نسخه‌ی بازنگری‌شده‌ی کنونی نیز هنوز یک طرح پیشنهادی است و برای تبدیل شدن به قانون باید به تصویب هر دو مجلس کنگره و امضای رئیس‌جمهوری برسد. ارائه‌ی آن بخودی خود به معنای برقراری فوری اینترنت آزاد یا دسترسی عمومی به خدمات ماهواره‌ای در ایران نیست.

دو نماینده‌ی جمهوری‌خواه و دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا با حمایت چهارده قانونگذار دیگر، نسخه‌ی بازنگری‌شده‌ی طرح «ایران» را برای گسترش دسترسی مردم ایران به اینترنت آزاد و ارتباطات امن ارائه کرده‌اند؛ طرحی که بر مقابله با فیلترینگ و قطع اینترنت، توسعه‌ی فناوری‌های عبور از محدودیت‌ها، تقویت امنیت دیجیتال و جلوگیری از ایجاد موانع تحریمی برای دسترسی ایرانیان به ابزارهای ارتباطی تمرکز دارد.

کلودیا تنی و یاسمین انصاری، دو نماینده‌ی جمهوری‌خواه و دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۶ طرحی را برای تقویت دسترسی مردم ایران به اینترنت آزاد و ارتباطات امن ارائه کردند. این طرح با نام اختصاری «ایران» (IRAN Act)، مقابله با فیلترینگ، نظارت دیجیتال و قطع اینترنت توسط جمهوری اسلامی را دنبال می‌کند.

تنی، نماینده‌ی جمهوری‌خواه ایالت نیویورک، و انصاری، نماینده‌ی دموکرات ایالت آریزونا، اعلام کردند که هدف این ابتکار، کمک به ایرانیان برای دسترسی به اطلاعات مستقل و حفظ ارتباط با یکدیگر و جهان خارج است. چهارده نماینده‌ی دیگر از هر دو حزب نیز به این طرح پیوسته‌اند؛ از جمله مایک لاولر، برایان فیتزپاتریک، ماریا الویرا سالازار، ایلهان عمر، برد اشنایدر و جیک آچینکلاس.[۱]

نام کامل انگلیسی طرح Internet Reach and Access Now است که حروف اختصاری آن واژه‌ی «ایران» را تشکیل می‌دهد. بر اساس توضیحات منتشرشده، این طرح دولت آمریکا را ملزم می‌کند راهبرد حمایت از آزادی اینترنت در ایران را بطور منظم بازبینی کند، میزان اجرای آن را بسنجد و به کنگره گزارش دهد.

ارزیابی فناوری‌های تازه برای عبور از محدودیت‌های اینترنتی نیز از محورهای آن است؛ از شبکه‌های خصوصی مجازی یا وی‌پی‌ان گرفته تا شبکه‌های غیرمتمرکز و همتابه‌همتا(P2P) و ارتباط مستقیم ماهواره با تلفن همراه. شبکه‌های همتابه‌همتا امکان تبادل داده میان دستگاه‌ها را بدون اتکای کامل به یک مرکز واحد فراهم می‌کنند.

طرح همچنین خواهان گسترش آموزش امنیت سایبری و دسترسی روزنامه‌نگاران، مدافعان حقوق بشر و فعالان جامعه‌ی مدنی به ابزارهای امن دیجیتال است. هماهنگی بیشتر میان نهادهای دولت آمریکا نیز از دیگر اهداف آن است تا تحریم‌ها و مقررات کنترل صادرات، ناخواسته مانع دسترسی مردم ایران به فناوری‌های ارتباطی نشوند.

تنی در توضیح ضرورت این اقدام گفت: «رژیم ایران می‌داند که دسترسی به اطلاعات، سلطه‌اش بر قدرت را تهدید می‌کند؛ به همین دلیل برای ساکت کردن مردم ایران به سانسور، نظارت و قطع اینترنت متوسل می‌شود.»

او افزود که ایرانیان باید بتوانند آزادانه ارتباط برقرار کنند، به اطلاعات مستقل دسترسی داشته باشند و خشونت حکومت را به جهان نشان دهند.انصاری نیز آزادی بیان و دسترسی بدون محدودیت به اطلاعات را از حقوق بنیادین بشر دانست و گفت جمهوری اسلامی هم‌زمان با ارتکاب جنایات گسترده، اینترنت را قطع یا محدود می‌کند.

او با اشاره به وعده‌ی دونالد ترامپ مبنی بر اینکه «کمک در راه است»، گفت تضمین دسترسی بدون محدودیت به اینترنت می‌تواند کمکی فوری و عملی به مردم ایران باشد. انصاری تأکید کرد که این طرح متضمن مداخله‌ی نظامی نیست. [۱]

«اتحادیه‌ی امور عمومی ایرانیان آمریکا» موسوم به پایا (PAAIA) نیز با انتشار بیانیه‌ای از نسخه‌ی بازنگری‌شده‌ی طرح حمایت کرد و از اعضای کنگره خواست برای تصویب آن همکاری کنند.

این نهاد با اشاره به سرکوب اعتراضات ژانویه‌ی ۲۰۲۶ اعلام کرد: «رژیم ایران بارها نشان داده که برای منزوی کردن مردم ایران و تسهیل سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات، آماده‌ی قطع اینترنت است؛ همانگونه که در جریان سرکوب معترضان در ژانویه‌ی ۲۰۲۶ شاهد بودیم.»

پایا تأکید کرد که نسخه‌ی بازنگری‌شده، با بهبود هماهنگی میان نهادهای دولت فدرال، بروز نگه داشتن راهبرد آزادی اینترنت متناسب با فناوری‌های نوظهور و کمک به حفظ دسترسی به ارتباطات ماهواره‌ای در ایران، پاسخ آمریکا به این محدودیت‌ها را تقویت می‌کند.

به گفته‌ی این سازمان، کمک به مردم عادی برای حفظ ارتباط، دسترسی به اطلاعات مستقل و تماس با جهان خارج، علاوه بر پشتیبانی از خواسته‌های دموکراتیک ایرانیان، با منافع امنیت ملی آمریکا نیز همسو است؛ زیرا گردش آزاد اطلاعات و شفافیت بیشتر را تقویت می‌کند.

پایا همچنین از تنی و انصاری برای پیشبرد مشترک این طرح قدردانی کرد. این حمایت، موضوع دسترسی آزاد به اینترنت را هم در چارچوب حقوق مردم ایران و هم در پیوند با سیاست خارجی و منافع امنیتی آمریکا مطرح می‌کند. [۱]

بر اساس توضیحات تکمیلی پایا، نسخه‌ی تازه با کمک فنی وزارت خارجه‌ی آمریکا تدوین شده است. این نهاد اعلام کرد که طرح، کمیسیون فدرال ارتباطات آمریکا را به خودداری از محدود کردن عمدی خدمات ماهواره‌ای بر فراز ایران ترغیب می‌کند و با تلاش‌های بین‌المللی برای محروم کردن ایران از این ارتباطات مخالفت دارد. حمایت از ابزارهایی که خطر شناسایی کاربران را کاهش می‌دهند نیز بخشی از اهداف آن است. [۲]

قطع اینترنت در جریان اعتراضات، پیشینه‌ای طولانی در جمهوری اسلامی دارد. عفو بین‌الملل در بررسی سرکوب اعتراضات نوامبر ۲۰۱۹ مستند کرد که قطع ارتباط با اینترنت جهانی به پنهان ماندن کشتار معترضان کمک کرد. این سازمان در ژانویه‌ی ۲۰۲۶ نیز هشدار داد که حکومت با مسدود کردن اینترنت، ابعاد نقض حقوق بشر در جریان سرکوب اعتراضات را از دید جهان پنهان می‌کند. قطع ارتباط، انتقال تصاویر و شهادت‌های شاهدان به رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری را نیز دشوار می‌کند. [۳]

تلاش آمریکا برای رفع موانع دسترسی ایرانیان به ابزارهای ارتباطی نیز تازه نیست. وزارت خزانه‌داری این کشور در سپتامبر ۲۰۲۲، هم‌زمان با اعتراضات پس از جان‌باختن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد، دامنه‌ی مجوز ارائه‌ی برخی خدمات و فناوری‌های اینترنتی به ایران را گسترش داد. این مجوزها در سال ۲۰۲۴ در مقررات تحریم‌ها ادغام و بروز شدند تا ارائه‌ی خدمات ارتباطی مجاز به مردم ایران تسهیل شود. [۴]

نسخه‌های پیشین طرح «ایران» در اوت ۲۰۲۴ و فوریه‌ی ۲۰۲۶ با ابتکار اریک سوالول و همراهی نمایندگانی از هر دو حزب ارائه شده بودند. نسخه‌ی بازنگری‌شده‌ی کنونی نیز هنوز یک طرح پیشنهادی است و برای تبدیل شدن به قانون باید به تصویب هر دو مجلس کنگره و امضای رئیس‌جمهوری برسد. ارائه‌ی آن بخودی خود به معنای برقراری فوری اینترنت آزاد یا دسترسی عمومی به خدمات ماهواره‌ای در ایران نیست. [۵]

منابع و لینک‌ها

[۱] دفتر کلودیا تنی در مجلس نمایندگان آمریکا — ten-ney.house.gov
[۲] اتحادیه‌ی امور عمومی ایرانیان آمریکا (PAAIA) — www.paaia.org
[۳] عفو بین‌الملل؛ مستندات مربوط به قطع اینترنت و سرکوب اعتراضات در ایران — iran-shutdown.amnesty.org
[۴] وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا — home.treasury.gov
[۵] پایگاه رسمی اسناد دولت و کنگره آمریکا — www.govinfo.gov

خِرَد، میراث نانوشته‌ی شهریاران (به یاد و میراث اندیشگی شجاع‌الدین شفا)

خردمند باید از شهامتِ گفتن نیز برخوردار باشد؛ از آن فضیلتی که به او اجازه می‌دهد حقیقت را حتی آنگاه که با پسند و مصلحت زودگذر صاحبان قدرت سازگار نیست، بر زبان آورد. زیرا خِردی که تنها به تأیید تصمیم‌های گرفته‌شده مشغول باشد، دیگر راهنمای قدرت نیست، که به خدمتگزار آن بدل شده است.

شفا با شهریار سخن می‌گوید، اما ملت را از یاد نمی‌برد؛ با ملت سخن می‌گوید، اما از ضرورت سازمان‌دهی سیاسی غافل نمی‌شود؛ از براندازی سخن می‌گوید، اما فردای براندازی را نیز پیش چشم دارد؛ و سرانجام، جهان خارج را مخاطب قرار می‌دهد، بی‌آنکه سرنوشت ایران را به اراده‌ی قدرت‌های خارجی واگذار کند.

در فرهنگ ایرانی، خرد تنها دانستن نیست؛ توانایی تشخیص راه درست و برخورداری از شهامت پیمودن آن نیز هست. البته شجاعت و خرد دو فضیلت متمایزند و هر کنش شجاعانه‌ای لزوما خردمندانه نیست.

شاید زیباترین ادای احترام به جانفدایانی که بازگشت پادشاهی پهلوی را آرزو می‌کردند، آن باشد که ایران آینده، شکوه تاریخی پادشاهی را با آزادی شهروندان، دادگستری مستقل، حکومت قانون و پاسداری از جان و کرامت انسان پیوند دهد.

تنسر، از زبان حکمت با قدرت سخن گفت. شفا، از زبان تجربه با شهریار و ملت سخن گفت. و جانفدایان دی‌ماه، با زندگی و مرگ خویش، مسئولیتی را به آیندگان سپردند که هیچ فرمانروایی و هیچ نسلی حق فراموش کردن آن را ندارد.

بهزاد پرنیان - برای شناخت جایگاه و مفهوم شهریاری در تاریخ ایران، همین بس که بدانیم نزد ایرانیان، شهریاری هرگز به نشستن بر تخت فرمانروایی محدود نبوده و نیست. تاج، در اندیشه‌ی ایرانشهری، افزون بر آنکه نشانه‌ی اقتدار است، نماد مسئولیتی در برابر سرزمین، مردمان و پاسداری از نظمی به شمار می‌رود که با مفاهیمی چون داد، خرد و فرّه پیوندی دیرپا و گسست‌ناپذیر دارد.

از همین رو، در کنار شهریاران ایران، همواره چهره‌هایی از دانایان، موبدان، دبیران، حکیمان و اندرزگویان حضور داشته‌اند که رسالت خویش را نه در تصاحب قدرت، بلکه در راهنمایی آن می‌جستند. این سنت، یکی از ظریف‌ترین جلوه‌های فرهنگ سیاسی ایران است.

سنتی که در آن، میان «توانایی فرمان راندن» و «شایستگی فرمان راندن» تمایزی بنیادین وجود دارد.

شاید این به گزاف نباشد که قدرت می‌تواند از پیروزی، وراثت یا غلبه پدید آید، اما شایستگی آن، در محک خرد و داد و در نسبت با مصالح کشور سنجیده می‌شود.

در چنین دستگاه اندیشگانی، خردمند قوم نه لزوما صاحب منصب است و نه الزاما برخوردار از قدرت اجرایی.

او حامل تجربه‌ی انباشته‌ی یک تمدن است؛ کسی که گذشته را می‌شناسد، اکنون را می‌سنجد و می‌کوشد آینده را، پیش از آنکه بصورت فاجعه یا فرصت پدیدار شود، در افق اندیشه‌ی شهریار قرار دهد.اما چنین مسئولیتی، تنها با برخورداری از دانش و تجربه به انجام نمی‌رسد. خردمند باید از شهامتِ گفتن نیز برخوردار باشد؛ از آن فضیلتی که به او اجازه می‌دهد حقیقت را حتی آنگاه که با پسند و مصلحت زودگذر صاحبان قدرت سازگار نیست، بر زبان آورد. زیرا خِردی که تنها به تأیید تصمیم‌های گرفته‌شده مشغول باشد، دیگر راهنمای قدرت نیست، که به خدمتگزار آن بدل شده است.

در سنت اندیشه‌ی ایرانشهری، نسبت میان شهریار و خردمند را می‌توان در همین پیوند میان اقتدار و اندرز جستجو کرد. شهریار، مسئول تدبیر امور کشور است و خردمند، مسئول آنکه افق این تدبیر را به فراسوی ضرورت‌های روزمره بگستراند. یکی با دشواری‌های فرمانروایی روبروست و دیگری می‌کوشد پیامدهای تصمیم‌های امروز را در سرنوشت فردای کشور آشکار سازد. این دو مسئولیت، هرچند از یک جنس نیستند، در آرمان شهریاری دادگر به یکدیگر نیاز دارند.

چنین گفتگویی نیز همواره در آرامش و توافق شکل نمی‌گیرد. اندرز، گاه با هشدار همراه است، گاه با اعتراض و گاه با یادآوری حقیقتی که گذشت زمان یا هیاهوی سیاست آن را از نظرها پنهان کرده است. ارزش اندرز خردمندانه، بیش از آنکه در خوشایند بودن سخن باشد، در امانت‌داری آن نسبت به حقیقت و مصالح کشور نهفته است.

از همین رو، سخن خردمند به مجلس حضور شهریار محدود نمی‌ماند. اندیشه‌ای که از تجربه‌ی یک نسل برمی‌خیزد و سرنوشت نسل‌های پس از خود را نیز در نظر دارد، نیازمند ماندگاری است.

گفتار می‌تواند در هیاهوی زمان فراموش شود، اما سخنی که به نوشتار درمی‌آید، امکان بازخوانی، سنجش و حتی داوری آیندگان را نیز با خود همراه می‌آورد.

در میان شیوه‌های گوناگون انتقال این تجربه و حکمت، نامه جایگاهی ویژه می‌یابد، زیرا نویسنده در آن می‌تواند با مخاطبی معین سخن بگوید و در همان حال، اندیشه‌ی خویش را از محدودیت یک دیدار و یک لحظه‌ی تاریخی فراتر برد. نامه، آنگاه که موضوع آن سرنوشت یک کشور باشد، دیگر تنها وسیله‌ای برای رساندن پیام نیست و در حقیقت می‌تواند به سندی از مسئولیت تاریخی نویسنده در برابر شهریار، ملت و آیندگان تبدیل شود.

از همین منظر است که می‌توان به یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های بازمانده از سنت اندرز سیاسی ایران، یعنی نامه‌ی تنسر به گشنسب، نگریست.

نامه‌ی تَنسَر؛ آنجا که خرد به زبان سیاست سخن می‌گوید

در میان میراث مکتوب ایران، نامه‌ی تنسر به گشنسب جایگاهی ممتاز دارد. متنی که در سنت تاریخی ایران به تنسر، از بزرگان دینی و فکری روزگار اردشیر بابکان، نسبت داده شده و خطاب به گشنسب، فرمانروای طبرستان، نوشته شده است.

این نامه، در ظاهر پاسخی است به تردیدها و اعتراض‌های فرمانروایی محلی درباره‌ی اقدامات اردشیر و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی روزگار او؛ اما در لایه‌های عمیق‌تر، با مسئله‌ای بنیادین سروکار دارد: نسبت میان مشروعیت فرمانروایی، سامان سیاسی، سنت و ضرورت دگرگونی.

تنسر در مقام مدافع نظم تازه‌ی ساسانی، می‌کوشد توضیح دهد که پاسداری از میراث گذشتگان، الزاما به معنای حفظ تمام صورت‌های به‌جامانده از گذشته نیست. آنچه

اهمیت دارد، تشخیص تفاوت میان سنتی است که در خدمت داد و سامان کشور قرار می‌گیرد و عادتی که به‌رغم دیرینگی، ممکن است به تباهی و پراکندگی بینجامد.

البته ذکر این نکته ضروری است که نامه‌ی تنسر را نباید سندی بی‌طرف یا مستقل از مناسبات قدرت دانست. این متن، آشکارا در دفاع از اقتدار اردشیر سخن می‌گوید و در اصالت تاریخی و زمان تدوین صورت موجود آن نیز میان پژوهشگران اختلاف‌نظر وجود دارد. بااین‌همه، اهمیت فلسفی آن در تصویری است که از پیوند دانش، اندرز و مشروعیت سیاسی به دست می‌دهد.

تنسر می‌خواهد قدرت را با استدلال توضیح دهد و آن را در چارچوبی از تاریخ، آیین، مصلحت و نظم سیاسی قرار داده و برای پذیرش آن، به چیزی فراتر از شمشیر و فرمان متوسل شود.همین کوشش برای عقلانی کردن امر فرمانروایی است که نامه را از یک مکاتبه‌ی اداری متمایز می‌کند.

در سنت ایرانی، این اندیشه بعدها در صورت‌های گوناگون اندرزنامه‌ها، سیاست‌نامه‌ها و آثار حِکَمی استمرار یافت. از آموزه‌های منسوب به بزرگمهر تا روایت‌های شاهنامه، از اندرزهای پادشاهان ساسانی تا تأملات حکیمان در دوران استیلای اسلام بر ایران، همواره ردپای این باور دیده می‌شود که کشور را نمی‌توان تنها با نیروی بازو نگاه داشت؛ تدبیر و خرد، شرط بقای آن است.

فردوسی، این میراث را در کوتاه‌ترین و شاید رساترین صورت ممکن به زبان آورده است:

خرد رهنمای و خرد دلگشای
خرد دست گیرد به هر دو سرای

این بیت، صرفا ستایش دانایی فردی نیست. در خوانشی سیاسی، خرد همان نیرویی است که باید میان قدرت و مسئولیت، میان خواست فرمانروا و مصلحت کشور، و میان شکوه امروز و بقای فردا پیوند برقرار کند.

چهار نامه‌ی شجاع‌الدین شفا؛ بازگشت یک سنت در روزگار تبعید

بیش از هفده سده پس از روزگار منسوب به تنسر، در هنگامه‌ای دیگر از تاریخ ایران، زنده‌یاد دکتر شجاع‌الدین شفا چهار نامه‌ی سرگشاده نوشت.

نامه‌هایی که اگرچه هر یک عنوان و مخاطب آشکار متفاوتی داشتند، در کلیت خود پیرامون آینده‌ی ایران و جایگاه شهریار ایران، رضا شاه دوم پهلوی، در آن آینده سامان یافته بودند.

عناوین این چهار نامه، خود گویای گستره‌ی نگرانی نویسنده‌اند:

نامه‌ی نخست: به همه‌ی ایرانیان خارج از کشور
نامه‌ی دوم: به شهریار رضا شاه دوم
نامه‌ی سوم: به آنهایی که باید امروز را آزاد کنند، به آنهایی که باید ایران فردا را بسازند
نامه‌ی چهارم: به دوستان آمریکایی ما



شجاع‌الدین شفا، با تجربه‌ای طولانی در عرصه‌ی فرهنگ، تاریخ، ترجمه و مناسبات سیاسی دوران پهلوی، به نسلی تعلق داشت که هم ایران پیش از شورش پنجاه‌وهفت را از نزدیک شناخته بود و هم پیامدهای فروپاشی آن نظم را تجربه می‌کرد.

او در این نامه‌ها، تنها به نکوهش جمهوری اسلامی بسنده نمی‌کند. موضوع اصلی، بسیار گسترده‌تر است: چگونه می‌توان کشوری را که دچار گسست سیاسی و فرهنگی شده، بار دیگر به مسیر حیات تاریخی خود بازگرداند؟

در نامه‌ی نخست، جامعه‌ی ایرانیان خارج از کشور و مسئولیت آنان در برابر میهن مطرح می‌شود.

در نامه‌ی دوم، مخاطب مستقیما شهریار ایران است؛ کسی که نویسنده جایگاهی محوری برای او در آینده‌ی سیاسی کشور قائل است.

نامه‌ی سوم، از ضرورت براندازی فراتر می‌رود و به مسئله‌ی ساختن ایران فردا می‌پردازد.

نامه‌ی چهارم نیز میدان بحث را به مناسبات بین‌المللی می‌کشاند و بویژه سیاست آمریکا و پیامدهای خطاهای قدرت‌های خارجی در شناخت جامعه‌ی ایران را به نقد می‌گیرد.

در کنار هم قرار گرفتن این چهار نامه، ساختاری اندیشیده پدید می‌آورد: ملت، شهریار، سازندگان آینده و جهان خارج.

این چهار حوزه، در حقیقت چهار ضلع یک مسئله‌اند: بازسازی ایران به‌مثابه یک کشور، یک جامعه‌ی سیاسی و یک استمرار تاریخی.

شفا در نامه‌ی سوم، با طرح ضرورت آمادگی برای فردای براندازی، به موضوعی می‌پردازد که در بسیاری از جنبش‌های سیاسی زیر سایه‌ی هدف فوری سرنگونی قدرت قرار می‌گیرد. از نگاه او، پایان یک حکومت، به‌خودی‌خود به معنای آغاز حکمرانی مطلوب نیست. نیرویی که خواهان دگرگونی است، باید درباره‌ی سامان آینده نیز اندیشیده باشد.

در نامه‌ی چهارم، همین منطق را در مقیاسی بین‌المللی دنبال می‌کند. او نسبت به ساده‌انگاری در سیاست خارجی، شناخت نادرست غرب از نیروهای سیاسی ایران و خطر پیامدهای ناخواسته‌ی مداخلات قدرت‌های جهانی هشدار می‌دهد. بویژه، به کسانی که گمان می‌کنند می‌توانند با بهره‌گیری از نیروهای ایدئولوژیک، مسیر تحولات سیاسی را به‌آسانی مهار کنند، با دیده‌ی تردید می‌نگرد.

این هشدارها را می‌توان امروز با تجربه‌ی دهه‌های پس از نگارش نامه‌ها سنجید؛ بی‌آنکه لازم باشد همه‌ی پیش‌بینی‌های نویسنده را تحقق‌یافته یا تمام داوری‌های او را مصون از نقد بدانیم.ارزش اندیشه‌ی شفا دقیقا در همین قابلیت بازخوانی است: او به خواننده امکان می‌دهد رابطه‌ی میان تصمیم‌های کوتاه‌مدت سیاسی و پیامدهای بلندمدت تاریخی را دوباره بررسی کند.

از تنسر تا شفا؛ استمرار یک مسئولیت، نه تکرار یک تاریخ

میان تنسر و شفا، فاصله‌ای به درازای بخش بزرگی از تاریخ ایران وجود دارد. یکی در جهان سیاسی و دینی ایران باستان سخن می‌گوید و دیگری در روزگار دولت‌های مدرن، ایدئولوژی‌های سیاسی و مناسبات پیچیده‌ی

بین‌المللی.

نمی‌توان این دو را از حیث موقعیت تاریخی، دستگاه اعتقادی یا نسبتشان با قدرت یکسان دانست. تنسر در نامه‌ی خود به گشنسب، در مقام توجیه و تثبیت نظم تازه‌ی اردشیر ظاهر می‌شود؛ شفا، در مقام اندیشمندی تبعیدی، درباره‌ی راه برون‌رفت ایران از بحرانی سیاسی و تمدنی سخن می‌گوید.

اما در پس این تفاوت‌ها، یک خویشاوندی فکری دیده می‌شود.

هر دو متن، امر سیاسی را فراتر از کشمکش روزمره‌ی صاحبان قدرت می‌فهمند. هر دو به حافظه‌ی تاریخی رجوع می‌کنند و هر دو برای بقای کشور، نقشی تعیین‌کننده برای شناخت، تدبیر و آینده‌نگری قائل‌اند.

تفاوت مهم دیگر آن است که در نامه‌ی تنسر، حفظ وحدت سیاسی عمدتا در چارچوب اقتدار شهریاری توضیح داده می‌شود؛ حال آنکه در جهان معاصر، این وحدت باید با حاکمیت ملی، حقوق شهروندی، حکومت قانون و مسئولیت‌پذیری نهادهای سیاسی نیز پیوند بخورد.

از این منظر، بازخوانی حکمت خسروانی در روزگار ما، بازگشت به تمام ساختارهای فرمانروایی باستانی نیست. بلکه بازیابی آن بخش از میراث ایرانشهری است که می‌تواند در گفتگو با دستاوردهای مشروطه و اندیشه‌ی سیاسی مدرن، معنایی تازه بیابد.

خرد سیاسی، زمانی به فضیلت تبدیل می‌شود که قدرت را به پاسخ‌گویی فرابخواند، نه آنکه تنها برای آن دلیل و توجیه فراهم آورد.

در این خوانش، پادشاهی مشروطه نه نفی سنت شهریاری ایران، بلکه کوششی برای پیوند دادن استمرار تاریخی آن با نهادهای قانونی و حقوق ملت است.

از همین رو، می‌توان چهار نامه‌ی شفا را نوعی اندرزنامه‌ی سیاسی مدرن دانست؛ اندرزنامه‌ای که مخاطب نهایی آن تنها یک شخص نیست، بلکه مجموعه‌ی نیروهایی است که در برابر آینده‌ی ایران مسئولیت دارند.

شفا با شهریار سخن می‌گوید، اما ملت را از یاد نمی‌برد؛ با ملت سخن می‌گوید، اما از ضرورت سازمان‌دهی سیاسی غافل نمی‌شود؛ از براندازی سخن می‌گوید، اما فردای براندازی را نیز پیش چشم دارد؛ و سرانجام، جهان خارج را مخاطب قرار می‌دهد، بی‌آنکه سرنوشت ایران را به اراده‌ی قدرت‌های خارجی واگذار کند.

این همان ویژگی است که به نامه‌ها وحدتی فراتر از عنوان‌های جداگانه‌شان می‌بخشد.

حکمت خسروانی؛ میراثی که به تبار و منصب محدود نمی‌شود

حکمت خسروانی، ریشه در میراث حکمی ایران باستان دارد؛ میراثی که قرن‌ها بعد، شهاب‌الدین سهروردی، فیلسوف نامدار ایرانی و بنیان‌گذار حکمت اشراق، کوشید آن را در دستگاه اندیشگانی خویش بازخوانی و بازآفرینی کند. اما در معنای فرهنگی گسترده‌تر، می‌توان حکمت خسروانی را جلوه‌ای از پیوند خرد، داد، فرّه و مسئولیت در سنت ایرانشهری دانست.

این دو معنا را نباید بی‌تمایز یکی گرفت. آنچه در این نوشتار از حکمت خسروانی مراد می‌شود، بیش از هر چیز، آن وجه اخلاقی و سیاسی از میراث ایرانی است که شهریاری را نیازمند خرد و خردمندی را مسئول سرنوشت کشور می‌داند.

خردمندان قوم نیز در این سنت، یک طبقه‌ی بسته و موروثی نیستند. خرد نه با عنوان دانشگاهی تضمین می‌شود، نه با نزدیکی به دربار و نه با شهرت اجتماعی.

و این حقیقتی است که دانش، آنگاه که از مسئولیت اخلاقی تهی شود، ممکن است به ابزار توجیه قدرت تبدیل گردد.

در مقابل، انسانی که از منصب و عنوانی برخوردار نیست، چه‌بسا در لحظه‌ای سرنوشت‌ساز، حقیقتی را دریابد که صاحبان قدرت و دانش از دیدن آن ناتوان مانده‌اند.

همین دریافت، ما را به معنای دیگری از «خردمندان قوم» نزدیک می‌کند.

در فرهنگ ایرانی، خرد تنها دانستن نیست؛ توانایی تشخیص راه درست و برخورداری از شهامت پیمودن آن نیز هست. البته شجاعت و خرد دو فضیلت متمایزند و هر کنش شجاعانه‌ای لزوما خردمندانه نیست. اما هنگامی که شناخت خطر، احساس مسئولیت و انتخاب آگاهانه در کنار یکدیگر قرار گیرند، کنش انسانی می‌تواند صورتی از حکمت عملی پیدا کند.

خردمند قوم، در چنین معنایی، کسی است که از مرز منفعت شخصی عبور می‌کند و سرنوشت خویش را در پیوند با سرنوشت جمعی می‌فهمد.

از اندرز خردمندان تا وصیت جانفدایان

و اکنون، پس از این گردش بلند در تاریخ اندیشه‌ی ایرانی، به هجدهم و نوزدهم دی‌ماه ۱۴۰۴ می‌رسیم.

به روزهایی که در حافظه‌ی بسیاری از ایرانیان، با نام جانفدایان، سوگ خانواده‌ها و فریادهای برخاسته از خیابان‌ها پیوند خورده است.

در میان جان‌باختگان و معترضان آن روزها، انسان‌هایی بودند که با آرمان بازگشت پادشاهی پهلوی و حمایت از شهریار ایران، رضا شاه دوم پهلوی، به میدان آمده بودند. آنان در شرایطی با خطر روبرو شدند که بیان یک خواست سیاسی می‌توانست به بهایی سنگین و جبران‌ناپذیر تمام شود.

از همین‌جاست که معنای خردمندان قوم را می‌توان از نو اندیشید.

تنسر، در روایت تاریخی، دانش و اندرز خویش را در خدمت آینده‌ای قرار داد که برای ایران تصور می‌کرد. شفا، قرن‌ها بعد، تجربه و شناخت تاریخی خود را در قالب چهار نامه با شهریار و دیگر مخاطبانش در میان گذاشت.

اما جانفدایان دی‌ماه، بسیاری بی‌آنکه فرصت نگارش رساله‌ای داشته باشند، با انتخاب و ایستادگی خویش پیامی به یادگار گذاشتند.

پیامی که بر کاغذ نوشته نشد؛ در زندگی آنان شکل گرفت و با مرگشان در حافظه‌ی بازماندگان ماندگار شد.

آنان الزاما فیلسوف، مورخ یا نظریه‌پرداز سیاسی نبودند. از میانشان نمی‌توان بی‌بررسی، برای همه یک اندیشه یا خواست واحد تعریف کرد. اما آنان که آگاهانه جان خود را در راه آرمان ایران و بازگشت پادشاهی به خطر افکندند، حامل نوعی آگاهی اخلاقی بودند که شایسته‌ی تأمل است.

آگاهی از اینکه سرنوشت کشور را نمی‌توان همواره به فردا واگذاشت؛ اینکه مسئولیت ملی، تنها وظیفه‌ی سیاست‌مداران و صاحبان منصب نیست؛ و اینکه وفاداری به یک آرمان، زمانی معنای عمیق‌تری پیدا می‌کند که انسان هزینه‌ی انتخاب خویش را نیز بشناسد.

این آگاهی را می‌توان گونه‌ای از حکمت عملی نامید.

در اینجا، اندرز دیگر تنها از زبان حکیم به گوش شهریار نمی‌رسد؛ از زندگی و سرنوشت شهروندانی برمی‌خیزد که خواسته‌اند در تعیین آینده‌ی کشورشان سهم داشته باشند.

شاید بتوان گفت اگر تنسر نماینده‌ی خردِ اندرزگو و شفا نماینده‌ی خردِ آینده‌نگر بود، جانفدایان دی‌ماه، در خوانشی اخلاقی، نمایندگان خردِ مسئولیت‌پذیرند؛ خردی که از قلم و گفتار فراتر می‌رود و در کنش انسانی تجسم می‌یابد.

اما این قیاس، یک تعهد مهم نیز بر دوش بازماندگان می‌گذارد.

جان‌فشانی، به‌خودی‌خود جایگزین قانون اساسی، نهادهای مدنی یا تدبیر سیاسی نمی‌شود. وفاداری به جانفدایان نیز تنها با تکرار نام‌ها و شعارهایشان به انجام نمی‌رسد. آرمان آنان باید در ساختن نظمی سیاسی معنا پیدا کند که در آن، هیچ ایرانی برای بیان عقیده، دفاع از آزادی یا مشارکت در سرنوشت کشور ناگزیر به پرداخت بهای جان خویش نباشد.

اگر قرار است نهاد پادشاهی در ایران آینده نماد استمرار تاریخی کشور باشد، پاسداری از این میراث مستلزم آن است که قدرت سیاسی به قانون مشروط شود و کرامت شهروندان از تعرض قدرت مصون بماند.

چنین است معنای ژرف مشروطه‌سازی: تبدیل آرمان سیاسی به نظمی پایدار که در آن، خرد و قانون بر خودسری فرمان برانند.

آخرین نامه را چه کسانی نوشته‌اند؟

نامه‌ی تنسر به گشنسب، در حافظه‌ی مکتوب ایران باقی ماند. چهار نامه‌ی شجاع‌الدین شفا نیز به میراث اندیشه‌ی سیاسی ایرانیان در تبعید پیوست.

اما شاید در کنار این نامه‌های نوشته‌شده، باید جایی نیز برای نامه‌هایی گشود که هرگز مجال نوشته‌شدن نیافتند.

نامه‌هایی که نویسندگانشان، جوانان و شهروندانی بودند که در دی‌ماه ۱۴۰۴ به خیابان آمدند و دیگر به خانه بازنگشتند.

آنان برای شهریار ایران رساله‌ای در آیین کشورداری ننوشتند؛ اما با انتخاب خویش، پرسشی بزرگ در برابر آینده‌ی ایران قرار دادند: کشوری که برای آزادی آن چنین بهایی پرداخته شده است، چگونه باید اداره شود تا دیگر این فاجعه تکرار نشود؟

پاسخ این پرسش، وظیفه‌ی زندگان است.

شهریار، سیاست‌مدار، اندیشمند و شهروند، هر یک به سهم خویش مخاطب این وصیت نانوشته‌اند.

و شاید زیباترین ادای احترام به جانفدایانی که بازگشت پادشاهی پهلوی را آرزو می‌کردند، آن باشد که ایران آینده، شکوه تاریخی پادشاهی را با آزادی شهروندان، دادگستری مستقل، حکومت قانون و پاسداری از جان و کرامت انسان پیوند دهد.

در چنین ایرانی، فرّه شهریاری دیگر تنها در شکوه تاج و تخت جستجو نخواهد شد؛ در اعتماد ملت، در دادگری نهادها و در امنیت و آزادی مردمان نیز جلوه خواهد یافت.

تنسر، از زبان حکمت با قدرت سخن گفت. شفا، از زبان تجربه با شهریار و ملت سخن گفت. و جانفدایان دی‌ماه، با زندگی و مرگ خویش، مسئولیتی را به آیندگان سپردند که هیچ فرمانروایی و هیچ نسلی حق فراموش کردن آن را ندارد.

این‌گونه است که سنت خردمندان قوم، از روزگار اردشیر بابکان تا عصر ما، می‌تواند معنایی تازه پیدا کند؛ نه بعنوان امتیاز گروهی برگزیده، بلکه به‌منزله‌ی مسئولیتی ملی که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.

و چه‌بسا آن آخرین نامه، هنوز نوشته نشده باشد.

نامه‌ای که متن آن را آیندگان خواهند نوشت؛ آنگاه که ایران، آزاد و آباد، بر بنیاد داد و خرد و قانون، دوباره قامت راست کند.

آن نامه، پاسخ ایران به جانفدایان خویش خواهد بود.

پاینده ایران
جاوید شاه

شبکه ترور جمهوری اسلامی؛ از خاورمیانه تا اروپا



تروریسم بدون مرز / رژه خیابانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تهران/ ۱۴۰۱

● بر اساس گزارش روزنامه «تلگراف»، تحقیقات تازه نشان می‌دهد رژیم ایران و نیابتی‌هایش از آغاز جنگ اخیر در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، حداقل ۸۴ هدف زیرساختی در کشورهای خلیج فارس را ۱۳۵ بار مورد حمله‌ی دقیق قرار داده‌اند. تهاجم‌های صورت گرفته با موشک و پهپادهای جمهوری اسلامی، تجهیزات حیاتی در عربستان سعودی، امارات، عراق، قطر، کویت، عمان و بحرین را بطور سیستماتیک از کار انداخته‌اند.

● در اروپا و بریتانیا، تهدیدهای جمهوری اسلامی اکنون «بسیار نزدیک» شده است. هسته‌ی اصلی این تهدیدها، تغییر تاکتیکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی قدس آن است که بجای اتکای صرف به عوامل مستقیم یا شبکه‌های کلاسیک نیابتی، از شبکه‌های جنایتکار سازمانیافته برای سازماندهی تیم‌های ترور و عملیات خرابکاری در خاک کشورهای غربی استفاده می‌کند.

● یک نمونه‌ی شاخص، پرونده‌ی «یوهانس ناتلند» نوجوان ۱۹ ساله نروژی است که در ۱۶ اکتبر ۲۰۲۶ به ۲۰ سال حبس محکوم شد. او برای شبکه‌ی فوکستروت (Fox-trot Network)، گروه جنایتکار سوئدی مورد حمایت رژیم ایران، به بریتانیا سفر کرده بود تا در ازای حدود ۲۱ هزار پوند، یک قتل مرتکب شود.

● تاریخچه‌ی جنایات سپاه پاسداران از لبنان ۱۹۸۲ تا اروپا ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که این شبکه نه صرفاً ابزار ایدئولوژیک، بلکه مکانیسم بقاء و انتقام رژیم ایران است که با تغییر روش، همچنان فعال، خطرناک و یک تهدید جدی است.

جنگ هیبریدی (ترکیبی) جمهوری اسلامی، از حملات دقیق به زیرساخت‌های غیرنظامی کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس تا عملیات خرابکاری و ترور در خاک اروپا و بریتانیا، هشدار می‌دهد که تهدید جمهوری اسلامی دیگر محدود به منطقه‌ی خاورمیانه نیست و به طور فزاینده‌ای به غرب نزدیک شده است.جنگ هیبریدی (ترکیبی) جمهوری اسلامی، از حملات دقیق به زیرساخت‌های غیرنظامی کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس تا عملیات خرابکاری و ترور در خاک اروپا و بریتانیا، هشدار می‌دهد که تهدید جمهوری اسلامی دیگر محدود به منطقه‌ی خاورمیانه نیست و به طور فزاینده‌ای به غرب نزدیک شده است.

بر اساس گزارش روزنامه «تلگراف»، تحقیقات تازه نشان می‌دهد رژیم ایران و نیابتی‌هایش از آغاز جنگ اخیر در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، حداقل ۸۴ هدف زیرساختی در کشورهای خلیج فارس را ۱۳۵ بار مورد حمله‌ی دقیق قرار داده‌اند.

تهاجم‌های صورت گرفته با موشک و پهپادهای جمهوری اسلامی، تجهیزات حیاتی در عربستان سعودی، امارات، عراق، قطر، کویت، عمان و بحرین را بطور سیستماتیک از کار انداخته‌اند. این حملات از جمله شامل حمله به سیستم‌های انتقال نفت در فجیره امارات (حداقل ۱۹ بار)، تأسیسات گاز مایع طبیعی رأس لفان در قطر، فرودگاه‌های غیرنظامی (از جمله چهار حمله به فرودگاهی در ریاض در یک هفته)، ایستگاه‌های پمپاژ خط لوله‌ی شرق- غرب عربستان است.

هدف این حملات، ایجاد اختلال در جریان انرژی به غرب، فشار مالی بر کشورهای خلیج فارس و تضعیف متحدان آمریکا بوده است. این حملات تجهیزات کلیدی را هدف قرار داده و اختلال‌های زنجیره‌ای ایجاد کرده است.

در اروپا و بریتانیا، تهدیدهای جمهوری اسلامی اکنون «بسیار نزدیک» شده است. مدیرکل سازمان اطلاعات و امنیت داخلی بریتانیا (ام‌آی ۵) سر کن مک‌کالوم، در سخنرانی سالانه‌ی خود در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۶ هشدار داد و گفت که در ۱۲ ماه گذشته عملیات‌های مرتبط با رژیم ایران منجر به بیش از«۵۰ بازداشت» در بریتانیا شده است.

مک‌کالوم تأکید کرد، تغییر عمده‌ی امسال، جاه‌طلبی‌های رژیم ایران برای هدف قرار دادن اهداف جدی‌تر مانند سایت‌های نظامی» بوده و بسیاری از این تجاوزها متوجه جوامع یهودی بریتانیا شده است، از جمله موج آتش‌سوزی و خرابکاری در بهار امسال که به گروهی به نام «جنبش اسلامی اصحاب الیمین» نسبت داده شد که پشت آن اعضای نیروی قدس سپاه قرار دارند.

هسته‌ی اصلی این تهدیدها، تغییر تاکتیکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی قدس آن است که بجای اتکای صرف به عوامل مستقیم یا شبکه‌های کلاسیک نیابتی، از شبکه‌های جنایتکار سازمانیافته برای سازماندهی تیم‌های ترور و عملیات خرابکاری در خاک کشورهای غربی استفاده می‌کند. این تهدیدات شامل تعداد فزاینده‌ای از توطئه‌های خنثی‌شده علیه سایت‌های نظامی و یهودی در بریتانیا است.

یکی دیگر از نمونه‌های شاخص، پرونده‌ی «یوهانس ناتلند» نوجوان ۱۹ ساله نروژی است که در ۱۶ اکتبر ۲۰۲۶ به ۲۰ سال حبس محکوم شد. او برای شبکه‌ی فوکستروت (Foxtrot Network)، گروه جنایتکار سوئدی مورد حمایت رژیم ایران، به بریتانیا سفر کرده بود تا در ازای حدود ۲۱ هزار پوند، یک قتل مرتکب شود.

ناتلند در مارس ۲۰۲۵ در هتلی در هادرسفیلد با دو اسلحه و مهمات دستگیر شد. این شبکه که توسط راوا مجید معروف به «روباه کُرد» رهبری می‌شود و از جمهوری اسلامی دستور می‌گیرد و توسط بریتانیا و آمریکا تحریم شده، به استخدام نوجوانان از طریق رسانه‌های اجتماعی برای «خشونت به عنوان خدمت» شهرت دارد.

پلیس ضدترور بریتانیا تأکید کرد که این شبکه خشونت علیه اهداف یهودی و اسرائیلی در اروپا را به نمایندگی از رژیم ایران سازماندهی می‌کند، هرچند هدف دقیق این توطئه تا کنون شناسایی و یا اعلام نشده است.

همزمان دولت بریتانیا در ۱۲ اکتبر ۲۰۲۶ سفیر رژیم ایران را احضار کرد و دو فرد را تحریم نمود: روح‌الله بازقندی رئیس عملیات ضدجاسوسی سپاه پاسداران، و شهرام علی‌رضا تمرزاده جکی تسهیل‌کننده‌ی شبکه جنایی زیندشتی که در چندین توطئه علیه مخالفان ایرانی

←

دخیل بوده است.

این تحریم‌ها شامل مسدود ساختن دارایی، ممنوعیت سفر و محرومیت از مدیریت شرکت‌ها است. اندی برنهام نخست وزیر بریتانیا اعلام کرد که حادثه پایگاه سلطنتی «فیرفورد» (پایگاه هوایی که توسط آمریکا در جنگ علیه جمهوری اسلامی استفاده شد) «بسیار محتمل» در ایران هماهنگ شده و «تقریباً قطعاً» توسط سپاه هدایت شده است. در این حادثه اواخر سپتامبر، ون‌هایی نزدیک پایگاه متوقف شدند و سرنشینان آن بازداشت شدند.

این تهدیدها، ادامه‌ی استراتژی دیرینه‌ی جمهوری اسلامی در استفاده از شبکه‌های نیابتی و ترور است که از زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت. نیروی قدس سپاه، که مسئول عملیات‌های خارجی است، در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ با ایجاد و سازماندهی حزب‌الله لبنان در سال ۱۹۸۲ آغاز به کار کرد.

حملات و بمب‌گذاری علیه سفارت آمریکا و پایگاه‌های نیروهای دریایی و فرانسوی در بیروت (۱۹۸۳) که صدها کشته برجای گذاشت، توسط جمهوری اسلامی و نیابتی‌هایش با هدف، صدور انقلاب و در جهت ستیز با آمریکا و اسرائیل انجام گرفت.

در دهه ۱۹۹۰، فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی گسترش یافت. نیروی قدس سپاه پاسداران، از ائتلاف شمال در افغانستان از طالبان حمایت کرد و حملاتی مانند بمب‌گذاری در مرکز یهودیان آمیا در بوئنوس آیرس آرژانتین (۱۹۹۴) را با بیش از ۸۵ کشته انجام داد.

قاسم سلیمانی، فرمانده‌ی بعدی نیروی قدس، حزب‌الله را به قدرتمندترین بازیگر غیردولتی منطقه با ده‌ها هزار موشک و نفوذ سیاسی عمیق در لبنان تبدیل کرد. در دهه‌ی ۱۹۹۰، این شبکه‌ها به ترور مخالفان، از داخل ایران تا اروپا، گسترش یافت؛ مانند قتل‌های زنجیره‌ای و حملاتی چون ترور در رستوران میکونوس برلین (۱۹۹۲) که عوامل رژیم ایران و حزب‌الله در آن دست داشتند. وزارت اطلاعات و سپاه از پوشش دیپلماتیک برای این عملیات استفاده می‌کردند.

در دهه‌ی ۲۰۰۰، پس از حمله‌ی آمریکا به عراق، نیروی قدس با حمایت از شبه‌نظامیان شیعه و تأمین بمب‌های انفجاری صدها سرباز آمریکایی را کشت. در سوریه پس از سال ۲۰۱۱، سلیمانی با هماهنگی ده‌ها هزار نیروی نیابتی از عراق، لبنان و افغانستان، رژیم اسد را نجات داد و «محور مقاومت» را تقویت کرد. در یمن نیز حمایت از تروریست‌های حوثی به کنترل و ناامنی مسیرهای دریایی و حملات به کشتی‌ها منجر شد.

پس از کشته‌شدن قاسم سلیمانی در ژانویه ۲۰۲۰، اسماعیل قاآنی جانشین او شد و جنایات این شبکه با تاکتیک‌های پراکنده‌تر و استفاده‌ی بیشتر از سلول‌های مخفی و جنایتکار ادامه یافت.

در سال‌های اخیر، به ویژه پس از آغاز جنگ آمریکا علیه جمهوری اسلامی در فوریه ۲۰۲۶، این شبکه‌ها به سمت غرب گسترش یافته‌اند. واحد ۷۰۰ نیروی قدس در قاچاق و تدارکات برای ورود عوامل و مواد مخدر به اروپا و بریتانیا نقش دارد.

جمهوری اسلامی از شبکه‌ی زیندشتی برای سرکوب فراملی مخالفان و از باند جنایتکار «فوکستروت» برای حملات در اسکاندیناوی و بریتانیا استفاده می‌کند.

گزارش‌های پارلمانی بریتانیا، رژیم ایران را تهدیدی در سطح روسیه و چین ارزیابی کرده‌اند که با ده‌ها توطئه‌ی کشتن یا ربودن در خاک این کشور از سال ۲۰۲۲ به بعد همراه بوده است. حملات سایبری، تأمین مالی از طریق نهادهای خیریه و تجاری، و استخدام مجرمان محلی، لایه‌های جدیدی به این ساختار تروریستی اضافه کرده‌اند.

رویدادهای همزمان نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی یک تهدید بدون مرز است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌کوشد با فعال ساختن سلول‌های خفته و بهره‌برداری از شبکه‌های جنایتکار، هزینه‌های بازدارندگی را بر متحدان آمریکا تحمیل کند.

بیش از ۵۰ بازداشت، تحریم‌ها، احضار سفیر و هشدارهای مدیرکل سازمان اطلاعات و امنیت داخلی بریتانیا گواه این تحول است. تاریخچه‌ی جنایات سپاه پاسداران از لبنان ۱۹۸۲ تا اروپا ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که این شبکه نه صرفاً ابزار ایدئولوژیک، بلکه مکانیسم بقاء و انتقام رژیم ایران است که با تغییر روش، همچنان فعال، خطرناک و یک تهدید جدی است.

با این حال، موضع غربی‌ها تا کنون شامل تحریم‌ها، تعیین سپاه به عنوان تهدید تروریستی و همکاری بین یکدیگر در چارچوب‌های امنیتی- اطلاعاتی بوده، اما کارشناسان هشدار می‌دهند که بدون اقدام عملی و هماهنگی بیشتر، خطر حملات موفق این تروریسم بدون مرز همچنان افزایش خواهد یافت.

عباس عراقچی در دیدار با نخست وزیر عراق: ما برنامه ۷ روزه خود را بیان کردیم و انتخاب با آمریکاست!



عباس عراقچی در حاشیه نشست وزیران خارجه سازمان همکاری اسلامی

عباس عراقچی در دیدار با فؤاد محمد حسین وزیر خارجه جمهوری عراق گفت: «ایران در دو سال گذشته با حسن نیت با آمریکا مذاکره کرده است اما هربار با حمله نظامی مواجه شده است، نه دیپلماسی. این امر بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به از سرگیری مذاکرات، بدون تضمین‌های معتبر برای عدم تکرار، ایجاد کرده است».

وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید: «ایران همچنان در را باز نگه داشته است. از طریق قطر، یک برنامه مشخص هفت‌روزه را منتقل کردیم و گفتیم در صورت فراهم شدن شرایط لازم، تنگه می‌تواند بازگشایی شود و تردد عادی دریایی ظرف هفت روز بازگردد. انتخاب اکنون با آمریکا است».

در شرایطی که عراقچی، برای مذاکره با آمریکا لابی می‌کند، در ایران از سوی بخشی از هواداران نظام متهم به خیانت و سازشکاری شده است.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در شرایطی که بحث درباره استیضاح او در ایران بالاگرفته، برای شرکت در نشست شورای وزیران خارجه «سازمان همکاری اسلامی» به بغداد سفر کرد.

یکی از دیدارهای عباس عراقچی با مقامات عراقی از جمله با فؤاد محمد حسین وزیر خارجه جمهوری عراق بود.

عراقچی در این دیدار گفت: «ایران در دو سال گذشته با حسن نیت با آمریکا مذاکره کرده است اما هربار با حمله نظامی مواجه شده است، نه دیپلماسی. این امر بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به از سرگیری مذاکرات، بدون تضمین‌های معتبر برای عدم تکرار، ایجاد کرده است.»

او افزود: «ایران همچنان در را باز نگه داشته است. از طریق قطر، یک برنامه مشخص هفت‌روزه را منتقل کردیم و گفتیم در صورت فراهم شدن شرایط لازم، تنگه می‌تواند بازگشایی شود و تردد عادی دریایی ظرف هفت روز بازگردد. انتخاب اکنون با آمریکا است.»

در شرایطی که عراقچی، برای مذاکره با آمریکا لابی می‌کند، در ایران از سوی بخشی از هواداران نظام متهم به خیانت و سازشکاری شده است.

برخی منابع دولتی گزارش دادند که عباس عراقچی گفته از آمریکا «تضمین» می‌خواهیم. منابع غیررسمی می‌گویند یکی از خواسته‌های جمهوری اسلامی از آمریکا «تضمین جانی» مقامات است.

در تجمعات «جانفدا» هوادارن نظام علیه عباس عراقچی شعار سر می‌دهند و «جبهه پایداری» به دنبال استیضاح اوست. آنها می‌گویند نباید با قاتل علی خامنه‌ای مذاکره است.

اوکراین استقرار پهپادهایش در اقلیم کردستان عراق را تکذیب کرد

سفارت اوکراین در بغداد اعلام کرد هیچ پهپاد، یگان پهپادی یا نیروی مرتبط با آنها در اقلیم کردستان عراق یا سایر مناطق عراق مستقر نکرده است.

خبرگزاری تسنیم ۲۷ مهرماه ۱۴۰۵ مدعی شده بود یگان ریزپرنده‌های اوکراینی در کردستان عراق نزدیک مرز ایران مستقر شده است؛ اما سفارت اوکراین در بغداد با تکذیب این گزارش آن را «کاملا بی‌اساس و مصداق گمراه‌سازی عمدی» خواند.

سفارت اوکراین در ادامه بیانیه خود بر احترام کامل کی‌یف به حاکمیت عراق و تمامیت ارضی این کشور تاکید کرد و به روابط دوستانه اوکراین با دولت عراق در بغداد و همچنین اقلیم کردستان عراق اشاره نمود.



یک نظامی اوکراینی / رویترز

سفارت اوکراین در بغداد اعلام کرد هیچ پهپاد، یگان پهپادی یا نیروی مرتبط با آنها در اقلیم کردستان عراق یا سایر مناطق عراق مستقر نکرده است.

خبرگزاری تسنیم ۲۷ مهرماه ۱۴۰۵ مدعی شد که یگان ریزپرنده‌های اوکراینی در کردستان عراق نزدیک مرز ایران مستقر شده است؛ اما سفارت اوکراین در بغداد با تکذیب این گزارش آن را «کاملا بی‌اساس و مصداق گمراه‌سازی عمدی» خواند.سفارت اوکراین در ادامه بیانیه خود بر احترام کامل کی‌یف به حاکمیت عراق و تمامیت ارضی این کشور تاکید کرد و به روابط دوستانه اوکراین با دولت عراق در بغداد و همچنین اقلیم کردستان عراق اشاره نمود.

این سفارتخانه در پایان از رسانه‌ها خواست در انتشار اخبار دقت لازم را به خرج دهند و از بازنشر ادعاهای تاییدنشده خودداری کنند.

جمهوری اسلامی به کشورهای منطقه هشدار داده است که استفاده از حریم هوایی آنها در هرگونه حمله به ایران «غیر قابل قبول» خواهد بود.

آندری سیبیها وزیر خارجه اوکراین چهارشنبه ۲۳ سپتامبر (دوم مهرماه) با انتشار پستی در «ایکس» از دیدار خود با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی خبر داد.

وزرای خارجه اوکراین و جمهوری اسلامی اوایل مهرماه ۱۴۰۵ در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل دیدار کردند.

وزیر خارجه اوکراین گفته بود این دیدار در راستای ادامه تماس‌ها با عراقچی و تلاش برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها میان طرفین بوده است.

در اواسط تیرماه ۴۰۵، اوکراین یک کشتی متعلق به جمهوری اسلامی ایران را که در پوشش تجاری حامل مهمات بود در دریای کاسپین هدف قرار داد. در این حمله یک ملوان کشته و یک نفر دیگر نیز زخمی شد. رژیم ایران ضمن محکوم کردن این حمله تهدید کرده بود که آن را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت.

آکسیوس: جنگنده‌های اسرائیل با پرواز در نزدیکی مرز ایران اقدام به «نمایش قدرت» کردند

مقامات اسرائیل و آمریکا می‌گویند، چندین فروند جنگنده و هواپیمای سوخت‌رسان اسرائیل با عبور از حریم هوایی سوریه و عراق تا نزدیکی مرز ایران پرواز کرده‌اند.

بر اساس گزارش «آکسیوس»، جنگنده‌های اسرائیل دوشنبه ۱۹ اکتبر (۲۷ مهرماه) پروازهایی را انجام دادند که تا نزدیکی مرز ایران امتداد داشت.

مقامات اسرائیلی و آمریکایی مدعی شدند که این پروازها غیرمعمول نبوده و با هدف بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران انجام شده‌اند.

این مقام‌ها با اشاره به مشارکت ده‌ها فروند جنگنده و هواپیمای سوخت‌رسان در این پروازها اعلام کردند که هواپیماها با عبور از حریم هوایی سوریه و عراق، مسیری را طی کردند که با سناریوی احتمالی حمله به ایران مطابقت دارد.



مقامات اسرائیل و آمریکا می‌گویند، چندین فروند جنگنده و هواپیمای سوخت‌رسان اسرائیل با عبور از حریم هوایی سوریه و عراق تا نزدیکی مرز ایران پرواز کرده‌اند.

پرواز جنگنده‌های «اف۳۵-» اسرائیل درک یک رزمایش بر اساس گزارش «آکسیوس»، جنگنده‌های اسرائیل دوشنبه ۱۹ اکتبر (۲۷ مهرماه) پروازهایی را انجام دادند که تا نزدیکی مرز ایران امتداد داشت.

مقامات اسرائیلی و آمریکایی مدعی شدند که این پروازها غیرمعمول نبوده و با هدف بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران انجام شده‌اند.

این مقامات با اشاره به مشارکت ده‌ها فروند جنگنده و هواپیمای سوخت‌رسان در این پروازها اعلام کردند که هواپیماها با عبور از حریم هوایی سوریه و عراق، مسیری را طی کردند که با سناریوی احتمالی حمله به ایران مطابقت دارد.

به گفته این مقامات، هواپیماها پس از نزدیک شدن به مرز ایران، مسیر خود را تغییر داده و به اسرائیل بازگشتند.

آنان همچنین مدعی شدند که اسرائیل از قبل آمریکا را در جریان این رزمایش قرار داده و آن را یک تمرین نظامی با هدف «نمایش قدرت» توصیف کرده است.

برخی مقام‌های آمریکایی می‌گویند که طرف اسرائیلی با آگاهی از اینکه سامانه‌های پدافند هوایی ایران این پروازها را شناسایی خواهند کرد، اقدام به انجام این پروازها کرده است. آنان افزودند که این تصور برایشان ایجاد شده که اسرائیل ممکن است خواسته باشد، جمهوری اسلامی به سوی هواپیماها آتش بگشاید تا از این طریق بهانه‌ای برای آغاز حمله علیه آن به دست آورد.

۵۵ سال پس از جشن‌های ۲۵۰۰ ساله؛ پهلوی فقط کوروش را زنده نکرد!



سفیر وقت بریتانیا در تهران، پیتر رمزباتم، در تاریخ شفاهی هاروارد گفته است که پس از «جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران»، وقتی در آمریکا خدمت می‌کرد، مردم از او درباره تخت جمشید سؤال می‌کردند؛ کسانی که پیشتر حتی نمی‌دانستند ایران کجاست! اما ارزش آن جشن‌ها تنها در معرفی شکوه ایران باستان نبود. اسناد محرمانه آمریکا، گزارش‌های دیپلماتیک بریتانیا و پژوهش‌های دانشگاهی از دستاوردهایی حکایت دارند که زیر سایه جنجال عامدانه بر سر هزینه جشن‌ها کمتر دیده شده‌اند.

آکسیوس: وزیر دفاع آمریکا در سفری از پیش اعلام نشده با نتانیاهو دیدار کرد

پایگاه خبری «آکسیوس» ۲۸ مهرماه ۱۴۰۵ به نقل از دو منبع آگاه گزارش داد که پیت هگست وزیر دفاع آمریکا در سفری از پیش اعلام‌نشده به اسرائیل با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر این کشور دیدار کرد.

دیدار هگست با نتانیاهو در پایگاه هوایی «اوودا» در جنوب اسرائیل برگزار شد؛ پایگاهی که هواپیماهای سوخت‌رسان آمریکایی و جنگنده‌ها در آن مستقر هستند.

یک منبع آگاه به آکسیوس گفت هگست همچنین با نیروهای آمریکایی مستقر در این پایگاه دیدار کرده است.


تصویر آرشیوی از دیدارهای قبلی نتانیاهو و هگست

پایگاه خبری «آکسیوس» ۲۸ مهرماه ۱۴۰۵ به نقل از دو منبع آگاه گزارش داد که پیت هگست وزیر دفاع آمریکا در سفری از پیش اعلام‌نشده به اسرائیل با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر این کشور دیدار کرد.

این سفر در آستانه انتخابات اسرائیل و همزمان با تاکید رهبران آمریکا و اسرائیل بر «تمام کردن کار» در جنگ با جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته است.

بنیامین نتانیاهو ویدیویی از مکالمه تلفنی با رئیس‌جمهوری آمریکا منتشر کرد که در آن نخست‌وزیر اسرائیل ضمن قدردانی از حمایت ترامپ بر لزوم «تمام کردن کار» در قبال برنامه هسته‌ای ایران تاکید می‌کند.به گفته دو منبع، دیدار هگست با نتانیاهو در پایگاه هوایی «اوودا» در جنوب اسرائیل برگزار شد؛ پایگاهی که هواپیماهای سوخت‌رسان آمریکایی و جنگنده‌ها در آن مستقر هستند.

یک منبع آگاه به آکسیوس گفت، هگست همچنین با نیروهای آمریکایی مستقر در این پایگاه دیدار کرده است.

هگست کمی بعد تصویری از حضور خود در کنار نیروهای فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) منتشر کرد. سنتکام بر عملیات نظامی آمریکا در خاورمیانه، بخش‌هایی از آسیای مرکزی و جنوبی و همچنین مصر نظارت دارد.

پنتاگون و سفارت اسرائیل از اظهار نظر درباره این دیدار خودداری کردند. دفتر نخست‌وزیر اسرائیل نیز بلافاصله به درخواست آکسیوس برای اظهار نظر پاسخ نداد.

روزنامه «اسرائیل‌هیوم» روز پنجشنبه در مقاله‌ای نوشته بود که در روزهای اخیر زمزمه‌ها در واشنگتن و اورشلیم بر سر آغاز حملات جدید علیه جمهوری اسلامی ایران شدت گرفته است.

این روزنامه نوشت: «این دیگر فقط شایعات بی‌اساس و حدس و گمان نیست بلکه اتفاقی در جریان است.»

پشتیبانی «عملیاتی و اطلاعاتی» جمهوری اسلامی از حملات حوثی‌ها علیه عربستان

بر اساس گزارش منتشرشده در «وال‌استریت ژورنال» کمک‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی نقش کلیدی در پیشرفت‌های سریع زمینی حوثی‌ها در یمن داشته است.

حمایت جمهوری اسلامی از حوثی در حملات علیه عربستان فراتر از ارسال تسلیحات است و شامل هماهنگی عملیاتی نزدیک می‌شود. آدام بارون، کارشناس یمن و عضو مؤسسه‌ی «نیو آمریکا»، به وال‌استریت ژورنال گفته است که پیشرفت‌های نظامی اخیر حوثی‌ها «بی‌تردید» بر پایه‌ی کمک‌های خارجی رژیم ایران استوار است.

حمایت آشکار رژیم ایران، حوثی‌ها را در کوتاه‌مدت به ابزار بازدارندگی با سپر کردن عربستان سعودی در مقابل افزایش فشارهای آمریکا علیه خود در منطقه تبدیل کرده است.



پوسترهای عبدالملک الحوثی و علی خامنه‌ای در دست هواداران حوثی‌ها در صنعا

حمایت «عملیاتی و اطلاعاتی» رژیم ایران به حوثی‌ها امکان داده تا «قدرتمندترین و پیچیده‌ترین» حملات خود را تا کنون علیه عربستان و نیروهای یمنی هم‌پیمان آن انجام دهند.

منابع آگاه از دستگاه اطلاعاتی عربستان و ائتلاف ضدحوثی می‌گویند که حمایت «عملیاتی و اطلاعاتی» رژیم ایران به حوثی‌ها امکان داده تا «قدرتمندترین و پیچیده‌ترین» حملات خود را تا کنون علیه عربستان و نیروهای یمنی هم‌پیمان آن انجام دهند. این حمایت شامل کمک به هدف‌گیری دقیق پهپادها و موشک‌ها، آموزش، ارائه‌ی اطلاعات هوشمند و راهنمایی‌های تاکتیکی است.

بر اساس گزارش منتشرشده در «وال‌استریت ژورنال»، کمک‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی نقش کلیدی در پیشرفت‌های سریع زمینی حوثی‌ها در یمن داشته است. که پیشرفت‌های نظامی اخیر حوثی‌ها «بی‌تردید» بر پایه‌ی کمک‌های خارجی رژیم ایران استوار است.

این کارشناس در امور یمن تأکید کرد: «حمایتی که حوثی‌ها از جمهوری اسلامی و سایر بازیگران محور مقاومت دریافت کرده‌اند، بی‌گمان راه را برای پیشرفت‌های سریع آتشین آنها در ماه‌های گذشته هموار کرده است» که نشان می‌دهد تغییر کیفی در قابلیت‌های حوثی‌ها از یک شبه‌نظامی محلی به نیرویی با توانایی‌های استراتژیک است.

دنی سیترینوویچ، مقام سابق اطلاعاتی اسرائیل که پیشتر ریاست شاخه‌ی مربوط با ایران در اطلاعات دفاعی اسرائیل را بر عهده داشت، ارتباط اطلاعاتی رژیم ایران و حوثی‌ها را «بسیار بسیار قوی در سطح عملیاتی» توصیف کرده است.

این مقام اطلاعاتی اسرائیل به وال‌استریت ژورنال گفته است که جمهوری اسلامی منافع عمده‌ای در موفقیت حوثی‌ها دارد، زیرا حملات آنها به عربستان آسیب می‌زند و قیمت نفت را بالا می‌برد.

سیترینوویچ این رابطه را نه رابطه‌ی حامی- وابسته، بلکه «همکاری استراتژیک» مبتنی بر منافع مشترک دانست. او معتقد است رژیم ایران از حوثی‌ها به عنوان ابزار فشار غیرمستقیم استفاده می‌کند، بدون آنکه مستقیماً وارد درگیری شود.

زمینه‌ی تشدید حملات حوثی‌ها به عربستان از ژوئیه ۲۰۲۶ است؛ زمانی که آتش‌بس طولانی‌مدت میان عربستان و حوثی‌ها فرو پاشید و همزمان با جنگ گسترده‌تر آمریکا-اسرائیل با جمهوری اسلامی و اعمال محاصره‌ی دریایی بر اقتصاد رژیم ایران، حوثی‌ها حملات خود را از سر گرفتند.

تروریست‌های شبه‌نظامی حوثی در حال حاضر کنترل خط ساحلی را در تنگه باب‌المندب- گلوگاه حیاتی برای صادرات نفت عربستان سعودی- در دست دارند.

این کنترل تهدیدی مستقیم در مسیرهای صادراتی سعودی ایجاد کرده، به ویژه در شرایطی که تنگه هرمز نیز تحت تأثیر تنش‌های گسترده‌تر منطقه‌ای قرار دارد. حوثی‌ها علاوه بر این، به نفتکش‌های سعودی، تأسیسات انرژی و فرودگاه‌ها حمله کرده‌اند، از جمله حمله‌ای که آخر هفته گذشته در ریاض حداقل ۱۳ نفر را کشت.

حمایت جمهوری اسلامی از حوثی‌ها در حملات علیه عربستان فراتر از ارسال تسلیحات است و شامل هماهنگی عملیاتی نزدیک می‌شود. آدام بارون، کارشناس یمن و عضو مؤسسه‌ی «نیو آمریکا»، به وال‌استریت ژورنال گفته است

حوثی‌ها ابتدا ساحل دریای سرخ یمن را تصرف کردند و کنترل از راه دور بر باب‌المندب به دست آوردند. این اقدام، مسیر صادرات نفت سعودی را که قبلاً به دلیل ناامنی تنگه هرمز مختل شده بود، بیشتر تهدید کرد. صادرات نفت عربستان به آسیا به شدت کاهش یافت و قیمت نفت برنت به حدود ۹۹ دلار در هر بشکه رسید.

حملات اخیر شامل ضربات متعدد به فرودگاه بین‌المللی «ملک خالد» در ریاض شده است. حمله‌ی آخر هفته‌ی گذشته حداقل ۱۳ نفر را کشت و صدها تن را زخمی کرد؛ این مرگبارترین حمله در یک کشور عربی از آغاز جنگ آمریکا- اسرائیل با رژیم ایران محسوب می‌شود. فرودگاه برای چند روز تعطیل شد و پروازها مختل گردید.

همچنین حمله به مقر شرکت آرامکو در ظهران (قلب صنعت نفت سعودی) باعث آتش‌سوزی در طبقات

بالایی ساختمان، از جمله دفتر مدیرعامل شد و خسارات گسترده‌ای به بار آورد، هرچند تلفات جانی گزارش نشد.

ائتلاف سعودی اعلام کرده که حوثی‌ها در دو هفته‌ی اخیر ۲۰ بار به فرودگاه ریاض حمله کرده‌اند و در مجموع ۱۷ نفر کشته و ۳۳۳ نفر زخمی شده‌اند. حملات به فرودگاه ابها و سایر اهداف انرژی نیز ادامه دارد.

عربستان سعودی رژیم ایران را مسئول «تشویق» به تشدید حملات توسط حوثی‌ها می‌داند. راید کریملی، معاون وزیر وزارت خارجه عربستان سعودی در امور دیپلماسی، گفته است: جمهوری اسلامی همچنان به حوثی‌ها سلاح، آموزش و حمایت می‌دهد و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را نقض می‌کند.

کریملی همچنین تأکید کرده که حملات اخیر توسط حوثی‌ها «با تشویق رژیم ایران» صورت گرفته است. سخنگوی ائتلاف سعودی، ترکی المالکی، نیز از کمک «بازیگران منطقه‌ای» در تأمین فناوری‌های پیشرفته مانند موشک‌های بالستیک، پهپادها و قایق‌های انفجاری سریع سخن گفت.

ترکی المالکی اضافه کرد: «ما معتقدیم تشدید حملات حوثی‌ها در این مرحله، با تشویق رژیم ایران انجام می‌گیرد». سعودی‌ها در حال انجام حملات هوایی در یمن برای حمایت از نیروهای دولتی در بازپس‌گیری مناطق ساحلی هستند.

از سوی دیگر، رژیم ایران، مواضع عربستان را رد و به عنوان «اتهام» قلمداد کرده و پیشنهاد میانجیگری داده است. عباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی، در سخنرانی در سازمان همکاری اسلامی در بغداد اعلام کرد که جمهوری اسلامی از «فرآیند سیاسی فراگیر و جامع» به عنوان تنها راه حل پایدار حمایت می‌کند و آماده‌ی کمک به گفتگو میان سعودی و حوثی‌هاست.

عباس عراقچی هشدار داد که اصرار بر رویکرد نظامی وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند و افزود: «یا با هم امنیت می‌سازیم یا با هم ناامنی را تحمل می‌کنیم». سخنگوی وزارت خارجه رژیم ایران نیز حوثی‌ها را «بازیگران مستقل» دانست.

موضع وزیر خارجه جمهوری اسلامی در حالی مطرح می‌شود که گزارش‌ها از پروازهای ماهان‌ایر به مناطق تحت اشغال حوثی‌ها برای انتقال افسران، تسلیحات و قطعات پهپاد خبر می‌دهند.

حملات مستمر تروریست‌های حوثی، تهدیدی جدی برای چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان و برنامه‌های تنوع‌بخشی اقتصادی ولیعهد محمد بن سلمان ایجاد کرده است. حملات به زیرساخت‌های حیاتی، سرمایه‌گذاران را نگران کرده و کنفرانس‌های انرژی مانند کنگره‌ی جهانی نفت نیز مختل شده است.

کارشناسان هشدار می‌دهند که این درگیری می‌تواند به جنگی گسترده‌تر تبدیل شود. سعودی‌ها در حال تقویت دفاع هوایی و همکاری با متحدان خود هستند، در حالی که حوثی‌ها با تولید داخلی تسلیحات (با کمک جمهوری اسلامی) وابستگی خود را کاهش داده‌اند و مقاومت بیشتری نشان می‌دهند.

اکنون وضعیت چرخه‌ی تشدید این درگیری در حال تداوم است که بر امنیت انرژی جهانی و ثبات منطقه‌ای تاثیر مستقیم دارد. با این حال حمایت آشکار رژیم ایران، حوثی‌ها را در کوتاه‌مدت به ابزار بازدارندگی با سپر کردن عربستان سعودی در مقابل افزایش فشارهای آمریکا علیه خود در منطقه تبدیل کرده است.

بحران در بحران؛ طرح‌های بی‌خاصیت دولت و مجلس برای بهبود معیشت مردم!



پس از یک تأخیر ۹ ماهه، دولت مبلغ کالابرگ الکترونیک را از یک میلیون به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان افزایش داده است؛ افزایشی که به گفته کارشناسان و فعالان صنفی حتی بخش کوچکی از هزینه‌های ضروری خانوارهای کم‌درآمد را پوشش نمی‌دهد.

شهرام مبصر، فعال حقوق معلولان: قیمت یک بسته پوشینه بزرگسالان می‌تواند از یک میلیون تومان فراتر برود. فردی که روزانه چهار پوشینه مصرف می‌کند، یک بسته ۱۰ عددی را تنها در دو روز و نیم تمام خواهد کرد. یعنی افزایش ۵۰۰ هزار تومانی کالابرگ حتی برای خرید یک بسته پوشینه نیز کافی نیست؛ چه برسد به هزینه یک ماه زندگی.

طرح سه‌فوریتی «اقتصاد مقاومتی» در قالب ۲۴ ماده اکنون در سامانه جامع قانون‌گذاری مجلس بارگذاری شده است. در این طرح پیشنهاداتی از جمله برای تثبیت پنج‌ساله نرخ ارز، صفر کردن بهره بانکی و محدود کردن یارانه نقدی به سه دهک پایین ارائه شده است.

وضعیت معیشتی خانوارها در ماه‌های گذشته و پس از آغاز جنگ جمهوری اسلامی و آمریکا بحرانی‌تر شده و جمعیت بیشتری به زیر خط فقر رانده شده‌اند. تیم اقتصادی دولت پزشکیان نیز در عمل به وعده‌ها شکست خورده و دولت در کنترل نرخ ارز و تورم نیز ناکام مانده است. این روند انتقادها به دولت را افزایش داده است.

شرایط امروز اقتصاد ایران حاصل چهاردهه ناکارآمدی جمهوری اسلامی در سیاست‌گذاری اقتصادی است. ساختار معیوب و فاسد اقتصاد ایران با جنگ ایجاد نشده و جنگ اخیر صرفا به ویرانی اقتصاد ایران سرعت بخشیده است.

آمارها نیز نشان می‌دهند که وضعیت اقتصاد ایران پیش از جنگ هم رو به بحران در حرکت بوده است. برای نمونه درآمد ناخالص داخلی سرانه ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴ بیش از ۴۶درصد کاهش یافته، درحالی که این شاخص در مدت مشابه در ترکیه حدود ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده است!

پس از ماه‌ها انتظار شهروندان نیازمند، دولت در نهایت افزایش ۵۰۰ هزار تومانی رقم کالابرگ الکترونیک را اعلام کرده است اما شرایط تعیین شده توسط دولت برای تشخیص شهروندان نیازمند مشمول کالابرگ در کنار مشکلات سامانه ثبت درخواست کالابرگ با موجی از انتقاد و نارضایتی از سوی کارشناسان و شهروندان روبرو شده است. در آنسو، شکست دولت پزشکیان در حمایت از معیشت خانوارها در شرایط جنگ و تحریم، انتقادها به دولت اصلاح‌طلبان را افزایش داده است. در همین رابطه طرح سه‌فوریتی «اقتصاد مقاومتی» در مجلس شورای اسلامی در حال پیگیری است.

پس از یک تأخیر ۹ ماهه، دولت مبلغ کالابرگ الکترونیک را از یک میلیون به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان افزایش داده است؛ افزایشی که به گفته کارشناسان و فعالان صنفی حتی بخش کوچکی از هزینه‌های ضروری خانوارهای کم‌درآمد را پوشش نمی‌دهد.

افراد تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد زودتر مشمول افزایش کالابرگ شده‌اند، اما مسئله اینجاست که بسیاری از این افراد علاوه بر هزینه‌های معمول زندگی، با مخارج سنگین درمان، توانبخشی و تجهیزات پزشکی مواجه‌اند.

شهرام مبصر، فعال حقوق معلولان، درباره هزینه‌های بالای افراد دارای معلولیت و بی‌اثر بودن یارانه یک و نیم میلیون تومانی کالابرگ گفته: «قیمت یک بسته پوشینه بزرگسالان می‌تواند از یک میلیون تومان فراتر برود. فردی که روزانه چهار پوشینه مصرف می‌کند، یک بسته ۱۰ عددی را تنها در دو روز و نیم تمام خواهد کرد. یعنی افزایش ۵۰۰ هزار تومانی کالابرگ حتی برای خرید یک بسته پوشینه نیز کافی نیست؛ چه برسد به هزینه یک ماه زندگی.»

به گفته‌ی این فعال حقوق معلولان، افراد دارای معلولیت علاوه بر خوراک، اجاره‌خانه و پوشاک، باید هزینه کاردرمانی، فیزیوتراپی، گفتاردرمانی، ویلچر، پروتز و درمان‌های

تخصصی را نیز تأمین کنند. برخی از این هزینه‌ها مستقیماً با سلامت و جان افراد ارتباط دارند و برخلاف بسیاری از مخارج دیگر، امکان حذف آنها وجود ندارد.

او با انتقاد از اظهارنظر سخنگوی دولت مبنی بر اینکه کالابرگ برای خرید پفک نیست، می‌پرسد: «با این مبلغ دقیقاً چه چیزی می‌توان خرید؟» مبصر برای نشان‌دادن فاصله حمایت دولت با هزینه‌های زندگی مثال می‌زند که با فرض قیمت ۲۰ هزار تومان برای هر تخم‌مرغ، خرید روزانه شش عدد تخم‌مرغ ۱۲۰ هزار تومان هزینه دارد. به گفته‌ی او، حتی تأمین خوراک ساده روزانه ممکن است برای یک نفر ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان هزینه داشته باشد.

او همچنین شروط دولت برای پذیرش درخواست دریافت کالابرگ از سوی شهروندان را نیز غیرمنطقی خوانده و گفته: «مالکیت یک خانه کوچک یا خودرویی که وسیله کار فرد است، لزوماً به معنای برخورداری مالی نیست». به گفته‌ی مبصر، کارگر روزمزدی که بر اثر حادثه ازکارافتاده، بیمه و درآمد ثابت ندارد یا فرد دارای معلولیتی که برای حرکت به ویلچر و پروتز نیازمند است، نباید صرفاً بر اساس ارزش اسمی دارایی‌هایش ارزیابی شود.

همانطور که شهرام مبصر اشاره کرده، یکی از معیارهای انتخاب شهروندان مشمول دریافت کالابرگ نداشتن ملک و اتومبیل و درآمد ماهانه کمتر از ۲۰ میلیون تومان برای شناسایی برخی خانوارهای مشمول است. تراکنش بانکی کمتر از ۲۰ میلیون تومان نیز از دیگر شاخص‌های مورد بررسی خواهد بود.

منتقدان می‌گویند، در شرایط تورمی، درآمد اسمی یا مالکیت خانه و ماشینی که سال‌ها پیش خریداری شده، نشان‌دهنده توان مالی خانوار نیست. در نتیجه، ممکن است بسیاری از حقوق‌بگیرانی که درآمدشان کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد، از افزایش کالابرگ بی‌نصیب بمانند.

در همین رابطه حمید حاج‌اسماعیلی، کارشناس اقتصادی، به روزنامه «جهان‌صنعت» گفته است: «دولت پس از حذف ارز ترجیحی متعهد شده بود منابع آن را به مردم بازگرداند، اما با وجود افزایش شدید قیمت‌ها، در نیمه نخست سال مبلغ کالابرگ افزایش نیافت.»

او معتقد است، تورم واقعی سه رقمی شده و تأکید کرده است که مبلغ کالابرگ باید حداقل دو برابر شود و افزایش آن همه مردم را دربر بگیرد. این کارشناس همچنین استدلال می‌کند که کمبود منابع نمی‌تواند توجیهی برای محدودکردن حمایت‌های معیشتی باشد و تأمین اعتبار کالابرگ باید همانند سایر هزینه‌های ضروری کشور در اولویت قرار گیرد.

بر اساس ادعای مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، تورم عمومی اقتصاد ایران به مرز ۹۰ درصد رسیده و تورم مواد غذایی به بیش از ۱۲۰ درصد افزایش یافته است. محاسبات تحلیلگران اقتصادی نیز نشان می‌دهد رقم سبد معیشت که شامل هزینه‌های خانوار سه نفره است در شهر تهران به بیش از ۱۰۰ میلیون تومان در دیگر کلانشهرها به ۸۰ میلیون تومان رسیده است. در مقابل اما حقوق کارگران و بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد است و رقم حقوق کارمندان دولت و دیگر بازنشستگان نیز بین ۲۵ تا در نهایت ۵۰ میلیون تومان است. مقایسه ارقام درآمدها و هزینه خانوار نشان می‌دهد بخش زیادی از جامعه ایران زیر خط فقر قرار داشته و با کمبود چند ده میلیون تومانی درآمد روبروست. بی‌اثر بودن رقم یک و نیم میلیون تومانی کالابرگ الکترونیک نیز با مقایسه این ارقام مشخص می‌شود!

وضعیت معیشتی خانوارها در ماه‌های گذشته و پس از آغاز جنگ جمهوری اسلامی و آمریکا بحرانی‌تر شده و جمعیت بیشتری به زیر خط فقر رانده شده‌اند. تیم اقتصادی دولت پزشکیان نیز در عمل به وعده‌ها شکست خورده و دولت در کنترل نرخ ارز و تورم ناکام مانده است. این روند انتقادها به دولت را افزایش داده است.

در چنین شرایطی برخی نمایندگان منتقد دولت اصلاح‌طلب پزشکیان، طرح سه‌فوریتی «اقتصاد مقاومتی» را در مجلس شورای اسلامی پیش می‌برند. این طرح در قالب ۲۴ ماده اکنون در سامانه جامع قانون‌گذاری مجلس بارگذاری شده تا نمایندگان بتوانند آن را امضا کنند.

در طرح «اقتصاد مقاومتی» که در تابستان امسال تدوین آن آغاز شد پیشنهاداتی از جمله برای تثبیت پنج‌ساله نرخ ارز، صفر کردن بهره بانکی و محدود کردن یارانه نقدی به سه دهک پایین ارائه شده است.

در این طرح موضوع «تغییر نظام ارزی کشور به نرخ ثابت» مطرح و آمده که بانک مرکزی باید طی دو ماه نرخ رسمی دلار را به‌تدریج کاهش دهد و سپس آن را برای پنج سال در سطح معادل «۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان با واحد پول فعلی» تثبیت کند.

همچنین بر اساس این طرح، «مرکز مبادله ارز و طلای ایران» و بازارهای ارز تجاری و توافقی منحل می‌شوند و صادرکنندگان باید تمام ارز صادراتی خود را ظرف ۶۰ روز به بانک مرکزی بفروشند. در این طرح آمده است که معاملات با نرخ‌های دیگر «قاچاق ارز» محسوب خواهد شد و کلیه پایگاه‌های اینترنتی اعلام‌کننده نرخ‌های ارز غیر از نرخ رسمی نیز باید مسدود شود.

در بخش دیگری از طرح «اقتصاد مقاومتی»، موضوع حمایت از معیشت خانوارها برجسته شده و آمده که پرداخت یارانه نقدی صرفا به دهک‌های اول تا سوم محدود شود و پرداخت آن به سایر دهک‌ها و ایرانیان مقیم خارج ممنوع شود. این طرح خواستار توقف توزیع کالابرگ یک‌میلیون تومانی شده اما در آنسو تأکید کرده باید یارانه و کالابرگ هدفمند به خانوارهای کم‌درآمد تا دهک هفتم و بر اساس ارزیابی توان مالی خانوار و در سقف منابع بودجه، صورت گیرد.

پیمان فلسفی، رئیس فراکسیون کشاورزی پویا و امور عشایر مجلس شورای، طراح اصلی طرح «اقتصاد مقاومتی» است. او پیشتر گفته بود که در این طرح «مسائلی نظیر شفاف‌سازی وضعیت ارز، افزایش ارزش پول ملی، مدیریت تأمین و قیمت‌گذاری انرژی و همچنین نحوه مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری برای جلوگیری از انحصار سود در دست عده‌ای خاص، مورد توجه قرار گرفته است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی ادعا کرده بود: «هدف ما این است که در اقتصاد مقاومتی، هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده نفع ببرند؛ چرا که اقتصاد مقاومتی به معنای اقتصاد ریاضتی نیست.»

اینهمه در حالیست که شرایط امروز اقتصاد ایران حاصل چهاردهه ناکارآمدی جمهوری اسلامی در سیاست‌گذاری اقتصادی است. ساختار معیوب و فاسد اقتصاد ایران با جنگ ایجاد نشده و جنگ اخیر صرفا به ویرانی اقتصاد ایران سرعت بخشیده است.

آمارها نیز نشان می‌دهند که وضعیت اقتصاد ایران پیش از جنگ هم رو به بحران در حرکت بوده است. برای نمونه درآمد ناخالص داخلی سرانه ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴ بیش از ۴۶درصد کاهش یافته، در حالی که این شاخص در مدت مشابه در ترکیه حدود ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده است!

افزایش آمار مرگ و مصدومیت کارگران به علت فقدان تجهیزات حفاظتی و ناایمن بودن محیط‌های کار

- **روز گذشته یک اپراتور ۶۵ ساله جرثقیل تاور در جریان انجام فعالیت‌های عملیاتی در ارتفاع ۶۰ متری، در یکی از واحدهای صنعتی حاشیه شهر نیشابور جان خود را از دست داد.**
- **یک کارگر ۴۷ ساله پیمانکاری شاغل در بخش «احیا صنعت شرکت واگن پارس» که به دلیل نبود فضای ایمن در سالن تولید، بین دو واگن گیر کرده و به شدت آسیب دیده بود، یک روز بعد به علت شدت جراحات در بیمارستان جان باخت.**
- **روز شنبه ۲۵ مهرماه دو کارگر به علت گازگرفتگی در یک حلقه چاه کشاورزی در شهرستان ارومیه استان آذربایجان غربی جان خود را از دست دادند. در همین روز یک تعمیرگاه ماشین در روستای پرک شهرستان کنگان استان بوشهر آتش گرفت و در جریان آن یک کارگر تعمیرکار مصدوم شد.**
- **طی سه هفته نخست مهرماه امسال دست‌کم ۳۰ کار به دلیل حوادث در محیط کار جان باختند و ۷۸ کارگر نیز مصدوم شدند.**
- **واژگونی اتومبیل حامل کارگران، سقوط از ارتفاع در ساختمان‌های در حال ساخت، آتش‌سوزی و انفجار، ریزش تونل یا گازگرفتگی در معادن از جمله دلایل تکراری در حوادث در محیط کار در ایران بوده‌اند.**
- **اکثر حوادث در محیط کار به علت نقص ایمنی، فقدان تجهیزات حفاظتی و ناایمن بودن محیط‌های کار رخ داده است. موضوعی که گفته می‌شود به علت افزایش تورم و هزینه‌ها رخ می‌دهد و کارفرمایان برای کاهش هزینه‌ها، از انجام استانداردهای ایمنی یا تهیه وسایل ایمنی برای کارگاه‌ها و کارگران خودداری می‌کنند.**

نرخ مرگ و مصدومیت کارگران به علت حوادث کار در ایران طی هفته‌های گذشته با افزایش قابل توجهی روبرو شده است. کارشناسان و فعالان صنفی، عدم رعایت ایمنی در محیط کار توسط کارفرمایان به علت افزایش هزینه‌ها را از مهمترین دلایل افزایش حوادث در محیط کار ایران ارزیابی می‌کنند.

روز گذشته یک اپراتور ۶۵ ساله جرثقیل تاور در جریان انجام فعالیت‌های عملیاتی در ارتفاع ۶۰ متری، در یکی از واحدهای صنعتی حاشیه شهر نیشابور جان خود را از دست داد.

همزمان در روز دوشنبه ۲۷ مهرماه ۱۴۰۵ دو کارگر ساختمانی در جریان عملیات ساخت‌وساز در شهر هشتگرد درون چاهک آسانسور سقوط کردند. یکی از کارگران

در دم جان خود را از دست داد و کارگر دیگر نیز با جراحت ناشی از سقوط به بیمارستان منتقل شد.

همزمان یک کارگر در طبقه هفتم ساختمانی در حال ساخت در شهر رشت، هنگام کار ساختمانی، به دلیل رعایت نشدن نکات ایمنی حین کار از ارتفاع به کف چاهک آسانسور سقوط کرد و دقایقی بعد جان باخت.

روز گذشته همچنین یک کارگر ۵۸ ساله هنگام کار در طبقات یک مجتمع ساختمانی در شهر فردیس استان البرز سقوط کرد و با برخورد به کف چاهک آسانسور دچار حادثه شد. این کارگر پس از وقوع حادثه توسط تیم‌های امدادی و آتش‌نشانی به بیمارستان منتقل شد.

شامگاه یکشنبه ۲۶ مهرماه نیز انفجار کوره در کارخانه فروآلیاژ واقع در شهرک صنعتی شماره ۲ اسلام‌آباد غرب، منجر به جان باختن مدیر چینی این واحد صنعتی و مصدومیت سه کارگر دیگر شد.

روز یکشنبه همچنین یک کارگر ۴۷ ساله پیمانکاری شاغل در بخش «احیا صنعت شرکت واگن پارس» به دلیل نبود فضای ایمن در سالن تولید، بین دو واگن گیر کرد و به شدت آسیب دید. این کارگر روز دوشنبه به علت شدت جراحات در بیمارستان جان باخت.

روز شنبه ۲۵ مهرماه دو کارگر به علت گازگرفتگی در یک حلقه چاه کشاورزی در شهرستان ارومیه استان آذربایجان غربی جان خود را از دست دادند. در همین روز یک تعمیرگاه خودرو در روستای پرک شهرستان کنگان استان بوشهر آتش گرفت و در جریان آن یک کارگر تعمیرکار مصدوم شد.

این موارد حادثه در محیط کار تنها طی سه روز هفته جاری از شهرهای مختلف گزارش شده است. فعالان کارگری معتقدند همه حوادث در محیط کار گزارش و رسانه‌ای نمی‌شوند و در نتیجه احتمال دارد موارد مرگ و مصدومیت ناشی از حوادث کار بیش از مواردی باشد که در رسانه‌ها و یا از سوی فعالان کارگری اعلام شده است.

در هفته‌های گذشته آمار حوادث در محیط کار در ایران با افزایش چشمگیری روبرو شده است. طی سه هفته نخست مهرماه امسال دست‌کم ۳۰ کار به دلیل حوادث در محیط کار جان باختند و ۷۸ کارگر نیز مصدوم شدند. بر اساس آمارهای اعلام شده از سوی منابع کارگری در ۲۰ روز نخست مهرماه جاری وقوع ۳۳ حادثه کار در ۱۸ استان کشور ثبت شده است.

خبرگزاری «هرانا» نیز در گزارشی درباره حوادث در محیط کار از اول تا ۱۷ مهرماه، نوشته استان آذربایجان غربی با پنج حادثه، بیشترین تعداد حوادث کار را در این بازه زمانی به خود اختصاص داده است. پس از آن، استان‌های همدان، مرکزی و خراسان رضوی هرکدام با سه حادثه و استان‌های زنجان، کرمانشاه و مازندران هرکدام با دو حادثه قرار دارند.

همچنین در استان‌های گلستان، کرمان، تهران، البرز، قم، کردستان، سمنان، آذربایجان شرقی، خوزستان، ایلام و بوشهر هرکدام یک حادثه کار به ثبت رسیده است.

واژگونی اتومبیل حامل کارگران، سقوط از ارتفاع در ساختمان‌های در حال ساخت، آتش‌سوزی و انفجار، ریزش تونل یا گازگرفتگی در معادن از جمله دلایل تکراری در حوادث در محیط کار در ایران بوده‌اند.

همچنین اکثر حوادث در محیط کار به علت نقص ایمنی، فقدان تجهیزات حفاظتی و ناایمن بودن محیط‌های کار رخ داده است. موضوعی که گفته می‌شود به علت افزایش تورم و هزینه‌ها رخ می‌دهد و کارفرمایان برای کاهش هزینه‌ها، از انجام استانداردهای ایمنی یا تهیه وسایل ایمنی برای کارگاه‌ها و کارگران خودداری می‌کنند.

بر اساس گزارش روز جهانی کارگر که توسط مرکز آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، منتشر شد، از ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ تا ۸ اردیبهشت ۱۴۰۵، دست‌کم ۵۰۱۹ کارگر در پی حوادث کار کشته یا مصدوم شدند. بیشتر کارگران ایران در شرایط فاقد امنیت شغلی و پوشش بیمه‌ای مناسب فعالیت می‌کنند، کمبود بازرسان و ضعف زیرساخت‌های ایمنی، ثبت و پیشگیری از حوادث شغلی را با چالش جدی مواجه کرده است.

این گزارش اعلام کرده از ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ تا ۷ اردیبهشت ۱۴۰۵، مرگ دست کم ۵۸۶ کارگر در پی حوادث کار ناشی از فقدان ایمنی محیط یا شرایط کار توسط رسانه‌ها یا سازمان‌های فعال در این حوزه مخابره شده است.

این گزارش افزوده ۲۰/۲۸ این حوادث مربوط به حوادث ساختمانی، ۱۵/۹۱ درصد سقوط از ارتفاع، ۱۵/۲۱ درصد اصابت جسم سخت، ۱۱/۸۹ درصد آتش سوزی، ۷/۶۹ درصد در معادن، ۷/۱۷ درصد تصادفات، ۵/۹۴ درصد برق گرفتگی، ۳/۳۲ درصد انفجار، ۲/۹۷ درصد گازگرفتگی، ۲/۴۵ درصد وقوع حوادث در چاه، ۲/۲۷ درصد در کارخانجات، ۲/۱۰ درصد مسمومیت، و دیگر موارد غرق شدگی، گرمازدگی، دودگرفتگی، بوده است.



افزایش حوادث در محل کار طی هفته‌های گذشته در حالیست که «آیین‌نامه به‌کارگیری مسئول ایمنی/حفاظت فنی در کارگاه‌ها» در نشست ۱۸ شهریور ۱۴۰۵ هیئت وزیران تصویب و آخر شهریورماه نیز ابلاغ و لازم‌الاجرا شده است.

بر اساس این آیین‌نامه، کارفرمایان موظف‌اند متناسب با شرایط، نوع فعالیت و مخاطرات کارگاه، نسبت به معرفی و به‌کارگیری مسئول ایمنی واجد شرایط اقدام کنند. آموزش نیروی کار، تجهیز کارگاه‌ها بر اساس استانداردهای ایمنی، استخدام کارشناسان ایمنی محیط کار بر اساس تعداد کارکنان در هر کارگاه، و بازرسی و ارائه گزارش عملکرد مسئول ایمنی، از جمله موضوعات مورد توجه در این آیین‌نامه است.

با اینهمه کارشناسان ایمنی محیط کار سال‌هاست تأکید دارند قوانین و بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی برای رعایت ایمنی در محیط کار وجود دارد اما به علت ضعف در «نظارت» در عمل بسیاری از کارفرمایان این نکات را رعایت نمی‌کنند.

رکود تورمی، جنگ و قطع اینترنت در ایران بازار مشاغل غیررسمی را گرم کرد



مشاغل غیررسمی از جمله مشاغلی هستند که افراد شاغل در آن بدون داشتن قرارداد رسمی کار و برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و بیمه با دستمزدی کمتر از مزد قانونی به کار اشتغال دارند.

جنگ، تورم، قطع اینترنت، کاهش قدرت خرید و بی‌اطمینانی اقتصادی، میلیون‌ها شاغل بدون بیمه و قرارداد را در معرض فشار معیشتی شدیدتری قرار داده و سبب افزایش اشتغال در بخش غیررسمی شده است.

قطع طولانی اینترنت در جریان جنگ ۱۲ روزه در سال ۱۴۰۴، اعتراضات دی۴۰۴ و جنگ ۴۰ روزه، مشاغل وابسته به اینترنت را به شدت متأثر و صدها هزار نفر را بیکار کرده است. بخشی از این افراد به ناچار به مشاغل غیررسمی جذب شدند.

بخشی از بازنشستگانی که حقوق ناچیز آنها کفاف هزینه‌های نجومی زندگی را نمی‌دهد، مجبور شده‌اند به بازار کار برگردند و در بخش غیررسمی، از جمله به عنوان نگهبان یا راننده تاکسی، مشغول به کار شوند.

به گزارش روزنامه «شرق»، درآمد پایین و افزایش هزینه‌های مطب‌داری بسیاری از پزشکان عمومی ایران را به مشاغلی مانند مسافرکشی و پرستاری از سالمندان کشانده و آنها برای برای امرار معاش ناچار به جذب در بازار کار مشاغل غیررسمی شده‌اند.

تورم، بی‌اطمینانی، درآمدهای ناکافی و نبود فرصت‌های شغلی مناسب، در کنار رکود ناشی از جنگ و قطع اینترنت، سبب افزایش مشاغل غیررسمی در اقتصاد ایران شده است. برآوردها نشان می‌دهد سهم مشاغل غیررسمی در بازار کار ایران به حدود ۶۰ درصد رسیده است که بیانگر اشتغال ۱۰ میلیون نفر در بخش غیررسمی است.

مشاغل غیررسمی از جمله مشاغلی هستند که افراد شاغل در آن بدون داشتن قرارداد رسمی کار و برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و بیمه با دستمزدی کمتر از مزد قانونی به کار اشتغال دارند.

اقتصاددانان «رکود اقتصادی، بیکاری گسترده، تورم بالا و کاهش قدرت خرید» را به عنوان مهمترین عوامل محرک افزایش مشاغل غیررسمی عنوان می‌کنند. در اقتصاد امروز ایران همه این محرک‌ها همزمان وجود دارند و شهروندان برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی از اشتغال در بخش مشاغل غیررسمی هم استقبال می‌کنند.

به گفته کارشناسان اقتصادی، جنگ، تورم، قطع اینترنت، کاهش قدرت خرید و بی‌اطمینانی اقتصادی، میلیون‌ها شاغل بدون بیمه و قرارداد را در معرض فشار معیشتی شدیدتری قرار داده و سبب افزایش اشتغال در بخش غیررسمی شده است.

بر اساس گزارش‌ها، از دستفروشی و کار در کارگاه‌های کوچک تا فریلنسری، رانندگی در پلتفرم‌های آنلاین و فروش در اینستاگرام؛ مشاغل غیررسمی در ایران برای بخشی از جامعه دیگر انتخاب دوم نیستند، راهی برای ماندن در بازار کار است. اما همین مشاغل که در روزهای عادی بخشی از بار اشتغال را به دوش می‌کشند، در دو سال گذشته زیر فشار جنگ، قطع اینترنت، سقوط قدرت خرید، تورم و بی‌طمینانی اقتصادی، به یکی از آسیب‌پذیرترین لایه‌های اقتصاد ایران تبدیل شده‌اند.

بر اساس برآوردهای رسمی و گزارش‌های نهادهایی مانند بانک جهانی، اشتغال غیررسمی حدود ۵۶ تا ۶۰ درصد از کل بازار کار ایران را به خود اختصاص داده است. این بدین معناست که بیش از ۱۰ میلیون نفر از جمعیت فعال کشور بدون داشتن قرارداد رسمی، پوشش بیمه تأمین اجتماعی و بازنشستگی مشغول به کار هستند.

در کنار مشکلاتی چون افزایش تورم و کاهش نرخ اشتغال در ایران، قطع طولانی‌مدت اینترنت در جریان جنگ ۱۲ روزه در سال ۱۴۰۴، اعتراضات دی۴۰۴ و جنگ ۴۰ روزه، مشاغل وابسته به اینترنت را به شدت متأثر کرد. ستار هاشمی، وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی، اعلام کرده اشتغال ۱۰ میلیون نفر در ایران به اینترنت وابسته است.

خسارت روزانه قطع اینترنت در ایران رقمی هنگفت برآورد شده است. به گفته افشین کلاهی، عضو اتاق بازرگانی، خسارت مستقیم قطع اینترنت را روزانه ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار برآورد کرده و گفته بود زیان‌های غیرمستقیم می‌تواند تا دو برابر این رقم باشد.

قطع اینترنت در زمستان و بهار گذشته حتی بزرگترین استارتاپ‌های متکی بر اینترنت در ایران را نیز به شدت متأثر کرد و ناچار شدند بخشی از نیروی کار خود را اخراج کنند. در نخستین روزها پس از تعطیلات نوروز ۱۴۰۵ شرکت «دیجی‌کالا» از اخراج ۲۰۰ نفر، حدود سه درصد کارکنانش، خبر داد.

«اتاق تهران» و «ایران‌تلنت» نیز در گزارشی مشترک اعلام کرده بودند ۵۷ درصد کسب‌وکارها اختلال اینترنت را یکی از عوامل اصلی آسیب درآمدی اعلام کردند و بیش از ۷۰ درصد شرکت‌ها گفتند مشکل اینترنت، دورکاری آنها را مختل کرده است.

قطع اینترنت و رکود ناشی از جنگ، موج وسیعی از بیکاری در ابتدای سال جاری را رقم زد. به گفته فعالان بازار کار حدود چهار میلیون نفر در ایران درآمد خود را از دست دادند. این افراد دامنه گسترده‌ای از مشاغل مرتبط با اینترنت تا کارمندان بخش‌های مختلف گردشگری و صنعتی و تولیدی، و کارگران را شامل می‌شدند.

این روند نیز جذب نیروی کار به بخش غیررسمی را افزایش داده است. اشتغال غیررسمی شامل مشاغلی است که بدون ثبت رسمی، بدون قرارداد کتبی، بدون پوشش بیمه (تأمین اجتماعی) و فاقد نظارت و مالیات‌ستانی مستقیم فعالیت دارند.

بخشی از مشاغل خانگی، مسافرکشی (به ویژه با ماشین‌های شخصی یا اینترنتی بدون بیمه شغلی)، کولبری، دستفروشی، کارگری روزمزد ساختمانی و فعالیت‌های خرد تجاری شامل مشاغل غیررسمی هستند.

بخشی از شاغلان در مشاغل غیررسمی اما افرادی هستند که شغل غیررسمی خود را به عنوان شغل دوم و حتی سوم و از سر ناچاری برای داشتن درآمد بیشتر انتخاب کرده‌اند. همچنین بخشی از بازنشستگانی که حقوق ناچیز آنها کفاف هزینه‌های نجومی زندگی را نمی‌دهد، مجبور شده‌اند به بازار کار برگردند و در بخش غیررسمی، از جمله به عنوان نگهبان یا راننده تاکسی، مشغول به کار شوند.

هفته گذشته نیز روزنامه «شرق» در گزارشی اعلام کرد، ۳۵ درصد پزشکان عمومی دیگر طبابت نمی‌کنند. بر اساس این گزارش، درآمد پایین و افزایش هزینه‌های مطب‌داری بسیاری از پزشکان عمومی ایران را به مشاغلی مانند مسافرکشی و پرستاری از سالمندان کشانده است و آنها برای برای امرار معاش ناچار به جذب در بازار کار مشاغل غیررسمی شده‌اند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیشتر در گزارشی اعلام کرده بود، در سال‌های اخیر اقتصاد غیررسمی در ایران رشد داشته و مهم‌ترین دلیل آن کاهش نسبی درآمد سرانه رسمی کشور، کاهش قدرت خرید مردم، مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران، گزارش نشدن بخشی از درآمدها و قدرت خرید افراد در آمار رسمی، فرار مالیاتی گسترده و گسترش قاچاق کالاست.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید شده بود که راه غلبه بر تنگناهای رسیدن به رشد اقتصادی، تامین کارگر تحصیل‌کرده‌تر نیست، بلکه راهکار تامین و حمایت از کارآفرینان تحصیل‌کرده و ارگانی است که بتواند کسب‌وکارهای مولد و پربازده را اداره کنند.خبرگزاری «مهر» پیشتر گزارش داده بود که پرداخت دستمزدهای پایین یکی از عواملی است که انگیزه کافی برای جویندگان کار را فراهم نمی‌کند، به همین دلیل عده زیادی از افراد از ورود به بازار کار صرفنظر می‌کنند و به امید دریافت دستمزدهای بهتر به سمت مشاغل پاره‌وقت و غیررسمی می‌روند.

در گزارش خبرگزاری «مهر» آمده: «به زعم آنها بخش اعظمی از شغل‌های غیررسمی مربوط به حوزه مشاغل غیرفنی و غیرصنعتی است و در شرایطی که دستمزدها کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد، نیروی کار ترجیح می‌دهد به جای کار در مشاغل مولد و رسمی و داشتن بیمه به شغل‌های خدماتی با ریسک کمتر و درآمد بیشتر روی بیاورد. برخلاف مشاغل رسمی، شناسایی افراد شاغل در مشاغل غیررسمی به دلیل عدم امکان احراز اشتغال از طریق بیمه و تراکنش‌های مالی دشوار است.»

در همین رابطه حمید حاج اسماعیلی، کارشناس بازار کار، در گفتگو با خبرگزاری «ایسنا» به نبود آمار دقیق کارگران و نیروهای کار غیررسمی اشاره کرده و گفته: «ما کارگاه‌ها و بنگاه‌هایی داریم که آمار رسمی فعالیت آنها در دست نیست و تعداد دقیق کارگران شاغل در آنها را نمی‌دانیم. اینکه در این کارگاه‌ها چه تعداد کارگر رسمی یا غیررسمی هستند و به لحاظ سن و جنس چه طبقات اجتماعی را شامل می‌شوند جزو موضوعات مهمی است که باید در خصوص آن آمار و اطلاعات دقیقی داشته باشیم تا بر اساس آن تصمیم‌گیری کنیم.»

حمید حاج اسماعیلی بر لزوم ایجاد بانک اطلاعات مشاغل غیررسمی و نیروهای شاغل در آنها تاکید کرده و گفته: «در دوران جنگ کسب‌وکارهای زیادی از جمله شاغلان فضای مجازی و کارگران کارگاه‌های غیررسمی دچار مشکل شدند ولی چون آمار دقیقی از آنها در اختیار نبود نتوانستیم بسته حمایتی برایشان تعریف کنیم.این کارشناس بازار کار پیشنهاد کرد که سامانه‌ای برای شناسایی افراد بیکار شده ایجاد شود و مسئولیت این کار را دو وزارتخانه کار و ارتباطات برعهده گیرند.»

مهرداد اخلاقی وزیر دفاع جمهوری اسلامی شد

● مهرداد اخلاقی کتابچی، روز یکشنبه ۲۶ مهرماه با ۲۳۷ رأی موافق، ۱۵ رای مخالف و بدون رای ممتنع از مجموع ۲۷۷ رأی به عنوان وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی انتخاب شد. اعلام شد که این جلسه «علنی» برگزار شده اما محل برگزاری آن همان مخفیگاهی بود که بعد از جنگ ۴۰ روزه جلسات مجلس به آنجا منتقل شده است.

● اخلاقی که نظامی نیست و از او با عنوان «مهندس» یاد می‌شود، بعد از کشته شدن امیر نصیرزاده در نهم اسفند ۱۴۰۴، سرپرست موقت وزارت دفاع شد.

● در تصاویر پخش‌شده از مهرداد اخلاقی کتابچی، او با لباس غیرنظامی در مجلس حاضر شد؛ در حالی که همراهان او همگی با یونیفرم بودند. به نظر می‌رسد برای جمهوری اسلامی، وفاداری ایدئولوژیک و سیاسی- عقیدتی وزیر دفاع مهمتر از درجه و نظامی بودن اوست! در حالی که با آنچه به ویژه در دو سال اخیر گذشته، هیچ اطمینانی نسبت به "وفاداری" هیچکدام از مقامات نظام نمی‌توان داشت!



مهرداد اخلاقی با لباس خاکی رنگ در ردیف اول

مهرداد اخلاقی کتابچی، روز یکشنبه ۲۶ مهرماه با ۲۳۷ رأی موافق، ۱۵ رای مخالف و بدون رای ممتنع از مجموع ۲۷۷ رای به عنوان وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی انتخاب شد. اعلام شد که این جلسه «علنی» برگزار شده اما محل برگزاری آن همان مخفیگاهی بود که بعد از جنگ ۴۰ روزه جلسات مجلس به آنجا منتقل شده است.

اخلاقی که نظامی نیست و از او با عنوان «مهندس» یاد می‌شود بعد از کشته شدن امیر نصیرزاده در نهم اسفند ۱۴۰۴، سرپرست موقت وزارت دفاع شد.

در تصاویر پخش‌شده از مهرداد اخلاقی کتابچی، او با لباس غیرنظامی در نشست مجلس حاضر شد؛ در حالی که همراهان او همگی با یونیفرم بودند. به نظر می‌رسد برای جمهوری اسلامی، وفاداری ایدئولوژیک و سیاسی- عقیدتی وزیر دفاع مهمتر از درجه و نظامی بودن اوست! در حالی که با آنچه به ویژه در دو سال اخیر گذشته، هیچ اطمینانی نسبت به "وفاداری" هیچکدام از مقامات نظام نمی‌توان داشت!

پس از اکبر ترکان که در دولت اول اکبر هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲) وزیر دفاع بود، تا زمان کشته شدن نصیرزاده، همه وزرای دفاع از میان نظامیان رده بالای سپاه و ارتش انتخاب می‌شدند.

اخلاقی یکی از متخصصان حوزه برنامه موشکی جمهوری اسلامی است. نام وی به دلیل سوابقش در توسعه برنامه‌های هسته‌ای و موشکی در فهرست تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا و همچنین در قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت سازمان ملل (به عنوان رئیس گروه صنعتی شهید باقری) قرار دارد.

گفته می‌شود اخلاقی از حامیان برنامه موشکی حسن طهرانی‌مقدم است. با این حال، دقیقاً سهم فنی و مدیریتی او در طراحی یا تولید موشک‌ها مشخص نیست.

در دوره‌های گذشته، جلسات رای اعتماد زنده از تلویزیون دولتی پخش می‌شد و نمایندگان موافق و مخالف سخنرانی می‌کردند و وزیر پیشنهادی از برنامه‌های خود دفاع می‌کرد اما وضعیت جمهوری اسلامی آنقدر غیرعادی و بحرانی است که تقریباً همه چیز برای رأی دادن به وزیر دفاع در فضایی امنیتی و غیرعلنی برگزار شد.

اخلاقی مطلوب‌ترین گزینه سپاه پاسداران برای وزارت دفاع است، تا جایی که قبل از برگزاری جلسه رای اعتماد، نامه‌ای در حمایت از او منتشر شد که امضاء «خانواده وزرای شهید جنگ» را داشت. برخی منابع غیررسمی گزارش دادند که در ارتش شماری از فرماندهان موافق وزارت او نیستند، او در مجلس هم ۱۵ رای مخالف داشت ولی اسامی نمایندگان مخالف اعلام نشده است.

اکنون وزارت اطلاعات و وزارت نفت به عنوان دو رکن کلیدی کابینه مسعود پزشکیان وزیر ندارند و سرپرست موقت آنها را اداره می‌کند. وزیر اطلاعات پیشین، اسماعیل خطیب، در جنگ کشته شد و نام سرپرست فعلی وزارت اطلاعات از ترس اعلام نشده است. محسن پاک‌نژاد وزیر نفت بنیز عد از محاصره دریایی استعفا داد و حمید بورد مدیر شرکت نفت جانشین موقت او شده است.

ترانه و رومینا رحیمی، خواهران بازداشت‌شده اعتراضات دی۴۰۴، نامزد دریافت جایزه ساخاروف شدند



رومینا و ترانه رحیمی

ترانه و رومینا رحیمی، دو خواهر دو قلو ۲۰ ساله بازداشت‌شده در اعتراضات دی۴۰۴ نامزد جایزه ساخاروف برای آزادی اندیشه شدند.

این دو خواهر به همراه ۱۴ شهروند دیگر در پرونده معروف به «میدان شهدا» شهر اصفهان بازداشت شدند. ترانه به همراه ۹ متهم دیگر به اعدام، و رومینا به ۲۵ سال زندان محکوم شده است.

خبرگزاری «هرانا»گزارش داده، اعتراف‌گیری از ترانه و رومینا و دیگر متهمان این پرونده زیر شکنجه و فشار صورت گرفته است. این گزارش افزوده، ویدئوی موجود در پرونده، ترانه را هنگام درگیری با شهروند بی‌خانمانی که بعداً کشته شد نشان می‌دهد که از افراد حاضر می‌خواهد او را مورد ضرب و جرح قرار ندهند.

جایزه ساخاروف برای آزادی اندیشه (Sakharov Prize for Freedom of Thought) معتبرترین جایزه حقوق بشری اتحادیه اروپا است و در دسامبر هر سال در استراسبورگ فرانسه اهدا می‌شود.

ترانه و رومینا رحیمی، دو خواهر بازداشت‌شده در اعتراضات دی۴۰۴ نامزد جایزه ساخاروف برای آزادی اندیشه شدند. این دو خواهر به همراه ۱۴ شهروند دیگر در پرونده معروف به «میدان شهدا» شهر اصفهان بازداشت شدند. ترانه به همراه ۹ متهم دیگر به اعدام، و رومینا به ۲۵ سال زندان محکوم شده است.

کمیته‌های امور خارجی و توسعه پارلمان اروپا روز دوشنبه ۲۷ مهرماه ۱۴۰۵ این دو خواهر دو قلو ۲۰ ساله را به عنوان نامزدهای جایزه ساخاروف برای آزادی اندیشه معرفی کردند. کنفرانس رؤسای پارلمان اروپا روز پنجشنبه ۲۲ اکتبر برنده نهایی این جایزه را مشخص خواهد کرد.

دیوان کیفری بین‌المللی و مقام‌های آن؛ توندو لیسو، وکیل و رهبر سیاسی و مدافع حقوق بشر اهل تانزانیا که تحت آزار و پیگرد سیاسی قرار گرفته، و ترانه و رومینا رحیمی، به نمایندگی از تمامی افرادی که از سوی حکومت جمهوری اسلامی تحت آزار و سرکوب قرار گرفته‌اند؛ به عنوان سه نامزد نهایی جایزه ساخاروف معرفی شده‌اند.

ترانه رحیمی و رومینا رحیمی از شهروندان بازداشت‌شده در جریان اعتراضات دی۴۰۴ هستند که در ارتباط با پرونده معروف به «میدان شهدای اصفهان» محاکمه شدند.

پرونده «میدان شهدا» اصفهان به اعتراضات شامگاه ۱۸ دی ۴۰۴ مربوط است که از یک مغازه کفش‌فروشی آغاز شد؛ جایی که گفته می‌شود تعداد محدودی کوکتل مولوتوف ساخته شده و تصاویری از این اقدام نیز از دوربین مداربسته مغازه متعلق به میلاد بوئری به دست آمده است.

این پرونده پس از کشته‌شدن عباس کامرانی عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و یک شهروند بی‌خانمان در اعتراضات ۱۸ دی تشکیل شد.

اغلب افراد بازداشت‌شده در این پرونده فروشندگان و کسبه شاغل در این منطقه یا نزدیکان آنها هستند. در گزارش خبرگزاری «هرانا» آمده، در کیفرخواست متهمان، اتهام مشخصی در ارتباط با قتل دو فرد کشته‌شده مطرح نشده بود و در جلسه دادگاه نیز مدرکی که بطور مشخص مشارکت ترانه، رومینا یا شماری از متهمان دیگر در مرگ آن دو را اثبات کند ارائه نشد.

بر اساس احکام صادرشده در این پرونده، ترانه رحیمی، نوید الیاسی، ابوالفضل دادگستر، مهدی منصوری، احمدرضا سعیدی، مهرداد بوئری، محمد مهدی اسدی، آرمین غلامی، پارسا جعفری و مهدی جعفری معروف به «مهدی خسروی» ۱۰ متهمی هستند که علیه آنها حکم اعدام صادر شده است.

شش متهم دیگر پرونده نیز به حبس طولانی محکوم شده‌اند. رومینا رحیمی و میلاد بوئری هرکدام به ۲۵ سال حبس، حامد مهرعلیان به ۱۵ سال زندان، و ستایش ساعدی، سجاد عابدی و علی بوئری نیز هرکدام به پنج سال حبس محکوم شده‌اند.

همچنین شعبه اول دادگاه انقلاب انقلاب در بخشی از احکام صادره همه ۱۶ متهم را به اتهام «اجتماع و تبانی» به پنج سال، «تحریک به اغتشاش» به پنج سال و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال حبس محکوم کرده است.

اتهامات این افراد «محاربه»، «معاونت در محاربه»، «تخریب اموال عمومی در حکم محاربه»، «اجتماع و تبانی» و «تبلیغ علیه نظام» اعلام شده است.

خبرگزاری «هرانا» در گزارشی اعلام کرده، اعتراف‌گیری از ترانه و رومینا و دیگر متهمان این پرونده زیر شکنجه و فشار صورت گرفته است. این گزارش افزوده، ویدئوی موجود در پرونده، ترانه را هنگام درگیری با شهروند بی‌خانمانی که بعداً کشته شد نشان می‌دهد که از افراد حاضر می‌خواهد او را مورد ضرب و جرح قرار ندهند.

خانواده ترانه و رومینا و منابع حقوق بشری گفته‌اند که این دو در دوران بازجویی تحت شکنجه جسمی و روانی قرار گرفته‌اند. یکی از بستگان این دو خواهر پیشتر در گفتگو با «رادیو فردا» اعلام کرده بود هنگامی که مادرشان پس از چند ماه آن‌ها را ملاقات کرد، به دلیل تورم صورت، کبودی بدن و آسیب‌های جسمی در ابتدا قادر به شناخت دخترانش نبود. او همچنین گفت بخش‌هایی از موهای آن‌ها در نتیجه کشیده‌شدن از مو در جریان بازجویی از بین رفته بود.

جایزه ساخاروف برای آزادی اندیشه (Sakharov Prize for Freedom of Thought) معتبرترین جایزه حقوق بشری اتحادیه اروپا است و در دسامبر هر سال در استراسبورگ فرانسه اهدا می‌شود.

این جایزه جایزه ساخاروف برای آزادی اندیشه، از سال ۱۹۸۸ میلادی (۱۳۶۷ خورشیدی) به نام آندری ساخاروف، فیزیک‌دان و مخالف سیاسی شوروی، به افراد یا گروه‌هایی که زندگی خود را وقف دفاع از حقوق بشر و آزادی اندیشه کرده‌اند اهدا می‌شود. ارزش مالی این جایزه ۵۰ هزار یورو است. نلسون ماندلا و آناتولی مارچنکو از جمله برندگان این جایزه هستند. جعفر پناهی و نسرین ستوده نیز دو شهروند ایران هستند که پیشتر برنده این جایزه شدند.

کاهش بیش از پیش تولید و عمیق‌تر شدن رکود در بخش صنعت

بر اساس گزارش پژوهشکده پولی و بانکی، در امرداد ۱۴۰۵، تولید صنعتی شرکت‌های بورسی نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۰/۶ درصد کاهش یافت، در حالی که رشد سالانه شاخص قیمت محصولات صنعتی به ۱۳۰/۴ درصد رسید.

در امرداد امسال صنایع مادر و بزرگ کشور با رشد منفی تولید روبرو شدند. در این میان صنعت اتومبیل و قطعه‌سازی که از مهمترین صنایع ایران است با سقوط ۳۹/۳ درصدی تولید مواجه شد.

کاهش موجودی انبار محصولات نهایی نشان می‌دهد که محدودیت‌های سمت عرضه، از جمله آسیب‌های جنگ و اختلال در تأمین نهاده‌ها به علت شرایط جنگ و محاصره دریایی، نقش مهمی در رکود صنعت داشته‌اند.



بخش صنعت در ایران که نقش مهمی در درآمد کشور دارد، مدت‌هاست با رکود شدیدی روبروست. در کنار افزایش تورم و قیمت ارز که هزینه تولید را افزایش داده، افزایش هزینه حمل و نقل و بحران در تأمین مواد اولیه به علت محاصره دریایی از دلایل تشدید بیش از پیش رکود در بخش صنعت است. از سوی دیگر کاهش حجم صادرات، درآمدها در بخشی از صنایع مانند فولادسازی را کاهش داده است.

بر اساس گزارش پژوهشکده پولی و بانکی، در امرداد ۱۴۰۵، تولید صنعتی شرکت‌های بورسی نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۰/۶ درصد کاهش یافت، در حالی که رشد سالانه شاخص قیمت محصولات صنعتی به ۱۳۰/۴ درصد رسید.

جزییات این گزارش نشان می‌دهد از میان ۱۳ صنعت بررسی‌شده، تنها چهار صنعت رشد تولید مثبت را ثبت کرده اما صنایع مادر و بزرگ کشور با رشد منفی تولید روبرو شدند. در این میان صنعت اتومبیل و قطعه‌سازی که از مهمترین صنایع ایران است با سقوط ۳۹/۳ درصدی تولید مواجه شد.همچنین در امرداد امسال کاهش موجودی انبار محصولات نهایی نشان می‌دهد که محدودیت‌های سمت عرضه، از جمله آسیب‌های جنگ و اختلال در تأمین نهاده‌ها به علت شرایط جنگ و محاصره دریایی، نقش مهمی در رکود صنعت داشته‌اند.

کارشناسان تأکید دارند ترکیب کاهش تولید و جهش قیمت‌ها، تصویری از فشار همزمان بر ظرفیت تولید و هزینه‌های اقتصاد ایران ارائه می‌دهد.در گزارش پژوهشکده پولی و بانکی آمده که مجموع تولید شرکت‌های اتومبیل‌سازی «ایران‌خودرو» و «سایپا» در امرداد امسال به حدود ۳۱ هزار دستگاه رسید؛ در حالی که این رقم در تیرماه امسال -با وجود شرایط جنگ و محاصره دریایی- ۵۱ هزار دستگاه و در امرداد سال گذشته ۶۲ هزار دستگاه بود. به این ترتیب، تولید دو شرکت بزرگ اتومبیل‌سازی ایران در مقایسه با امرداد سال قبل تقریباً نصف شده است.

صنایع شیمیایی نیز با کاهش ۲۵/۲ درصدی تولید مواجه شده‌اند. این کاهش در حالیست که صنایع شیمیایی با ضریب اهمیت ۲۸ درصد، پس از فلزات اساسی دومین گروه بزرگ در شاخص تولید صنعتی شرکت‌های بورسی ایران محسوب می‌شوند. در میان محصولات تولیدی زیرمجموعه صنایع شیمیایی، گروه‌های پلاستیک اولیه، لاستیک ترکیبی و الیاف مصنوعی کاهش تولید بیشتری را ثبت کرده‌اند.

قابل توجه اینکه حتی با وجود شرایط جنگ و تأکید بر تقویت توان تولید مواد غذایی برای پاسخ به نیاز داخلی، تولید صنایع غذایی در امرداد امسال با کاهش ۱۸/۴ درصدی روبرو شد. جزییات آمار کاهش تولید مواد غذایی نشان از کاهش مواد غذایی اساسی دارد. براساس پژوهشکده پولی و بانکی، تولید گروه روغن در دو ماه اخیر نزدیک به ۴۰ درصد کاهش یافته است. بر اساس برآورد کارشناسان کاهش تولید روغن با کاهش واردات روغن خام و دانه‌های روغنی به علت محاصره دریایی ارتباط داشته است.

محاصره دریایی که از اوایل تابستان امسال بطور پیوسته ادامه داشته است، سطح تجارت ایران را متأثر کرده است. محمدعلی دهقان دهنوی، رئیس سازمان توسعه تجارت ایران، با اشاره به سهم بالای حمل‌ونقل دریایی در تجارت خارجی ایران گفته است: «حدود ۷۵ درصد تجارت کشور از نظر وزنی در معرض آسیب ناشی از محاصره و بسته‌شدن مسیرهای دریایی قرار گرفته است.»

رئیس سازمان توسعه تجارت با اشاره به کاهش ۲۰ درصدی ارزش صادرات از ابتدای محاصره دریایی تا کنون گفته «بخشی از کاهش وزن صادرات به این دلیل است که با افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، صادرات برخی کالاهای کم‌ارزش از نظر اقتصادی توجیه خود را از دست می‌دهد. وقتی هزینه حمل افزایش پیدا می‌کند، ممکن است صادرات کالایی با ارزش ۱۰۰ تا ۳۰۰ دلار دیگر صرفه اقتصادی نداشته باشد.»

آمارهای رسمی دولت نیز نشان می‌دهد در بهار و دو ماه ابتدایی تابستان ۱۴۰۵، کاهش تولید شرکت‌های صادرات‌محور شدیدتر از شرکت‌هایی بوده که وابستگی کمتری به صادرات دارند.

محاصره دریایی اگرچه نقش مهمی در سقوط آمار تولیدات صنعتی ایران دارد اما صنایع ایران با بحران‌های دیگری نیز روبرو بوده و هستند. بحران کمبود انرژی در ایران که ریشه در چهار دهه عملکرد نامطلوب جمهوری اسلامی دارد، سبب جیره‌بندی برق در بخش صنعت از ابتدای سال جاری شد. این جیره‌بندی از ابتدای تابستان و با افزایش مصرف برق در بخش خانگی به علت گرمای هوا، تشدید شد. صنایع ناچار شدند شیفت‌های کاری خود را کاهش دهند و یا روزانه ساعات کمتری را کار کنند یا دو الی سه روز در هفته خطوط تولید را غیرفعال کنند.

از سوی دیگر تورم عمومی اقتصاد ایران در کنار افزایش قابل توجه قیمت ارز نیز از عوامل تشدید رکود در صنایع کشور بود. اکثر صنایع ایران وابسته به واردات مواد اولیه و تجهیزات و تکنولوژی هستند. افزایش قیمت ارز هزینه واردات را برای صنایع افزایش داد و تورم عمومی اقتصاد، هزینه تولید را بالا برد. در چنین شرایطی نبود منابع مالی کافی در صنایع و عدم حمایت دولت از بخش صنعت در شرایط بحرانی جنگ و کمبود انرژی، همگی سبب عمیق شدن رکود در بخش صنعت شده است.

وضعیت رکود در بخش صنعت طی شهریورماه نیز ادامه پیدا کرده است. شاخص مدیران خرید (شامخ) بخش صنعت در شهریور ۱۴۰۵ به عدد ۴۸ رسید که نشان‌دهنده تداوم وضعیت رکود در صنعت ایران است.

آمارها نشان می‌دهد صنعت از دی‌ماه گذشته رکود پیوسته‌ای را تجربه کرده است. در دی‌ماه از یکسو اعتراضات سراسری و قطع حدود سه هفته‌ای اینترنت و همزمان سیاست‌های ارزی دولت پزشکیان که سبب افزایش نرخ ارز شد دست به دست هم داد تا صنعت با شوک روبرو شود. این وضعیت از اسفند ۴۰۴ و آغاز جنگ جمهوری اسلامی و آمریکا بحرانی‌تر شد.

بر اساس گزارش‌ها در بخش صنعت، همچنان در سمت عرضه، یکی از جدی‌ترین نگرانی‌ها همچنان موجودی مواد اولیه است. این شاخص در امرداد امسال ۴۱/۹ ثبت شد و برای شانزدهمین ماه متوالی روندی کاهشی داشت!

کارشناسان محدودیت دسترسی به ارز، دشواری واردات و ترخیص، توقف کالا در گمرک، اختلالات لجستیکی و افزایش هزینه تامین را از عوامل فشار بر موجودی نهاده‌های تولید عنوان می‌کنند.

کمبود تجهیزات بیمارستانی و دارو؛ شمارش معکوس فروپاشی ساختار درمانی در ایران



حسینعلی شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی: در برخی بیمارستان‌ها که از ذکر نام آنها خودداری می‌کنم، هنگامی که بیمار برای بستری مراجعه می‌کند، به او می‌گویند ملحفه، پتو و لباس مورد نیاز خود را تهیه کند و همراه بیاورد؛ آنهم در بیمارستان دولتی!

نایب رئیس دوم کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی گفته: «فردی نیاز به انجام یک جراحی دارد، اما در بیمارستان دولتی برای چهار، پنج یا شش ماه دیگر به او نوبت می‌دهند. در حالی که در مورد برخی از جراحی‌ها، اگر زمان بگذرد، ممکن است بیمار جان خود را از دست بدهد. بنابراین، این مشکل باید به صورت جدی و فوری حل شود.»

مازیار گیلانی‌نژاد، فعال کارگری: چطور ارز برای واردات آیفون ۱۸ هست، اما برای دارو نیست؟ پس از حدود ۱۰ روز از رونمایی آیفون ۱۸ در آمریکا، این گوشی گران‌قیمت در بازار تهران به وفور یافت و خرید و فروش می‌شود. اما داروهای سرطانی و بیماری‌های خاص که با سلامت مردم سر و کار دارد به بهانه جنگ و تحریم، موجود نیست!

گسترش بحران در ساختار درمان از کمبود و گرانی دارو فراتر رفته و به تأمین کالاهای مورد نیاز بیمارستان‌ها رسیده است. مقامات وزارت بهداشت در حالی که کمبودها را بطور کلی تأیید می‌کنند اما بر عمق هشدارآمیز بحران در ساختار درمانی کشور سرپوش می‌گذارند.

بیماران در بیمارستان‌های دولتی برای جراحی با وقت‌های چهار تا شش ماهه روبرو هستند. برخی بیمارستان‌های دولتی حتی برای تهیه ملحفه و پتو برای بیماران با مشکل روبرو هستند. اینها نمونه‌هایی از اظهارات اعضای کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در روزهای اخیر است.

حسینعلی شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، در اظهاراتی از گسترش بحران در ساختار درمان ایران به تجهیزات پزشکی و اقلام بیمارستانی خبر داده و گفته: «مشکلات تأمین دارو و تجهیزات پزشکی به مرحله نگران‌کننده‌ای رسیده و افزایش هزینه‌های درمان ممکن است برخی بیماران را از ادامه درمان باز دارد.»

رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی افزوده: «در برخی بیمارستان‌ها که از ذکر نام آنها خودداری می‌کنم، هنگامی که بیمار برای بستری مراجعه می‌کند، به او می‌گویند ملحفه، پتو و لباس مورد نیاز خود را تهیه کند و همراه بیاورد؛ آنهم در بیمارستان دولتی.»

او با اشاره به تداوم کمبود و گرانی دارو گفته که به تازگی قیمت برخی داروها دو برابر شده و افزوده: «نوعی شیرخشک که پیش‌تر حدود ۲۶۰ هزار تومان قیمت داشت، اکنون به یک میلیون و ۶۰۰ تا یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسیده است.»

حسینعلی شهریاری از ارسال نامه‌ای به مسعود پزشکیان و درخواست برگزاری جلسه فوری برای بررسی بحران حوزه سلامت خبر داده است.

روح‌الله لک علی‌آبادی، نایب رئیس دوم کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی، نیز درباره مشکلات در ساختار درمانی کشور توضیح داده: «امروز یکی از مسائل، هزینه‌های درمان و قیمت داروهاست. نکته دیگر این است که متأسفانه، موضوعی در حال رواج است و افراد زیادی در این زمینه به ما مراجعه می‌کنند. برای مثال، فردی نیاز به انجام یک جراحی دارد، اما در بیمارستان دولتی برای چهار، پنج یا شش ماه دیگر به او نوبت می‌دهند. در حالی که در مورد برخی از جراحی‌ها، اگر زمان بگذرد، ممکن است بیمار جان خود را از دست بدهد. بنابراین، این مشکل باید به صورت جدی و فوری حل شود.»

نایب رئیس دوم کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی گفته: «در چنین شرایطی، بیمار مجبور می‌شود به بیمارستان‌های خصوصی مراجعه کند و در یک بیمارستان خصوصی، برای انجام یک جراحی ساده ناگهان با مبلغی نزدیک به یک میلیارد تومان مواجه می‌شود. این موضوع بسیار وحشتناک است و باعث شده که حوزه درمان امروز با چالش‌هایی مواجه شود.»

روح‌الله لک علی‌آبادی همچنین به نقش پررنگ مافیاهای دارو و تجهیزات پزشکی در بروز بحران اشاره کرده و گفته: «اگر نخواهم از کلمه مافیا استفاده کنم، می‌گوییم اصلاً فرض را بر این بگذاریم که مافیایی وجود ندارد. پس بازار ناصرخسرو و بازار سیاه چه می‌شود؟ چطور ممکن است برخی داروها در بعضی مکان‌ها وجود داشته باشند؟ این افراد چه کسانی و چه مجموعه‌هایی هستند که این اتفاقات را رقم می‌زنند؟ همین افراد یا مجموعه‌هایی که باعث می‌شوند دارویی را در داروخانه نداشته باشیم، اما همان دارو در بازار سیاه موجود باشد. این تعریف، همان تعریف مافیاست. مافیا که شاخ و دم ندارد!»

این نماینده مجلس شورای اسلامی کمبود و گرانی دارو را یکی از مشکلات مهم شهروندان دانسته و گفته: «قیمت دارو متأسفانه بسیار بالاست و در برخی از اقلام دارویی هم با کمبود مواجه هستیم. یکی از معضلاتی که وجود دارد، این است که اگر هر کالایی با کمبود مواجه شود، می‌توان به مردم گفت که صبر کنند، بجز دارو. وقتی قیمت خودرو بالا می‌رود امکان می‌توان به مردم گفت که خودرو نخرند؛ اما در مورد دارو، موضوع با جان مردم سر و کار دارد و نمی‌توان گفت که دارو نخرید یا مدتی استفاده نکنید. متأسفانه در مورد برخی از بیماری‌های خاص،

بسیاری از مردم واقعاً از پس هزینه‌های درمان و قیمت دارو برنمی‌آیند.»

همانطور که روح‌الله لک علی‌آبادی اشاره کرده، مبتلایان به بیماری‌های خاص- به ویژه اگر از اقشار کم‌درآمد باشند- توان تأمین هزینه‌های درمان را ندارند. در همین رابطه خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده که تأمین هزینه داروهای بیماری‌های خاص برای طبقه کارگر به رنجی بی‌پایان تبدیل شده است.

در این گزارش آمده: «احمد فقط ۱۷ میلیون حقوق ماهانه دارد و سرپرست یک خانواده ۴ نفره است؛ او چطور باید هر ماه ۲۸ میلیون تومان پول آمپول‌های سرطان دخترش را بدهد؛ دختری که در اوج جوانی مبتلا به سرطان خون است و باید بار سنگین سیاست‌های غلط ارزی و جنگ و تحریم را با «جان جوان خود» بپردازد.»

خبرگزاری «ایلنا» تأکید کرده که گرانی دارو امان طبقه‌ی کارگر را بریده است؛ اگر بخت به ناگهان از خانواده‌ای کارگری با درآمد ۲۰، ۳۰ یا حتی ۴۰ یا ۵۰ میلیون تومانی رو برگرداند و یکی از اعضای خانواده بیمار شود، طی کردن مسیر درمان و خریدن داروهایی که پزشکان توصیه می‌کنند «باید حتماً فراهم شود» از طی کردن هفت خوان رستم دشوارتر است. خیلی‌ها از خیر درمان می‌گذرند.

مازیار گیلانی‌نژاد، فعال کارگری، در گفتگو با «ایلنا» با طرح این پرسش که «چطور ارز برای واردات آیفون ۱۸ هست، اما برای دارو نیست» گفته: «پس از حدود ۱۰ روز از رونمایی آیفون ۱۸ در آمریکا، این گوشی گران قیمت در بازار تهران به وفور یافت و خرید و فروش می‌شود. اما داروهای سرطانی و بیماری‌های خاص که با سلامت مردم سر و کار دارد به بهانه جنگ و تحریم، موجود نیست. رازی که دولتی‌ها باید پاسخگوی آن باشند.»

سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، به تازگی در گفتگو با وبسایت «دیده‌بان ایران» هشدار داده، شماری از بیماران به دلیل نداشتن توان مالی، به خانواده خود می‌گویند که همچنان تحت درمان هستند، اما در عمل برای جلوگیری از تحمیل هزینه به خانواده، درمان را کنار می‌گذارند.

وی افزوده، گروه دیگری از بیماران دارویی را که برای درمان خود دریافت کرده‌اند، در بازار آزاد می‌فروشند تا از درآمد آن هزینه‌های زندگی‌شان را تامین کنند.

سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی با هشدار درباره تبعات بی‌توجهی به گرانی و کمبود دارو گفته: «اگر این روند ادامه پیدا کند، شاهد خودکشی‌هایی خواهیم بود که ریشه در ناامیدی بیماران دارد.»

در این میان مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو، ادعا کرده: «با وجود دشواری‌های ایجادشده، تا کنون توانسته‌ایم دارو و مواد اولیه دارویی را وارد کشور کنیم». وی افزوده: «برای تداوم تأمین دارو در آینده نیز مسیرهای جایگزین دیگری در نظر گرفته شده است.»

مهدی پیرصالحی همچنین گفته: «شرکت‌های دارویی از تمامی مسیرهای قابل استفاده، از جمله مسیرهای زمینی و کشورهای واسط، برای انتقال اقلام موردنیاز به کشور استفاده می‌کنند.»

رئیس سازمان غذا و دارو هیچ توضیح مشخصی درباره بحران کنونی کمبود و گرانی دارو، که بر اساس توضیحات برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و فعالان صنعت داروسازی ریشه‌دارتر از جنگ و محاصره دریایی ماه‌های گذشته است، ارائه نکرده است.

هشدار درباره رویکرد اشتباه دولت در مهار بحران معیشت در میانه جنگ



- **قیمت‌گذاری دستوری پیامدهایی سنگین برای اقتصاد هر کشور دارد و در درازمدت سبب زیان تولیدکننده، کاهش کیفیت، مبود کالا و حتی ایجاد بازار سیاه می‌شود. مواردی که اکنون پس از سال‌ها قیمت‌گذاری دستوری در بازارهای مختلف از جمله مرغ و لبنیات تا اتومبیل و دارو ایجاد شده است.**
- **تجربه‌های تاریخی نشان داده، سیاست سرکوب قیمت در نهایت نتوانسته به حمایت از سفره و معیشت اقشار کم‌درآمد کمک کند.**
- **سیاست‌های ارزی دولت پزشکیان نیز بر بحران‌ها در شرایط جنگ و افزایش فشار تحریم‌ها افزوده است. رویکرد دولت پزشکیان نشان می‌دهد برنامه‌ای برای تغییر سیاست‌گذاری اقتصادی ندارد. این موضوع هشدار کارشناسان را در آستانه آغاز روند تنظیم بودجه سال آینده افزایش داده است.**
- **حسین راغفر، اقتصاددان، با اشاره به آغاز تدوین بودجه سال آینده توسط تیم اقتصادی دولت، گفته: «حتی اگر در ماه‌های آینده شرایط کشور به سمت عادی شدن حرکت کند، پیامدهای جنگ همچنان الزاماتی را به اقتصاد تحمیل خواهد کرد. بنابراین، دولت به یک برنامه مالی منضبط و دقیق در بخش عمومی نیاز دارد».**

افزایش قیمت کالاها و خدمات در ایران در کنار کاهش قدرت خرید خانوارها، وضعیت معیشتی مردم را به شدت متأثر کرده و هشدارها درباره سقوط بخش دیگری از جمعیت زیر خط فقر را افزایش داده است. کارشناسان اقتصادی معتقدند دولت رویکردی اشتباه در مهار بحران معیشت دارد و باید بجای «سرکوب قیمت‌ها»، افزایش درآمد خانوارها در دستور کار دولت قرار بگیرد.

دولت پزشکیان برخلاف وعده‌های انتخاباتی، مسیر دولت‌های گذشته جمهوری اسلامی را در پیش گرفته و بیش از آنکه به دنبال راهکارهایی برای افزایش درآمد و تقویت قدرت خرید خانوارها باشد، به دنبال این بوده که با قیمت‌گذاری دستوری و یا به بیان دیگر سرکوب قیمت‌ها از افزایش تورم جلوگیری و ظاهر بازارهای مصرفی را تحت کنترل نشان دهد!

قیمت‌گذاری دستوری پیامدهایی سنگین برای اقتصاد هر کشور دارد و در درازمدت سبب زیان تولیدکننده، کاهش کیفیت، کمبود کالا و حتی ایجاد بازار سیاه می‌شود. مواردی که اکنون پس از سال‌ها قیمت‌گذاری دستوری در بازارهای مختلف از جمله مرغ و لبنیات تا اتومبیل و دارو ایجاد شده است.

از سوی دیگر تجربه‌های تاریخی نشان داده، سیاست سرکوب قیمت در نهایت نتوانسته به حمایت از سفره و معیشت اقشار کم‌درآمد کمک کند. به همین دلیل طی سال‌های گذشته در کشورهای توسعه‌یافته گرایش سیاست‌گذاران بیشتر به سمت راهکارهای درآمدی است و حدود شصت درصد تصمیمات بر تقویت درآمدها تمرکز دارد.

یکی از بازارهایی که در ایران طی سال‌های گذشته با قیمت‌گذاری دستوری با بحران‌های انباشته روبرو شده، بازار اتومبیل است. سیاست قیمت‌گذاری دستوری برای محصولات اتومبیل‌های تولید داخل نه تنها نتوانسته بازار اتومبیل را از تورم دور نگه دارد یا به خانوارها برای خرید اتومبیل کمک کند، بلکه در آنسو صنعت اتومبیل‌سازی را نیز با زیان انباشته روبرو و شرکت‌های اتومبیل‌سازی را به مرز ورشکستگی کشانده است.

در بازار دارو نیز وضعیتی مشابه رخ داده است.

سال‌هاست قیمت‌گذاری دستوری دارو سبب ایجاد زیان انباشته در شرکت‌های داروسازی شده است. دولت به دیگر تعهداتش در برابر داروسازان، از جمله تأمین ارز مورد نیاز واردات و تسویه حساب با داروسازان، عمل نکرده و حالا نه تنها قیمت دارو با افزایش نجومی روبرو شده بلکه شرکت‌های داروسازی نیز با ورشکستگی، زیان و بحران روبرو هستند. آسیب‌دیدگان اصلی این شرایط هم شهروندانی هستند که در پی چند برابر شدن و کمبود شدید دارو، برای درمان با مشکل روبرو شده‌اند و حتی بخشی از بیماران به علت ناتوانی در تأمین هزینه‌های دارو، روند درمان خود را متوقف کرده‌اند.

اکنون شهرداری تهران از مهرماه ۱۴۰۵ طرحی با عنوان «تورم صفر» را با هدف تثبیت قیمت ۱۲ قلم کالای اساسی به مدت شش ماه آغاز کرده که قرار است از طریق میادین میوه و تره‌بار، فروشگاه‌های "شهروند" و بسترهای فروش غیرحضوری اجرا شود. دولت پزشکیان از این طرح حمایت کرده و قرار است چنین طرحی در دیگر شهرهای کشور از سوی دولت اجرا شود.

بر اساس اعلام شهرداری، برنج، گوشت، روغن، ماکارونی، شکر، خرما، سویا و چند قلم حبوبات در سبد اولیه قرار دارند و قرار است از آبان‌ماه، مرغ، پنیر و رب نیز به این فهرست اضافه شوند. هدف اعلام‌شده این برنامه، کاهش فشار افزایش قیمت مواد غذایی بر خانوارها از طریق عرضه کالا با قیمت ثابت است. با این حال، اجرای چنین طرحی پرسش‌هایی درباره منابع مالی، نحوه تأمین کالاها، تداوم عرضه و آثار اقتصادی آن ایجاد می‌کند.

بسیاری از کارشناسان اما موفقیت این طرح را با تردید روبرو می‌دانند. دولت باید منابعی برای اجرای این طرح داشته باشد که غیر از دستبرد به منابع بانکی یا ذخایر صندوق توسعه ملی ممکن نخواهد بود؛ اقدامی که در نهایت به افزایش تورم و ایجاد فشار مالی مضاعف بر خانوارها منتهی خواهد شد.

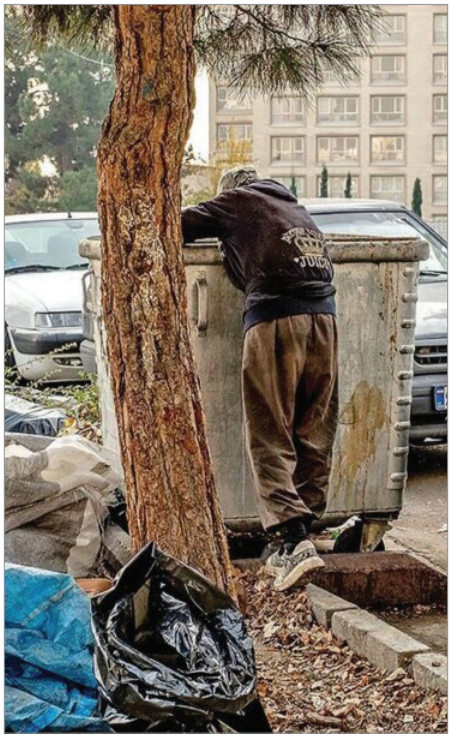
آلبرت بغزیان، اقتصاددان، معتقد است: «حتی اگر برنامه با موفقیت اجرا شود، اثر آن در سطح ملی محدود خواهد بود زیرا در حال حاضر، این طرح برای شهر تهران طراحی شده و نمی‌توان آن را سیاستی فراگیر برای حمایت از تمام خانوارهای کشور دانست.»

او تأکید کرده: «اگر هزینه تثبیت قیمت‌ها از منابعی تأمین شود که خود موجب افزایش نقدینگی یا فشار تورمی شوند، ممکن است خانوارها از یک طرف کالاهای مشخصی را ارزان‌تر خریداری کنند، اما از طرف دیگر با افزایش قیمت سایر کالاها و خدمات مواجه شوند. خانوارها علاوه بر مواد غذایی، برای تأمین نیازهایی مانند پوشاک، کفش و سایر کالاهای مصرفی نیز هزینه می‌کنند. بنابراین، اگر سیاستی هزینه خرید چند قلم کالای اساسی را کاهش دهد، اما در بخش‌های دیگر به افزایش قیمت‌ها منجر شود، باید آثار نهایی آن بر کل هزینه‌های زندگی خانوار بررسی شود.»

در این میان، سیاست‌های ارزی دولت پزشکیان نیز بر بحران‌ها در شرایط جنگ و افزایش فشار تحریم‌ها افزوده است. رویکرد دولت پزشکیان نشان می‌دهد برنامه‌ای برای تغییر سیاست‌گذاری اقتصادی ندارد. این موضوع هشدار کارشناسان را در آستانه آغاز روند تنظیم بودجه سال آینده افزایش داده است.

در همین رابطه حسین راغفر، اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی، هشدار داده که منابع کشور باید در درجه نخست به نیازهای جنگ، معیشت مردم و تولید اختصاص پیدا کنند و ادامه برخی سیاست‌های ارزی و اقتصادی، بدون توجه به شرایط کشور، می‌تواند آسیب‌های بیشتری به اقتصاد وارد کند.

حسین راغفر با اشاره به آغاز تدوین بودجه سال آینده توسط تیم اقتصادی دولت، گفته: «حتی اگر در ماه‌های آینده شرایط کشور به سمت عادی شدن حرکت



کند، پیامدهای جنگ همچنان الزاماتی را به اقتصاد تحمیل خواهد کرد. بنابراین، دولت به یک برنامه مالی منضبط و دقیق در بخش عمومی نیاز دارد؛ برنامه‌ای که بر استفاده بهینه از منابع موجود استوار باشد، نه اینکه منابع محدود کشور به بدترین شکل ممکن هزینه شوند.»

او تأکید کرده: «یکی از مسائل جدی، نحوه عرضه ارز به مردم و پیامدهای آن برای ارزش پول ملی است." به گفته وی، "دولت ابتدا از عرضه هزار دلار به هر دارنده کارت ملی سخن گفت و سپس این میزان را به ۱۰ هزار دلار افزایش داد". اقدامی که از نظر او با اولویت‌های ضروری اقتصاد کشور در شرایط جنگی سازگار نیست.

به عقیده این اقتصاددان، «افزایش شدید نرخ ارز و سپس عرضه ارز به مردم در این چارچوب، می‌تواند فشار بیشتری بر بازار ارز وارد کند. در فاصله چهار روز، حدود ۴۰ هزار تومان به قیمت ارز افزوده شده است و این روند نشانه‌ای نگران‌کننده از تضعیف پول ملی است.»

حسین راغفر هشدار داده: «تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که تضعیف شدید پول ملی می‌تواند پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد. آنچه در اقتصاد ایران در حال رخ دادن است، نیازمند بررسی جدی از منظر آثار آن بر ثبات اقتصادی، اعتماد عمومی و امنیت اجتماعی است.» او تأکید کرده: «برخی سیاست‌های اقتصادی جاری با منافع ملی سازگاری ندارند، در شرایطی که کشور با تهدیدهای خارجی مواجه است، تصمیم‌های اقتصادی باید به گونه‌ای اتخاذ شوند که توان داخلی کشور را تقویت کنند، نه اینکه آسیب‌پذیری‌های موجود را افزایش دهند.»

بارش شدید باران و سیل ناشی از «ال‌نینو» در چند استان ایران؛ تردید درباره آمادگی دستگاه‌های اجرایی

وضعیت بارش‌ها از ابتدای سال مالی تا کنون مطلوب نبوده و در استان‌های فارس، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، یزد و خراسان جنوبی از ابتدای سال آبی تا کنون هیچ بارشی رخ نداده و در صورت تداوم این روند فشار بر منابع آب زیرزمینی افزایش خواهد یافت.

در حالی که بیش از نیمی از ظرفیت سدهای کشور خالیست، بر اساس برآوردها، الگوی بارش در دست‌کم ۱۰ استان ایران طی روزها و هفته‌های آینده تحت تأثیر پدیده "ال‌نینو" خواهد بود.

ایلام، خوزستان، کردستان، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان غربی، فارس، لرستان و بوشهر از جمله استان‌هایی هستند که با بارش شدید باران و توفان روبرو خواهند بود.

در هفته‌های گذشته بارندگی شدید، سبب سیل و آبگرفتگی در استان گلستان و خسارات قابل توجه شد. با وجود هشدارها درباره بارندگی شدید ناشی از "ال‌نینو" به نظر می‌رسد دستگاه‌هایی اجرایی مسئول همچنان آمادگی کافی برای مدیریت این بارندگی‌ها ندارند.

کارشناسان نسبت به ضرورت آمادگی در برابر پیامدهای احتمالی پدیده "ال‌نینو" و تغییرات شرایط جوّی، و نیز بر لزوم آماده‌باش مدیریت بحران و رعایت اصول ایمنی از سوی شهروندان هشدار می‌دهند.

به گزارش «شرکت مدیریت منابع آب ایران» حجم آب موجود در مخازن سدهای کشور در حال حاضر به ۲۳ میلیارد و ۳۱۰ میلیون مترمکعب رسیده که ۳۰ درصد بیشتر از مدت مشابه سال گذشته و چهار درصد بالاتر از میانگین بلندمدت است. با این حال، بیش از نیمی از ظرفیت مخازن همچنان خالی مانده است.

این در حالیست که همچنان ۵۵ درصد ظرفیت مخازن سدهای کشور خالی است و میزان بارش از ابتدای سال آبی جاری تا ۱۹ مهرماه از متوسط ۱۰ ساله کمتر بوده است.

این در حالیست که همچنان ۵۵ درصد ظرفیت مخازن سدهای کشور خالیست و میزان بارش از ابتدای سال آبی جاری تا ۱۹ مهرماه از متوسط ۱۰ ساله کمتر بوده است.

بر اساس این گزارش، از میزان ورودی مخازن سدهای کشور تا روز نوزدهم مهرماه، با وجود افزایش حجم آب مخازن سدها نسبت به سال گذشته، ۵۵ درصد ظرفیت این مخازن همچنان خالی است. ورودی آب به مخازن سدها از ابتدای سال آبی جاری ۸۲۰ میلیون مترمکعب بوده که نسبت به دوره مشابه سال گذشته ۶۲ درصد افزایش یافته، اما در مقایسه با میانگین ۱۰ ساله یک درصد کاهش

داشته است.

وضعیت برخی سدهای تأمین‌کننده آب استان‌های تهران و البرز نیز نگران کننده گزارش شده است. سد «امیرکبیر» ۷۲ درصد پرشدگی دارد، اما میزان پرشدگی سد «لار» تنها چهار درصد است.

ذخیره سد لار ۴۲ درصد کمتر از میانگین ۱۰ ساله گزارش شده و وضعیت سدهای «طالقان»، «لتیان» و «ماملو» نیز به‌ترتیب ۳۳، ۳۸ و ۷۴ درصد پایین‌تر از این میانگین است.

در همین ارتباط علیرضا جزء قاسمی، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران، اعلام کرده است که میزان بارندگی‌ها ۳۶ درصد کمتر از میانگین بلندمدت است.

وضعیت منابع آبی در دیگر استان‌های کشور نیز مطلوب نیست. در استان‌های فارس، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، یزد و خراسان جنوبی از ابتدای سال آبی تا کنون هیچ بارشی رخ نداده و در صورت تداوم این روند فشار بر منابع آب زیرزمینی افزایش خواهد یافت.

در همین رابطه احمد قندهاری، مدیر عامل شرکت آب منطقه‌ای استان خراسان «رضوی»، اعلام کرده که تنها پنج درصد ظرفیت مخازن سدها پر است.

در شرایط کمبود هشدارآمیز منابع آبی در کشور، برخی امیدوارند بارندگی‌های ناشی از پدیده "النینو" بتواند بخشی از کمبود آب را جبران کند. همزمان هشدارها درباره بارندگی‌های سیل‌آسا و طغیان آب رودخانه‌ها در پی بارندگی‌های شدید روزهای اینده منتشر شده است.

بر اساس برآوردها الگوی بارش در ده استان ایران طی روزها و هفته‌های آینده تحت تأثیر این پدیده خواهد بود و احتمال افزایش بارش در غرب و جنوب غرب کشور وجود دارد. ایلام، خوزستان، کردستان، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان غربی، فارس، لرستان و بوشهر از جمله استان‌هایی هستند که با بارش شدید باران و توفان روبرو خواهند بود.

احد وظیفه، رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی، با اشاره به تأثیرات ویژه "النینو" و نحوه فعالیت جبهه‌های بارشی اظهار داشت که استان‌های کوهستانی واقع در غرب کشور و نواحی زاگرس، به خصوص ایلام، کرمانشاه، کردستان، شمال و شرق خوزستان و چهارمحال و بختیاری، به دلیل داشتن توپوگرافی پیچیده و ناهموار، در پاییز و زمستان پیش رو در معرض بیشترین خطر بارش‌های سنگین و سیل‌آسا قرار دارند.

صادق ضیاییان، رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا، هشدار داده موج جدید بارندگی‌ها از فردا، یکشنبه ۲۶ مهرماه، در شمال استان فارس، غرب یزد، جنوب کرمان، شرق هرمزگان، در برخی نقاط اصفهان و چهار محال و بختیاری افزایش ابر، رگبار و رعد و برق و وزش باد شدید و همچنین در سواحل دریای خزر و ارتفاعات البرز مرکزی افزایش ابر و رگبار پراکنده رخ می دهد.



صادق ضیاییان افزوده، از روز دوشنبه «با گذر امواج تراز میانی جوّ علاوه بر اینکه در دامنه‌های شرقی زاگرس واقع در استانهای اصفهان، چهار محال و بختیاری، غرب یزد، شمال فارس، کرمان، شرق هرمزگان و جنوب سیستان و بلوچستان افزایش ابر گاهی رگبار و رعد و برق و وزش باد شدید رخ می دهد، در مناطقی از شمال غرب، همدان، مرکزی، دامنه‌های جنوبی البرز و در غرب سواحل دریای خزر نیز بارندگی پیش‌بینی می‌شود.»

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا گفته: «همچنین در پنج روز آینده در مناطق ذکر شده بجز سواحل دریای خزر وزش باد شدید گاهی همراه با خیزش گردوخاک و کاهش کیفیت هوا پیش‌بینی می‌شود.»

کارشناسان نسبت به ضرورت آمادگی در برابر پیامدهای احتمالی پدیده "النینو" و تغییرات شرایط جوّی، و نیز بر لزوم آماده‌باش مدیریت بحران و رعایت اصول ایمنی از سوی شهروندان هشدار می‌دهند.

پدیده "النینو" با افزایش غیرعادی دمای سطح آب در بخش‌هایی از اقیانوس آرام استوایی شکل می‌گیرد و می‌تواند گردش جوّ، مسیر سامانه‌های بارشی و توزیع دما و بارش را در نقاط مختلف جهان تغییر دهد. پیش‌بینی‌های مهرماه از احتمال تداوم "النینو"ی قوی تا بسیار قوی در ماه‌های آینده حکایت دارد، هرچند شدت نهایی و زمان فروکش این پدیده همچنان قطعی نیست.

در هفته‌های گذشته نیز چند دوره بارندگی شدید در استان‌های مختلف از جمله در شمال ایران رخ داد که سبب سیل و آبگرفتگی در استان گلستان و خسارات قابل توجه شد. با وجود هشدارها درباره بارندگی شدید ناشی از "النینو" به نظر می‌رسد دستگاه‌های اجرایی مسئول همچنان آمادگی کافی برای مدیریت این بارندگی‌ها ندارند.

در همین رابطه روزنامه «پیام ما» با اشاره به دو دوره جاری شدن سیلاب طی هفته‌های گذشته در استان گلستان نوشته: «خسارات سیل اخیر و اظهارات مسئولان استان در حالی مطرح می‌شود که از ابتدای سال آبی گذشته، یعنی مهر ۱۴۰۴، وقوع پدیده جهانی «النینو» و تغییر احتمالی الگوی بارش‌ها در صدر اخبار حوزه آب و هواشناسی بوده است.»

این مطلب افزوده، در چند سال اخیر نیز درباره تغییر اقلیم و تأثیر آن بر الگوی بارش‌ها در ایران، بحث‌ها و هشدارهای کارشناسی متعددی منتشر شده است. با وجود این، هم درباره سیل‌های چند روز اخیر در استان گلستان و هم هنگام جاری‌شدن سیل سال ۱۳۹۸، مسئولان کشوری و استانی همواره میزان بارندگی‌ها و کم‌سابقه‌بودن حجم بارش را به عنوان علت جاری شدن سیل و وقوع خسارات جانی و مالی مطرح می‌کنند.

«پیام ما» نوشته: «جای سؤال اینجاست که تغییر الگوی بارش به عنوان یک واقعیت اقلیمی در سال‌های اخیر، تا چه میزان در نحوه برنامه‌ریزی برای مدیریت سیلاب و کاهش خسارات آن در نظر گرفته می‌شود؟ حتی پیش از سال ۱۳۹۸، که بیش از نیمی از استان‌های کشور درگیر سیل شدند، استان گلستان هر سال شاهد جاری شدن سیل‌های کوچک و بزرگ در نقاط مختلف خود بوده است. اینبار نیز حجم بارندگی‌ها مقصر اصلی خسارات سیل شناخته شده، اما گویی موضوع «سازگاری با تغییر اقلیم» و «تاب‌آوری در برابر شرایط جدید» در برنامه‌ریزی‌های سنتی دستگاه‌های اجرایی به دست فراموشی سپرده شده است.»

تشدید بحران معیشتی زیر سایه ناکارآمدی دولت و محاصره اقتصادی

صندوق بین‌المللی پول در آخرین پیش‌بینی خود از وضعیت اقتصاد جهان، رشد اقتصادی منفی ۷/۶ درصدی را برای ایران تا پایان سال جاری میلادی برآورد کرده است.

اقتصاددانان با اشاره به سال‌ها مشکلات انباشته در اقتصاد ایران معتقدند، فشارهای ناشی از جنگ و محاصره دریایی نه تنها اقتصاد ایران را کوچک‌تر خواهد کرد بلکه با کاهش درآمد بنگاه‌های اقتصادی و کاهش محسوس سطح تولید، فرصت‌های شغلی محدودتر، گرانی بیشتر و قدرت خرید خانوارها کمتر می‌شود.

علی قنبری، اقتصاددان و استاد دانشگاه، معتقد است: «اقتصاد ایران در شرایط دشواری قرار دارد و مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی بر عملکرد آن اثر گذاشته‌اند. تحریم‌ها، جنگ و محدودیت‌های تجاری از جمله عواملی هستند که فعالیت اقتصادی را با مشکل مواجه می‌کنند.»



در حالی که مشکلات ساختاری و تورم مزمن در کنار پیامدهای جنگ، تحریم‌ها و محدودیت‌های تجارت خارجی سبب تشدید رکود تورمی در اقتصاد ایران شده، بزرگترین قربانیان این وضعیت خانوارهای حقوق‌بگیری هستند که زیر خط فقر، برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی در تکاپو هستند.

صندوق بین‌المللی پول در آخرین پیش‌بینی خود از وضعیت اقتصاد جهان، رشد اقتصادی منفی ۷/۶ درصدی برای ایران تا پایان سال جاری میلادی را برآورد کرده است. اقتصاددانان با اشاره به سال‌ها مشکلات انباشته در اقتصاد ایران معتقدند فشارهای ناشی از جنگ و محاصره دریایی نه تنها این اقتصاد را کوچک‌تر خواهد کرد بلکه با کاهش درآمد بنگاه‌های اقتصادی و کاهش محسوس سطح تولید، فرصت‌های شغلی محدودتر، گرانی بیشتر و قدرت خرید خانوارها کمتر می‌شود.

در همین حال بررسی داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد، طی ۱۴ سال گذشته، از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴، درآمد ناخالص داخلی سرانه ایران بیش از ۴۶ درصد کاهش یافته است. تحریم‌های اقتصادی، کاهش فروش نفت، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، مداخلات قیمتی، فساد ساختاری و موانع ورود به بازار به عنوان عوامل اصلی کاهش درآمد سرانه در ایران مطرح می‌شوند.

آمارهای مرکز آمار ایران نیز نشان می‌دهد، نابرابری اقتصادی و شکاف طبقاتی در ایران تشدید شده است. ضریب جینی که معیار اندازه‌گیری نابرابری درآمد است و در بازه صفر تا یک محاسبه می‌شود در دهه ۹۰ خورشیدی حدود ۰/۳۷ بوده است اما در سال‌های گذشته به حدود ۰/۴۰ رسیده که بیانگر تشدید شکاف طبقاتی و افزایش جمعیت زیر خط فقر در کشور است.

در سال جاری نیز ارزش واقعی درآمد خانوارهای حقوق‌بگیر و قدرت خرید آنها با کاهش قابل توجهی روبرو شده است. با وجود افزایش ۶۰ درصدی حداقل دستمزد در ابتدای سال ۱۴۰۵، افزایش تورم سبب شده درآمدهای آنها سبد کالایی بسیار کوچکتری را نسبت به سال گذشته پوشش دهد.

در چنین شرایطی، چشم‌انداز منفی پیش‌بینی شده برای اقتصاد ایران توسط صندوق بین‌المللی پول به معنای تشدید مشکلات معیشتی مردم و رانده شدن جمعیت بیشتری به زیر خط فقر در ایران است. در آنسو نیز اقدامات حمایتی دولت ناکارآمد و بی‌نتیجه بوده و با انتقاد کارشناسان روبروست.

علی قنبری، اقتصاددان و استاد دانشگاه، معتقد است: «اقتصاد ایران در شرایط دشواری قرار دارد و مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی بر عملکرد آن اثر گذاشته‌اند. تحریم‌ها، جنگ و محدودیت‌های تجاری از جمله عواملی هستند که فعالیت اقتصادی را با مشکل مواجه می‌کنند. در چنین شرایطی، نمی‌توان انتظار داشت تولید، سرمایه‌گذاری و سایر بخش‌های اقتصاد بدون تأثیر از این تحولات به فعالیت عادی خود ادامه دهند.»

این اقتصاددان تأکید کرده است: «تا زمانی که جنگ به پایان نرسد، محاصره و محدودیت‌های تجاری برطرف نشود و تحریم‌ها ادامه داشته باشند، مشکلات اقتصادی نیز پابرجا خواهند بود. طبیعتاً کاهش این فشارها می‌تواند شرایط را برای فعالیت بهتر بنگاه‌های اقتصادی فراهم کند و به اقتصاد ایران اجازه دهد بار دیگر به سمت رشد حرکت کند.»

علی قنبری با اشاره به اینکه محاصره دریایی و تشدید تحریم‌ها سبب کاهش سطح تولید در ایران شده، گفته: «محدود شدن صادرات می‌تواند درآمدهای ارزی را تحت فشار قرار دهد و تأمین ارز مورد نیاز برای واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات و کالاهای واسطه‌ای را دشوارتر کند. وقتی تولید کاهش پیدا می‌کند، بنگاه‌ها با محدودیت بیشتری برای فروش محصولات خود مواجه می‌شوند و ممکن است توان آنها برای حفظ سطح اشتغال یا افزایش دستمزدها کاهش پیدا کند. در چنین شرایطی، فرصت‌های شغلی جدید نیز ممکن است محدودتر شوند.»

یکی از مهمترین اقدامات مورد انتظار مردم کنترل تورم توسط دولت است؛ موضوعی که همواره در وعده‌های دولت پزشکیان بوده اما عملی نشده است. عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی مدعی شده تورم در شهریورماه کاهش یافته است. این در حالیست که حتی بر اساس آمار مورد ادعای بانک مرکزی، تورم کاهش نیافته بلکه سرعت افزایش آن کاهش بسیار ناچیزی داشته است.

لطفعلی عاقلی، اقتصاددان و استاد دانشگاه، در گفتگو با روزنامه «جهان صنعت» توضیح داده است: «کاهش بسیار محدود تورم نقطه‌ای آنهم در شرایطی که سطح افزایش قیمت‌ها همچنان بالا مانده، نمی‌تواند مبنای کافی برای تصمیم‌گیری سیاستی باشد. چنین‌تغییری به‌تنهایی نیز کمکی محسوس به کاهش هزینه‌های زندگی مردم نخواهد کرد.»

لطفعلی عاقلی تاکید کرده است که آثار تورم را نباید تنها در هزینه‌های روزمره خانوار جستجو کرد. به گفته او، افزایش قیمت سوخت و تغییر نرخ بنزین، رشد بهای املاک و افزایش قیمت طلا، ارز و سکه نیز نشان می‌دهد فشارهای قیمتی و انتظارات تورمی همچنان در اقتصاد حضور دارند.

او گفته است: «در یک اقتصاد متعارف، شاخص‌هایی مانند تورم، بیکاری و رشد اقتصادی باید در محدوده‌هایی متناسب و سازگار با یکدیگر قرار داشته باشند. برای مثال می‌توان اقتصادی را تصور کرد که نرخ تورم ۳ درصد، نرخ بیکاری ۳ درصد و رشد اقتصادی نیز ۳ درصد باشد. چنین ترکیبی از شاخص‌ها می‌تواند نشانه وضعیت مطلوب اقتصاد باشد اما وقتی تورم به بیش از ۸۰ درصد رسیده، بیکاری در محدوده ۹ تا ۱۰ درصد قرار دارد و رشد اقتصادی بسیار پایین یا منفی است مجموعه این شاخص‌ها نشان می‌دهد عملکرد اقتصاد با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد.»

این اقتصاددان افزوده است: «یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های کاهش فشار تورمی در ایران، بهبود مناسبات سیاسی و اقتصادی با جهان است. باید روابط کشور با سایر کشورها بهبود پیدا کند و مذاکرات به نتیجه‌ای روشن و نهایی برسد. در چنین شرایطی مردم و فعالان اقتصادی نیز می‌توانند درباره آینده تصمیم‌های قطعی‌تری بگیرند و بخشی از نااطمینانی‌های موجود کاهش پیدا می‌کند.»

اینهمه نشان می‌دهد وضعیت معیشت مردم در ایران بطور مستقیم با سیاست خارجی و نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی گره خورده است. شهروندانی که بیش از چهار دهه است با تباهکاری و فساد ساختاری جمهوری اسلامی، رفاه خود را از دست داده و با محدودیت‌های ملی و کاهش فرصت‌های شغلی و درآمدی روبرو شده‌اند، اکنون در میانه‌ی جنگ و محاصره دریایی بیش از پیش با فقر و فلاکت روبرو می‌شوند.

تشکیل «کارگروه حجاب» در دانشگاه تهران!

● رئیس دانشگاه تهران: از حدود پنج تا شش ماه پیش کارگروهی تشکیل شده که موارد منعکس‌شده به دانشگاه را درباره رفتارهایی که ناهنجار تلقی می‌شوند، «محرمانه» بررسی می‌کند. این کارگروه با افراد مورد نظر تماس می‌گیرد، از آنها دعوت می‌کند و با گفتگو تلاش می‌کند مسئله را بدون ارجاع به شورای انضباطی حل کند.

● بخشنامه با عنوان «دستورالعمل آراستگی، اخلاق و منش دانشگاهی» نیمه شهریورماه امسال به رؤسای کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری ابلاغ شد. وزارت علوم بر ضرورت اطلاع‌رسانی این دستورالعمل به اعضای جامعه دانشگاهی و به ویژه دانشجویان «نوورود» تأکید کرده بود.

● به نظر می‌رسد دستورالعمل مرتبط با پوشش نیز امکان استقرار مأموران برای کنترل پوشش دانشجویان را در فضای دانشگاه فراهم می‌کند تا حکومت بر فضای دانشگاه برای جلوگیری از اعتراضات احتمالی دانشجویان مسلط شود.

● بخش‌های دیگر حکومت از جمله در قوه قضاییه نیز طی ماه‌های گذشته بر ضرورت رعایت حجاب تحمیلی و عدم استفاده از پوشش اختیاری تأکید کرده‌اند.

رئیس دانشگاه تهران از تشکیل «کارگروه حجاب» در این دانشگاه خبر داده و گفته است که این کارگروه از چند ماه پیش و با هدف رسیدگی به پوشش دانشجویان و تشکیل شده و با استناد به گزارش‌هایی «محرمانه» فعالیت می‌کند! جمهوری اسلامی پس از جنگ اخیر بار دیگر موضوع «حجاب» را به ابزار تشدید فشارهای اجتماعی تبدیل کرده است.

اعتراض دختر دانشجو بدون حجاب در مدرسه عالی دختران (دانشگاه الزهرا) – چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱

محمدحسین امید، رئیس دانشگاه تهران، از تشکیل «کارگروه حجاب برای رسیدگی به موضوع پوشش دانشجویان» خبر داده و گفته است: «این کارگروه با دعوت محرمانه از دانشجویان و گفتگو با آنها، پیش از ارجاع موارد به شورای انضباطی، برای حل و فصل موضوع تلاش می‌کند.»

رئیس دانشگاه تهران افزوده: «در دانشگاه ما از حدود پنج تا شش ماه پیش کارگروهی تشکیل شده که موارد منعکس‌شده به دانشگاه درباره رفتارهایی که ناهنجار تلقی می‌شوند، بررسی می‌کند. این کارگروه با افراد مورد نظر تماس می‌گیرد، از آنها دعوت می‌کند و با گفتگو تلاش می‌کند مسئله را بدون ارجاع به شورای انضباطی حل کند.»

محمدحسین امید مبنای تشخیص تخلف در پوشش دانشجویان را «آیین‌نامه اخیر وزارت علوم» دانسته و مدعی شده رویکرد دانشگاه «متعادل» است و «تندروی» صورت نگرفته است. او افزود، در یک سال و نیم گذشته کنترل‌های پیشین در ورودی‌های دانشگاه برداشته شده و «دانشجویان خودشان ضوابط را رعایت می‌کنند.»

رئیس دانشگاه تهران در بخشی از سخنانش گفته: «شرایطی که طی دو تا سه سال اخیر و به‌ویژه در یک سال گذشته در کشور و جامعه اتفاق افتاده، موضوع حجاب با پیچیدگی‌هایی همراه شده است. با این حال، باور من این است که وضعیت داخل دانشگاه همچنان بهتر از فضای خارج از دانشگاه است؛ البته این به معنای رضایت‌بخش‌بودن کامل شرایط نیست.»



اشاره محمدحسین امید به «آیین‌نامه اخیر وزارت علوم»، آیین‌نامه‌ای است که نیمه شهریورماه از طرف وزارت علوم ابلاغ شد. این بخشنامه با عنوان «دستورالعمل آراستگی، اخلاق و منش دانشگاهی» به رؤسای کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری ابلاغ شد. وزارت علوم بر ضرورت اطلاع‌رسانی این دستورالعمل به اعضای جامعه دانشگاهی و به ویژه دانشجویان «نوورود» تأکید کرده بود.

این دستورالعمل «استفاده از پوششی متین، آراسته، ساده و متناسب با فضای علمی» را از «الزامات» حضور در محیط دانشگاه عنوان کرده و پوشش مناسب فضای دانشگاه را برای ورود به محیط دانشگاه الزامی دانسته بود.

در بخش مربوط به پوشش دانشجویان که با عنوان «آراستگی و پوشش» مشخص شده، آمده بود که «هر فضای اجتماعی متناسب با آداب، هنجارها و ویژگی‌های خود نیازمند رعایت ظاهری متناسب است و در محیط دانشگاه نیز رعایت ظاهری آراسته و پوششی متناسب با فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی و شئون دانشگاهی برای آقایان و بانوان در همه فضاهای دانشگاهی ضروری است.»

در بخش دیگری از این دستورالعمل تأکید شده بود که پوشش متناسب با محیط دانشگاه، جلوه‌ای از وقار دانشگاهی، احترام به شأن علمی و رعایت حرمت فضای مشترک آموزش، پژوهش و گفت‌وگوی علمی محسوب می‌شود.

سعید کرمی، معاون فرهنگی و سیاسی نهاد نمایندگی رهبر جمهوری اسلامی در دانشگاه‌ها، پیشتر مدعی شده بود این آیین‌نامه در جلسات مشترک با مسئولان آموزش عالی در وزارتخانه‌های علوم و بهداشت تدوین شده است.

برخی تحلیلگران معتقدند تأکید بر حجاب اجباری در حالی که زنان از مدت‌ها پیش قوانین حجاب را رعایت نمی‌کنند، در اصل ابزاری برای کنترل و سلطه بر مردم در فضای عمومی است؛ ابزاری که در بزنگاه‌هایی چون از سر گرفته شدن اعتراضات سراسری می‌تواند سرکوب شهروندان و بستن فضای جامعه را فراهم کند.

به نظر می‌رسد دستورالعمل مرتبط با پوشش نیز امکان استقرار مأموران برای کنترل پوشش دانشجویان را در فضای دانشگاه فراهم می‌کند تا حکومت بر فضای دانشگاه برای جلوگیری از اعتراضات احتمالی دانشجویان مسلط شود.

بخش‌های دیگر حکومت از جمله در قوه قضاییه نیز طی ماه‌های گذشته بر ضرورت رعایت حجاب تحمیلی و عدم استفاده از پوشش اختیاری تأکید کرده‌اند.

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، ششم مهرماه جاری، در جلسه‌ای بطور رسمی از دادستان کل کشور خواست مقابله با حجاب اختیاری زنان را «در دستور کار شورای امنیت قرار» دهد. رئیس قوه قضاییه در این جلسه به مقام‌های قضایی زیردست خود تأکید کرد که در حال حاضر «آن چه ضروری است جمع کردن این بساط است».

اژه‌ای استفاده از پوشش اختیاری توسط زنان را «برهنگی» خواند و گفت که برخورد با «ناهنجاری‌های اجتماعی» و «ولنگاری و برهنگی» ضروری است و باید با قاطعیت و در چارچوب قانونی با این موارد برخورد شود.

علی کاظمی، سخنگوی قوه قضاییه، نیز هفته گذشته درباره اقدامات سازمانیافته قوه قضاییه در حوزه حجاب گفته: «موضوع بی‌حجابی به موجب قانون مجازات اسلامی جرم است و در صورت مشاهده جرم مشهود، ضابطان مکلف هستند طبق قانون فرد را به مرجع قضایی هدایت کنند.»

علی کاظمی افزوده: «رئیس قوه قضاییه در جلسه شورای عالی قوه قضاییه در این خصوص دستوری به دادستان کل کشور صادر کرد تا این موضوع از طریق دادستانی‌های سراسر کشور پیگیری شود. دادستان کل کشور نیز در مکاتبه‌ای با برخی دستگاه‌های مرتبط، از جمله وزارت کشور، خواستار اجرای تکالیف و وظایف این دستگاه‌ها در خصوص امر حجاب شده است.»

سخنگوی قوه قضاییه گفت: «برخی واحدهایی که از دولت مجوز دریافت کرده و خدمات عمومی ارائه می‌کنند نیز مکلف هستند در محدوده تحت مدیریت خود، موازین و قوانین را رعایت کنند و از دستگاه‌های ناظر بر این واحدها نیز خواسته شده است نظارت‌های لازم را انجام دهند.»

او تأکید کرد: «قوه قضاییه ضمن تأکید بر ضرورت انجام کار فرهنگی در این حوزه، در خصوص هنجارشکنی و اقدامات سازمان‌یافته در این زمینه اقدامات خاصی را آغاز کرده و نتایج این اقدامات در آینده به اطلاع مردم خواهد رسید.»

هفته گذشته نیز محمد موحدی‌آزاد، دادستان کل کشور، از طرحی برای نظارت بر حجاب وکلای زن خبر داد و گفت «مسلمان باید به احکام اسلامی ملتزم باشد. این‌گونه نباشد که وقتی خانم وکیل می‌خواهد وارد دادسرا یا دادگاه شود، روسری خود را سر کند و پس از خروج دوباره آن را بردارد.»

او افزود «به همکاران در تمام واحدهای قضایی گفته شده که بر این موضوع نظارت کنند و شئون اسلامی باید رعایت شود. این خواسته شهداست و در وصیت‌نامه‌های آنان بر اجرای احکام اسلامی تأکید شده است.»

محمد موحدی آزاد تأکید کرد که در صورت مشاهده تخلف و عدم رعایت حجاب، «رسیدگی انتظامی به پرونده وکلا و سلب صلاحیت آنان» در دستور کار قرار خواهد گرفت.

هشدار درباره «فروپاشی بوروکراتیک» و ماندگاری خانوارهای ایران در «تله فقر»



بانک جهانی در گزارش تازه خود به نام «چشم‌انداز کلان فقر» پیش‌بینی کرده که با افزایش نرخ فقر در ایران به رقم ۳۸/۴ درصد و تورم ۷۴/۲ درصدی برای سال جاری، بیش از ۲/۶ میلیون ایرانی دیگر سال آینده به زیر خط فقر سقوط خواهند کرد.

عباس کاظمی، جامعه‌شناس، با اشاره به کاهش شدید قدرت خرید حقوق‌بگیران گفته، جامعه ایران در آستانه نوعی «فروپاشی بوروکراتیک» قرار گرفته است؛ وضعیتی که در آن ارزش دستمزدها چنان کاهش می‌یابد که کارکردن برای بسیاری از کارکنان دولت و بخش خدمات بی‌معنا می‌شود.

داوود سوری، اقتصاددان: «تله فقر» به زبانی ساده یعنی اگر خانواری به هر دلیلی درون این تله سقوط کند و دچار فقر شود، ماندگار شدن در آن بسیار محتمل است. خروج از این مرداب بسیار دشوار خواهد بود و خانوار برای بیرون کشیدن خود از آن، نیازمند کمک‌های موثر و هدفمند بیرونی است.

دولت پزشکیان با وجود وعده‌های گسترده انتخاباتی، نتوانسته از معیشت مردم- حتی در شرایط جنگ و تحریم- حمایت کند. مهمترین طرح حمایتی دولت که ارائه کالابرگ یا همان کوپن بوده عملا شکست خورده است.

در حالی که تورم به مرز ۹۰ درصد رسیده و هزینه‌های ضروری خانوار با افزایشی بیش از نرخ تورم عمومی اقتصاد روبرو شده، کارشناسان نسبت به ماندگاری طولانی‌مدت خانوارها در «تله فقر» و همچنین «فروپاشی بوروکراتیک» به دلیل از دست رفتن ارزش واقعی درآمدها و به صرفه نبود اشتغال هشدار می‌دهند.

بانک جهانی در گزارش تازه خود به نام «چشم‌انداز کلان فقر» پیش‌بینی کرده که با افزایش نرخ فقر در ایران به رقم ۳۸/۴ درصد و تورم ۷۴/۲ درصدی برای سال جاری، بیش از ۲/۶ میلیون ایرانی دیگر سال آینده به زیر خط فقر سقوط خواهند کرد. این برآورد بر اساس آمارهای رسمی جمهوری اسلامی جمهوری اسلامی صورت گرفته و در حالی که کارشناسان آمار تورم را بیش از رقم اعلامی دولت ارزیابی می‌کنند، پیش‌بینی می‌شود تعداد بیشتری به جمعیت زیر فقر ایران افزوده شود.

بانک جهانی با اشاره به روند تصاعدی فقیر شدن مردم ایران در سال‌های اخیر تأکید کرده که نرخ فقر در سال مالی ۱۴۰۲ معادل ۳۶ درصد، در سال ۱۴۰۳ برابر با ۳۵/۱ درصد، در سال ۱۴۰۴ برابر با ۳۵/۵ درصد، و برای سال ۱۴۰۵ رقم ۳۸/۴ درصد بوده است؛ و گفت این افزایش در حالی رخ می‌دهد که درآمد سرانه واقعی مردم در سال ۱۴۰۴ در سطح حدود ۱۵ سال پیش باقیمانده است.

طبق برآورد بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی واقعی ایران در سال مالی ۱۴۰۵ با انقباض ۷/۷ درصدی روبرو خواهد شد، در حالی که رشد اقتصادی سال ۱۴۰۴ نیز منفی ۹ دهم درصد برآورد شده است. تورم متوسط سالانه هم از ۴۹/۱ درصد در سال گذشته به ۷۴/۲ درصد در سال جاری افزایش می‌یابد، و کسری بودجه دولت از ۳/۲ درصد به ۵/۸ درصد تولید ناخالص داخلی می‌رسد.

این ارقام به معنای افزایش رکود تورمی، افزایش بیکاری و فقر و فلاکت در کشور است. در این میان حتی اکثر جمعیت شاغل در ایران نیز از درآمدهای خود ناراضی هستند و معتقدند رقم دستمزد آنها هزینه‌های ضروری زندگی را نیز پوشش نمی‌دهد.

اگرچه هر سال رقمی به دستمزدها افزوده می‌شود اما تورم فزاینده و سقوط ارزش پول ملی، در عمل ارزش واقعی درآمدها و قدرت خرید حقوق‌بگیران را کاهش می‌دهد. در نتیجه یک حقوق‌بگیر هر سال سبد محدودتری ار کالا را با درآمد ماهانه خود خریداری می‌کند.

این موضوع با هشدار عباس کاظمی، جامعه‌شناس، روبرو شده است. عباس کاظمی با اشاره به کاهش شدید قدرت خرید حقوق‌بگیران گفته است که جامعه ایران در آستانه نوعی «فروپاشی بوروکراتیک» قرار گرفته است؛ وضعیتی که در آن ارزش دستمزدها چنان کاهش می‌یابد که کارکردن برای بسیاری از کارکنان دولت و بخش خدمات بی‌معنا می‌شود.

این جامعه‌شناس به حقوق پایین معلمان، پرستاران و کارمندان اشاره کرده و هشدار داده که ادامه کاهش ارزش پول می‌تواند به جایی برسد که حتی هزینه رفت و آمد به محل کار با درآمد افراد برابری کند و کارمندان توانایی پرداخت هزینه رفت و آمد به سر کار را نیز نداشته باشند.

عباس کاظمی همچنین معتقد است کوچک‌تر شدن سفره خانوارها، ناتوانی در پرداخت هزینه درمان، تعمیر اتومبیل و تأمین مسکن، و دیگر فشارهای معیشتی می‌توانند شکاف میان گروه‌های برخوردار و محروم را عمیق‌تر کنند.

این جامعه‌شناس با اشاره به خطر تشدید بحران

در صورت وقوع جنگ یا قطع اینترنت، گفته که تنها امید باقیمانده این است که «در دوردست، روزنه کوچکی از روشنایی باشد» تا جامعه بتواند همچنان سرپا بماند.

توصیف عباس کاظمی از وضعیت بحرانی معیشت شهروندان در ایران و پیامدهای آن در حالیست که کارشناسان به سیاست‌های حمایتی دولت در این شرایط نیز انتقاد دارند. دولت پزشکیان با وجود وعده‌های گسترده انتخاباتی، نتوانسته از معیشت مردم- حتی در شرایط جنگ و تحریم- حمایت کند. مهمترین طرح حمایتی دولت که ارائه کالابرگ یا همان کوپن بوده عملا شکست خورده است.

در همین رابطه داوود سوری، اقتصاددان و تحلیلگر، گفته: «مشکل اصلی سیاست‌های حمایتی ما این است که به تکرار طرح‌هایی رو آورده‌ایم که پیشتر در این اقتصاد اجرا شده و نتیجه مطلوب و پایداری نداشته‌اند. سال‌هاست سیاست‌هایی مانند یارانه و کالابرگ اجرا می‌شود، اما مسئله اصلی و حلقه مفقوده در تمام این سال‌ها، پاسخ به این پرسش کلیدی است: منابع مالی این سیاست‌ها قرار است از کجا تامین شود؟»

این اقتصاددان افزوده: «هیچ دولتی در دنیا نمی‌تواند برای همیشه بدون خلق ثروت، به مردم پول بدهد. ما نمی‌توانیم اقتصاد یک کشور ۸۰میلیونی را صرفاً با سیاست‌های یارانه‌ای، صدقه‌ای و حمایتی اداره کنیم. تداوم چنین رویکردی که در آن تولید نادیده گرفته شده و فقط بر توزیع منابع نداشته تمرکز می‌شود، درنهایت اقتصاد ما را به الگوهای شکست‌خورده نزدیک می‌کند.»

داوود سوری در توضیح شرایط اقتصاد ایران گفته: «در ادبیات اقتصادی، با مفهومی به نام «پویایی فقر» یا فقر دینامیک مواجه هستیم. همچنین معمولاً از پدیده‌ای به نام «تله فقر» صحبت می‌شود. تله فقر به زبانی ساده یعنی اگر خانواری به هر دلیلی درون این تله سقوط کند و دچار فقر شود، ماندگار شدن در آن بسیار محتمل است. خروج از این مرداب بسیار دشوار خواهد بود و خانوار برای بیرون کشیدن خود از آن، نیازمند کمک‌های موثر و هدفمند بیرونی است.»

او افزوده: «پویایی فقر به این معناست که اگر خانواری در حال حاضر این توانایی را ندارد که حداقل‌های لازم و نیازهای اولیه را برای زندگی روزمره خود فراهم کند، ناچار است که دست به حذف بزند. نخستین قربانیان این حذف چه چیزهایی هستند؟ خانوار ناچار است از هزینه‌های آموزش فرزندانش بکاهد. ناچار است از بهداشت و سلامتی فرزندان و حتی خود سرپرست خانوار چشم‌پوشی کند. در نتیجه، کیفیت غذایی که مصرف می‌کنند به‌شدت افت می‌کند و کیفیت خدماتی که دریافت می‌کنند بسیار پایین خواهد بود.»

به گفته داوود سوری، «این محرومیت‌ها طبعاً باعث می‌شود که آن خانواده در آینده، فرزندانی با توانمندی‌ها و مهارت‌های پایین‌تری به جامعه تحویل دهد؛ فرزندانی که «سرمایه انسانی» کمتری دارند، آموزش و مهارت درست ندیده‌اند و از سلامت جسمی و روانی کافی برخوردار نیستند. نتیجه قطعی این فرآیند آن است که این فرزندان در آینده نمی‌توانند افرادی رقابتی و کارآمد در بازار کار باشند. در نتیجه، توانایی کسب درآمد کافی را نخواهند داشت و خود آنها نیز در بزرگسالی به افرادی فقیر تبدیل می‌شوند. سپس این افراد فقیر، خودشان نسل دیگری از فرزندان فقیر را تربیت می‌کنند و این سلسله معیوب متاسفانه ادامه پیدا می‌کند. فقر یک پدیده کاملاً پویاست و نمی‌توان آن را صرفاً به مقطع کوتاهی از زندگی محدود دانست.»

وزارت خزانه‌داری آمریکا ۵ فرد، ۴ نهاد و ۹ شناور مرتبط با جمهوری اسلامی را تحریم کرد



وزارت خزانه‌داری آمریکا

در بیانیه دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا آمده است که در چارچوب عملیات «طرد اقتصادی»، شرکت حقوقی کارناکیس اند کارناکیس (Karnakis and Karnakis) مستقر در پاناما و یونان تحریم شدند این شرکت حقوقی طی سال‌های گذشته از فعالیت‌های غیرقانونی کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران حمایت کرده و بطور غیرمستقیم به توانایی تهران برای کسب درآمد و تأمین مالی برنامه‌های نظامی، تسلیحاتی و هسته‌ای خود کمک کرده است.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا، خطاب به شرکای جمهوری اسلامی گفت: «چه در حال انجام انتقال‌های غیرقانونی نفت در دریا باشید و چه در دفتر کار خود در یک شرکت حقوقی نشسته باشید، اگر از رژیم ایران حمایت کنید، شما را پیدا کرده و تحریم خواهیم کرد.»

وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای مستقل اعلام کرد: «این شرکت طی سال‌های گذشته با تأسیس شرکت‌های صوری، هویت مالکان واقعی کشتی‌های حامل نفت، محصولات پتروشیمی و فولاد ایران را پنهان کرده است. این شرکت حقوقی، شرکت‌هایی را ایجاد کرده که به عنوان پوشش برای شبکه‌هایی فعالیت می‌کردند که میلیون‌ها بشکه نفت ایران را به فروش می‌رساندند و از این طریق به نفع نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حوثی‌ها عمل می‌کردند.»

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) چهارشنبه ۲۹ مهرماه ۱۴۰۵ در بیانیه‌ای تحریم ۵ فرد، ۴ نهاد و ۹ شناور را اعلام کرد.

در این بیانیه آمده، در چارچوب عملیات «طرد اقتصادی» شرکت حقوقی کارناکیس اند کارناکیس (Karnakis and Karnakis) مستقر در پاناما و یونان تحریم شدند. این شرکت حقوقی طی سال‌های گذشته از فعالیت‌های غیرقانونی کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران حمایت کرده و بطور غیرمستقیم به توانایی تهران برای کسب درآمد و تأمین مالی برنامه‌های نظامی، تسلیحاتی و هسته‌ای خود کمک کرده است.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا خطاب به شرکای جمهوری اسلامی گفت: «چه در حال انجام انتقال‌های غیرقانونی نفت در دریا باشید و چه در دفتر کار خود در یک شرکت حقوقی نشسته باشید، اگر از رژیم ایران حمایت کنید، شما را پیدا کرده و تحریم خواهیم کرد.»

او افزود: «تسهیل‌کنندگان فعالیت‌های [رژیم] ایران باید انتخاب کنند: یا با ما هستید یا علیه ما. ما می‌دانیم شما چه کسانی هستید، می‌دانیم چه می‌کنید و به اقدامات خود ادامه خواهیم داد.»

وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای مستقل اعلام کرد: «این شرکت طی سال‌های گذشته با تأسیس شرکت‌های صوری، هویت مالکان واقعی کشتی‌های حامل نفت، محصولات پتروشیمی و فولاد ایران را پنهان کرده است. این شرکت حقوقی، شرکت‌هایی را ایجاد کرده که به عنوان پوشش برای شبکه‌هایی فعالیت می‌کردند که میلیون‌ها بشکه نفت ایران را به فروش می‌رساندند و از این طریق به نفع نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حوثی‌ها عمل می‌کردند.»

وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین عوامل کشتیرانی مستقر در سنگاپور و امارات متحده عربی را که مستقیماً به فعالیت‌های ناوگان سایه‌ی جمهوری اسلامی کمک می‌کنند، تحریم کرد. در این بیانیه تأکید شده: «این اقدامات نه‌تنها تسهیل‌کنندگان حقوقی و دریایی را هدف قرار می‌دهد که شبکه‌های دور زدن تحریم‌های [رژیم] ایران را سرپا نگه می‌دارند، بلکه ناوگانی از کشتی‌های باری را نیز شامل می‌شود که به ایجاد درآمد قابل توجه برای رژیم ایران کمک کرده‌اند.»

انتزاع؛ گفت‌وگویی میان شرق و غرب


آثار یاری استوانی


آثار فرانک برتران


اثر فرانک برتران


آثار یاری استوانی

یاری استوانی، هنرمند نقاش ایرانی، به همراه فرانک برتران، نقاش فرانسوی، نمایشگاهی دو نفره از آثار خود در پاریس برگزار کردند. این نمایشگاه هنر انتزاعی را به زبانی برای ایجاد ارتباط و رویارویی میان جهان شرق و غرب تبدیل می‌کنند.

آثار یاری استوانی بیشتر الهام گرفته از شعر، تصوف و عرفان ایرانی است و در سبک از اکسپرسیونیسم انتزاعی (مکتب آمریکایی) تأثیر گرفته است.

فرانک برتران هنرمند فرانسوی متولد شامالیِر در فرانسه است. او در مورد آثارش می‌گوید: «نقاشی‌های من هر بار ماجراجویی تازه‌ای است، خودم را به دست رنگ‌ها می‌سپارم، به تعامل میان ماده و نور، در حالتی مراقبه‌گونه... و هر بار متفاوت از قبل از نو آغاز می‌شود.»

کتایون حلاجان – یاری استوانی، هنرمند نقاش ایرانی، به همراه فرانک برتران، نقاش فرانسوی، نمایشگاهی دو نفره از آثار خود در پاریس برگزار کردند. این نمایشگاه هنر انتزاعی را به زبانی برای ایجاد ارتباط و رویارویی میان جهان شرق و غرب تبدیل می‌کنند. این دو هنرمند با وجود تفاوت‌ها در کنار یکدیگر به ما یادآوری می‌کنند؛ چگونه نور، رنگ‌ها و جهان هنر می‌تواند بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی و فرهنگی امکانی برای ارتباط و پیوند میان انسان ها ایجاد کند.

یاری استوانی در تهران متولد شد. پدرش اهل هنر بود و با شاعران و اهالی موسیقی معاشرت داشت. یاری استوانی در نوجوانی علاقمند به نقاشی بود و یادگیری آن را از همان سال های آغاز کرد. او در سن ۱۶ سالگی برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. دوران دبیرستان را در ایالت تگزاس به پایان رساند و سپس به شهر رینو در نوادای شمالی رفت و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته نقاشی آغاز کرد. در سال ۱۹۹۵ از انستیتو هنری سانفرانسیسکو فوق لیسانس نقاشی گرفت. یاری استوانی هم اکنون ساکن آمریکا است.

آثار او بیشتر الهام گرفته از شعر، تصوف و عرفان ایرانی است و در سبک از اکسپرسیونیسم انتزاعی (مکتب آمریکایی) تأثیر گرفته است.

یاری استوانی نمایشگاه‌های متعددی در آمریکا، لندن، پاریس، برلین، تهران، تورنتو، دهلی نو و دوشنبه برگزار کرده است. آثار او در مجموعه‌های دائمی موزه هنر آمریکایی نیو بریتین (آمریکا)، موزه بانک پاسارگاد (ایران)، قلعه اورکوو (فرانسه) و موزه هنر جان و جرالدین لیلی (رینو، نوادا) نگهداری می‌شوند.

فرانک برتران هنرمند فرانسوی متولد شامالیِر در فرانسه است. او در مورد آثارش می‌گوید: «نقاشی‌های من هر بار ماجراجویی تازه‌ای است، خودم را به دست رنگ‌ها می‌سپارم، به تعامل میان ماده و نور، در حالتی مراقبه‌گونه... و هر بار متفاوت از قبل از نو آغاز می‌شود. سفری در دلِ عدم قطعیت و شگفتی به سوی سرزمینی ناشناخته که در قالب مجموعه‌هایی گوناگون جلوه می‌یابد. مجموعه‌هایی که بیننده را به ورود و کشف جهان خود دعوت می‌کنم.

دیدار و همنشینی این دو هنرمند در گالری Galerie du Génie de la Bastille در پاریس بازتاب‌ها و همصدایی دو جهانی است که به ظاهر متفاوت و دور از یکدیگر به نظر می‌رسند. هدف این نمایشگاه اما پیوند میان شرق و غرب، سکوت، مراقبه و زندگی است.

این نمایشگاه از تاریخ ۱۳ تا ۱۸ ماه اکتبر ۲۰۲۶ در گالری Galerie du Génie de la Bastille برقرار خواهد بود.

گفتگو با یلدا یزدانی؛ صدای زنان ایران، وارثان عصیان


Photos by Ellen Schmauss


یلدا یزدانی، Photo by Christoph Wieland

بی‌شمارند آوازخوانان، نوازندگان و رقصندگانی که پنهانی به آموزش و تعلیم مشغولند تا روزی که «آزادی» ایران را در آغوش بگیرد و روایت یکی از سیاهترین دوران تاریخ ایران را از میان شعرها و آوازهای آنها بشنویم.

یلدا یزدانی، به همراه تیم کیوریتوری فیلارمونیک دویسبورگ، در چارچوب جشنواره موسیقی مارکسلو، در تاریخ ۱۱ اکتبر ۲۰۲۶ موفق به دریافت جایزه اپوس کلاسیک در بخش «موسیقی کلاسیک بدون مرز» شدند.

یلدا یزدانی: در آثار مستندی که از صدای زنان در ایران، افغانستان و کردستان می‌ساختم یک چیز را در آنها مشترک یافتم: فقدان آزادی و پایمال شدن حقوق انسانی.

کتایون حلاجان- در سال ۱۳۵۷ زمانی که انقلاب اسلامی بر سر ایران آوار شد. زنان پیش از همه در صف اول سرکوب و فشار قرار گرفتند. از اجبارِ پوشش و حجاب تا حقوق انسانی نابرابر برای ازدواج، طلاق و گرفتن حضانت فرزندان و... . آواز زنان از ایران حذف شد و مُهر ممنوع بر دهانشان فرو نشست. امروز نزدیک ۵۰ سال از این تاریخ می‌گذرد. زنان ایران هرگز برای گرفتن حقوق خود از پای ننشستند و هیچ‌گاه نگذاشتند صدایشان خاموش شود. بی‌شمارند آوازخوانان، نوازندگان و رقصندگانی که پنهانی به آموزش و تعلیم مشغولند تا روزی که «آزادی» ایران را در آغوش بگیرد و روایت یکی از سیاهترین دوران تاریخ ایران را از میان شعرها و آوازهای آنها بشنویم.

یلدا یزدانی، نوازنده تار، پژوهشگر و فیلمساز ایرانی ساکن برلین است. او در سال ۲۰۲۵ دکترای خود را در رشته موسیقی‌شناسی در آلمان به پایان رساند. پروژه دکترای او «موسیقی زنان در ایرانِ پس از انقلاب» بود. او هم‌اکنون مدرسِ رشته موسیقی در دانشگاه هومبولت در برلین است.

یلدا یزدانی، به همراه تیم کیوریتوری فیلارمونیک دویسبورگ، در چارچوب جشنواره موسیقی مارکسلو، در تاریخ ۱۱ اکتبر ۲۰۲۶ موفق به دریافت جایزه اپوس کلاسیک در بخش «موسیقی کلاسیک بدون مرز» شدند. جایزه اپوس یکی از مهم‌ترین جوایز موسیقی کلاسیک آلمان به شمار می‌رود. جشنواره موسیقی مارکسلو پروژه‌ای میان‌فرهنگی است که با هدف پاسداشتِ تنوع سنت‌های موسیقی و گردهم آوردن فرهنگ ها و دیدگاه‌های گوناگون در آلمان برگزار می‌شود. این جایزه طی مراسمی در سالن کنسرت کنزرتهاوس برلین به این پروژه اهدا شد.

یلدا یزدانی از سال ۲۰۰۹ پژوهش گسترده‌ای درباره موسیقی و آواز زنان در مناطق مختلف ایران انجام داده و مستندهای کوتاهی در این زمینه ساخته است. او همچنین در مقام کیوریتور و مدیر هنری، طی سال‌های گذشته جشنواره‌ها، رویدادها و پروژه‌های موسیقی متعددی را طراحی، مدیریت و برگزار کرده است.«آواز زنان ایرانی برای آزادی» در سپتامبر ۲۰۲۶ با همکاری ارکستر گورزنیش (Gürzenich Orchestra) در فیلارمونی شهر کلن همراه با ۹ آواز خوان زن ایرانی به روی صحنه رفت.

در این برنامه فروغ فضلی، غزال انصاری راد، مهیا حامدی، صنم معروف خانی، هورا میرشکاری، ملیحه مرادی، مینا دریس، آنوشا نظری و ثمین قربانی، به همراه نوازندگان سازهای ایرانی، سارا هستی (کمانچه)، مهرنوش ذوالفقاری (سنتور) و آوین احمدی (عود) به روی صحنه رفتند.

یلدا یزدانی در خصوص پروژه آواز زنان ایرانی می‌گوید: «این پروژه حدود دو سال زمان برد تا به مرحله نهایی برسد من به همراه خانم فرانک رفیعی و لاله کنوک به طور مشترک به روی این پروژه تمرکز داشتیم. تمام قطعاتی که آواز خوانان به روی صحنه بردند، اختصاصا برای این کنسرت توسط ماتیاس کافمن، یوستوس برگر و ماهان میرعرب تنظیم شد. آوازها و شعرهای این زنان از داستان‌های شخصی و جغرافیایی آنها سرچشمه می‌گیرد، و همین نیز آنها را منحصر به فرد کرده است.یلدا یزدانی در ادامه می‌گوید: «در آثار مستندی که از صدای زنان در ایران، افغانستان و کردستان می‌ساختم یک چیز را در آنها مشترک یافتم: فقدان آزادی و پایمال شدن حقوق انسانی. مهم نیست به چه دلیل شما نمی‌توانید بخوانید، دلایل می‌تواند مذهبی، سیاسی و غیره... باشد؛ زمانی که به شما اجازه نمی‌دهند، یعنی حقوق انسانی شما پایمال شده است.

یلدا یزدانی در پاسخ به این پرسش که «شما با چه هدفی طی این سال‌ها روی موسیقی زنان در نواحی مختلف ایران تحقیق و پژوهش کردید و چه تفاوت‌هایی بین نسل پیشین و نسل جوان‌تر دیدید؟» می‌گوید: «هدف من حفظ و جمع‌آوری گنجینه‌ای از شعرها و آوازهای مناطق ایران بود. اغلب کسانی که از نسل‌های گذشته به جای مانده‌اند کهنسال هستند و با رفتن آنها متأسفانه موسیقی و داستان‌های آنها نیز از بین می‌رود. زن‌هایی که موسیقی را آموزش ندیده‌اند و آوازهایشان را خود خلق کرده و یا سینه به سینه به آنها به ارث رسیده است.»

او در ادامه توضیح می‌دهد: «با توجه به سرعت اتفاقات جهان و تغییرات آن لازم است که این گنجینه‌ها مکتوب شوند تا در تاریخ بمانند. به طور مثال، معصومه بهمن بیگی یکی از زنانِ خوانین قشقایی است که خالق قطعه معروف لالایی است که امروز همه جا تکرار می شود و در همه جای ایران خواننده می‌شود. لالایی‌هایی که نمی‌توانیم بگوییم برای کودکان است، که اغلب این خانم‌ها حتی فرزندی نداشتند. خواندن لالایی وسیله‌ای برای ابراز احساسات و حرف‌های درونی‌شان بوده است. مثلا زنان قالیباف در حین کار آواز می‌خوانند، تمام احساسات آنها در رنگ‌هایی که انتخاب می‌کردند نقش دارد و هر قالی قصه‌ای در خود دارد. من از نسلی حرف می‌زنم که قالی را از روی نقشه نمی‌بافتند و نقش قالی، حاصل خلاقیت و خیال‌پردازی ذهن خودشان بود.»

یلدا یزدانی ادامه می‌دهد «من تفاوتی بین نسل گذشته با نسل بعد از انقلاب نمی‌بینم. آنها مانند یک زنجیر محکم به هم متصل هستند. اگر تلاش و بردباری گذشتگان نبود شرایط نسل جوان امروز می‌توانست سختتر از این باشد. تنها تفاوت نسل جدید در این است که با تمام فشارها و سرکوب‌هایی که تحمل می‌کنند، بی‌باک و نترس هستند و برای حق خود می‌جنگند. بسیار هستند خوانندگان و نوازندگانی که دستگیر شده‌اند و بیشتر آنها به دلایل خانوادگی حتی رسانه‌ای نیز نشده‌اند. با وجود منع، کشتار، اعتراض و سرکوب در تمام این سال ها هنرمندان دست از کار بر نداشتند. خوانندگانی داریم که صدای خود را تغییر دادند تا شناخته نشوند، اما کار می‌کنند. آنقدر موسیقی در این چند سال اخیر ضبط شده که من منتظر هستم تا این کارها روزی که ایران آزاد شد منتشر شوند. این صدای یک دوره از تاریخ ایران است. صدای نسلی که حکومت را به زانو در آورده و در برابر آنها هر روز ناتوان‌تر از قبل می‌شوند.»

از ویدیوهای جعلی تا روایت فروپاشی؛ بهره‌برداری اطلاعاتی از اعتراضات فرانسه

پژوهشگران می‌گویند، جمهوری اسلامی و روسیه از اعتراضات فرانسه برای تشدید شکاف‌های اجتماعی و تضعیف اعتماد به نهادهای دموکراتیک بهره‌برداری کرده‌اند؛ با این حال، شواهدی مبنی بر اینکه دولت‌های خارجی آغازکننده این اعتراضات بوده‌اند، ارائه نشده است.

ادعای قطع اینترنت در فرانسه، انتشار تصاویر یک مدرسه در آمریکا به عنوان مدرسه‌ای فرانسوی و بازنشر ویدئوهای قدیمی با عنوان درگیری‌های تازه، از نمونه اطلاعات نادرست منتشرشده در رسانه‌های حکومتی و نزدیک به جمهوری اسلامی است.

این راستی‌آزمایی به معنای انکار آسیب‌های جدی به معترضان نیست.



اعتراضات دانش‌آموزی و ناآرامی‌های اخیر در فرانسه، در کنار ریشه‌های داخلی، به زمینه‌ای برای انتشار اطلاعات نادرست و بهره‌برداری تبلیغاتی بازیگران خارجی تبدیل شده است. گزارش‌های رسانه‌ای و راستی‌آزمایی‌ها از انتشار ویدیوهای قدیمی، تصاویر نامرتبط و ادعاهای نادرست در رسانه‌های حکومتی و نزدیک به جمهوری اسلامی و همچنین فعالیت شبکه‌های روسی حکایت دارند؛ با این حال، شواهد موجود نقش این دولت‌ها را در آغاز کردن اعتراضات اثبات نمی‌کنند.

پژوهشگران می‌گویند، جمهوری اسلامی و روسیه از اعتراضات فرانسه برای تشدید شکاف‌های اجتماعی و تضعیف اعتماد به نهادهای دموکراتیک بهره‌برداری کرده‌اند؛ ولی شواهدی مبنی بر اینکه دولت‌های خارجی آغازکننده این اعتراضات بوده‌اند، ارائه نشده است.

ادعای قطع اینترنت در فرانسه، انتشار تصاویر یک مدرسه در آمریکا به عنوان مدرسه‌ای فرانسوی و بازنشر ویدئوهای قدیمی با عنوان درگیری‌های تازه، از نمونه اطلاعات نادرست منتشرشده در رسانه‌های حکومتی و نزدیک به جمهوری اسلامی است.

در همین ارتباط، وزارت خارجه فرانسه، هفتم اکتبر، سفیر جمهوری اسلامی را در اعتراض به انتشار محتوای گمراه‌کننده در حساب‌های رسمی وزارت خارجه‌ی این حکومت احضار کرد.

روزنامه تایمز به نقل از نشریه فرانسوی «لا لِتر»، گزارش داد که امانوئل ماکرون با انتشار گزارشی رسمی درباره‌ی عملیات اطلاعاتی جمهوری اسلامی مخالفت کرده است؛ ادعایی که در گزارش ارائه‌شده، تأیید رسمی کاخ الیزه را ندارد.

جمهوری اسلامی و روسیه به بهره‌برداری از اعتراضات دانش‌آموزی و ناآرامی‌های اخیر فرانسه برای گسترش اطلاعات نادرست و تشدید تنش‌های اجتماعی متهم شده‌اند. گزارش‌های رسانه‌ای و بررسی‌ها برای راستی‌آزمایی نشان می‌دهند که روایت‌های گمراه‌کننده درباره‌ی برخورد پلیس، ویدیوهای قدیمی و تصاویر نامرتبط، در کنار اخبار واقعی اعتراضات منتشر شده‌اند تا تصویری از فرانسه در آستانه‌ی فروپاشی ارائه کنند.

آدام سیج، خبرنگار روزنامه تایمز در پاریس، در گزارشی به تاریخ ۲۰ اکتبر ۲۰۲۶، به نقل از پژوهشگران نوشت که جمهوری اسلامی و روسیه در پی تشدید و بهره‌برداری از ناآرامی‌ها بوده‌اند. این روزنامه در عین حال تأکید کرد که مدرکی مبنی بر نقش دولت‌های خارجی در آغاز کردن جنبش اعتراضی وجود ندارد. مقامات یا رسانه‌های همسو با دولت‌های متهم نیز اتهام مداخله را رد کرده‌اند.

اعتراضات از سپتامبر و با تجمع دانش‌آموزان دبیرستانی در حومه پاریس آغاز شد. کمبود معلم، ازدحام کلاس‌ها، فرسودگی ساختمان مدارس و نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی، از خواست‌های اصلی معترضان بوده است. انتشار فراخوان‌ها در شبکه‌های اجتماعی به گسترش اعتراضات کمک کرد و سپس گروه‌های دیگری نیز به آن پیوستند.

در ۱۷ اکتبر، بخشی از تجمع‌ها به درگیری، آتش‌سوزی و غارت فروشگاه‌ها کشیده شد. ساختمان شهرداری لیموژ، در مرکز فرانسه، آسیب دید و در پاریس و چند شهر دیگر محدودیت‌های رفت و آمد برقرار شد. این خشونت‌ها زمینه‌ی تازه‌ای برای بهره‌برداری تبلیغاتی از اعتراضاتی فراهم کرد که ریشه در مسائل داخلی فرانسه دارد.

فرانس‌کولتور، رادیو دولتی فرانسه، به نقل از منابع پلیس و اطلاعات داخلی گزارش داد که برخی وبلاگ‌نویسان و چهره‌های پرمخاطب، با حمایت یا تقویت محتوای خود از سوی قدرت‌های خارجی، به تحریک و تشدید ناآرامی‌ها کمک کرده‌اند. در این گزارش، از جمهوری اسلامی، روسیه و الجزایر نام برده شده است.

داوید کولون، استاد مؤسسه مطالعات سیاسی پاریس (سیانس‌پو)، به تایمز گفت که این دولت‌ها در تشدید تنش‌ها نقش داشته‌اند. او نفوذ جمهوری اسلامی در برخی گروه‌های چپ افراطی را یکی از اهرم‌های مؤثر در فعالیت‌های این حکومت دانست.

امانوئل رضوی، روزنامه‌نگار و نویسنده فرانسوی- ایرانی، نیز به تایمز گفت: «سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی جنبش‌های اجتماعی را آغاز نمی‌کنند؛ شیوه‌ی کارشان این است که اگر جنبشی را در خدمت اهداف خود ببینند، در آن مداخله کنند.»

رضوی همچنین از ظن پرداخت پول به شماری از جوانان بیکار برای ایجاد آشوب در پاریس سخن گفت و مدعی شد که مبالغ پرداختی در حد چند صد یورو بوده است. به گفته‌ی او، این افراد تنها اقلیت کوچکی از عوامل خشونت در ۱۷ اکتبر را تشکیل می‌دادند. گزارش تایمز برای این ادعا مدارک مستقلی ارائه نکرده است.

او فعالیت نیروی قدس، شاخه‌ی برون‌مرزی سپاه پاسداران انقلاباسلامی، در شبکه‌های اجتماعی را نیز مطرح کرد و از استفاده از مجموعه‌ای از حساب‌های هماهنگ برای تولید و بازنشر پیام‌ها و جذب افراد پرمخاطب، از جمله در تلگرام، سخن گفت.

در کنار این اتهام‌ها درباره‌ی فعالیت‌های پنهانی، نمونه‌های مشخصی از انتشار اطلاعات نادرست در رسانه‌های حکومتی و نزدیک به جمهوری اسلامی ثبت شده است.

بر اساس گزارش "ایران‌وایر"، یکی از این موارد، ادعای قطع اینترنت فرانسه در پی اعتراضات بود. این خبر ابتدا در یک حساب پرمخاطب در شبکه‌ی ایکس منتشر شد و سپس رسانه‌های حکومتی و محمدامین آقامیری، دبیر شورای عالی فضای مجازی، آن را تکرار کردند. "ایران‌وایر" گزارش داد که ادعای قطع اینترنت صحت نداشت. [۱]

در ششم اکتبر، رسانه‌هایی از جمله "همشهری" و "تسنیم" ویدیویی را با این ادعا منتشر کردند که نیروهای ضدشورش وارد مدارس فرانسه شده‌اند. بررسی "فکت‌نامه" نشان داد که تصاویر مربوط به حضور پلیس در مدرسه‌ای در ایالت فلوریدای آمریکا، در پی انتشار خبر وقوع یک درگیری بوده است.

"تسنیم" و "باشگاه خبرنگاران جوان" همچنین ویدیویی را به عنوان ادامه‌ی درگیری‌های گسترده در فرانسه منتشر کردند که درواقع به اعتراضات سال ۲۰۲۲، پس از حمله به یک مرکز فرهنگی کردها در پاریس، مربوط بود. به گزارش "ایران‌وایر"، این مطلب پس از مشخص شدن زمان واقعی تصاویر حذف شد.

تصاویر آتش‌سوزی در نزدیکی برج ایفل نیز به اعتراضات اخیر نسبت داده شد، در حالی که به درگیری‌های

مرتبط با هواداران تیم فوتبال "پاری سن‌ژرمن" تعلق داشت.

بشیر بی‌آزار، مدیر پیشین دفتر موسیقی و سرود صداوسیمای جمهوری‌اسلامی، از دیگر چهره‌هایی بود که ادعاهای نادرستی درباره‌ی اعتراضات فرانسه مطرح کرد. او در گفتگو با "ایسنا" خبرگزاری دانشجو، مدعی شد که دانش‌آموزانی بر اثر برخورد پلیس جان باخته یا به کما رفته‌اند و شمار زیادی نیز بینایی خود را از دست داده‌اند.

"فکت‌نامه" در بررسی منتشرشده‌ی ۱۴ اکتبر، اعلام کرد که تا زمان تهیه‌ی این گزارش، هیچ خبر معتبر و موثقی درباره‌ی مرگ یا به کما رفتن دانش‌آموزان در این اعتراضات وجود نداشته است. این رسانه مجموعه‌ی ادعاهای او را «شاخدار» نامید؛ عنوانی که برای ادعاهای آشکارا خلاف واقع به کار می‌برد. [۲]

این راستی‌آزمایی به معنای انکار آسیب‌های جدی به معترضان نیست. "ایران‌وایر" در گزارش ۲۰ اکتبر خود از نابینایی یک چشم دو نوجوان، قطع دست دو نوجوان دیگر و آسیب شدید به فک و دندان یک نوجوان ۱۴ ساله خبر داد. گزارش‌هایی نیز درباره‌ی آغاز تحقیقات رسمی در مورد خشونت پلیس منتشر شده است. این موارد، با وجود شدت و پیامدهای ماندگارشان، ادعاهای مطرح‌شده درباره‌ی مرگ، کما یا نابینایی گسترده‌ی دانش‌آموزان را تأیید نمی‌کنند.

بشیر بی‌آزار همچنین مدعی شده بود که مسلمانان ۳۶ درصد جمعیت فرانسه را تشکیل می‌دهند. اما بر اساس پژوهش مؤسسه‌ی ملی آمار و مطالعات اقتصادی فرانسه (اینسه)، در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ حدود ۱۰ درصد افراد ۱۸ تا ۵۹ ساله ساکن بخش اروپایی فرانسه خود را مسلمان معرفی کرده‌اند. این رقم مربوط به جامعه‌ی آماری مشخصی است و نباید بدون توضیح به کل جمعیت کشور تعمیم داده شود. [۳]

کارزار رسانه‌ای جمهوری اسلامی با موضع‌گیری‌های رسمی دیپلماتیک نیز همراه بوده است. وزارت خارجه این حکومت، ششم اکتبر، سفیر فرانسه در تهران را احضار کرد و دولت فرانسه را به برخورد خشونت‌آمیز با معترضان و نقض حقوق بشر متهم ساخت.

یک روز بعد، وزارت خارجه فرانسه سفیر جمهوری اسلامی را فراخواند. به گزارش رویترز، پاسکال کنفاورو، سخنگوی این وزارتخانه، انتشار محتوای نادرست در حساب‌های رسمی وزارت خارجه جمهوری اسلامی را «کاملا غیرقابل قبول» خواند و خواستار توقف این اقدامات شد.

در ارزیابی ۱۸ اکتبر «کمیسیون اطلاعات نادرست»، نهادی فعال در بررسی عملیات اطلاعاتی، آمده است که حساب‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی از ۲۱ سپتامبر تا ۹ اکتبر، ۳۴ مطلب درباره فرانسه منتشر کرده‌اند که مجموعا بیش از ۱٫۳ میلیون بازدید داشته است. از این تعداد، ۲۷ مورد بازنشر بوده و ۱۹ مورد، پیام اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه‌ی جمهوری اسلامی، درباره‌ی «معیارهای دوگانه» فرانسه را تقویت کرده است.

این ارزیابی میان پیام‌رسانی آشکار دولت و عملیات پنهانی تفاوت می‌گذارد: انتشار مواضع رسمی، به خودی خود اثبات‌کننده‌ی عملیات مخفی نیست، هرچند دولت فرانسه بخشی از همین محتوای رسمی را مصداق کارزار اطلاعات نادرست دانسته است.

در مورد روسیه، گزارش این کمیسیون به فعالیت شبکه‌ی «ماتریوشکا» اشاره می‌کند. بر اساس یافته‌های "نیوزگارد" که در این گزارش نقل شده، این شبکه طی دو روز حدود ۲۰ گزارش جعلی با نام و نشان رسانه‌هایی مانند خبرگزاری فرانسه، دویچه وله و لوموند منتشر کرده است. [۴]

البته "نیوزگارد" میزان بازدید این مطالب را پایین ارزیابی کرده و کمیسیون نیز گفته است که هیچیک از آنها در نمونه‌ی بررسی‌شده از نتایج برتر "ایکس" دیده نشده‌اند. این یافته نشان می‌دهد که تعداد بالای مطالب جعلی، لزوما به معنای نفوذ گسترده‌ی آنها نیست.

شبکه‌ی روسی «پراودا» نیز اخبار واقعی، ادعاهای تأییدنشده و تعبیرهای جهت‌دار درباره‌ی اعتراضات را در کنار یکدیگر بازنشر کرده است. این گزارش نسبت به راه یافتن چنین مطالبی به نتایج موتورهای جستجو و پاسخ‌های سامانه‌های هوش مصنوعی هشدار می‌دهد.

کولون در گفتگو با تایمز، تأثیر تلاش‌های روسیه بر جنبش اعتراضی را محدود ارزیابی کرد. او احتمال حضور عوامل روسی در تجمع‌ها را نیز مطرح ساخت، اما صریحا گفت که نمی‌تواند چنین حضوری را تأیید کند.

همزمان، نحوه‌ی برخورد دولت فرانسه با این تهدیدها محل بحث شده است. تایمز به نقل از نشریه فرانسوی «لا لِتر»، گزارش داد که ژان‌نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه، خواهان انتشار گزارشی از دبیرخانه کل دفاع و امنیت ملی درباره «فعالیت‌های اطلاعاتی گمراه‌کننده و حملات سایبری» جمهوری اسلامی بوده، اما ماکرون با آن مخالفت کرده است.

بر اساس این روایت، کاخ الیزه در جریان جنگ در ایران به دنبال حفظ فاصله‌ای متوازن با تهران و واشنگتن بوده است. این ادعا در گزارش تایمز به "لا لِتر" نسبت داده شده و تأیید رسمی الیزه برای آن ارائه نشده است.

*منابع و لینک‌ها:

[۱] ایران‌وایر، گزارش درباره انتشار ادعاهای نادرست در رسانه‌های حکومتی جمهوری اسلامی پیرامون اعتراضات فرانسه:
https://iranwire.com/en/features/159104-iranian-state-media-spreads-false-claims-on-french-unrest/

[۲] فکت‌نامه، بررسی ادعاهای بشیر بی‌آزار درباره‌ی اعتراضات دانش‌آموزی فرانسه، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۶:
https://factnameh.com/fa/fact-checks/2026-10-14-iran-ssn-news-biazar-false-claims-france-students-protest

[۳] مؤسسه‌ی ملی آمار و مطالعات اقتصادی فرانسه، اینسه، داده‌های مربوط به وابستگی مذهبی در فرانسه:
https://www.insee.fr/fr/statistiques/6793308

[۴] «کمیسیون اطلاعات نادرست»، گزارش درباره اعتراضات فرانسه و بهره‌برداری بازیگران خارجی، اکتبر ۲۰۲۶:
https://disinformationcommission.com/investigation/france-riots-home-grown-revolt-foreign-exploitation-october-2026

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

گفتگو با شهلا شفیق درباره دلایل و نقش دولت و گروه‌های مختلف در اعتراضات خشونت‌آمیز فرانسه



اعتراضات و تظاهرات خشونت‌آمیز در شهرهای مختلف فرانسه در هفته‌های اخیر توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. خشونت و تخریب در این اعتراضات، اگرچه در فرانسه سابقه دارد، اما ابعاد تازه پیدا کرده، آنهم در حالی که همزمان خبرها و تصاویر جعلی برای دامن زدن به خشونت و تحریک معترضان و انحراف افکار عمومی از سوی آنانکه از وقوع ناآرامی و خشونت در دموکراسی‌ها سود می‌برند، مانند روسیه و جمهوری اسلامی، نیز منتشر می‌شود.

در همین ارتباط، اختر قاسمی با شهلا شفیق جامعه‌شناس، نویسنده و پژوهشگر مسائل اجتماعی ساکن فرانسه گفتگو کرده است. شهلا شفیق در این گفتگو که سه‌شنبه ۲۰ اکتبر انجام شده، به تشریح دلایل اجتماعی و نقش دولت و گروه‌های مختلف سیاسی و طیف‌های ایدئولوژیک و خرابکار در تبدیل اعتراضات، به عنوان حق بدیهی شهروندان، به تخریب و خشونت و همچنین تجارب سیاسی ایرانیان در این زمینه می‌پردازد.

تقدیر پادشاه بریتانیا از نقش عمان در تنگه هرمز؛ گسترش همکاری‌های اقتصادی و امنیتی لندن و مسقط

پادشاه بریتانیا در ضیافت رسمی به افتخار سلطان عمان، از تلاش‌های این کشور برای باز نگه داشتن تنگه‌ی هرمز و نقش آن بعنوان طرف گفتگوی مورد اعتماد همه‌ی طرف‌ها تقدیر کرد.

سفر سه‌روزه‌ی سلطان هیثم بن طارق به بریتانیا، نخستین سفر دولتی یک سلطان عمان به این کشور در ۴۴ سال گذشته است.

دولت بریتانیا از برنامه‌ی سرمایه‌گذاری تازه‌ای به ارزش بیش از یک میلیارد پوند و افزایش ظرفیت تأمین مالی صادرات این کشور به عمان تا سقف هفت میلیارد پوند خبر داد.



چارلز سوم، پادشاه بریتانیا، در جریان سفر دولتی سلطان هیثم بن طارق، سلطان عمان، از تلاش‌های این کشور برای باز نگه داشتن تنگه‌ی هرمز و کمک به گفتگو میان طرف‌های درگیر در خاورمیانه تقدیر کرد. هم‌زمان، دولت بریتانیا از برنامه‌هایی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی، دفاعی و امنیتی با عمان و سرمایه‌گذاری تازه‌ای به ارزش بیش از یک میلیارد پوند خبر داد.

سلطان عمان از ۲۰ تا ۲۲ اکتبر ۲۰۲۶، به دعوت چارلز سوم و به میزبانی او و ملکه کامیلا در کاخ ویندزور به بریتانیا سفر کرده است. این نخستین سفر دولتی یک سلطان عمان به بریتانیا از سال ۱۹۸۲ است؛ زمانی که ملکه الیزابت دوم میزبان سلطان قابوس بن سعید بود.

پادشاه بریتانیا در ضیافت رسمی شام در کاخ ویندزور، شامگاه ۲۰ اکتبر، عمان را یکی از قدیمی‌ترین متحدان و نزدیک‌ترین دوستان بریتانیا توصیف کرد.

به گزارش تلگراف، چارلز سوم با اشاره به بازگشت دردناک جنگ به منطقه، خطاب به سلطان عمان گفت: «مایلم بویژه در زمانی که جنگ بار دیگر چنین دردناک به منطقه بازگشته است، از تعهد پایدار عمان به ایفای نقش طرف گفتگویی مورد اعتماد برای همه‌ی طرف‌ها قدردانی کنم.»

او افزود: «تلاش‌های ارزشمند عمان برای باز نگه داشتن یکی از مهمترین مسیرهای کشتیرانی جهان، خدمت بزرگی به کل جامعه‌ی بین‌المللی و بویژه آسیب‌پذیرترین کسانی بوده است که از این وضعیت تأثیر پذیرفته‌اند.»

چارلز سوم همچنین گفت: «نقش عمان در سراسر خلیج فارس و، به تعبیر شما، "بی‌طرفی سازنده‌ی" آن، اهمیتی بسیار فراتر از هرمز دارد و شایسته‌ی نهایت احترام ماست.»

پادشاه بریتانیا در بخش‌هایی از سخنانش از عبارت‌های عربی استفاده کرد و با عبارتی شاعرانه به سلطان عمان خوشامد گفت: «خوش آمدی، ای میهمانی که از دیدارت سیر نمی‌شویم.»

او همچنین با اشاره به چالش‌های پیش‌بینی‌ناپذیری که بریتانیا و عمان با آنها روبرو خواهند شد، تأکید کرد که آنان «دوستان مورد اعتماد» هستند.

در ادامه‌ی این سفر، دولت بریتانیا در بیانیه‌ای به تاریخ ۲۱ اکتبر اعلام کرد که اندی برنهام، نخست‌وزیر، قرار است همان روز در دفتر نخست‌وزیری در داونینگ‌استریت میزبان سلطان عمان باشد. بر اساس این بیانیه، قرار است توافقی برای تسریع سرمایه‌گذاری دوجانبه نیز امضا شود.

این توافق بر چارچوب موجود مشارکت سرمایه‌گذاری دولتی دو کشور استوار خواهد بود و حوزه‌هایی چون انرژی‌های تجدیدپذیر، فناوری، مواد معدنی حیاتی، صنایع فضایی، خدمات درمانی و خدمات مالی را دربرمی‌گیرد.

یکی از طرح‌های اصلی اعلام‌شده، ساخت یک مرکز بزرگ داده برای هوش مصنوعی در شهر صلاله، در جنوب عمان، است. شرکت «یامنا» که در بریتانیا تأسیس شده و از حمایت صندوق‌های سرمایه‌گذاری بریتانیایی برخوردار است، قرار است توافق اجرای این پروژه را با عمان امضا کند.

دولت بریتانیا ارزش مرحله‌ی نخست این پروژه را بیش از یک میلیارد پوند برآورد کرده و گفته است که اجرای آن، از طریق صدور دانش تخصصی بریتانیا، بیش از ۱۰۰ شغل با مهارت بالا در این کشور ایجاد خواهد کرد. همچنین انتظار می‌رود این طرح برای سرمایه‌گذاران مورد حمایت صندوق‌های بریتانیایی بازده اقتصادی داشته باشد.

نهاد دولتی تأمین مالی صادرات بریتانیا، «یوکی اکسپورت فایننس»، نیز ظرفیت تأمین مالی خود برای صادرات به عمان را تا سقف هفت میلیارد پوند افزایش خواهد داد. این رقم، ظرفیت حمایت مالی از صادرات است و با سرمایه‌گذاری بیش از یک میلیارد پوندی اعلام‌شده برای پروژه‌ی مرکز داده، تفاوت دارد.برنهام در بیانیه‌ی دولت گفت که دوستی بریتانیا و عمان برای مردم دو کشور منافع ملموسی داشته است. او رشد اقتصادی، امنیت، دفاع و آموزش را از اولویت‌های مشترک دو کشور در جهانی توصیف کرد که پیچیدگی‌های آن رو به افزایش است.

نخست‌وزیر بریتانیا افزود: «با همکاری یکدیگر، ارزش‌هایمان را مبنای عمل قرار می‌دهیم و برای مردم هر دو کشور فرصت ایجاد می‌کنیم.»

امنیت دریایی نیز از محورهای اصلی مذاکرات است. بر اساس بیانیه‌ی دولت بریتانیا، انتظار می‌رود دو کشور یادداشت تفاهمی برای تقویت همکاری‌های دریایی امضا کنند که بر گسترش تبادل اطلاعات و دانش تخصصی با مرکز امنیت دریایی عمان متمرکز خواهد بود.

لندن در این بیانیه، عمان را شریکی حیاتی برای ثبات منطقه و حفظ جریان آزاد تجارت جهانی از تنگه‌ی هرمز توصیف کرده است. وزیران خارجه و دفاع و مقام مسئول تجارت بریتانیا نیز قرار است با همتایان عمانی خود دیدار کنند.

اد میلیبند، وزیر خارجه‌ی بریتانیا، در همین بیانیه گفت که روابط دو کشور نزدیک به چهار قرن قدمت دارد و بر اعتماد و همکاری بنا شده است.او با اشاره به شرایط خاورمیانه افزود: «در این مقطع حساس برای خاورمیانه، همکاری نزدیک ما بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد.» میلیبند همچنین نقش دیپلماتیک عمان در حمایت از گفتگو برای دستیابی به صلح و ثبات منطقه‌ای را ارزشمند دانست و آن را برای اقتصاد و امنیت جهانی ضروری خواند.

همکاری‌های آموزشی و فناوری نیز بخش دیگری از برنامه‌ی این سفر را تشکیل می‌دهد. بریتانیا از بازگشت برنامه‌ی بورسیه‌ی تحصیلی «چونینگ» به عمان خبر داده است. پذیرش درخواست‌ها از اوت ۲۰۲۷ آغاز خواهد شد و به متقاضیان عمانی امکان می‌دهد برای تحصیل در مؤسسات آموزش عالی بریتانیا اقدام کنند.

دو کشور همچنین قرار است درباره‌ی استفاده‌ی مسئولانه از هوش مصنوعی در آموزش، تقویت آموزش زبان انگلیسی و کمک به معلمان برای استفاده‌ی ایمن و مؤثر از این فناوری در کلاس درس، توافق‌هایی امضا کنند.

همکاری میان سازمان فضایی بریتانیا و دولت عمان نیز گسترش خواهد یافت و تبادل تجربه در سیاست‌گذاری فضایی، پژوهش‌های علمی و نوآوری را دربر خواهد گرفت.

دولت بریتانیا این مجموعه‌ی برنامه‌ها را تلاشی برای تبدیل روابط تاریخی دو کشور به همکاری‌هایی متناسب با نیازهای امروز توصیف کرده است؛ همکاری‌هایی که از امنیت مسیرهای دریایی تا سرمایه‌گذاری در فناوری و آموزش نسل‌های آینده امتداد می‌یابد.

منبع: تلگراف

ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

همزمان با اعزام ناو روزولت؛ تلاش میانجی‌ها برای مهار جمهوری اسلامی پیش از اجرای حمله نظامی

بر اساس گزارش «وال‌استریت ژورنال»، تنش‌ها در خاورمیانه بار دیگر به نقطه جوش نزدیک می‌شود. دیپلمات‌های میانجی منطقه با شتاب و از ترس درگیری‌ها با اولویت قرار دادن مذاکرات، در حال فشار برای احیای گفتگوها با رژیم ایران هستند.

این تلاش‌ها در شرایطی انجام می‌شود که ایالات متحده در حال انتقال ناو هواپیمابر دیگری به منطقه است و اسرائیل اعلام کرده که برنامه‌های احتمالی برای حملات جدید را آماده کرده است.



نیروی دریایی ایالات متحده

در حالی که تنش‌ها در منطقه با آتش‌افروزی‌های رژیم ایران و فرو پاشیدن «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» ادامه یافته، تلاش میانجیگران نیز برای مهار جمهوری اسلامی تا کنون به جایی نرسیده است.

مذاکرات میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی در شرایطی همچنان در وضعیت بن‌بست قرار دارد که تحولات اخیر در تنگه هرمز با حمله به کشتی‌های تجاری، بر پیچیدگی بحران در خلیج فارس افزوده است. تنش جاری در منطقه با آتش‌افروزی‌های رژیم ایران باعث فرو پاشیدن توافق‌نامه‌ی ماه ژوئن که با هدف پایان دادن به جنگ از سوی ایالات متحده ارائه شده بود، بیشتر ادامه یافت و پس از گفتگوهای متعدد با حضور میانجیگران، جمهوری اسلامی همچنان به تهدید کشتیرانی بین‌المللی ادامه می‌دهد.

بر اساس گزارش «وال‌استریت ژورنال»، تنش‌ها در خاورمیانه بار دیگر به نقطه جوش نزدیک می‌شود. دیپلمات‌های میانجی منطقه با شتاب و از ترس درگیری‌ها با اولویت قرار دادن مذاکرات، در حال فشار برای احیای گفتگوها با رژیم ایران هستند. این تلاش‌ها در سایه‌ی تحرکات نظامی گسترده‌ی آمریکا و هشدارهای اسرائیل صورت می‌گیرد و هدف اصلی آن جلوگیری از آغاز دوباره‌ی حملات نظامی است.میانجی‌های خاورمیانه در حال حاضر مشغول احیای کانال‌های گفتگو با جمهوری اسلامی هستند. این تلاش‌ها در شرایطی انجام می‌شود که ایالات متحده در حال انتقال ناو هواپیمابر دیگری به منطقه است و اسرائیل اعلام کرده که برنامه‌های احتمالی برای حملات جدید را آماده کرده است.

دو گروه ضربتی ناو هواپیمابر در حال حاضر در خاورمیانه مستقر هستند و سومین ناو (یواس‌اس تئودور روزولت) نیز از اقیانوس آرام در راه است. هنوز مشخص نیست که هر سه ناو بطور همزمان در منطقه باقی بمانند یا نه.

علاوه بر این، آمریکا در حال اعزام ناو تهاجمی آبی- خاکی «یواس‌اس می‌کین آیلند» حامل تفنگداران دریایی است و برخی نیروهای خود را از پایگاه‌های منطقه‌ای خارج کرده تا از آسیب احتمالی در امان بمانند.

این تحرکات نظامی در حالی صورت می‌گیرد که رژیم ایران و شبه‌نظامیان حوثی متحدان آمریکا در خلیج فارس را تهدید کرده‌اند. تروریست‌های حوثی اخیراً حملاتی به عربستان سعودی انجام داده‌اند و وزارت خارجه آمریکا نیز دستور خروج کارکنان غیرضروری دولت آمریکا و خانواده‌هایشان از عربستان را صادر کرده است.

این اقدامات نشان‌دهنده‌ی آمادگی آمریکا برای سناریوهای مختلف است؛ مقامات آشنا با برنامه‌ریزی‌ها می‌گویند که ارتش آمریکا گزینه‌های مختلفی برای حمله به جمهوری اسلامی را آماده کرده است.اینهمه در حالیست که رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرده که ایالات متحده پیش از انتخابات میاندوره‌ای در سوم نوامبر به جمهوری اسلامی ایران حمله نخواهد کرد. ترامپ روز یکشنبه ۱۸ اکتبر طی پیامی در شبکه‌ی اجتماعی «تروث سوشال» تأکید کرد که اگر رژیم ایران به سرعت رفتار خود را تغییر ندهد، آمریکا و اسرائیل «به زودی کار را تمام خواهند کرد». این اظهارات، میانجی‌ها را وادار به شتاب بیشتر کرده است.

در ماه‌های گذشته، تنش‌ها حول تنگه هرمز و اختلال در کشتیرانی نیز بالا گرفته و میانجی‌هایی مانند پاکستان و قطر در تلاش برای باز کردن کانال‌های غیرمستقیم بوده‌اند.

در همین زمینه، وزیر امور خارجه آمریکا، مارکو روبیو، در جریان سفر خود به هند، هسته‌ی اصلی رویکرد دولت ترامپ را جلوگیری از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای عنوان کرد.

روبیو تأکید کرد که ایالات متحده هیچ توافقی را که مسیری برای دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای باز کند، نخواهد پذیرفت و این سیاست تا زمانی که دونالد ترامپ در قدرت است، ادامه خواهد یافت. روبیو همچنین به نقش کشورهای دیگر مانند قطر به عنوان واسطه برای از سر گرفتن مذاکرات اشاره کرد. مذاکراتی که هیچ پیشرفت ملموسی درباره آنها گزارش نشده است.

از سوی دیگر، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی با طرح دوباره‌ی برنامه‌ی «هفت‌روزه»ی بازگشایی تنگه هرمز که پیشتر رئیس جمهور آمریکا آن را رد کرده بود، همچنان بر اجرای آن پافشاری می‌کند.عراقچی می‌گوید، پیش‌شرط اصلی برای ورود به مذاکرات در مورد سایر موضوعات، تعهد آمریکا به اجرای «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» است. این طرح در حالی مطرح می‌شود که مقامات آمریکایی، از جمله وزیر خارجه مارکو روبیو، رویکرد اصلی دولت آمریکا را بستن تمام مسیرهای دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای می‌دانند و حاضر به پذیرش توافقی نیستند که چنین امکانی ایجاد کند.

دیپلمات‌های کشورهای میانجی، از جمله مصر، ترکیه، قطر، عمان و پاکستان، در حال تماس‌های فشرده و اضطراری هستند. گزارش‌ها از تماس‌های وزرای خارجه این کشورها با وزیر خارجه رژیم ایران حکایت دارد، هرچند بر اساس آخرین گزارش‌ها، پیشرفتی تا کنون به دست نیامده است. برخی پیشنهادها شامل آتش‌بس موقت چندروزه برای ایجاد اعتماد و بازگشایی تنگه هرمز مطرح شده، اما رژیم ایران بر شرایط خود تأکید دارد و آمریکا نیز خواهان «تغییرات اساسی» در رفتار تهران است.وضعیت فعلی بسیار شکننده است. از یکسو، آمریکا با اعزام ناو سوم و آماده‌سازی گزینه‌های ضربتی، در حال افزایش و تثبیت توان نظامی خود در منطقه است. از سوی دیگر، دیپلمات‌ها تلاش می‌کنند تا قبل از عبور از نقطه‌ی بی‌بازگشت، گفتگوها را احیاء کنند.

دونالد ترامپ با اعلام عدم حمله پیش از انتخابات میاندوره‌ای، فضایی برای دیپلماسی ایجاد کرده، اما حملات روزانه‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کشتیرانی تجاری در خلیج فارس و همچنین پافشاری رژیم ایران برخواست‌های خود، فضا را محدود نگه داشته است.

اسرائیل نیز با آماده ساختن برنامه‌های حملاتی، فشار بر رژیم ایران را حفظ کرده و ممکن است در صورت احساس تهدید فوری، اقدام کند. در این میان، رژیم ایران با تهدید کشورهای منطقه، تلاش می‌کند به سود خود بازدارندگی ایجاد نماید. کارشناسان منطقه‌ای اما معتقدند که هر حادثه کوچک، مانند حمله به یک کشتی یا پایگاه، می‌تواند زنجیره‌ای از واکنش‌ها را به وجود آورد.آمریکا خواهان محدود کردن برنامه‌ی هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی و کاهش نفوذ منطقه‌ای آن است، در حالی که رژیم ایران بر خواست‌های تکراری شامل لغو تحریم‌ها، آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده و پایان جنگ با حزب‌الله در لبنان همچنان اصرار می‌ورزد.با این حال، تلاش‌های دیپلماتیک میانجی‌ها پس از جنگ چهل روزه تا کنون هیچ نتیجه‌ای نداشته، زیرا اصولا متقاعدکردن جمهوری اسلامی برای رسیدن به توافق با ایالات متحده، خارج از توانایی آنهاست و اصلا محتمل به نظر نمی‌رسد.

تلاطم در بازارهای ایران و جهان با افزایش تنش میان آمریکا و جمهوری اسلامی



● با تشدید تنش میان جمهوری اسلامی و آمریکا بازار ارز ایران در روز پنجشنبه ۳۰ مهرماه ۱۴۰۵ با روند صعودی قیمت‌ها آغاز به کار کرد. قیمت هر دلار آمریکا در نخستین دقایق بازگشایی بازار ۲۷۲ هزار تومان اعلام شد.

● در بازار طلا هم قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار در نخستین ساعت بازگشایی بازار در روز پنجشنبه ۲۷ میلیون و ۱۲۱ هزار تومان اعلام شد. هر سکه کامل طلا نیز ۲۷۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود.

● قیمت هر بشکه نفت برنت در صبح پنجشنبه به وقت آسیا با ۲/۸ درصد افزایش به ۱۱۱ دلار و ۷۰ سنت رسید. قیمت هر بشکه نفت وست تگزاس اینترمیدیت نیز در مرز ۱۰۰ دلار قرار گرفت.

● گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال آغاز دور جدیدی از حملات نظامی بر بازارهای جهانی نیز سایه انداخته است. ریسک پیامدهای جنگ و تشدید اختلال زنجیره تأمین در خاورمیانه و عمیق‌تر شدن بحران سوخت و انرژی در جهان، در تصمیم‌گیری معامله‌گران و سرمایه‌گذاران بازارهای مالی موثر بوده است.

● رویترز گزارش داده، بازارهای سهام آسیا پنجشنبه ۳۰ مهرماه در حالی کاهش یافتند که سرمایه‌گذاران همزمان با گزارش‌های مالی شرکت‌های فناوری، نگرانی‌ها درباره هوش مصنوعی و تنش‌های خلیج فارس را ارزیابی می‌کردند.

گسترش تهدیدهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی سبب افزایش قیمت جهانی نفت، تلاطم در بازارهای سهام و همچنین افزایش قیمت ارز و طلا در بازار ایران شده و بهای هر دلار آمریکا در تهران به ۲۷۲ هزار تومان رسیده است. همزمان با دور جدیدی از تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته این کشور از همه ابزارهای خود برای پاسخگو کردن حکومت ایران استفاده خواهد کرد. دونالد ترامپ نیز گفته مذاکراتی با جمهوری اسلامی در جریان نیست و تأکید کرده به زودی اتفاقی رخ خواهد داد!

با تشدید تنش میان جمهوری اسلامی و آمریکا بازار ارز ایران در روز پنجشنبه ۳۰ مهرماه ۱۴۰۵ با روند صعودی قیمت‌ها آغاز به کار کرد. قیمت هر دلار آمریکا در نخستین دقایق بازگشایی بازار ۲۷۲ هزار تومان اعلام شد.

بازار ارز نیز در آخرین روز مهرماه با هر یورو ۳۰۴ هزار و ۶۰۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۳۶۳ هزار و ۳۲۰ تومان، هر درهم امارات ۷۴ هزار و ۵۵۰ تومان و هر لیر ترکیه ۵۴۷۰ تومان آغاز به کار نمود.

در بازار طلا هم قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار در نخستین ساعت بازگشایی بازار در روز پنجشنبه ۲۷ میلیون و ۱۲۱ هزار تومان اعلام شد. هر سکه کامل طلا نیز ۲۷۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود.

از روز گذشته و در پی افزایش تنش میان جمهوری اسلامی و آمریکا و انتشار خبرهایی مبنی بر احتمال بروز درگیری نظامی قیمت‌ها در دو بازار ارز و طلا روندی صعودی پیدا کرده است.

در بازارهای جهانی نیز گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال آغاز دور جدیدی از حملات نظامی بر بازارهای جهانی نیز سایه انداخته است. ریسک پیامدهای جنگ و تشدید اختلال زنجیره تأمین در خاورمیانه و عمیق‌تر شدن بحران سوخت و انرژی در جهان، در تصمیم‌گیری معامله‌گران و سرمایه‌گذاران بازارهای مالی موثر بوده است.

خبرگزاری رویترز با اشاره به ریزش سهام بازارهای مالی آسیا نوشته بازارهای سهام آسیا پنجشنبه ۳۰ مهرماه، در حالی کاهش یافتند که سرمایه‌گذاران همزمان با گزارش‌های مالی شرکت‌های فناوری، نگرانی‌ها درباره هوش مصنوعی و تنش‌های خلیج فارس را ارزیابی می‌کردند.

در نخستین ساعات بازگشایی بازارهای سهام آسیا در روز پنجشنبه شاخص سهام آسیا و اقیانوسیه بجز ژاپن ۰/۲ درصد، شاخص نیکی ژاپن ۰/۴ درصد و سهام کره جنوبی بیش از یک درصد افت کردند.

قیمت جهانی نفت نیز متأثر از مواضع اخیر دولتمردان آمریکا با افزایش روبرو شده است. قیمت هر بشکه نفت برنت در صبح پنجشنبه به وقت آسیا با ۲/۸ درصد افزایش به ۱۱۱ دلار و ۷۰ سنت رسید. قیمت هر بشکه نفت وست تگزاس اینترمیدیت نیز در مرز ۱۰۰ دلار قرار گرفت.

در گزارش خبرگزاری رویترز تأکید شده معاملات آتی نفت پس از آنکه ایالات متحده به دیپلمات‌های خود دستور داد عربستان را ترک کنند، افزایش یافت.

تامی پیگوت، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، چهارشنبه ۲۱ اکتبر در بیانیه‌ای اعلام کرد که این وزارتخانه دستور خروج کارکنان غیرضروری دولت آمریکا و اعضای خانواده‌های آنها را تنها از عربستان سعودی صادر کرده است. تامی پیگوت افزوده، حملات حوثی‌های تحت حمایت جمهوری اسلامی در عربستان سبب کشته و زخمی شدن غیرنظامیان و اختلالات شدید در سفرها در این کشور شده شده است.

ساعاتی پیش دونالد ترامپ در سخنرانی خود در کارولینای جنوبی گفت ایالات متحده توان غنی‌سازی هسته‌ای جمهوری اسلامی را نابود کرده و تهران را از نظر نظامی، مالی و سایر زمینه‌ها شکست داده است.

او همچنین در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی درباره روند مذاکرات با جمهوری اسلامی با بیان اینکه «در حال مذاکره با [رژیم] ایران نیستیم» گفت: «به هر حال، به یک شکلی اتفاقی خواهد افتاد. این اتفاق نسبتا به زودی رخ خواهد داد.»

روز گذشته نیز نیویورک تایمز به نقل از منابع آگاه گزارش داد، آمریکا و اسرائیل طرح‌هایی برای حملات تازه به جمهوری اسلامی پس از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا آماده کرده‌اند.

دولت ترامپ تشدید فشارهای اقتصادی بر ←

جمهوری اسلامی را نیز ادامه می‌دهد. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا روز گذشته در موج جدیدی از تحریم‌های اقتصادی ۹ فرد و نهاد، و ۹ شناور را تحریم کرد.

همزمان اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، خطاب به تسهیل‌کنندگان فعالیت‌های اقتصادی جمهوری اسلامی گفت: «یا با ما هستید یا علیه ما». وی افزود: «چه در حال انجام انتقال‌های غیرقانونی نفت در دریا باشید و چه در دفتر کار خود در یک شرکت حقوقی نشسته باشید، اگر از رژیم ایران حمایت کنید، شما را شناسایی و تحریم خواهیم کرد.»

با افزایش تهدیدها و فشارهای ایالات متحده، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز آتش‌افروزی در تنگه هرمز را افزایش داده است. نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساعتی پیش با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد چهار شناوری که تحت «تعقیب و رصد» بوده‌اند، هنگام کشتی به کشتی کردن محموله‌های نفتی در میانه شمالی خلیج فارس «هدف قرار گرفتند». این بیانیه افزوده سه کشتی دیگر نیز شامگاه چهارشنبه بر اثر برخورد با مین در غرب تنگه هرمز متوقف شدند.

سطح تنش میان جمهوری اسلامی و آمریکا در حالی افزایش یافته که سفر دو روز پیش عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، که با هدف یافتن راهکاری برای تداوم مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا انجام شد نیز بی‌نتیجه پایان یافت. شبکه الحدث روز گذشته به نقل از منابع دیپلماتیک گزارش داد عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، در سفر به تهران هشدار شدیداللحن آمریکا را به مقامات تهران منتقل کرده است.

اینهمه سبب واکنش بازارهای جهانی شده و تلاطم‌هایی در بازار جهانی نفت و بازارهای مالی ایجاد کرده است. از سوی دیگر اقتصاد ایران که در وضعیتی شکننده بسر می‌برد به شدت متأثر از اخبار سیاسی است. هر گونه خبری درباره از سرگیری دوباره حملات نظامی ایالات متحده قیمت ارز و طلا را افزایش می‌دهد. تلاش‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی برای پایین آوردن قیمت دلار نیز تا کنون بی‌نتیجه بوده است.

در آنسو، کارشناسان اقتصادی معتقدند حتی در صورت عدم بروز حملات نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی در هفته‌های آینده، باز هم مشکلات ساختاری اقتصاد، کسری بودجه دولت و انسداد مسیر تجارت دریایی ایران و افت شدید صادرات نفت به علت تشدید تحریم‌های آمریکا، می‌توانند قیمت دلار را تا پایان سال به بیش از ۳۰۰ هزار تومان افزایش دهند.

در همین رابطه هاتف شاملو، کارشناس و تحلیلگر بازارهای مالی در گفتگو با وبسایت «تجارت‌نیوز» گفت: «اگر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی بیشتر شود و محدودیت‌های تجاری گسترش پیدا کند، حتی در شرایطی که جنگی رخ ندهد، قیمت دلار می‌تواند از محدوده‌های فعلی عبور کند. در این سناریو، تارگت بعدی دلار ۳۰۰ هزار تومان و پس از آن ۳۳۰ هزار تومان خواهد بود.»

این کارشناس بازارهای مالی علت عدم افزایش قیمت دلار در روزهای گذشته را دخالت بانک مرکزی در بازار اعلام کرد و گفت: «مجموعه مداخله‌های بانک مرکزی، محدودیت انتقال پول و بسته شدن بازار تتر در ساعات شبانه باعث شده خریداران با قدرت کمتری وارد بازار شوند.»

هاتف شاملو تأکید کرد: «هرچه تحریم‌ها و فشارها افزایش پیدا کند، احتمال مشاهده اعداد بالاتر برای قیمت دلار در پایان سال بیشتر می‌شود.»

حکم اخراج یک ایرانی محکوم به دور زدن تحریم‌های آمریکا از کانادا صادر شد



امین یوسفی‌جم، افسر سابق پلیس تهران

هیئت مهاجرت و پناهندگی کانادا حکم اخراج یک شهروند ایرانی ساکن تورنتو را صادر کرد. این فرد پیشتر در آمریکا به مشارکت در شبکه قاچاق تجهیزات حساس به ایران و دور زدن تحریم‌های ایالات متحده محکوم شده بود.

به گزارش «گلوبال نیوز»، این فرد امین یوسفی جم افسر سابق پلیس تهران است که از سال ۲۰۱۶ در کانادا زندگی می‌کند و در فعالیت‌های یک شبکه بین‌المللی انتقال غیرقانونی تجهیزات به ایران نقش داشته است.

بر اساس حکم ۳۶ صفحه‌ای هیئت مهاجرت و پناهندگی کانادا، یوسفی جم مسئول هماهنگی حمل و نقل تجهیزات الکترونیک، موتور و دیگر اقلام دارای کاربرد دوگانه غیرنظامی و نظامی بوده است. این تجهیزات می‌توانستند در ساخت تسلیحات، از جمله سلاح‌های کشتار جمعی، مورد استفاده قرار گیرند.

کریستوفر مارسینکیویچ عضو هیئت رسیدگی‌کننده اعلام کرد که نقش یوسفی جم در انتقال کالاهای تحریم‌شده از آمریکا به ایران «مهم و حیاتی» بوده و بدون مشارکت او محموله‌ها به مقصد نمی‌رسیدند.

هیئت مهاجرت و پناهندگی کانادا حکم اخراج یک شهروند ایرانی ساکن تورنتو را صادر کرد.این فرد پیشتر در آمریکا به مشارکت در شبکه قاچاق تجهیزات حساس به ایران و دور زدن تحریم‌های ایالات متحده محکوم شده بود.

به گزارش «گلوبال نیوز» در روز چهارشنبه ۲۱ اکتبر، این شخص امین یوسفی‌جم افسر سابق پلیس تهران است که از سال ۲۰۱۶ در کانادا زندگی می‌کند و در فعالیت‌های یک شبکه بین‌المللی انتقال غیرقانونی تجهیزات به ایران نقش داشته است.

بر اساس حکم ۳۶ صفحه‌ای هیئت مهاجرت و پناهندگی کانادا، یوسفی جم مسئول هماهنگی حمل و نقل تجهیزات الکترونیک، موتور و سایر اقلام دارای کاربرد دوگانه غیرنظامی و نظامی بوده است. این تجهیزات می‌توانستند در ساخت تسلیحات، از جمله سلاح‌های کشتار جمعی، مورد استفاده قرار گیرند.کریستوفر مارسینکیویچ عضو هیئت رسیدگی‌کننده اعلام کرد که نقش یوسفی جم در انتقال کالاهای تحریم‌شده از آمریکا به ایران مهم و حیاتی بوده و بدون مشارکت او محموله‌ها به مقصد نمی‌رسیدند.

یوسفی جم در سال ۲۰۲۱ در تورنتو بازداشت و برای محاکمه به ایالت میشیگان آمریکا مسترد و پس از پذیرش اتهام خود و محکومیت در دادگاه آمریکایی به کانادا بازگردانده شد.

این شبکه به رهبری آرش یوسفی جم (برادر امین) فعالیت کرده و از امارات متحده عربی به عنوان مسیر واسطه برای انتقال تجهیزات تحریم‌شده به ایران استفاده می‌کرد.

مقامات کانادایی همچنین اعلام کردند که یوسفی جم که پیشتر «امین ریگی» نام داشت، پس از بازگشت به کانادا نام خود را به «امین کوهن» تغییر داد، و هنگام درخواست تغییر نام، محکومیت کیفری خود در آمریکا را پنهان کرد.

حکم اخراج او در تیرماه صادر شد، اما جزئیات آن به تازگی منتشر شده است. یوسفی جم به «گلوبال نیوز» گفته که همچنان در کانادا حضور دارد و در حال بررسی گزینه‌های حقوقی خود است.

این پرونده همچنین نشان‌دهنده همکاری قضایی آمریکا و کانادا در پیگیری شبکه‌های تأمین تجهیزات حساس برای جمهوری اسلامی و مقابله با دور زدن تحریم‌های بین‌المللی است.

بر اساس آمار سازمان خدمات مرزی کانادا، تا ماه مهر ۴۰ مقام ارشد جمهوری اسلامی در این کشور شناسایی شده‌اند که تا کنون دو نفر از آنان اخراج شده و هشت نفر داوطلبانه کانادا را ترک کرده‌اند.

دولت کانادا از سال ۲۰۲۲ ورود مقامات ارشد جمهوری اسلامی را به این کشور ممنوع کرده و تحقیقات درباره افراد مرتبط با حکومت ایران را گسترش داده است.


مشاور سیاست خارجی نتانیاهو با تأکید بر نقش ملت ایران:
اسرائیل «بسیار نزدیک» به ایجاد شرایط تغییر رژیم در ایران است


شاهزاده رضا پهلوی مهمان وزیر دفاع بلژیک



اطلاعیه امنیتی مهم دفتر شهبانو فرح پهلوی


پیام شاهزاده رضا پهلوی درباره شرکت در انتخابات میاندوره‌ای ایالات متحده


سپاس شاهزاده رضا پهلوی از وزیر دفاع بلژیک


هشدار درباره «فروپاشی بوروکراتیک» و ماندگاری خانوارهای ایران در «تله فقر»


طرح دوحزبی کنگره آمریکا برای دسترسی ایرانیان به اینترنت آزاد و ماهواره‌ای


پیمان قدیری، معترض دی، ۴۰۴ پس از ۹ ماه کما جان باخت


رکود تورمی، جنگ و قطع اینترنت در ایران بازار مشاغل غیررسمی را گرم کرد


گفتگو با یلدا یزدانی؛
صدای زنان ایران، وارثان عصیان


کاهش هفت هزار دانش‌آموز در پایتخت


افزایش ۴۰ درصدی قیمت قطعات فلزپایه اتومبیل‌های شرکت «سایپا»


شبکه ترور جمهوری اسلامی؛
از خاورمیانه تا اروپا


شناسایی بیش از ۵۶۰۰ بیمار مبتلا به سل در ایران


بیش از ۱۰ هزار فارغ‌التحصیل دانشگاه علوم پزشکی تهران مهاجرت کرده‌اند


قیمت نفت به مرز ۱۱۲ دلار افزایش یافت


نماینده مجلس:
آمریکا و اسرائیل به‌زودی حمله می‌کنند؛
باید مردم را درباره حوادث هسته‌ای آگاه کنیم


احتمال افزایش قیمت دلار تا ۳۳۰ هزار تومان


سقوط سنگین شاخص بورس تهران


۳۰ درصد ایرانیان بالای ۵۰ سال به پوکی استخوان مبتلا هستند


برگزاری نمایشگاه گروهی «حقیقت» در پاریس


قیمت نان در ایران بر اساس وزن تعیین خواهد شد نه تعداد


تشدید بحران معیشتی زیر سایه ناکارآمدی دولت و محاصره اقتصادی


انفجار دو کشتی در تنگه هرمز؛
سپاه پاسداران: بر سر عهدمان با مجتبی خامنه‌ای هستیم!


آلودگی هوا سالانه جان ۵۰ هزار نفر را در ایران می‌گیرد


دونالد ترامپ:
علیه جمهوری اسلامی از سلاح هسته‌ای و نیروی زمینی استفاده نمی‌کنیم



گردهمایی ۷ نوامبر در فرانکفورت



آیا رقص والس جمهوری اسلامی و آمریکا پس از انتخابات آمریکا به پایان می‌رسد؟!
نگاه دیگران


آمریکا درباره احتمال حمله جمهوری اسلامی یا حامیانش به اتباع خود در سراسر جهان هشدار داد


رژیم جمهوری اسلامی و سرنوشت معلق میان دو صندوق رأی در آمریکا و اسرائیل
نگاه دیگران


۳۵۰۰ سالمند مجهول‌الهویه و فاقد سرپرست در ایران


حمایت قاطع ترامپ از نتانیاهو در انتخابات اسرائیل؛
نتانیاهو: «با هم مأموریت را به پایان خواهیم رساند»


افزایش آمار مرگ و مصدومیت کارگران به علت فقدان تجهیزات حفاظتی و ناایمن بودن محیط‌های کار


تداوم تهدید و باج‌خواهی؛
استراتژی جمهوری اسلامی در برابر واشنگتن


کمبود تجهیزات بیمارستانی و دارو؛
شمارش معکوس فروپاشی ساختار درمانی در ایران


چرا عربستان سعودی بجای جنگ، با حوثی‌ها کنار نمی‌آید؟ زیرا...
نگاه دیگران


پشتیبانی «عملیاتی و اطلاعاتی» جمهوری اسلامی از حملات حوثی‌ها علیه عربستان



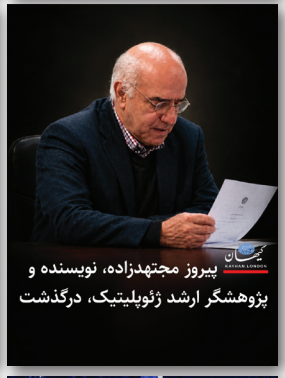
جنگ در خاورمیانه، افزایش صادرات در چین!


کاهش بیش از پیش تولید و عمیق‌تر شدن رکود در بخش صنعت


ورود مصر به جنگ علیه نیابتی‌های رژیم ایران در یمن
نگاه دیگران


قیمت برنج ۱۵ درصد افزایش یافت


تشکیل «کارگروه حجاب» در دانشگاه تهران!


پیروز مجتهدزاده، نویسنده و پژوهشگر ارشد ژئوپلیتیک، درگذشت


مرغ دوباره گران می‌شود؛
زیان تولیدکنندگان با قیمت‌گذاری دستوری


بهای سنگین غرب جهت قتل رؤیاهای «تمدن بزرگ» شاه برای ایران بزرگ


افزایش آمار خشونت خانگی در ایران؛
کشته شدن ۳۸ زن و کودک طی دو ماه!


پرداخت «حقوق نجومی» به بیش از ۱۹هزار مدیر دولت پزشکیان


تأکید نتانیاهو بر «سرنگونی جمهوری اسلامی» در گفتگو با ترامپ


فایننشال‌تایمز:
اسرائیل آماده حمله به ایران بود، ترامپ آن را به بعد از انتخابات موکول کرد


سازمان لیگ فوتبال:
مردان حق حضور در مسابقات زنان را ندارند!
حتی مدیران و خبرنگاران مرد!

KAYHANLIFE
KAYHAN LONDON
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com



عکس هفته | پاریس، اکتبر ۲۰۲۶

فرانسه در اکتبر ۲۰۲۶ با اعتراضات گسترده مردم روبروست. گروه‌های مختلف از دانش‌آموزان تا سندیکاهای کارگری و چپ‌های رادیکال و معترضان «بلک‌بلاک» در این اعتراضات حضور دارند. افزایش تورم و کاهش قدرت خرید، در کنار مشکلاتی که سالهاست در ساختار اقتصادی فرانسه سنگینی می‌کنند ریشه اصلی اعتراضاتی است که با شعار«گرانی» آغاز شد. در این میان جمهوری اسلامی و روسیه متهم هستند که از طریق کارزار رسانه‌ای با انتشار محتوای نادرست و مداخله در روند اعتراضات خیابانی به دنبال گسترش آشوب در فرانسه هستند.